

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



کتابخانه فرهنگ شهردر ۱۳۲۳-۱۳۲۵

مؤلف فرهنگ شهردر

شماره ثبت کتاب

موضوع

۹۵  
۲۸۹

۴۲۵۵۳









وزارت فرهنگ

اداره فرهنگ شهرستان شاهرود

سالنامه  
فرهنگ شهرستان شاهرود

سال تحصیلی ۳۶-۱۳۳۵

از انتشارات

انجمن نشر سالنامه



جناب آقای دکتر مهران وزیر محترم فرهنگ



آقای سید عبدالعالی داودی رئیس محترم فرهنگ  
شهرستان شاهرود





## بسمه تعالی

بک سال پیش در چنین ایامی پس از چهار سال خدمت در فرهنگ شهرستان ساوه در محیطی گرم و شورانگیز و سرشار از عواطف و احساسات با اهالی و فرهنگیان حق شناس و قدردان آن سامان تودیع نموده و برای انجام مأموریت جدید بشاگرد آمدن خوشبختانه از روز اول ورود بخدمت وجوه طبقات اهالی و فرهنگیان عزیز شاه-رود را برای اصلاح و پیشرفت بیشتر فرهنگ آماده و مستعد یافتم لهذا با هر دسته از طبقات مختلف شهر و فرهنگیان مجالسی برای بحث و مشاوره تشکیل دادم و اکنون بسیار خرسندم که در سایه هماهنگی و همکاری مردم و فرهنگیان در مدتی بسیار محدود در مورد ساختمان برای مدارس در شهر و دهها و تأمین کسری اعتبارات و بودجه و تشکیل انجمنهای خانه و مدرسه و تکمیل کادر دبیران دبیرستانها و ترتیب آزمایشگاههای فیزیک و شیمی و کارگاههای حرفه‌ای و توسعه و تأسیس مدارس حرفه‌ای و کشاورزی و کتابخانه و مبارزه با بیسوادی و تشکیل شورای مدیران و آموزگاران و تشکیل کمیسیون انتشارات اقدامات مفید و مؤثر و قابل ذکری بعمل آمده است که بسیار لازم بود نام آن دسته از مردم نیکوکار و فرهنگیان فداکاری که در انجام این امور با فرهنگ شاهرود همکاری و مساعدت فرموده اند در دفتر افتخار و سرافرازان این شهرستان مضبوط گردد. لذا کمیسیون انتشارات در اجرای این منظور بتبیه و تنظیم نشریه‌ای که حاوی مطالب فوق باشد مشغول گردید. و ضمن بررسی بسوابق امر لزوم یادآوری و خدمات پیشینیان بویژه آنانکه در بنیاد گذاری فرهنگ نو در این شهرستان سهم بسزائی دارند احساس گردید و انفعال فرهنگیان از نبودن نوشته کاملی که متضمن وضع تاریخی و جغرافیائی و اقتصادی این شهرستان باشد نیز مزید بر علت گردید و با وجود مشکلات فراوان برای رفع این نقیصه نیز اهتمام بعمل آمد. سپاس خدای بزرگ را که در حل این مشکلات ما را یاری فرموده و با آنکه تهیه این مطالب با وقت کم و محدود و خارج از برنامه سنگین فرهنگ مشکل و طاقت فرسامینمود کمیسیون انتشارات موفق شد مجموعه‌ای را که نمودار این مقاصد باشد بخوانندگان عزیز تقدیم دارد.

امید است نقائص موجود در این نشریه را برای اصلاح انتشارات بعدی سائلنامه فرهنگ بکمیسیون انتشارات اطلاع دهند.

در خاتمه لازم میدانم کلیه اهالی و رؤسای محترم ادارات دولتی و بینگامهای ملی و همکاران عزیز فرهنگی که همواره نسبت به پیشرفت امور فرهنگ بادستگاههای تعلیم و تربیت شهر مساعدت فرموده اند مخصوصاً آقایان اعضاء کمیسیون انتشارات فرهنگ، خاصه از آقای محمدعلی شقیمی که در تنظیم این سائلنامه متحمل زحماتی شده اند صمیمانه تشکر نموده توفیق همه را در پیشرفت فرهنگ کشور از خداوند متعال درخواست نمایم.

خرداد ماه ۱۳۳۶ سید عبدالعالی داودی

## مقدمه

در دیماه سال گذشته کتابخانه فرهنگ شاهرود تصمیم کرد باینکه فهرستی از کتب موجود در کتابخانه را منتشر نماید تا اینکه در ضمن سپاسگزاری و تشویق از اهداء کنندگان کتاب فهرستی نیز از کتب کتابخانه در دسترس مراجعین محترم قرار گیرد روی این اصل مراتب با اداره فرهنگ گزارش داده شد ریاست محترم فرهنگ مقرر فرمودند که خوبست سالنامه ای برای فرهنگ شاهرود تدوین و در ضمن آن فهرست کتب کتابخانه نیز درج شود و کمیسیون انتشارات فرهنگ را نیز مأمور این کار کردند. از آن موقع بپند فعالیت برای جمع آوری مطالب ضروری و لازم شروع گردید و کلیه فرهنگیان را نیز به همکاری دعوت کردیم اگرچه امور آموزشی و تربیتی فرهنگیان مجال آنرا نمیدهد که خارج از برنامه روزانه خود هم بکاری بپردازند ولی از طرفی چون تحقیق در آداب و رسوم و سیر تاریخ و حفظ آثار باستانی هر قوم در صلاح فرهنگیان است لذا همت گماشته شد. که تا حد امکان سالنامه ای تهیه شود که از هر حیث کامل باشد بالاخره با مشقات زیادی بیاری خداوند متعال موفق شدیم که این مجموعه را تقدیم خوانندگان عزیز کنیم.

مطالب این سالنامه شامل سه بخش است. در بخش اول وضع تاریخی و جغرافیایی شاهرود و فداکاریهایی که مردم این شهرستان در پیشرفت مشروطیت ایران نموده اند با انضمام همه ای از آداب و رسوم و عقاید مردم شاهرود مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است.

بخش دوم شامل گزارشهای مؤسسات فرهنگی و فعالیت های آنهاست تا اولا فرهنگ شاهرود چنانکه هست معرفی شود و معلوم گردد که این مؤسسه از بدو تأسیس تا بحال چه پیشرفت هایی نموده است و فعلا معلمین با چه مشکلاتی روبرو هستند و بسا این وصف با چه علاقه و ایمانی بکار خود ادامه میدهند. بخش سوم اختصاص داده شده است با هیئت کتاب و کتابخانه و معرفی فرهنگ دوستانی که با اهداء کتاب به بسط و توسعه این مؤسسه فرهنگی کمک نموده اند.

امید است که این هدیه ناقابل مورد توجه سروران معظم قرار گیرد در خاتمه از خوانندگان محترم استدعا دارد اگر در ضمن مطالعه سالنامه نقائص مشاهده فرمودند مراتب را بکتابخانه فرهنگ اطلاع دهند تا در شماره های آینده رفع نقیصه بعمل آید. ضمناً از آقایان دبیران و فرهنگیان محترمی که در نشر این سالنامه با ما همکاری نموده اند صمیمانه تشکر نموده توفیق همه را در بسط و توسعه فرهنگ کشور از خداوند متعال مسألت مینمائیم.

هیئت تحریریه نشر سالنامه

## بخش اول

اوضاع تاریخی و جغرافیائی شاهرود:

بقلم آقای مهدی مهدوی

مکانم بی لسی :

بقلم آقای محمد باقر جلالی

شاهرود امروز:

بقلم آقای عبدالرحیم فاتح

سهام شاهرود در مشروطه ایران :

بقلم آقای سیده محسن نبوی

وقایع مردم شاهرود :

بقلم آقای دوست زاده

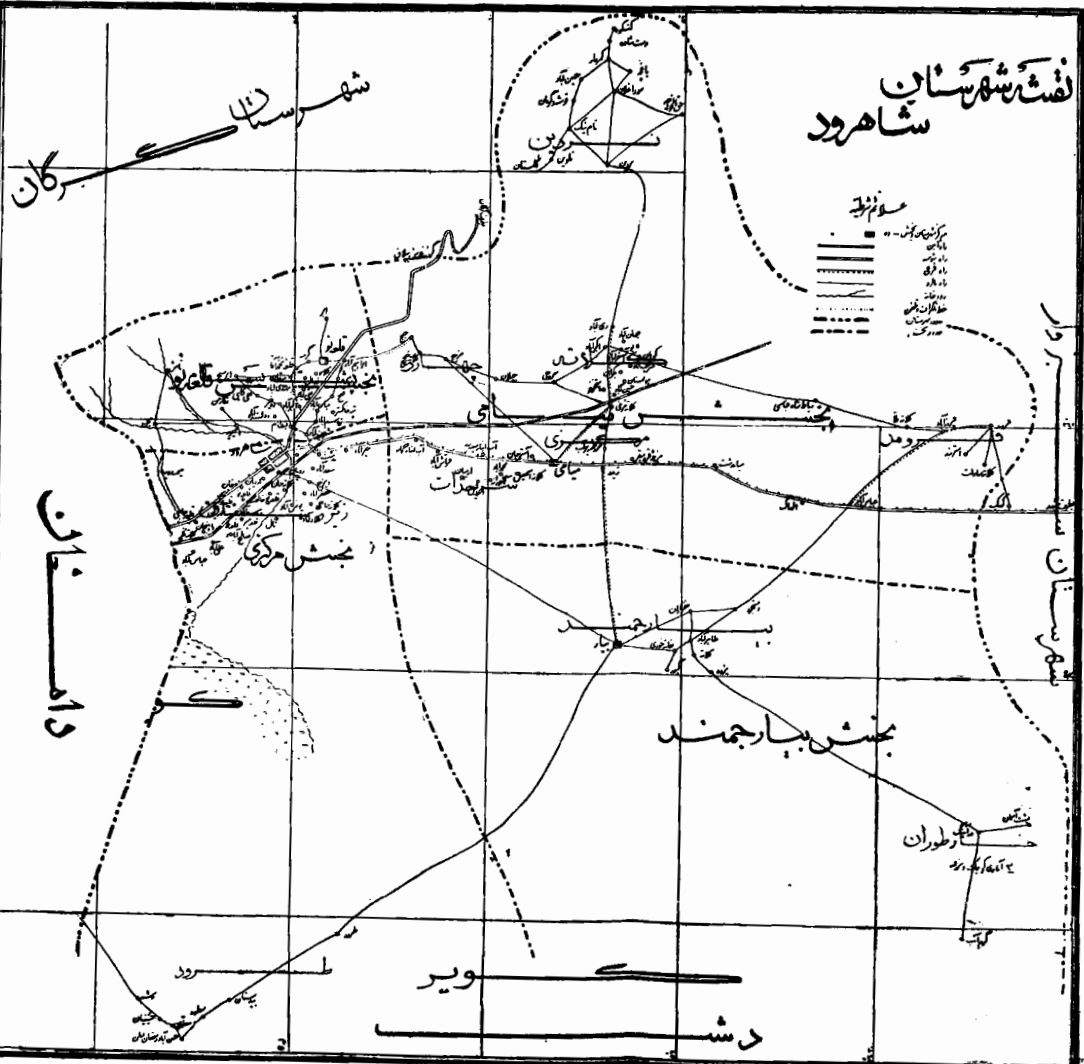
فاصله دهستانها تا شهر :

تهیه کننده آقای لراقی

# نقشه شهرستان شاهرود

موتوری

- مرکزین شهر
- راه آسفالته
- راه خاکی
- راه ریلی
- راه آبی
- راه برق
- خط لوله آب
- خط لوله گاز
- خط لوله نفت
- خط لوله فاضلاب
- خط لوله حرارت
- خط لوله سرد



شهرستان شاهرود

دانشگاه

شهرستان شاهرود

شهرستان شاهرود

## وضع تاریخی و جغرافیائی واجتماعی شاهرود

آقای مهدی مهدوی لیسانسیه دانشکده معقول و منقول  
کتابی در وضع تاریخی و جغرافیائی شاهرود تألیف  
نموده اند که قسمتی از آن برای درج در سالنامه فرهنگ  
انتخاب شده است. امید است بزودی این کتاب چاپ  
شود و مورد استفاده عموم قرار گیرد.



وجه تسمیه شاهرود - وجه تسمیه این شهر بشاهرود  
معلوم نیست از چه نظر و از چه تاریخ است. قدم مسلم این است که  
بتناسب شاهکوه و شاهبار این شهر را نیز شاهرود نامیدند  
مخصوصاً رودخانه‌ای که در فصل بهار از شمال شهر جاری و فاضل  
آب‌های رودخانه‌های «مجن» و «تجر» و «تاش» در سه  
کیلومتری شمال غربی شهر جمع و بصورت رودی در آمده و  
در ازمه قدیم که قنوات زیاد نبود و سطح زمین خیلی پایین  
بود نسبتاً رودخانه‌ای عظیم تشکیل میشد، و بطرف کویر نمک  
«دامغان» و «مهمان‌دوست» میرفته در تسمیه این شهر بشاهرود  
و مؤثر بوده است.

در عصر اسلام حوزه کنونی شاهرود به «قومس» (کوه مس) معروف بوده و  
فولانیز اهالی گرگان مردم این شهر را کشی میگویند و آنچه از تاریخ و جغرافیای عهد  
قدیم استنباط میشود ولایت «قومس» از «دامغان» تا «سبزوار» بوده و شهرهای  
مهم «دامغان» و صد دروازه (مکاتم پیلس) قدیم را شامل بوده است.

مطابق مندرجات تاریخ قدیم و نقشه جغرافیائی، در عهد سلطنت هخامنشیان  
و مقدونیان و اشکانیان و ساسانیان این ولایت بسیار معروف بوده است. و با مختصر دقتی  
بنقشه جغرافیائی مملکت ایران در عهد هخامنشی، و مخصوصاً لشکر کشی اسکندر مقدونی  
بایران و کشته شدن داریا در نزدیکی شاهرود و سپس پایتخت شدن صد دروازه در عهد

اشکانیان (۱) کافی است که بگوئیم این شهرستان در زمان قدیم دارای عظمت و نام و نشان بود و از استانهای مهم ایران بشمار میرفته است و چون بحث در این موضوع از هر جهت لازم است مخصوصاً از نظر اینکه تا اندازه ای معلوم شود

(هکاتم بی لس) شهر صد دروازه در چه قسمت از ولایت قومس بوده مناسب است که بدواً نظری بسوابق تاریخی و جغرافیائی شاهرود نموده، سپس اوضاع عمومی کنونی آنرا تشریح کنیم.

دراوستا اسم شانزده ولایت مذکور است که قوم آریان بآن ولایات مهاجرت کردند.

و آمار مکشوفه در شمال ایران و جنوب سیبری روسیه فعلی میرساند که قوم آریان در آن حدود نیز سکونت داشته اند. و مؤید این نظر کاوشهای علمای باستانشناسی روسیه در تپه باقر و صحرای سیبری میباشد که حتماً سوابق آن در اداره باستانشناسی موجود است و نام آن شانزده مملکت اینست:

- ۱- ایران واج مملکت آریانها ۲- سوغده (سغد) ۳- مورو (مرو) ۴- باخدی (باختر) ۵- نیسایه (محللی در نزدیکی سرخس و برخی بانیشابور تطبیق میکنند) ۶- هرای (هرات) ۷- وای کرت (کابل) ۸- اورو طوس یاغزنه ۹- و هرگان (گرگان) ۱۰- هر هوواتی (در جنوب افغانستان) ۱۱- ای تومننت (وادی هیلند) ۱۲- رگ (ری) ۱۳- شخر یاخچر (شاهرود) ۱۴- ورن صفحه البرز یا خوار ۱۵- هپت هند و پنجاب هند) ۱۶- ولایتی در کنار رودخانه رنگا

ولایت شخر شاهرود فعلی میباشد حتما در حومه این شهر بوده و بعدها در زمان سلطنت اشکانیان پایتخت تابستانی سلاطین اشکانی شهر عظیم هکاتم بیلس بوده که تقریباً هفت فرسنگ از دامغان گذشته وارد صد دروازه میشدند و از صد دروازه راهی

۱- پادشاهان اشکانی مطابق رسم پادشاهان هخامنشی که در فصول مختلف از شوش به پرسپلیس (دروازه فارس) و از آنجا بآبکیان (همدان) و ماد قدیم حرکت مینمودند دربار پارت اشکانی هم در زمستان در بن النهرین و در تابستان گاهی در ماد و گاهی در بارت بسر میبردند پایتخت زمستانی قوم دلاور اشکانی شهر طیسفون بود که ساحل بسیار دجله مقابل شهر سلوکیه (احدائی جانشینان اسکندر) و چند میل فاصله تا بغداد بنا شده بود آکیانان پایتخت وسطی، هکاتم بی لس هم مرکز گران پایتخت تابستانی اشکانیان محسوب میشد. از این عبارت استرابون مورخ شهر قدیم معلوم میشود صد دروازه هم مرکز گران و بین دامغان تا قریه خنج و کلانه خنج شاهرود بوده و جز شهر شاهرود و توابع آن شهری باین کیفیت با تحقیقاتی که قبلاً شده جز حومه فعلی شاهرود نباید باشد. مؤید این مطلب اسامی قراء و نصبات شاهرود از قبیل اردیان (اردوان) رویان منان و میقان و بدشت (ده اشک) و غیره میباشد توضیح آنکه روحانیان در زمان اشکانیان به میچی معروف بودند و میچی علی التحقیق یعنی صوفی است میچی مخفف میقی و میقان و میقان است مأخذ (تاریخ ژنرال بر- رسی سایکس صفحه ۴۹۴ و ۴۹۶)

بطرف پارت خراسان و راهی بطرف گرگان میرفته است که اسکندر مقدونی نیز از همین راه دوم بطرف گرگان رهسپار گشت و چنین شهر عظیمی که در ط-ریق لشکر کشی اسکندر واقع باشد بجز شاهرود و حومه آن مشتمل بر خوریان اردیان (اردوان) و مغان و رویان و بدشت (ده اشک) نخواهد بود زیرا از حومه قراء مزبور گذشته تا میامی که دوازده فرسنگی شاهرود است آثار آبادانی مشهود نیست و علاوه راهی که بطرف گرگان می رود و مسیر اسکندر بوده جز از طریق شاهرود. نردین. سمرقان که سنگان قدیم باشد راه دیگری نبود و فعلا هم نیست.

توجه بنقشه لشکر کشی اسکندر بخراسان و تعقیب داریوش سوم معلوم می دارد که شهر شاهرود و توابع و قراء مجاور آن در قدیم آبادتر بوده و معلوم نیست شهر عظیم صد دروازه بر اثر سیل و زلزله و غیره چطور ویران شده که فعلا آثاری از آن مشهود نیست.

بسیاری از محققین اروپائی تصور کرده اند صد دروازه دامغان یا اقلا حوالی آن بوده و بهمین منظور در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر در تپه حصار دامغان حفاری نمودند و متأسفانه شهر مدفون صد دروازه معلوم نشد و آثار مکشوفه در آن اصلاً مربوط بدوره هخامنشیان و اشکانیان نبوده و نیست و معلوم نیست حفاران فرانسوی روی چه سوابق تاریخی تپه حصار دامغان را همان شهر صد دروازه دانسته اند. در صورتیکه با مختصر و وقتی بلشکر کشی اسکندر خط سیر اردوی مقدونی این معنی را ثابت می دارد که اسکندر از خوار و ورامین داریوش را دنبال کرد و دو روزه خود را بـولایت دامغان رساند.

اما نرسیده بشهر صد دروازه خبردار شد که علیه داریوش کنکاش شده و او را کشته اند و قتل دارا حتماً در قراء زیر استان شاهرود بوده. بعد از قتل دارا بفاصله چند ساعت اسکندر خود را بصد دروازه رسانید و دارا هنوز زنده بود و وصیت هائی با اسکندر کرد و اسکندر از آنجا بسمت گرگان رفت.

با اندکی تأمل معلوم می شود که محل این واقعه در همین شاهرود بوده است چه تنه راه منحصر بفرد گرگان همین راه فعلی شاهرود بگرگان است.

اینک برای روشن شدن موضوع از روی مآخذ تاریخی، طریق حرکت لشکر مقدونی ذکر می شود. تا معلوم گردد که صد دروازه حتماً در حدود قراء زیر استان شاهرود بوده و شامل خوریان. اردیان. مغان. رویان همیشه است.

موقعیکه اسکندر مقدونی در تعقیب داریوش بود و از ری و خوار بسرعت می آمد نرسیده بصد دروازه شنید که داریوش را سرداران باختری (سیستانی) کشته اند البته پس از رسیدن بداریوش و عملیات تاریخی وی از آن محل که داریوش کشته شده بود گذشته و وارد صد دروازه شد و پس از استراحت در تعقیب قاتلین داریوش راه گرگان را پیش گرفت و رفت.

چنانچه صد دروازه بتصور عده‌ای در حدود دامغان یا بین سمنان و دامغان بوده باشد اسکندر نمیتوانست بطرف گرگان برود زیرا چنین راهی که محل عبور باشد از سمنان و دامغان بگرگان وجود خارجی ندارد و تنها شاهرود است که راه قدیم و جدید گرگان از آنجا میگذرد.

سرپرسی سایکس مینویسد: محلی که اسکندر بداریوش رسید بدرستی معلوم نیست ولی افسانه‌های محلی آنرا نزدیک دامغان میدانند که بحقیقت نزدیک است. و بعد مینویسد بدستور اسکندر ارباب‌ها و بارو بنه سنگین بهیرگانافر ستاده شد و آنها از زنجیره جبال البرز از شاهرهای که طولانی‌تر بوده عبور نمودند. حالیه تنها راهی که از میان این کوهها میگذرد راهی است که از شاهرود بگرگان میرود.

ایضاً مینویسد: عموماً تصور میکنند اسکندر از سمت جنوبی البرز گذشته، در شاهرود داخل جاده تهران مشهد شد. ولی صحیح چنین مینماید که بدره حاصلخیز اتر آباد (گرگان) رفته، ازین دره (مقصود جاده گرگان بشاهرود) دوراه خارج میشود یکی دره نوده که بواسطه کوهستان به نردین میگذرد و دیگر به تنگه گرگان و این دوراه هر دو از چمن معروف کالپوش عبور میکنند.

چنانکه در افسانه‌ها مشهور است اسکندر در چمن کالپوش اردوزده استنگاورنده (سرپرسی سایکس) از این راه عبور نموده و شکی از اینک اسکندر از این راه گذشته است برای من باقی نمانده و برای تحقیق این موضوع داور مرتبه با آنجا سفر کردم. بهر حال با این تحقیق مسلم است که مسیر اسکندر از صد دروازه مستقیماً از راه نردین و چمن کالپوش بگرگان بوده است.

در شمال غربی شاهرود رشته کوهستان مهمی است که تمام آن رشته جنوب گرگان را تشکیل میدهد این رشته کوهستانی همان امتداد ارتفاعات کسرانه است که امتداد مستقیم و مسیر خود را از جنوب گرگان ادامه داده تا تنگه رامیان با همان عظمت و ابهت خود امتداد می‌یابد. بطوریکه قلل ابرکوه، شاهکوه، کاملا عظمت و ابهت این کوهستان را ثابت میکند (ارتفاع کوه در کرانه قزلق ۲۸۵۰ متر - دوا بر کوه دوهزار متر است).

عرض این رشته کوهستان مهم و قابل توجه است چه اکثر نقاط بمرض ۸۰ تا ۹۰ کیلومتر میباشد چنانکه برای ساختن جاده نوده کم‌عرض ترین نقاط و کوچکترین عرض این سد کوهستانی را انتخاب کرده‌اند و باز ملاحظه میکنیم مرض این کوهستان در حدود ۶۰ کیلومتر میباشد و این کوهستان یگانه معبر قدیم بین ایران و توران بوده است.

رشته کوهستانی شاهرود که همان کوههای شاهرود میباشد برای آتش‌های قدیم در ادوار مختلف مشکلات فراوانی فراهم کرده است. چنانکه آتش «آنتیاخوس» پادشاه سلوکی در موقع جنگ با اشکانیان در این کوهستان دچار تلفات عظیم شده است. راه این معبر کوهستانی در قدیم از دره نردین بدشت دانیال و چمن کالپوش رفته و از آنجا



بسیرقان «سمنکان قدیم» منتهی میشده و از آنجا یک راه بطرف خراسان (پارت) و یک راه بطرف جرجان قدیم گنبد قابوس فعلی میرفته است. (۱) اما فعلاً جاده از طریق نردین منحرف شده، از شاهرود بچهل دختر و نوده و گنبد میرود.

گذشته از معا بر شوسه بعضی معا بر کوهستانی نیز در این منطقه است که جاده شاهرود گردنه ابر - زرین گل - علی آباد - گنبد قابوس و هم چنین شاهرود تا ش علی آباد و قزلق گرگان و جاده شاهرود بگنبد چه در ادوار قدیم چه در حال حاضر از لحاظ سوق - الجیشی بسیار مهم و پرارزش است و به همین منظور همیشه در قدیم این خط بوسیلهٔ سر بازان ایران محافظت میشده است.

ساختمان این راه مهم که صفحات زرخیز شمالی کشور را با کمال سهولت بفلات داخلی پیوند میکند از آبانماه ۱۳۱۴ آغاز و پس از چهار سال پایان رسیده و طول این راه ۲۹۲ کیلومتر است که نقاط زیر در مسیر آن است: خوش بیلاق، نوده، شاه پسند، گنبد گرگان این راه از هفت کیلو متری شاهرود شروع و از گردنه خوش بیلاق و نقاط کوهستانی عبور میکند. هر چه جاده بطرف گرگان پیش میرود بهمان تناسب بر رطوبت هوا افزوده میشود تا بجایی که یکباره کوهها و درهها مستغرق در جنگلها عظیم میشود. (۲)

علت ترقی شاهرود - محقق است که صد و سی سال قبل شاهرود بصورت دو قلعه قدیمی و یک مزرعه کوچک بنام شبدری بود که متصل بیکدیگر بودند. صد سال بیشتر نیست که این قلعه بصورت یک شهر تقریباً بزرگ در آمده و جانشین شهر قدیم بسطام شده است. این ترقی ظاهراً دو علت داشته: یکی واقع شدن شاهرود در مسیر راه های مشهد، تهران، گرگان، بجنورد یزد و جندق و ولایات مرکزی. دیگر تجارت و مرادده بازرگانی باروسیه که در سرتاسر عصر قاجار و قبل از تشکیل رژیم کمونیستی کشور شوروی متداول و معمول بوده است.

برای اینکه قسمت اول در نظر بهتر روشن شود مقدمهٔ باید باوضاع و احوال ایران در زمان صفویه توجه کرد. اصولاً از ابتدای عصر صفوی سنه ۹۰۵ هجری، زیارت قبر امام هشتم (ع) مورد توجه شیعیان بوده و سلاطین وقت هم از جهت اینکه معتقد بودند وهم از جهت اینکه سیاست آنها در مقابل دولت عثمانی ایجاب میکرد که نسبت به مسأله تشیع و ترویج مظاهر آن توجه بیشتری کنند. در پیشرفت این سیاست همواره سعی بلیغ داشتند کثرت علماء و فضلاء حدیثین و مصنفین بزرگ شیعه در این زمان خود دلیلی روشن است که تا چه اندازه سلاطین صفوی که خود را اولاد حمزه بن موسی بن جعفر ع و اولاد علی علیه السلام میدانستند در پیشرفت مبانی تشیع اهتمام داشتند تا جائیکه برای بسیاری از مشترقین و بلکه مسلمین این اشتباه حاصل شد که تشیع بوسیله دولت صفوی در ایران بنیاد نهاده شده است در صورتیکه این موضوع برخلاف حقیقت است و تشیع در

ایران سوابق قدیمی تری دارد که از عصر خلفای راشدین اسلام شروع ، و بمصر صفویه منتهی میشود ، وهم انقلابات واغتشاشات ایران بر علیه حکومت عرب پایه اش روی مبنائی تشیع بود . حتی سلسله سلاطین ایرانی صفاریه ، آل زیار ، آل بویه ، واگر جلوتر برویم حکومت سادات بنی الحسن وداعی کبیر بر طبرستان و جرجان هم روی احساسات عمومی تشیع و دوستی خاندان علی در ایران بوده است . با اینحال نمیتوان منکر شد که در زمان صفویه دین رسمی مملکت ایران مذهب جمعفری شده است بلکه باید اذعان کرد که سلاطین صفوی در پیشرفت این مذهب در ایران سهم بسزائی داشته اند .

مسافرت پیاده شاه عباس بمشهد و ایجاد ساختمانهای عالی وباشکوه و بعدها توجه نادرشاه افشار بمشهد بطوری مردمرا شائق بزیارت مینمود که هر ساله اذتمام اطراف واکتاف ایران عدهای بطرف مشهد رهسپار میشدند این موضوع باعث آبادی قراء وقعبات بسیاری شد که در بین راه بودند مخصوصاً شاهرود که چهارراه قدیمی گرگان مازندران و خراسان است بهره بیشتری برد .

البته ناامنی طرق وشوارع در عصر قاجار ومهاجمه دائمی ترکمنها در این دوره نیز باعث بود که زوار مدتی در شاهرود توقف نمایند تا باباشتیبانی و همراهی عدهای سرباز که دولت برای حمایت آنها آماده ساخته بود حرکت کنند .

قسمت دوم روابط بازرگانی باروسیه است - قبل از اینکه وسائل حمل ونقل موتوری گردد حمل کلبه کالاها و وارداتی وصادراتی بوسیله شتر یا قاطر واسب انجام میگرفت . معلوم است راههای آنزمان هم متناسب اینگونه حمل ونقل بود . در سرتاسر عصر قاجار مخصوصاً از زمان فتحعلی شاه ایران همواره باروسیه روابط تجاری داشت و اگر گاهی بر اثر جنگهای بین دودولت این موضوع وقفه پیدا میکرد باز ولایات ساحلی که طریق امرار معاش آنها از طریق تجارت بود کم و بیش روابط بازرگانی خود را با روسیه دایر میداشتند . در دوره سکوت واستراحت ایران که عصر ناصری باشد مسئله تجارت روز بروز رونق بیشتری گرفت ورفت و آمد تجار بیاکو و تفلیس و قفقاز وحاجی طرخان وسایر ولایات روسی بهر غرض زیاد شد البته بندر گراز این زمان روبرقی گذاشت و کشتیهای روسی اغلب در این بندر لنگر میانداختند و از طرفی چون راه کرانه گرگان و مازندران بطهران همواره بر اثر بارندگی و گل و لای باطلاقی بود و راه بجنورد و خراسان هم دور بود قهرامطمن ترین و نزدیکترین راهی که بندر گز را بولایات داخلی ومرکزی ایران مربوط میساخت همان راه قدیمی شاهرود بگرگان وبندر گز بود و عموماً کالاها و روسی که آنموقع مشتمل بر قند و شکر نفت و پارچه و بلور آلات وچینی آلات بود از طریق بندر گز بشاهرود حمل و سپس از شاهرود بمقاصد طهران سبزواری مشهد منتقل میکردند . بالنسبه تعدادی کاروانسرای بزرگ برای ایاب و ذهاب قطارهای شتر وقاطر دایر و چند کمپانی روسی هم در شاهرود تاسیس گردید ، و اینموضوع مورد توجه عموم تجار بزرگی و انارکی و کاشانی گردید چنانکه عده زیادی از اهالی شهرها

برای کسب و تجارت بشاهرود رو آورند و دیری نگذشت که چندین بازار بزرگ احداث و این شهر بصورت بندر بزرگی درآمد که عموم اجناس صادراتی ایران از قبیل برنج ، برگه ، دانه های روغنی ، بشم، پنبه و غیره در شاهرود متمرکز و از راه بندر گز بمقصد روسیه صادر میشد و کلیه اجناس دولت عظیم تزاری روسیه هم منحصراً بشاهرود وارد و از شاهرود باطراف و اکناف ایران توزیع میشد و روابط تجاری ایران با روسیه دائر و همواره رو بترقی بود تا بین دولت روس و ژاپون جنگ شروع شد و سپس جنگ بین المللی اول و تغییر رژیم در روسیه شوروی اوضاع را درهم ریخت ، و شهر شاهرود را از رونق انداخت ، همینکه رشته بازرگانی شاهرود و روسیه بریده شد از اهمیت بازرگانی کاروانسراها و تیمچه های تجاری یکی پس از دیگری خراب و تاجار مجبور بمهاجرت شدند این پیش آمدها چنان وضع شاهرود را تغییر داد که در زمان حاضر هم نمیتوان این شهر را شهر بازرگانی دانست .

**اوضاع اجتماعی** - مردم شاهرود شکیباء، قانع و زحمت کش هستند و چون همواره بامردمان مختلف معاشرت داشته اند متصف به صفتهای مہمان نوازی ، حس معاشرت ، ادب و فروتنی میباشد مردم شاهرود در نجابت و اصالت معروفند و کمتر شرارت می کنند . بین مردم دزد کم پیدا میشود و سطح فکر اغلب مردم بر اثر اینکه این شهر محل تردد مسافر از چهار خط اساسی کشور است بالا رفته است . حاضرند بسختی معیشت نمایند اما برای کسب معیشت باین شهر و آن شهر نروند در فرا گرفتن علوم مخصوصاً علوم دینی معروف میباشد تقوی و تمسک مردم این شهر بدین هم شهره است .

مردمان شاهرود همه مسلمانند، دین اسلام از همان ابتداء بوسیله سرداران و لشکریان فاتح اسلام منتشر شد و با اینکه در سنه ۲۲ هجری هنگام خلافت عمر بن خطاب ولایت قومس فتح شده ولی طبرستان گرگان تا مدتہا در مقابل اعراب ایستادگی کردند و قوم عرب را بخود راه ندادند از اینجهت همواره این شهر در زمان فتوحات اولیه اسلام تازوحد مملکت اسلامی شمرده میشد و خلیفه اسلام عده بسیاری از اعراب را در حدود شاهرود اسکان داد که حافظ مرز و مواظب اوضاع گرگان باشند . فعلاً نیز اخلاف همان اعراب در سرتاسر زیر استاق و پشت بسطام و قراء اربعه سکونت دارند (۱) و با اینکه زبان عربی را فراموش کرده اند ولی قومیت عربی خود را فراموش نکرده اند اولاد اعراب بنی عامر، عرب احمدی، عرب انصاری، بنی شاکر، در قراء رویان ، دیزج ، بدشت ، بسطام خبیج ، کلانته خبیج و غیره منتشر و بزراعت مشغول میباشدند . از اینجهت است که نام فامیلی های عرب عامری ، عرب احمدی ، عرب انصاری ، بنی شاکری ، بنی عامری فراوان است . شهر قومس در نهضت ضد عربی از طرفداران ابو مسلم خراسانی بوده و خزائن ابو مسلم در این شهر بوده است چنانکه در تاریخ ایران تالیف سرپرسی سایگس ص ۴۶۷

معرض است که سبباً بعزم خونخواهی از ابو مسلم از نیشابور حرکت کرد و در اندک زمانی اتباع زیادی جمع کرد. ابتدا قوس به حمایت او برخاست و خزائن ابو مسلم را تسلیم او داشت.

در اینکه تشیع در زمان خلافت بنی عباس بوسیله عرفا و مبلغین شیعی شایع شده شکمی نمیتوان داشت چنانکه آمدن بایزید بیسطام با تفاق امام زاده محمد بهمین منظور بوده است. در اینجا لازمت مختصری راجع به حرکت بایزید و امام زاده محمد نگاشته شود.

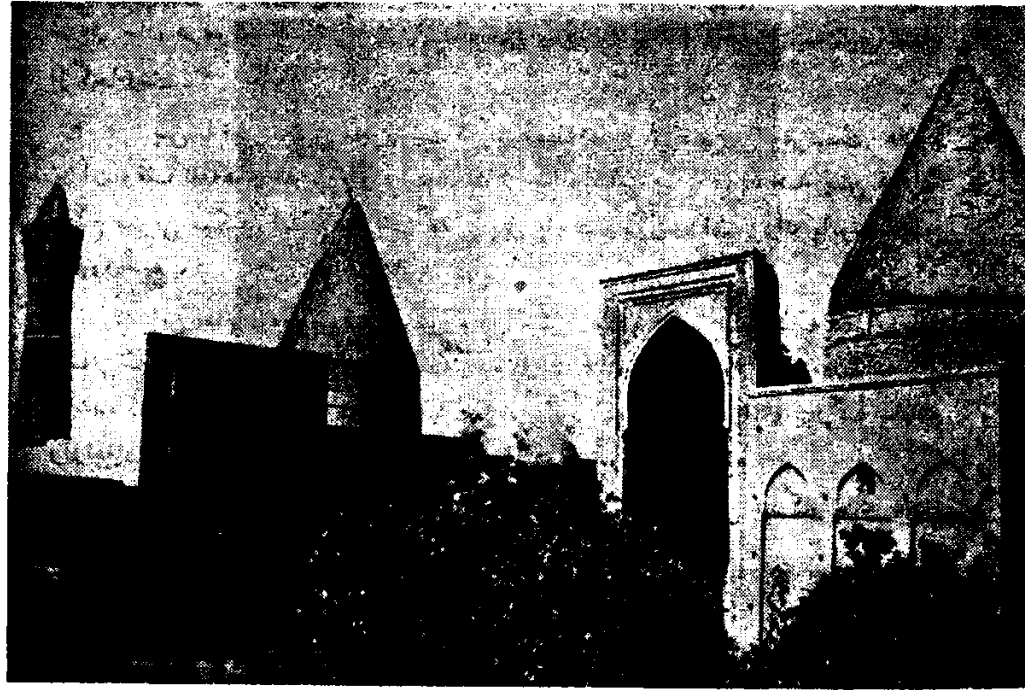
حضرت صادق امام شیعیان در سنه ۱۴۸ رحلت فرمود. این زمان مقارن بود با انقراض دولت بنی امیه و ظهور بنی عباس. وصی حضرت صادق فرزند کوچکش موسی بن جعفر علیه السلام است.

در زمان حضرت صادق شیعیان در اطراف و اکناف ایران فروان بودند و با اینکه ظاهراً حکومت در دست ایادی خلفای وقت از قبیل منصور، هادی، مهدی، هارون بود ولی نهضت های زیدیه علیه حکومت بنی عباس و تبلیغات وسیعی که بنفع آل علی مهشدار خود را کرد و میتوان گفت اغلب مردم خراسان پس از کشته شدن ابو مسلم خراسانی بدست عذار و خیانت کار منصور اغلب مردم ری و قم و قوس در معنی شیهه بودند و بهمین طریق همسایه دیگر این شهر گرگان و مازندران شیعه بودند. بطوریکه در زمان سلطنت هادی و مهدی و هارون نهضت های شیعیان بعد از اعلای خود رسید تا آنجا که در سنه ۲۵۲ در طبرستان سادات بنی الحسن زمام امور را در دست گرفته، مدتی سلطنت نمودند و چنانچه بریسه این تسلط دقیق شویم بی گفتگو باید قبول نماییم که قلوب مردم این سامان بطرف تشیع متمایل بوده و گرنه سادات بنی الحسن نمیتوانستند بسهوات منطقه طبرستان و قسمتی از گرگان و قوس راه تصرف شوند.

اغلب مورخین نوشته اند حضرت صادق با یزید را بیسطام فرستاد و وی خواهش کرد که یکی از نزدیکانش را همراه او کند. حضرت نوه خود محمد را با او فرستاد آن دو حرکت کردند تا بیسطام رسیدند.

آنچه محقق است قبر موجود در بیسطام که بلام زاده محمد بن جعفر مشهور شده اشتباه است و این قبر متعلق به محمد بن جعفر نیست بلکه قبر محمد بن عبدالله بن افضح بن جعفر علیه السلام است که نوه حضرت صادق باشد و این معنی منافات ندارد با اینکه حضرت صادق نوه خود را همراه بایزید بیسطام فرستاده باشد.

احتمال دیگر آنکه آمدن محمد بن عبدالله افضح بیسطام برای پیشرفت دعوی پدرش عبدالله افضح باشد. چه پس از رحلت حضرت صادق عبدالله بن جعفر چون بزرگتر بود دعوی امامت و پیروانی پیدا کرد که معروف بقطعیه میباشند و چون در همان اوقات عده ای از مردم خراسان برای تسلیم سهم امام و استعلا از امام وقت بمدینه رفته بودند مصادف با دعوی عبدالله شدند و مشهور است که مردم ولایت بسطام عبدالله را امام میدانستند.



#### صحن مطهر امام زاده محمد ۴

بهر حال محمد بن جعفر که فرزند صلیبی حضرت صادق باشد یکی بیش نیست که موسوم بمحمد بیاج است و او را دیباجه میگفتند بجهت حسن و جمالی که داشت. و او در زمان مأمون سنه ۱۹۰ در مدینه خروج کرد و مردم را به تبعیت خود خواند و مردم مدینه به تبعیت او درآمدند. سپس بسکه رفته، با سپهسالار مأمون جنگها کرد ولی در جنگی معاصره شده، امان خواست و بعد از این که امان یافت بنزد مأمون بخراسان رفت مأمون او را گرامی داشت و در خراسان بود تا وقتی که در همان جادر گذشت و مأمون بتشییع جنازه او بیرون شد و حتی شخصاً او را داخل قبر کرد.

دو تاریخ قم منقول است که محمد بیاج در وقتی که مأمون بمراق متوجه شده بود در سنه ۲۰۳ در جرجان وفات کرد و مأمون بر او نماز گذاشت و او را در جرجان دفن نمود و صاحب جلیل کافی الکفاة ابوالقاسم اسمعیل بن عباد بر تربت او عمارتی کرده است در سنه ۳۷۴.

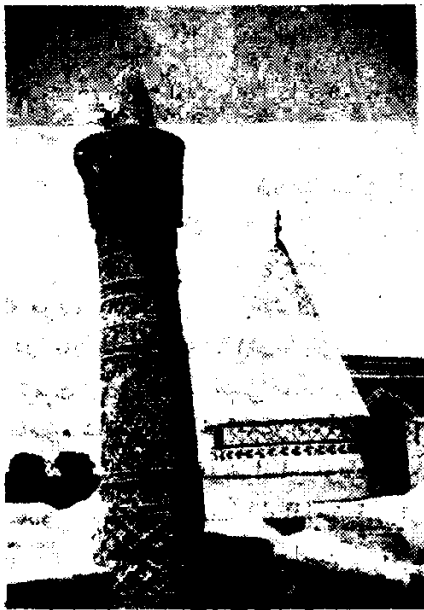
از اینجا معلوم میشود قبریکه در گنبد قابوس بنام یحیی معروف است همان قبر محمد بن جعفر دیباجه است که بنام یحیی بن زید مشهور شده. دلیل بر این موضوع آنستکه یحیی بن زید در مرو خروج کرد و در مرو کشته شد و جنازه ویرا چند روز در مرو بدار

آویختند تا اینکه ابو مسلم خراسانی قیام نمود و جنازه را از دار فرود آورد و دفن کرد. در آن سال هر مولود پسر تازه بدنی آمده‌ای رایجی نام نهادند و معلوم نیست این اشتباه از کجا است.

پس با این تحقیق معرزا است که قبر بسطام مربوط به محمد بن جعفر نیست. علاوه بر آن وقف نامه‌های قدیمی در دست است که صاحب قبر بسطام را محمد بن عبدالله افطح معرفی میکند. افطح در لغت بمعنی پیل پاست و چون عبدالله بزرگ پا بود با فطح مشهور شده بود.

این امام زاده موصوف بدستور جدش حضرت صادق بمعیت بایزید به بسطام آمده و بنائی که بر سر قبر این امام زاده ساخته شده در سنه هفتصد توسط سلطان محمد الجایتو بنا شده که بالتماس و اشاره مرشدش شیخ رضی الدین که یکی از عرفای بزرگ بسطام و از اعیان و اولاد بایزید بوده این ساختمان را ایجاد نمودند.

این بنای عظیم از نظر قدمت و اصول معماری از بهترین یادگارهای عصر



منارجنبان بسطام

مغول است و مهم‌تر از ساختمان قبه و مسجد و معراب امام زاده مناره‌ای است که متصل به مسجد است و حرکت میکند مانند منارجنبان اصفهان و اگر سنگ و آجر در بالای مناره یعنی محل راس منار بگذارند و منار را بحرکت آورند آن سنگ و آجر از ارتفاع بزمین سقوط میکند و قدری حرکت منار از داخل مهیب است که کمتر اشخاص موفق میشوند بشدت منار را تکان و حرکت دهند. معلوم نیست این منار را بتقلید منارجنبان اصفهان ساخته اند یا برعکس. در نمای خارجی این مناره خطوطی نوشته شده که بر اثر بی‌مبالاتی فملاخوانا نیست.

برج و کاشانه‌ای نیز بطرز بنای گنبد قابوس در وسط مسجد جامع بسطام است که دارای هشت ضلع مدرج است و اهالی را عقیده این است که این محل آتشکده بوده و از زیر باخارج بسطام ارتباط دارد. دیگر گنبد عازان خان که بنای آنهم مقارن ساختمان گنبد امام زاده است.

دیگر گنبد عازان خان که بنای آنهم مقارن



### گنبد غازان خان

معارف اسلامی - در شاه‌روده‌ها و معارف اسلامی رو بترقی و توسعه بوده و تا حدی پیشرفت داشت که در کوچکترین دهات این شهر همواره عده‌ای از روحانیون بنام مشغول تدریس بودند. قراء «بسطام»، «گرم»، «ابرسج»، «فرومد»، «میامی» دارای مدارس بودند که بفرآخور حال همواره عده‌ای طلاب علوم در حوزه‌های علمی تحصیل میکردند. و اینک با استثنای سه مدرسه قدیم که در شهر دایر است مدارس قدیمی اغلب قسرا و قصبات شاهرود ویران گردیده و اثری از آن‌ها نمانده و جوش و خروش روحانی در آن‌ها دیده نمیشود و مدارس شهر هم با اینکه از نظر داشتن اساتید خوب معروف است و در قدیم همیشه از گران و مازندران و دامغان برای تحصیل علوم اسلامی باین شهر می‌آمدند اینک مدتی است حوزه‌های درسی روحانی سرد و خاموش گردیده و دوسه مدرسه‌ای که دایر است طلبه کم داود و متاسفانه همین عده قلیل هم نمیتوانند بمدارج عالی ترقی برسند و سطح

معلومات و تحصیلات آنها در ادبیات همان مختصر صرف و نحو و در فقه و اصول در حدود سطح و در فلسفه و ریاضی و نجوم بمرحله صفر است. در صورتیکه چهل سال است در تمام رشته های مختلف علوم ادبیات و فقه و اصول و فلسفه و ریاضی تحصیل و تدریس میشد. در این شهر و توابع آن علمای بزرگی که واقفاً موجب فخر و مباهات می باشند برخاستند و یا اکنون نیز در نجف و قم و مشهد طلاب فاضلی از این شهر مشغول ب تحصیل میباشند مخصوصاً مدتها است کرسی درس اجتهادی در نجف مخصوص علمای شاهرود بوده و فعلاً سید بزرگوار آقای سید محمود شاهرودی حوزه درسی نجف را اداره میکند و باتفاق اهل نظر از زمان مرحوم سید اصفهانی تاحال مدرس و فقیهی باین درجه در کمال و در عین حال دارای مقام زهد و تقوی دیده نشده است. مزیتی که علمای شاهرود دارند تنها جنبه علمی آنها نیست بلکه جنبه زهد و تقوی و وارستگی عجیبی است که در این طبقه از قدیم مشهور بوده است و عموم علمای این شهر صاحب تالیف و تصنیف بوده اند و در عین حال زندگی آنها توأم با زهد و تقوی و ثنات گذشته است.

شاهرود همواره مرکز علما و زهاد و عباد و اهل تصوف و انزوا بوده و حال نیز کم و بیش این طبقات در این شهر پیدا میشوند. چون طبعاً این قبیل اشخاص منزوی و گوشه نشین و بخود مشغول میباشند کمتر نامشان بر سر زبانهاست.

در طبقه مؤلفین این شهر میتوان نام کاتب شهیر محمد بن علی الزیدری کاتب و وزیر جلال الدین خوارزمشاه آخرین شاهنشاه خوارزمیان، مصنف کتاب مرغوب نفیة المصدور دانست. دیگر طاهر فریومدی مؤلف هفت اقلیم در عصر قاجار. نام مرحوم میرزا عبدالرفیع آل حاجیلار که جزء ده نفر جمع کنندگان تاریخ معروف نامه دانشوران و فرهنگ ناصری است میتوان نام برد. آن مرحوم دارای متجاوز از بیست تالیف در تفسیر قرآن و یک دوره کامل تاریخ عالم تا زمان ناصر الدین شاه میباشد که وجود است ولی طبع نشده آن مرحوم در دهی کوچک موسوم بکلانه خیج (کلانه خواجه) در هشت فرسنگی شاهرود متوطن بوده و در سنه ۱۳۳۰ قمری فوت نموده است.

از علماء بزرگ این دوره مرحوم حاج ملا محمد علی مجتهد معروف و مرجع تقلید (جد نگارنده) می باشد که در حدود پنجاه و دو کتاب در رشته های مختلف فقه و اصول و ادبیات و اخلاق تاریخ و نقشه تالیف کرده و اغلب آنها موجود است و دیگر فرزند آن مرحوم بنام حسن بن محمد علی پدر نگارنده دارای تالیف مفید در فقه و اصول و یکی در امامت و تاریخ است که موجود است. آن مرحوم علاوه بر جنبه علمی در زهد و تقوی معروف و مدرس علم اخلاق بوده و جزء طبقه مرتاضین این شهر بوده است.

دیگر عموی نگارنده مرحوم آقا شیخ احمد شاهرودی که در سال ۱۳۵۱ قمری در طهران فوت و در قم قبرستان جدید بقعه اول مدفون گردید. آن مرحوم دارای تألیفات متعددی میباشد که پنج کتاب آن طبع و منتشر گردیده. حق العین مرآت العالمین، ایقاظ النائین، ازالة الالهام در نبوب و امامت. و مدینه الاجلام، روح التمدن در فلسفه دین اسلام است که الحق تألیفات آن مرحوم که هر کدام از آنها باقتضای زمان مؤلف تالیف شده سودمند و مورد



توجه مطالعه کنندگان مخصوصاً طبقه اهل علم و اهل منبر میباشد کتاب حق المبین که تالیف چاپی اول آن مرحوم است فعلاً کمیاب و در زمینه خود کتاب علمی مفیدی است که همواره اهل علم و مطالعه و اهل منبر از آن استفاده مینمایند.

دیگر از علماء بزرگ این شهر مرحوم حاج سید عباس ابرسجی است که در مشهد رضوی مقیم بود و در همانجا فوت کرد.

نامبرده با اینکه از ائمه جماعت مشهور مشهد بود استاد فلسفه نیز بود و حتی علمای بزرگ فلسفه مشهد مانند مرحوم میرزا مهدی حکیم خدمت ایشان تلذذ میکرد (فوت ایشان در سنه ۱۳۴۷ قمری) و آنهاییکه در فلسفه واردند معتقدند بعد از مرحوم حاج ملاهادی سبزواری و یکی دو نفر فیلسوف بزرگ، دیگر شخصیتی بوسعت اطلاعات مرحوم حاج سید عباس نیامده منتها بمقتضای عصر و زمان تظاهر بر فلسفه نمیکرد. چون زمان ایشان مقارن با ابتدای مشروطیت و نفوذ فوق العاده مرحوم آیه الله خراسانی بود که اولاد آن مرحوم در مشهد مقام اول علمی و درسی را داشتند و بر واضح است حوزه درس ایشان منحصر بفقہ و اصول بود و طبعاً علمائیکه در رشته های فلسفه و ادبیات متبحر بودند و نقی نداشتند و عصر مرحوم ملا محمد کاظم خراسانی و آقا زاده را میتوان عصر ترقی علم اصول دانست زیرا همه طلاب سعی داشتند در این رشته بیشتر مطالعه و مباحثه و تحصیل نمایند که مورد توجه و عنایت مدیر حوزه واقع شوند.

دیگر مرحوم فاضل بسطامی، که از علماء معروف مشهد بود و در ادبیات و فلسفه متبحر بود و حوزه دوسی وی مانند حوزه دوسی ادیب بزرگ نیشابوری گرم بود، آن مرحوم علاوه بر جنبه علمی یکی از رجال سیاسی و شخصیت های علمی معروف خراسان بود که در نهضت مشروطیت سهم بسزائی داشت و هم چنین مرحوم آقا میرزا محمد باقر بسطامی که از علمای بزرگ بسطام بوده است. از علمای بزرگ عصر پهلوی آیه الله علی الاطلاق آقای حاج سید محمود شاهرودی مرجع تقلید شیعیان ساکن نجف اشرف می باشند که معظم له درده کوچک عبدالله بسطام متولد شده و قریب پنجاه سال است در نجف ساکن و فعلاً مرجع تقلید و حوزه درس ایشان که مخصوص تدریس فقہ و اصول و علم رجال و اخلاق است همواره گرم و مهمتر از حوزه دوسی نامبرده در نجف حوزه دیگری مشهود نیست.

و دیگر از علماء عصر پهلوی این شهر آقای آقا شیخ عباسعلی مظفری ابرسجی مقیم قم میباشد که هم جزو مدرسین درجه اول علوم اسلامی (فقہ و اصول) و هم در امر تالیف و ارجمی باشد و کتابی از معظم له در مسئله رجعت طبع شده و تالیف دیگری در تاریخ رجال دارد که گویا تا حال طبع نشده است.

علمای فعلی شاهرود که همگی دارای بهترین و عالی ترین مقام علمی و روحانی می باشند در شاهرود بسیارند از جمله آقای حاج شیخ آقا بزرگ اشرفی و آقای حاج شیخ عبدالله مهدوی فرزند برومند مرحوم آیه الله آقا شیخ احمد شاهرودی که از معروفترین علماء خطه تهران و مشهد میباشند توفیقات آنهارا در نشر حقایق و علوم اسلامی از خداوند مسألت میداریم.

## هکاتم پی لس یا شهر صد دروازه

«هکاتم پی لس» لغتی است یونانی بمعنی شهر صد دروازه و در آذربان مقصود از هکاتم پی لس این نبوده است که شهری واقعا صد دروازه داشته تا باین نام خوانده شود بلکه مراد از هکاتم پی لس شهر بزرگ است. یکی از مورخین مینویسد که یونانیان بعضی از شهرهای بزرگ خود را هکاتم پی لس مینامیدند و در شهرهای متصرفی شهرهایی بسبک شهرهای مملکت خود برای اسکان یونانیان میساختند و قوانین یونان را در آن اجرا میکردند. این مورخین برای تأیید گفته خود از شهری بنام هکاتم پی لس که در جنوب مصر وجود داشته است نام میبرد (۱) اما این روایت بنظر نگارنده صحیح و قوی نیست زیرا بطوریکه آبیان appien مورخ بزرگ یونانی نوشته است سلو کیدها



در مشرق زمین شهر بنا کردند اگر قرار میبود که هر شهر بزرگی را هکاتم پی لس بخوانند میبایست در شرق یا غرب اقلاند شهر باین اسم نامیده شود و حال آنکه ما در میان همه شهرهاییکه یونانیان بنا کرده اند فقط نام يك شهر را هکاتم پی لس شنیده و در تواریخ خود آنرا یافته ایم.

آنچه در خصوص شهر هکاتوم پی لس مورد تأیید همه مورخین میباشد اینست که در شمال شرقی ایران واقع بوده، در زمان سلوکیها و اشکانیها رونقی داشته و چند گاهی هم پایتخت میبوده است.

موقع مکان هکاتم پی لس را بعضی با دامغان کنونی اشتباه میکنند و عده ای دیگر آنرا نزدیک دامغان دانسته اند. در تاریخ ایران باستان مرحوم مشیرالدوله صفحه ۲۶۴۵ سطر شانزدهم مینویسد که « بعضی از محققین از جمله هوتوم و شیندلرو ویلیام جکسن عقیده داشتند که این محل باید کرسی ولایت سابق (قومس) باشد و باید آنرا در هشت میلی جنوب دامغان جستجو کرد. شاید بهمین دلیل بوده است که دکتر شمیدت

(Dr. Schmidt) از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۱ بخرج دارالعلوم فیلاذنیادرتبه حصارکه در جنوب غربی دامغان است مشغول حفاریات و کاوشهایی شد تا شهر هکاتم پی لس را کشف کند و در جنوب غربی دامغان بویژه در هشت میلی این شهرخیلی کار کرد بی آنکه اثری از این شهر ظاهر گردیده باشد بنابراین عجالتا محل این شهر معلوم نیست. سر یرسی سایکس از قول راولینون محل شهر هکاتم پی لس را درحوالی شهر جاجرم و ازقول دیگری آنرا در ۱۴۸ میلی در بندهای خزر دانسته است بلی بیوس نیز در ضمن وقایع جنگ آنتیوخوس کبیر با ارشک سوم می نویسد که هکاتم پی لس یعنی شهرصد دروازه را گرفته بعدبطرف کوهستان تاکی راند و به هیروگانیا فرود آمد. دلایل دیگری از طرف شیندلر Schindler وجکسن ذکر شده است که محل هکاتم پی لس را میتوان با همان شهر قدیمی قومس تطبیق کرد که در هشت میلی جنوب دامغان کنونی و در حدود ۱۶ میلی از تاکی یا تاکی است «دژی در میان سلسله جبال الیرز که عده ای آنرا پناهگاه سپهبد طبرستان میدانند»

بهر تقدیر در باب تطبیق هکاتوم پی لس با محل بین محققین و مورخین اختلاف است ظن غالب بر اینستکه در جنوب غربی دامغان بوده مرحوم دکتر عبدالله رازی در کتاب تاریخ مفصل ایران صفحه ۴۴ محل این شهر را بدون تردید جنوب غربی دامغان دانسته می نویسد «بایتخت او شهر هکاتوم بیل که خرابه های آن در جنوب غربی دامغان مشهود است».

اما این نظر با تحقیقات اخیر و کاوشهای دکتر شیمدت که قبلا ذکر شد مطابقت ندارد. نگارنده بدو دلیل محل هکاتوم پی لس را در شمال غربی شاهرود تصور میکند یکی اینکه گفته میشود تاریخ ظرفهایی قدیمی که از این نقطه بدست آمده است از نظر قدمت با شهر هکاتوم پی لس مطابقت دارد دوم اینکه هوای منطقه جنوب غربی دامغان که بزعم عده ای محل شهر هکاتوم پی لس بوده است بویژه در بهار چندان خوش نیست بادهای سهمناکی میوزد و گرد و غبار فراوان است و حال اینکه شهر هکاتوم پی لس از نظر هوای خوب و گردشگاهها و شکارگاههایش مورد توجه پادشاهان اشکانی بوده و آنان برای رهایی از گرمای تیسفون مدتی از سال را در این شهر اقامت میکردند لذا اگر کسی بخواهد کار دکتر شیمدت وجکس را دنبال کرده و محل شهر را پیدا کند، اگر قبلا محلی را که در بالا ذکر شد و درده کیلومتری شمال غربی شاهرود و دو کیلومتری دهستان دهخیر قرار دارد تفحص کند ممکن است که این ادعا بحقیقت پیوندد.

**بنای شهر هکاتم پی لس** - روایتی از قول کنت کورث حاکی است که اسکندر هنگام ورود به پارت شهری رسید که بعدها موسوم به هکاتم پی لس یعنی شهر صد دروازه شد اما عده ای معتقدند که شهری که اسکندر در هنگام ورود به پارت بآن داخل شده است شهر دیگری غیر از هکاتم پی لس بوده چه قراین و اماراتی وجود دارد که هکاتم پی لس بعد از اسکندر ساخته شده است و ساکنین آن یونانی بوده اند.

پس از انقراض سلسله هخامنش اسکندر کبیر نواحی جنوب و جنوب غربی آسیا از جمله ایران را تصرف خویش درآورد. چون نواحی متصرفی او بسیار پهناور و قشون او نسبت باین منطقه اندک می بود لذا بمنظور ادامه حکومت بر شرق میخواست مردمانی را از اروپا بآسیا یا از آسیا باروپا بیاورد تا شرق بقرب نزدیک شود. نقشه او این بود که با ایجاد منافع مشترک وحدتی میان شرقی ها و غربی ها بوجود آورد اما اجل مهلتش نداد. جانشینان اسکندر آنرا عملی تشخیص نمیدادند «ایران باستان جلد سوم صفحه ۲۱۱۹» پس از مرگ اسکندر سپهبدان و سرداران اسکندر بهمه چیز فکر میکردند الا بعملی کردن نقشه های مفید پیشوای خود. آنها باین فکر بودند که چگونه یکدیگر را از میدان بدر برده و جانشین همدیگر کردند. حتی اختلاف میان آنها کار را بجائی کشاند که بقول پلوتارک «بواسطه بینونیت و خلافتی که در میان سرداران اسکندر بود چند روز نعلش او بزمین ماند»

آری آرزوها و آرمانهای عجیب و بزرگ اسکندر با خود او بگور میرفت و یکی از آرزوهای او یونانی کردن مشرق زمین بود لیکن در میان جانشینان او یک نفر وجود داشت که برای عملی کردن این نقشه فعالیت میکرد او آنتی گون فرمانده کل لشکر پادشاهی سابق بود و بهمین منظور برای اولین دفعه او یونانیان را بسوی مشرق مهاجرت داد.

سلوکیدها هم که خود را در آسیا بیگانه میدیدند این فکر را تقویت کردند و برای انجام این مهم که نتیجه آن بنظر آنها ادامه تسلط بر شرق بود باین فکر افتادند که شهرهایی بسبک یونان در مشرق بسازند وعده ای از یونانیان را در آن شهرها سکنی دهند، و شهرهایی از قبیل آنتی گونیا و سن تیرا و کالیوپ و خاریس و آخه آ و ادوبوس و شهر هکاتوم پی لس را که موضوع این مقاله است بنا گردید.

Appien آبیان مورخ بزرگ یونانی که در قرن دوم میلادی میزیسته و تاریخ روم را نوشته است میگوید آنتی گون بعد از شکست ارمن دولت خود را در گابین (اصفهان کنونی) در سال ۳۱۷ قبل از میلاد تشکیل داد و در سال بعد عنوان پادشاهی یافت و نیز آبیان مینویسد که «سلوکیدها نخست شصت شهر در مشرق زمین بنا کردند و آنتی گون کسی بود که یونانیها را بسوی مشرق مهاجرت داد»

سرپرستی سایکس در تاریخ مفصل ایران جلد اول صفحه ۴۰۶ می نویسد که «چندین شهر یونانی نشین در مغرب ایران از جمله اروپوس و هراکله هر دو در یک موضع سوق العیشی نزدیک ری بنامند. پولی بیوس میگوید: «اسکندر مصمم گشت که سدی در جلوی تعرض وحشیها بنا کند و بر اثر آن سرزمین مادر از شهرهای یونانی نشین شد» و دو صفحه ۴۰۷ همین کتاب «دو خاتمه میگوید که هکاتوم پی لس پایتخت پارتها و نیز او- مپنه واقع در هیرکانیا شهر یونانی بود که تحت توجهات بعضی از خاندان سلوکیده بنا گردید.

دوران شکوه و جلال هکاتوم پی لس - این شهر که بدست سلوکیدها در شمال شرقی ایران تقریباً در بالای ۳۶ درجه ۴۵ دقیقه عرض شمالی، بقولی در حدود دوهزار و دوست و هفتاد سال قبل بدستور پادشاهان سلوکید و شاید قبل از حمله اسکندر در زمان هخامنشی‌ها ساخته شده و عده‌ای از یونانیان بآن محل کوچانیده شده‌اند در زمان سلطه سلوکیدها معمور بوده و مردم آن بسبب یونان در این شهر بکشت و زرع و کار و کسب مشغول بودند. مهمترین که قوانین داخلی این شهر همان قوانین و آئین نامه‌های قابل اجرا در شهرهای یونان بود و یونانیانکه در این شهر سکنی داشتند خود را هم میهن پادشاهان سلوکیدها میدانستند. آن رابطه این تصور را بوجود آورده بود که آنها بر سایر مردم این مملکت برترند و ایرانیان که مدت کوتاهی تحت سلطه اجنبیان بودند تبعه ایشان میباشند. همین مطلب باعث شد که ایرانیان بآنها کمتر مراد کرده کنند. تا وقتی که جانشیان اسکندر قدرتی داشتند این شهر روز بروز آبادتر و پرجمعیت تر میشد بعدی که کم کم بصورت یک مستمره یا پایگاه نظامی درآمد. خوشبختانه دوران سیادت سلوکیدها مانند دوران اقتدار همه خارجیها یک به بعضی از اوقات در نتیجه ضعف زمامداران نالایق مدتی خاک میهن عزیز ما را مورد تاخت و تاز قرار میدادند کوتاه بود. اشکانیان بسرعت کشور ما را از لوٹ و وجود حکام ستمگر سلوکید پاک میکردند.

**هکاتوم پی لس در زمان اشکانیان -** در اوایل سلطنت اشکانیان هکاتوم پی لس شهری آباد و پرجمعیت بوده و بسبب خوشی آب و هوایش همواره پادشاهان اشکانی مدتی از سال را در آنجا میگذرانند و حتی چندی آنجا را پایتخت خود قرار داده بودند مشیرالدوله در تاریخ ایران باستان جلد سوم صفحه ۲۶۴۵ مینویسد که « دولت اشکانی دو عرض سال در همدان و هکاتوم پی لس و گرگان اقامت می‌گزیدند تا از هوای خوب اینجا ها استفاده کنند و از گرمای تیسفون در تابستان محفوظ باشند » در جای دیگر « پایتخت اشکانیان را یونانیان هکاتوم پی لس یعنی شهر صد دروازه مینامیدند » بطوریکه ملاحظه شد بقول اکثر مورخین شهر هکاتوم پی لس در زمان اشکانیان از شهرهای آباد و مورد توجه بوده و پایتخت اغلب پادشاهان اشکانی نیز همین شهر میبوده است. هر چند که بعضی از مورخین از جمله سرپرسی سایکس از اینک پایتخت اشکانیان شهر صد دروازه بوده تردید کرده‌است و در کتاب خود صفحه ۴۱۳ می‌نویسد:

« اما اینکه پارتی‌ها پایتخت خودشان را در آخرین نقطه مغربی قلمرو خود قرار داده‌اند امری است عجیب و همین است که گاهی مرا به اشتباه می‌اندازد و احتمال دارد که این نقطه باین ملاحظه باشد که دشمن بزرگ خودشان را پادشاهان سلوکید می‌دانسته‌اند یا اینکه آنجا شهر یونانی نشین بوده است » اما اینکه تا چه وقت هکاتوم پی لس پایتخت بوده‌است باید گفته شود که پادشاهان اشکانی میکوشیده‌اند که در همان حدود شهری که دارای همان مزایا باشد بنا کنند تا این خاور را از سر راه خود بردارند و بالاخره

هم در دره گرگان شهری بنام دارا یا داریوم بنا کرده اند گرچه این شهر جدیدالتاسیس پس از چندی بعزت کم آبی بتدریج متروک شد و پایتخت دوباره به هکاتوم پی لس منتقل گشت و تا قرن اول میلادی آنجا پایتخت بود اما بطور محسوسی از اهمیت و عظمت و آبادی آن کاسته شد. این مطلب در کتاب تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس صفحه ۱۵۰ چنین نوشته شده است:

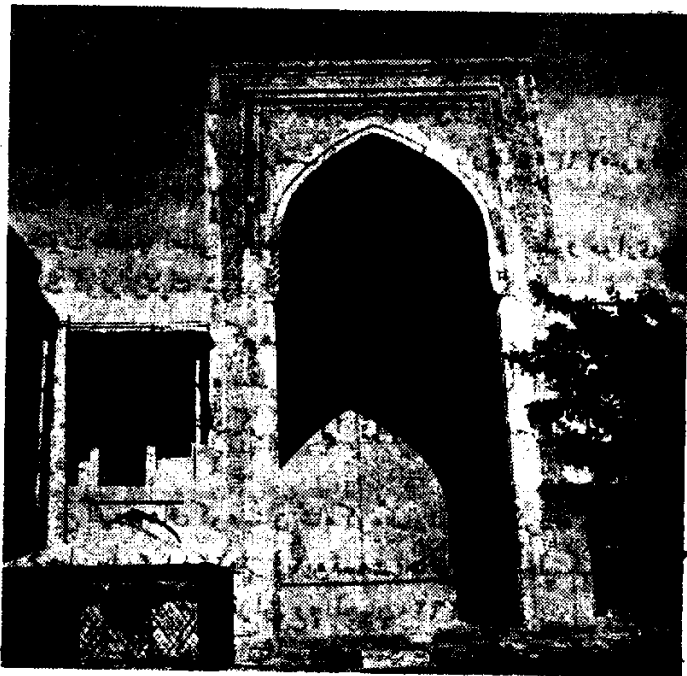
«تیرداد اسم آنرا دارا نام نهاد و داریوم هم خوانده شده است محل این شهر هنوز معلوم نیست ولی بطن قوی در دره گرگان بوده. نگارنده (سرپرسی سایکس) در اثنای مسافرت سال ۱۹۱۳ در آن صفحات بکوهی مرتفع برخوردیم که شکلا شبیه بجبل الطارق و اسم آن (کله ماران) است. این کوه بفاصله پنجاه میلی از مشرق استر آباد در دره گرگان واقع و خرابه های بسیار در آن دیده میشود که کاشف از محل مزبور است. باری پس از چندی دارا یا داریوم برای پایتخت مناسب واقع نگردید و شاید بواسطه کمی آب بوده است چنانکه در ایام مسافرت من همینطور واقع شد».

**علل بنا و زوال هکاتوم پی لس** - چنانچه بنای هکاتوم پی لس بعد از حمله اسکندر باشد علل بنای آن شهر عبارتست از :

- ۱- فکر یونانی کردن مشرق که شرح آن بتفصیل گذشت.
- ۲- سلوکیدها برای حفظ موقعیت و ادامه سلطه خود شهرهایی میساختند که در مواقع لزوم از آنها بجای پایگاه نظامی استفاده کنند.
- ۳- تربیت فرزندانش - چون سلوکیدها پس از مدتی زمامداری دریافتند که فرزندان ایشان نظر به بعد مسافت نمی توانند در مدارس و مکتب های یونان چون پدرانشان تحصیل کنند و بتدریج در میان ملل مغلوب از بین خواهند رفت ناچار برای حفظ آداب و رسوم و تعلیمات ضروری این شهرها را میساختند (۱) ولی علت حقیقی از بین رفتن شهر هکاتوم پی لس این است که این شهر یونانی در قلب مملکت ایران بسا قوانین یونان و بسبب یونان اداره میشد و این مسئله با روح ناسیونالیستی و عرق میهن پرستی پادشاهان اشکانی و مردم ایران نوافق نداشته همین مطلب مورد توجه و تأیید همه مورخین بزرگ از جمله پولی بیوس است و مشیرالدوله نیز مینویسد که «شهر مدروازه شهریونانی بود که برای پایتخت اشکانی مناسب نداشت» صفحه ۲۲۰۸ در سطر ششم به بعد کتاب ایران باستان <

(۱) چنانکه ژنرال سرپرسی سایکس در کتاب تاریخ خود که بهمت جناب آقای فخر داعی گیلانی ترجمه شده است در صفحه ۴۰۷ سطر سیزدهم می نویسد «چون یونانیان نمی توانستند اطفال خود را برای تربیت یونان بفرستند ناچار بودند شهرهایی بفرستند که در آداب و رسوم حتی بقدر یونانی باشند.» <

علت دیگر از بین رفتن این شهر را باید از بین رفتن دولت سلوکیدها دانست چه تا وقتیکه آنان بر مملکت حکومت می کردند در حفظ موقعیت نظامی و سیاسی هکاتوم بیلس از بذل هیچ گونه مساعدت دریغ نداشتند و با اینکه اشکانیان نیز پس از ترک این شهر دوباره مجبور شدند بعزت کم آبی شهردار را تا اوایل قرن اول میلادی آنجا را پایتخت خود قرار دهند هیچوقت از خود برای توسعه این شهر علاقه ای نشان نمی دادند بلکه گاهگاه در تقویت موقعیت نظامی شهر دارا که براتب بر هکاتوم بیلس برتری داشت میکوشیدند. این بود که کم کم هکاتوم بیلس از اوایل قرن دوم میلادی از اهمیت افتاد و بطوری مورد تنفر ایرانیان بود که اثری از آثار آن برجای نمانده است و محل آن نیز مسجلا پیدا نیست .



آرامگاه سلطان العارفین بایزید بسطامی

## شاهرود امروز



**حدود و مختصات** - شهرستان شاهرود در ۳۶ درجه

و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ واقع شده، از شمال بکرگان و از مشرق بسبزوار و از مغرب بدامغان و از جنوب بکویرنمک محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۶۰ متر میباشد.

**ناهمواری** - ناهمواریهای این منطقه را میتوان بدو

قسمت تقسیم کرد: قسمت اول کوهستان شمالی شامل سلسله جبال اصلی البرز که در جهت مغرب بمشرق امتداد یافته و در دامنه های آن قراه و قصبات فراوان ایجاد شده است. قله مرتفع این کوهها مانند قله شاهوار و شاه کوه در زمستان مستور از برف

است. مرتفعترین قله رشته مذکور عبارتست از قله کوه ابر با ارتفاع ۲۶۳۰ متر و قله خوش بیلاق ۲۸۰۲ متر و قله جناشک ۲۶۷۰ متر.

در جنوب سلسله اصلی کوههای کم ارتفاع دیگری بطور موازی بنظر میرسند که هر قدر بدشت کویرن نزدیک شوند از ارتفاع آنها کاسته میگردد.

یکی از قسمتهای مهم کوهستانی این شهر شاه کوه است که بدو بخش تقسیم میشود شاه کوه علیا و شاه کوه سفلی. این کوهستان تقریباً آخرین قسمت البرز بوده دارای قله تیز است و چون دشت گرگان را از فلات ایران مجزا مینماید از نظر نظامی اهمیت بسیار دارد.

مهمترین گردنه های کوهستان شاه کوه عبارتست از گردنه های علی آباد با ارتفاع ۲۰۰۸ متر و «چیان بیلن» ۲۲۸۱ متر (باین قسمت اهالی محل جلینک بلینگ گویند) و «وج مینو» با ارتفاع ۲۷۵۸ متر و قله و چالچیان ۲۶۲۰ متر.

چین خورد گیهای کوهستان البرز دو قسمت شاه کوه بهمدیگر نزدیک شده عرض آنها متدرجاً کم میشود. از شاه کوه بطرف مشرق و شمال شرق مجدداً رشته های مختلف از هم دور گردیده بین آنها دره های وسیع و طولانی بوجود میآید که هر يك از آنها بواسطه رشته کوهی از دیگری جدا شده است.

دنباله این کوهها از بسزوار و نیشابور گذشته بکوههای تربت حیدریه مربوط



میگردد. این کوهها از حیث جهت و قدمت مختلف و از نظر جنس با سایر کوهستانهای کشور تفاوت دارند.

در جنوب رود اترک فلات وسیع و کوههای مختلفی یافت میشود که قسمت جنوبی آنها از کوههای شاهرود شروع شده با آداغ و بینالود و کته شمشر و جام ختم میگردد. چمن معروف کالپوش نزدیک سرچشمه اترک و دره اسفراین در جنوب آداغ جزء دره‌های آباد کوهستانهای این منطقه بشمار میآیند.

جنس اغلب این کوهها خاکی و از مواد رسوبی تشکیل شده است این مواد رسوبی طبقه طبقه رو بهم قرار دارد منتها طرز قرار گرفتن آنها بر حسب چین خوردگی متفاوت بوده بصورت‌های مایل و افقی و عمودی دیده میشوند.

قسمت دوم اراضی پست شهرستان که از جنوب ناحیه کوهستانی شروع شده با شیب ملایم بزمینهای بی‌عاصل کویر منتهی میشود.

دشت کویر که قسمت عمده اراضی این منطقه جزء آنست مانند سایر کویرهای ایران بقایای دریای بزرگ خشک شده است که بتدریج آب آن تبخیر شده املاح محلول در آن رسوب نموده زمینهای شوره زار و بایری را تشکیل داده است.

در بعضی نقاط این کویر رشته‌های منفردی از کوه‌های پیش آمده تشکیل نواحی کوهستانی بسیار خشکی را میدهد و چون این ناحیه بسیار خشک است اختلاف درجه حرارت شب و روز زیاد است. با وجود این در بعضی از قسمتهای کویر انواع گیاهاروئیده میشود مانند گیاه درمنه که آنرا «تغ» یا «تخ» گویند و برای ساختن سنتونین بکار میرود. آب‌قنات و چشمه ساران در ناحیه کویر بقایت کم و اغلب شورا است.

آب و هوا - آب و هوای شهرستان شاهرود بمناسبت مجاورت کویر و نزدیکی بکوهستانها مختلف الارتفاع بسیار متغیر است. دهستانهای شمالی سردسیر و هوای شهری نواحی شرقی معتدل و قسمتهای جنوبی گرم و معتدل میباشد.

روی هم رفته بواسطه وجود کوهستان عظیم البرز که در قسمت شمالی شاهرود مانع نفوذ بخار آب دریای خزر بداخل این منطقه میگردد. آب و هوای این شهرستان بسیار خشک است با وجود این شاهرود یکی از نقاط خوش آب و هوای کشور را بشمار میآید. بعضی از سالها در فروردین ماه حرارت یکمرتبه نزول نموده باعث سرمازدگی محصول می‌شود. فصل بارندگی از اواخر پاییز تا اواسط بهار است و خد مشوسط با زندگی سالیانه (مطابق تحقیقات سه ساله) در بهار ۴۸/۱ میلتر، در تابستان ۵/۳ در پاییز ۲۵/۶ میلتر، و زمستان به ۶۱ میلتر میرسد.

بادهایی که در این شهرستان میوزند بیاد دامغان و باد شمال معروفند جهت این بادها در بهار از شمال بجنوب شرقی و گاهی بجنوب غربی و در تابستان از شمال بجنوب شرقی و در پاییز از شمال بجنوب غربی و در فصل زمستان از شمال و شمال شرقی بجنوب غربی است. بهترین فصول در این شهرستان بهار است.

**رودخانه- تنهاروده** هم این شهرستان رودتاش است که از دامنه‌های جنوبی شاه کوه در حدود تاش و مجن سرچشمه گرفته پس از مشروب ساختن قسمتی از مزارع پشت بسطام وزیراستاق بسمت کویر نمک می‌رود. آب این رودخانه دائمی نبوده بستگی بمقدار ریزش باران و برف دارد .

گذرگاه این رودخانه تقریباً تا صد سال پیش از داخل شهر بوده و محل فعلی فلکه (میدان مجسمه) رودخانه نامیده میشده است. اکنون مسیر آن در مشرق شهر و مجاور قریه باغزندان است.

رودخانه کال شور در بخش میامی قابل توجه است که از زیر پل ابریشم می‌گذرد و اهالی از آب آن برای آبیاری و کشت و زرع استفاده میکنند.

**راهها-** شهرستان شاهرود بر سر سه راهی مشرق و شمال و مرکز ایران واقع شده و راههای ارتباطی آن از نقطه نظر نظامی و بازرگانی دارای اهمیت فراوان است . گذشته از راه آهن شمال شرق که استان مرکزی را بخراسان متصل می‌سازد راههای شوسه متعدد نیز از گرگان و مازندران و مشهد و بجنورد و تهران باین شهرستان کشیده شده است.

در قسمتهای داخلی شهرستان بر اثر مسطح بودن اراضی جاده‌های کاروانرو قدیمی تبدیل بر راههای شوسه اتومبیل روده و در تمام سال ارتباط منظم مابین بیشتر دهستانها و روستاهای این منطقه برقرار است.

۱- قدیمترین راه ارتباطی این شهرستان جاده تهران و مشهد است که از سالها پیش محل تردد زوار و تجار نواحی مشرق و مرکز ایران بوده و روز بروز اهمیت و اعتبار آن افزوده میشود. طول راه مزبور از تهران ۴۱۰ کیلومتر میباشد که در مسیر خود از شهرستانهای سمنان و دامغان گذشته همه جادو جهت مغرب بمشرق از دره‌های کوهستان شمالی عبور میکند . امتداد راه مزبور از شاهرود بمشهد از دو شهرستان سبزوار و نیشابور گذشته و ۵۳۵ کیلومتر مسافت دارد.

۲- دومین راه معتبر و با ارزش این منطقه که با هزینه گزاف و تحمّل زحمات فراوان ساخته شده است راه شوسه گرگان بشاهرود است که موانع طبیعی زیادی از قبیل جنگلها و قلل مرتفع را پشت سر گذاشته پس از عبور از بخشهای علی آباد شاه پسند و نوده و گردنه خوش بیلاق بشهرستان شاهرود میرسد. طول این راه بالغ بر ۲۰۲ کیلومتر است . قبل از احداث راه شوسه مزبور که در زمان اعلیحضرت ققیدرضا شاه کبیر و با اهتمام مخصوص وی پایان رسیدرفت و آمد بین گرگان و شاهرود از جاده کاروانرو کوهستانی شمالی که طول آن به ۱۰۸ کیلومتر بالغ میشود انجام میشده است.

۳- جاده کاروانرو قدیمی شاهرود بجنندق بطول ۳۳۰ کیلومتر که ارتباط این منطقه را با شهرستانهای آنطرف کویر برقرار می‌سازد از سالین درآزمورد توجه مسافران بوده و عبور از آن فقط بوسیله شتر امکان پذیر است.

راه آهن - مهمترین جاده ارتباطی این شهرستان راه آهن تهران، مشهد است تاریخچه مختصر این خط از زمانی شروع میشود که ساختمان راه آهن سرتاسری خاتمه پذیرفته و جهت اتمام خط گرمسار بمشهد مؤسسه ای بنام اداره کل ساختمان راه آهن در تهران تشکیل شد.

ساختمان این خط در ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ بنا بر فرمان اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر آغاز شده و در طی مدت کمی بشاهرود رسیده است. بموازات ریل گذاری و اتمام راه آهن گرمسار و شاهرود ساختمان ایستگاه ها و پلها و خاکریزی این راه تاسیس و اوانجام یافته و آماده ریل گذاری گردید.

لیکن واقعه شوم شهریور ۱۳۲۰ موقتاً انجام عملیات اختتام راه را متوقف ساخت، بعد از حوادث شهریور و آرامش اوضاع در سال ۱۳۲۶ طبق تصویب نامه هیئت دولت مقرر شد که برنامه ساختمانی راه های کشور تعقیب گردد اما بهرانه های موقتی و مشکلات مالی همواره مانعی بودند که از انجام این آرزوی ملی جلو گیری میکردند خوشبختانه با تأسیس سازمان برنامه در سال ۱۳۲۸ و تأمین اعتباری که از طرف این مؤسسه بعمل آمد بار دیگر ساختمان بالاست و زیر سازی این خط عملی گردید و پس از آن نخستین مرحله ریل گذاری راه آهن شاهرود بمشهد در روز سوم اسفند ۱۳۳۳ بوسیله وزیر راه آغاز گشت و اولین قطار در تاریخ یکم مرداد ماه ۱۳۳۵ وارد ایستگاه نیشابور شد. فعالیت و کوشش مهندسین ایرانی و پشتکار و علاقه دولت باعث شد که ریل گذاری نیشابور مشهد نیز بزودی خاتمه پذیرفته، در تاریخ ۱۷ دیماه همین سال آخرین عملیات ریل گذاری این خط بی پایان رسید و راه آهن تهران مشهد آماده بهره برداری گردد.

این خط در گرمسار (۱۱۴ کیلومتری تهران) از راه آهن شمال جدا شده بسا ۱۰ تا ۵۰ کیلومتر فاصله از سلسله جبال البرز مناطق سمنان و دامغان را پشت سر گذاشته و پس از وصول بشاهرود با کمی تمایل بطرف شمال از اراضی ما بین سبزوار و بجنورد میگنجد و به نیشابور و مشهد منتهی میگردد. شیب این خط در مناطق مختلف حداکثر پانزده در هزار و شعاع آن حد اقل ۳۰۰ متر بوده تعداد قوسها بسیار کم و تقریباً قسمت اعظم راه در خط مستقیم قرار گرفته است.

خط گرمسار مشهد تقریباً از سه هزار ریل میگنجد. هشتاد ریل از این تعداد جزء پل های بزرگ بوده، معظمترین آنها بل بتون آرمه طرق است که با پا زده دهه شش متری یعنی ۶۶ متر طول بلندترین بل این خط بشمار می آید.

در طول این خط ۴۳ ایستگاه درجه ۵ و شش ایستگاه درجه ۲ ساخته شده است. ایستگاه شاهرود مرکز ناحیه راه آهن شمال شرق میباشد. بهره برداری از خط مزبور روز دوازدهم اریبشت ۱۳۳۶ شروع گردیده است.

اسامی ایستگاههای راه آهن تهران - مشهد

فاصله از تهران	نام ایستگاه	فاصله از تهران	نام ایستگاه
۴۲۸	شاهرود	-	تهران
۴۴۹	بسطام	۹	ری
۴۶۹	شیرین چشمه	۲۶	بهرام
۴۸۸	گیلان	۴۳	ورامین
۵۰۸	بکران	۵۲	پیشوا
۵۳۱	جهان آباد	۶۴	ابردژ
۵۵۰	ابریشم	۸۸	کویر
۵۷۲	جاجرم	۱۱۴	گرمسار
۵۹۳	آزاد ور	۱۳۱	باتری
۶۱۲	سنخواست	۱۵۳	ده نمک
۶۳۰	جوین	۱۷۱	سرخ دشت
۶۵۵	نخ آب	۱۸۸	لاهورد
۵۷۵	اسفراین	۲۰۹	بیابانک
۶۹۵	بیهق	۲۲۷	سمنان
۷۱۸	سبزوار	۲۴۵	میاندرد
۷۴۲	فردوس	۲۶۴	آب گرم
۷۶۵	قوچان	۲۷۷	گرداب
۷۸۷	نیشابور	۲۹۳	هفتخوان
۸۱۰	خیام	۳۰۷	لارستان
۸۳۲	کاشمر	۳۱۹	بنور
۸۵۰	ابومسلم	۳۳۳	امروان
۸۶۹	تربت	۳۴۹	سرخ ده
۸۸۷	فریمان	۳۶۳	دامغان
۹۰۶	نادرشاه	۳۸۶	زوبین
۹۲۶	مشهد	۴۰۹	کلاته خوان

## اوضاع سیاسی شهرستان شاهرود

شهرستان شاهرود دارای ۸۹۵۰۰ نفر جمعیت است که ۱۸۰۰۰ نفر آن در شهر ساکن و بقیه ده نشین میباشند. این شهرستان در سازمان اداری ب چهار بخش بشرح زیر تقسیم شده است :

۱- بخش حومه - شامل شهر شاهرود و دودهستان که ۴۶ قریه و تقریباً ۳۴۵۰۰ نفر جمعیت دارد .

۲- بخش پشت بسطام - از يك دهستان تشکیل یافته و دارای ۴۶ آبادی و ۲۲۰۰۰ نفر سکنه است .

۳- بخش میامی مرکب از چهاردهستان که ۵۰ قریه و در حدود ۲۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد .

۴- بخش بیارجمند که دو دهستان دارد و ۱۰۰۰۰ سکنه آن در ۴۰ قریه و چندین مزرعه زندگی میکنند .

الف- بخش حومه . که شهر شاهرود مرکز آن میباشد از دهستانهای زیر استاق و طرود و بلوک تشکیل یافته از شمال به دهستان پشت بسطام و راه شوسه سبزوار و از مشرق به بیارجمند و از جنوب بکوبیر نمک و از مغرب به دهستان دامنگوه دامغان محدود است .

این ناحیه جلگه ای است حاصلخیز که قسمت عمده قراء و قصبهات آن در اطراف راه شوسه و خط آهن تهران مشهد واقع شده اند . آب آن از قنوات متعددی مانند قنات سیل و جلالی و رویان و یونس آباد و چهارباغ و دزج و تقی آباد تأمین میگردد .

بعضی اراضی آن از آب رودخانه تاش استفاده میکنند مع الوصف ساکنین این بخش از لحاظ آب در مضیقه هستند . محصول عمده آن گندم و جو و ارزن و زیره و پنبه و صیفی و زرد آلو و انگور و سیب و آلبالو و گیلاس و سنجد بوده جمعیت آن با استثنای شهر شاهرود ۱۶۵۰۰ نفر میباشد اسامی قراء و آبادیهای این شهر بشرح زیر است :

۱- دهستان زیر استاق شامل : اردیان ، اسدآباد ، باغزندان ، قلعه حاجی قلعه نوروزخان ، بدشت ، جعفر آباد ، حسین آباد ساغری ، خوریان ، خیرآباد ، دزج ده ملا ، رویان ، سعد آباد ، صالح آباد ، علی آباد حاجی تقی خان ، فرح آباد ، قلعه حاجی دهلا ، قلعه شوکت نظام ، قلعه عضدی ، قلعه آقا محمد رضا ، قلعه نوخالصه ، کلانته خان ، کلاه آباد ، مغان ، مهاندو۶ ، یونس آباد ، راهنجان ، تقی آباد صالحیان ،

بیدآباد ، تل ، حسین آباد آقامحمد رضا ، قلعه حسن رحمان ، امین آباد ، قلعه ذوالفقارخان ، قلعه زندانی ، قلعه صدیق .

این دهستان در قسمت جنوب و جنوب غربی شهر واقع و اراضی آن از مواد آبرفت تشکیل شده و قراء مهم آن باغزندان ، بدشت ، رویان ، دزج و دهلامیباشند. در پنج کیلومتری شهر مجاورده اردیان مقبره ایست که به پیر اردیان معروف است بعضی ها بصاحب بقعه اعتقاد داشته آنرا زیارت میکنند .

همچنین در قریه باغزندان دو کیلو متری مشرق شهر کوه کم ارتفاعی است که بر فراز آن آثار برج و چاهی دیده میشود، میگوبند این چاه سابقاً خیلی عمیق بوده و بدملیزهائی در زیر کوه اتصال داشته و بیژن یکی از پهلوانان افسانه ای ایران قدیم در آن محل محبوس بوده است . اکنون این چاه نزد اهالی بزندان بیژن مشهور بوده و وجه تسمیه باغ زندان بهین علت میباشد .

۴- دهستان طرود : در جنوب غربی شهر در حاشیه دشت کویر واقع شده تا دامغان ۱۰۰ و تا شاهرود ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد . مرکز آن قصبه ایست بهین نام که در ۲۳ بهمن سال ۱۳۳۱ زلزله آنرا خراب نموده و اهالی آن فعلاً در خانه های نو سازی که در یک کیلومتری محل سابق بوسیله شیر و خورشید سرخ بنا گردیده مسکن کرده اند ، در زلزله طرود قریب ۱۰۰۰ نفر تلف شدند .

این دهستان دارای هشت آبادی و ۴۸ مزرعه بقرار زیر است :

آبادیها - طرود ، حسینیان ، رشم ، سطوه ، کوه زر ، معلمان ، حسین آباد بیدستان ، پی استان

مزارع - سوسن وار ، گله کی ، دیژو ، محمود آباد ، کلاته ، دیان ، کلاته رباعی ، زیای ، حاجی صادق ، امرو ، بلوک ، چشمه سفید ، تنگ قلی ، مهابا ، سعدا شش بالاوسط و پامین ، صحن ، گرگاب ، انجیرود ، مرزه ، دله ، چاه موش ( مسی ) درویش ، سالاران ، علیخان ، قنوره ، اورگاره ، بجار آباد ، دره دائمی ، شیبی ، تو چاه بالا ، ده نو ، کککه ، سلم آباد عصار ، توچاه پامین ، تنگه ، کوه شاهی ، کلاته صفر ، پنیند ، مظفر آباد ، گله رشم ، سینگ ، تلو ، حافظ . امامزاده نورالله مشهور پسر مردان ، سوخته بورد ، سروچی ، کلاته اسد .

ب - بخش پشت بسطام - که در جنوب کوههای البرز و شمال شهر شاهرود و مغرب بخش میامی قرار گرفته آب و هوای آن در زمستان سرد و در تابستان معتدل میباشد. طول جغرافیائی آن ۵۵ درجه و ۵ دقیقه و عرضش ۳۶ درجه و ۲۷ دقیقه و ۱۵ ثانیه است . در این منطقه آب فراوان و زمین زراعتی کم و محصول عمده آن غلات و

حبوبات و سیب زمینی و میوه های گوناگون است .

بتازگی در این دهستان چند دستگاہ آسیاب مونتوری بکار افتاده و دو بعضی قراء و آبادیهای مهم آن مانند قلعه نوخرقان شعبه تلفن و دسته ژاندرمری دایر گردیده است. مرکز این بخش قصبه بزرگ قلعه نوخرقان است که در ۲۵ کیلومتری شمالشرقی شاهرود واقع شده و راه شوسه شاهرود دیگرگان بفاصله دو کیلومتری از شرق آن میگذرد. در شمال این ده تپه ایست که بر بالای آن خرابه های مسجدی مشاهده میشود.

---

آرامگاه  
قطب العارفين  
شيخ ابوالحسن  
خرقانی

---




---

از مسجد شيخ ابوالحسن  
خرقانی همین محراب  
باقی مانده است

---

دو کنار این مسجد مقبره عارف نامی شیخ ابوالحسن خرقانی (متوفی بسال ۴۲۵ هجری) قرار دارد.

قراء و آبادبهای این بغش بشرح زیر است :

قلعه نوخرقان ، بسطام ، دولت آباد ، اعظم آباد ، اکبرآباد ، نعیم آباد ، پرو ، چهارطاق ، تقی آباد ، ابر ، ابرسج ، امیریه ، مجن ، نکار من ، نجر ، حسین آباد ، ده خیر ، دهنه کلاته ، زرگر ، شریف آباد ، علی آباد ، قاسم آباد اسمعیل خان قاسم آباد خانلر ، قاسم آباد میرهاشم ، قلعه آقاعبدالله ، قلعه محمدآقا ، قلعه میرزامحمد علی ، قهچ بالا ، قهچ پائین ، کلامو ، گرجی ، قطری ، گرکان ، گرمن ، گندپلی ، مجید آباد ، میان آباد ، مهدی آباد ، نمدمال ، میقان ، قلعه حاج یعقوب ، فتح آباد ، صید آباد ، الیکاهی ، امیر آباد .

**بسطام** - یکی از شهرهای قدیمی است که دوردورانهای گذشته تاریخ ایران اهمیت بسزایی داشته و از نقاط آباد و پرجمعیت استان قومس بشمار میرفته است .

گذشته از نکانی که مورخین و جغرافی نویسان راجع بآبادی و اعتبار قدیم بسطام ذکر کرده اند ویرانه های موجوده در اطراف قصبه فعلی و آثار داخلی ده از اهمیت و عظمت گذشته آن حکایت نموده نشان میدهد که زمانی از مراکز مهم جمعیت بوده است .



برج مشهور به «کاشانه»



منارجنبان بسطام





سردر ورودی حرم مطهر امامزاده محمد

گنبدغازان خان

در خصوص خرابی این شهر قدیمی اطلاع صحیحی در دست نیست جز اینکه چندین مرتبه زلزله آنرا خراب کرده و در حمله مغول نیز آسیب فراوان دیده است. مخصوصاً در ۵۰ سال قبل که امرکز حکومت بشاهرود منتقل گردید بسطام دیگر بکلی اهمیت شهری خود را از دست داد و بصورت قصبه ای درآمد.

بسطام امروز در ۶ کیلومتری شمال شرقی شاهرود قرار گرفته و در حدود ۴۰۰۰

نفر جمعیت دارد.

در این ده یک موتور مولد برق و دفتر پست و شعبه کلانتری موجود و محصول عمده آن گندم و سیب زمینی و پیاز و هویج و صیفی و زردآلو است و آب زراعت آن از دو رشته قنات بنام صادق خانی و نظامی تأمین میشود.

آثار تاریخی این قصبه عبارتست از:

- ۱- بقعه امامزاده محمد.
- ۲- بنای مقبره بابزید که از آثار قرن هشتم هجری است.
- ۳- صومعه بابزید که از دو اطاق متصل بهم تشکیل شده و دره فرب صحن امامزاده قرار گرفته و گچ بریهای زیبایی دارد.
- ۴- مسجد مجاور امامزاده که دارای دو قبه تزئین شده و مردانه بوده و در بنیت کاری آن بسیار نفیس میباشد.

۵- منارجنبان بسطام که در کنار دیوار مسجد مجاور امامزاده واقف شده و ۱۴ متر ارتفاع دارد.

۶- در مغرب صحن امامزاده و در قسمت شمال صومعه بایزید بقعه ایست که بنای آن را به غازانخان نسبت میدهند.

۷- دو مشرق صحن امامزاده دالانی است که از بناهای سلطان محمد خدا بنده پسر غازانخان میباشد و مربوط بقرن هشتم هجری است.

۸- بنای مسجد جامع

۹- کاشانه بسطام که بشکل کثیرالاضلاع در جنوب مسجد جامع با ارتفاع تقریبی ۲۰ متر قرار دارد.

۱۰- بقعه یکی از شاهزادگان افغان که در مجاور مقبره بایزید واقع است.

ج - بخش میامی - در ۷۰ کیلومتری مشرق شهر شاهرود قرار گرفته راه شوسه و خط آهن مشهد از وسط آن عبور مینماید.

شمال این ناحیه کوهستانی و جنوب آن جلگه ای و هوایش روی هم رفته معتدل است. مرکز این بخش قصبه میامی است که تا شاهرود ۶۰ کیلومتر فاصله دارد. طول جغرافیایی ۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه و عرضش ۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه و سر راه شوسه تهران مشهد واقع گردیده. در این آبادی بزرگ ۳ کاراژ و ۵ کاروانسرا و چندین مغازه و یک کاروانسرای قدیمی که از آثار قرن یازدهم هجری است وجود دارد.

از ادارات دولتی بخشداری و پاسگاه ژاندارمری و نمایندگی فرهنگ و بهداشتی و آمار در آن تأسیس یافته و کرباس بافی و قطیفه بافی از صنایع دستی زنان این قصبه محسوب میشود.

آب آن از یک رشته قنات تأمین شده به مصرف زراعت و آبیاری باغهای مجاور میرسد. قراء و آبادیهای بخش میامی بقرار زیر است:

۱- دهستان میامی - یامرکزی که از سه بلوک بنام بلوک کلاته ها، سرحدات، مرکزى تشکیل یافته و در شمال شرقی و جنوب غربی میامی واقع شده و شامل این آبادیهاست.

میامی، ابراهیم آباد، وی آباد، کوهان، بکران، ارمیان، استغرو، اسرائیل اصغر آباد، بویه، جودانه، جهان آباد، کردآباد، کلاته اسد، کلاته مرغی، محمدآباد، میاندهشت، هونستان، حسین آباد، سق آباد، سرین، رباط و مزارع تقی آباد و کزوان جزء آنست.

۲- دهستان فرومد - ناحیه ایست کوهستانی که در قسمت شمال و مشرق میامی واقف شده و قصبه تاریخی فرومد مرکز آنست. این قصبه در قدیم بسیار آباد و پر جمعیت بوده و در قرن هفتم هجری مانند اکثر شهرهای ایران بدست مغول ویران گردیده است. موطن شاعر با ذوق امیر فخرالدین محمود بن یمن الدین معروف بابن یمن فرومدی

همین قصبه بوده است. ابن شاعر در سال ۶۸۵ هجری متولد و در روز شنبه هشتم جمادی الاخر سال ۷۶۹ فوت و در وطن خود مدفون شده. مقبره او اکنون جزء آثار تاریخی این منطقه است.

دیگر از بناهای قدیمی فرومد مسجد جامع آنست که کاشیهای بسیار زیبایی داشته



شاگردان دبستان این یمین فرومد و نمای مسجدی که در قرن هفتم ساخته شده است

و از آثار قرن چهارم هجری میباشد. امروزه فرومد قصبه کوچکی پیش نیست که ۱۰۵ کیلومتر بامیامی و ۲۲ کیلومتر با داورزن و ۶۳ کیلومتر با عباس آباد فاصله داشته و ۳۶۰۰ نفر جمعیت آن از زراعت و گله داری امرار معاش میکنند. در ۷۲ کیلومتری مشرق میامی آبادی دیگری بنام عباس آباد واقع است که بعلمت داشتن معادن مس فراوان معروف گردیده و جاده شوسه تهران مشهد از میان آن میگذرد.

در این ده یک کارخانه ذوب مس و یک کارخانه برق و شعبه پست و تلگراف و شعبه نفت و پاسگاه ژاندارمری وجود داشته همچنین دارای کاروانسرای بسیار بزرگی است که بنای آن تاریخی و از قرن یازدهم هجری میباشد.

آبادیهای دهستان فرومد بقرار زیر است :

فرومد، عباس آباد، استرید، فیروز آباد بالا، فیروز آباد پایین، کلانه - سادات، کلانه ملا، مسیح آباد، حسین آباد، قلعه صدر آباد، مزرعه حاج حسن، الهاک، عیش آباد.

۴- دهستان فردین - شمالیترین قسمت بخش میامی بعلمت واقع بودن در دامنه

جبال البرز سردسیر است چشمه سارانی که از این کوهستان سرچشمه میگیرند اراضی نردین را مشروب مینمایند. محصول عمده آن غلات و لبنیات و چوبهای جنگلی میباشد . مردم این دهستان عموماً بلهجه های فارسی و ترکی تکلم مینمایند مرکز آن که در ۸۰ کیلومتری شمال میامی قرار دارد و خط تلگراف بجنورد ، جاجرمد ، شاهرود از آن گذشته و دارای پاسگاه ژاندارمری است . قراء این دهستان بقرارزیراست . حسین آباد ، نردین ، حق الخواجه ، دشت شاه ، قوشه ، دگرمان ، کمردار ، کنسلو ، نام نیک ، گرناک ، تلوین .

۴- قراء اربعه - که در شمال غربی میامی قرار گرفته شامل : جیلان ، خبیج ، کلانه خبیج ، مزج میباشد .

۵ : بخش بیارجمند - مرکز آن «بیار» و در جنوب شرقی شاهرود و مجاور دشت کویر قرار گرفته و دارای دودهستان بنام بیارجمند و خوار طوران میباشد . بملت مجاورت با کویر آب و هوای آن در تابستان گرم و در زمستان معتدلست .

باستانهای بعضی نواحی بیارجمند که کوهستانی است اراضی این ناحیه شزار و کم آب و زندگی ۱۰۰۰۰ سکنه آن از زراعت و گلهداری تأمین میشود . محصول عمده آن تنباکو و پنبه و غلات و لبنیات و پسته و بادام است . هنگام زمستان کردهای قوچانی و طایفه سنگسری احشام خود را برای چرا بر مراتع این حدود میآورند .

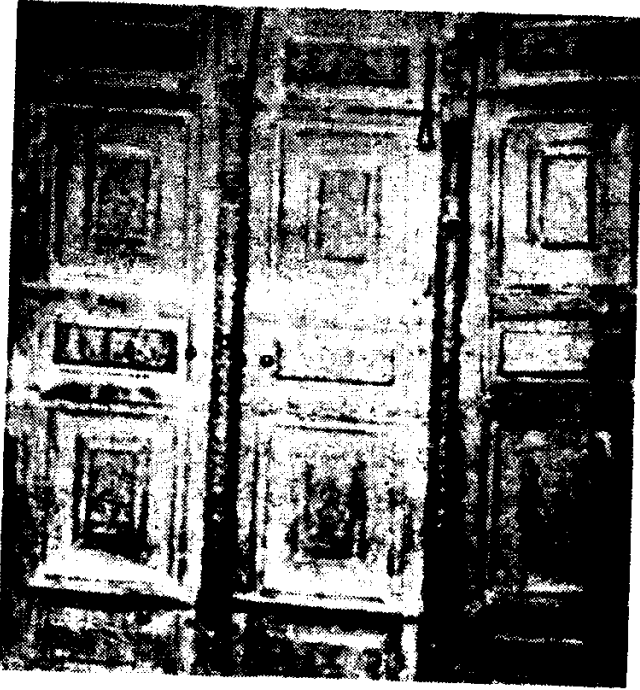
مهمترین آبادی این بخش بیارجمند است که بفاصله ۱۱۴ کیلومتری جنوب شرقی شاهرود و ۴۲ کیلومتری جنوب زیدر واقع شده و یکی از نواحی تاریخی شهرستان بشمار میرود . چنانکه در ده دزیان واقع در ۱۸ کیلومتری مشرق این قصبه خرابه های حوض بسیار بزرگی موجود است که از آثار قرن ششم هجری بوده و مربوط با سمعیلیه میباشد . از چندین سال قبل شعبه دخانیات و آمار و صندوق پست و ادارات بخشداري ژاندارمری در این آبادی تأسیس شده و معروفترین محصول آن تنباکوست که در شهر شاهرود به تنباکوی بیاری مشهور میباشد .

تقسیمات این بخش بقرارزیراست :

۱- دهستان بیارجمند شامل : بیار ، خانه خودی ، دزیان ، دستجرد ، طاهرآباد ، غزازان قلعه بالا ، قلعه احمد ، کلانه دلبر ، گیور ، یزد و مزارع امین آباد و توبره پشتو و پهن نواب و چند مزرعه دیگر جزء این دهستان است .

۲- دهستان خوار و طوران شامل آبادیهای : ابولحسنی ، احمدآباد ، باغستان ، برم ، پشت آسمان ، تقمر ، جعفرآباد ، چاه مرئی ، حجاج ، حصارو ، خسوار ، درازو ، دژواهنک ، رباط زنک ، زمان آباد ، زیور ، سالک ، صالح آباد ، عشقوان ، فری در ، فرینو ، کاریز ، گرم آب بالا ، گرم آب پایین ، نارستانه ، ناهر ، نوه و مزارع کلانه امیری و کلانه ری و کلانه تورنجا و چند مزرعه دیگر جزء آنست .

شاهرود - شهر شاهرود در ۳ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی نصف النهار تهران واقع شده و در تقسیمات کشوری جزء شهرهای استان دوم بشمار میآید .



در مسجد بایزید که از آثار بسیار عتیق بسطام است

وجه تسمیه شاهرود را باستناد قول معربین میتوان رودخانه خشک و بی آبی دانست که فقط در فصل بهار از سیلابهای موقت پر شده از سمت شرقی شهر میگردد. سابقا مرکز این ناحیه که شامل سرزمینهای بین سبزوار و دامغان میشد شهری بود بنام بسطام که هم اکنون بقایای آن بصورت قصبه بزرگ زیارتگاهی که مدفن امامزاده ای است و آرامگاه سلطان العارفین بایزید بسطامی در آن بنا شده است در ۶ کیلومتری شمال شرقی شاهرود دیده میشود.

بطوریکه از نوشته های مورخین و گفتار معربین و سالخوردگان محلی استنباط میشود شهر شاهرود سابقه تاریخی طولانی نداشته و اولین بناهای آن مقارن سلطنت صفویه و در زمانی بوده است که بدستور شاهان صفوی دستجات مسلح طوائف کرد برای مرزبانی و حفاظت سرحدات شمال شرقی ایران در مقابل هجوم ازبکان بنواحی خراسان روانه شده اند.

یک روایت قدیمی که نویسنده از زبان یکی از روحانیون سالخورده این شهرستان (مرحوم حاج شیخ مرتضی کبیریان) شنیدم حاکی است که برای اولین مرتبه دسته ای از این سلحشوران کرد که از قسمت غربی شهر کنونی که سابقا چشمه ساری پیش نبوده میگذاشته اند

و بمناسباتی که دقیقاً روشن نیست در آنجا متوطن شده و پس از چندی قلعه‌ای ساخته بکشت و زرع پرداخته‌اند. کم‌کم این قلعه کوچک و کم جمعیت بمناسبت تردد فراوان مسافران و زائران علی بن موسی الرضا علیه‌السلام توسعه یافته و بصورت دهکده‌ای بزرگ درآمد. آنچه مشخص است برای اولین دفعه امیدعلیخان کرد در عمران و آبادی این قصبه کوچک کوشیده است.

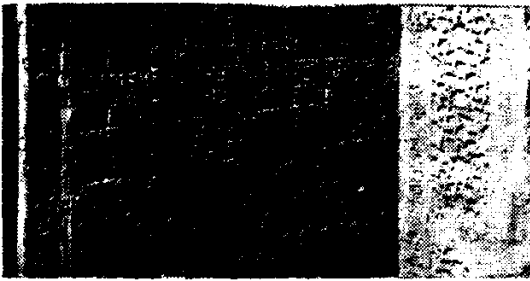
با توجه بمطالب مذکور و زمان تأسیس واقراض صفویه چنین بنظر میرسد که ساختمان اولین بنای شاهرود در فاصله سالهای ۹۰۵ تا ۱۱۳۵ هجری شروع گردیده است و باستناد همین مطلب میتوان گفت که در حدود ۴۰۰ سال از تاریخ بنای این شهر می‌گذرد.

از این زمان تا عهد سلطنت قاجاریه که فتحعلیشاه محمد صالح خان پسر قادرخان و برادرزن خود را بنام حاکم باین قصبه فرستاد روایت روشنی از تاریخ شاهرود در دست نیست. محمد صالح خان حاکم شاهرود در آبادی و پیشرفت این قصبه کوچک زحمات فراوان کشید و میتوان گفت که بر اثر خدمات او کم‌کم شاهرود در ردیف شهرهای شمالی ایران دو آمد.

در اوایل پادشاهی سلاطین قاجار، بمناسبت موقعیت طبیعی مناسب و رفت و آمد مسافران و بازرگانان شمال و مشرق ایران و نزدیکی به بنادر دریای خزر (بندر گز) که مرکز تجارت باروسیه تزاری بود براهیت و اعتبار این شهر افزوده شده نمایندگان گنجه‌ای (طومانانسانس و اگنت) و بنگاههای بازرگانی و چاپارخانه‌های فراوان در شاهرود تأسیس گشت که هنوز خرابه‌های قسمتی از آنها در دو طرف خیابان غربی شهر باقی است. از قرائن چنین پیداست که بازار شهر نیز در همان زمان ساخته شده است.

در اواخر دوره قاجاریه بمناسبت انقلاب مشروطیت و هرج و مرجی که بهمین علت در تمام نواحی کشور بوجود آمد روابط بازرگانی با کشورهای خارجی خصوصاً روسیه تزاری از صورت عادی خارج شده فعالیت بازرگانان و تجار چهار وقفه و تعطیل گشت و از اهمیت و اعتبار و ترقی مداوم این شهر نیز کاسته شد. تا اینکه در اوایل دوران سلطنت اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر شهر شاهرود نیز مانند سایر شهرستانهای کشور از مظاهر تمدن جدید برخوردار شده با ایجاد مؤسسات فرهنگی و ادارات دولتی و احداث خیابانهای جدید و ساختمان کارخانه برق و اتصال راه آهن گرمسار بشاهرود و ایجاد فرودگاه کشوری اهمیت و اعتبار سابق خود را بدست آورد.

هم‌اکنون شاهرود شهر زیبا و خوش آب و هوایی است که بر سر راه تهران بمشهد واقع شده و روز بروز براهیت آن افزوده میگردد. نو تقسیمات کشوری این شهر جزء استان دوم است ولی ادارات آن عملاً مستقل و مستقیماً بامرکز ارتباط دارند.



نمونه‌ای از گچ بری  
سردر ورودی صحن  
امامزاده محمد

جمعیت آن در حدود ۱۸۰۰۰ نفر و وضع عمومی مردم از حیث معیشت مناسب بوده و بیشتر بکارهای کشاورزی اشتغال دارند.

اکثر مردم در اطراف یا داخل شهر مالک قطعه زمین یا باغی هستند که معمولاً در آن بیروزش درختان زردآلو و انگور که دو میوه بومی و پردرآمد این منطقه است، اشتغال داشته، از این راه هزینه زندگی خود را تأمین مینمایند.

آب آشامیدنی شهر سنگین و آلوده بوده از طرف شهرداری فعالیتهای زیادی برای تهیه آب بهتر و گوارا تر بعمل میآید. خانواده‌هایی که قادر بتحمل هزینه بیشتری بوده به بهداشت افراد خود علاقمندند از آب اردبان که سبکتر و پاکتر از آب شهر است استفاده میکنند.

خیابانهای اصلی شهر آسفالت و همگی از میدان فلکه (میدان مجسمه) منشعب می‌شوند.

خیابانی که از ایستگاه راه آهن میدان فلکه متصل میشود خیابان رضاشاه کبیر نام دارد که طول آن بالغ بر ۵ کیلومتر است. ادارات قندوشکر و دخانیات در این خیابان واقع شده‌اند.

خیابان فردوس بطول ۲/۵ کیلومتر میدان فلکه را بسرچشمه که راه شوسه مشهد و گرگان از آن جدا میشوند وصل میکند.

بیشتر ادارات دولتی مانند فرمانداری و شهرداری، جنگلبانی، اداره نظام وظیفه، ژاندارمری، بهداشتی، فرهنگ، دارائی، اداره راه شوسه، آمار، بی‌سیم، هوا - شناسی، پست و تلگراف، نمایندگی شرکت بیمه، بانک کشاورزی، شهر بانی، دادگستری بانک ملی، و ساختمان شیرخورشید سرخ در این خیابان واقع شده، تحقیقا با صفاترین گردشگاههای شهر بشمار میآید.

خیابان غربی که بغیابان مزار معروف است میدان فلکه را بگورستان شهر مربوط ساخته مرکز عمده دادوستد شهر شاهرود میباشد. قسمت اصلی خانه‌ها و محلات قدیمی شهر در شمال و جنوب این خیابان قرار گرفته‌اند.

خیابان جنوب غربی که بغیابان تهران موسوم است ۱/۵ کیلومتر طول دارد و برآه شوسه تهران منتهی میشود.

بیشتر بنگاههای مسافر بری و اداره اوقاف و پاسگاه سوار شهر بانی و جایگاه فروش بنزین و نفت گاز و میدان ورزش شهر در این خیابان قرار دارند.

در شهر شاهرود ۷۰۰ مغازه، یک کتابخانه عمومی، سه دبیرستان، پنج کلاسه، ۸ دبستان پسرانه، ۵ دبستان دخترانه، یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی دولتی ۲ درمانگاه، یک بخش تزریقات و بانسمان، ۳ داروخانه رسمی، ۲ چاپخانه، یک مهمان خانه درجه یک، ۱۰ کاراژ، در حدود ۳۰ مسجد، تقریباً ۲۰ حمام وجود دارد.

در مؤسسات بهداشتی این شهر ۶ پزشک دیپلمه، یک دندان پزشک دیپلمه، یک خانم قابله دیپلمه، و یک پزشک فنی بکار اشتغال دارند.

جمعیت شیروخورشید سرخ شاهرود از ده سال پیش در این شهرستان تشکیل شده تاکنون اقدامات مهم بهداشتی نموده است ولی پیشرفت عمده آن مربوط به دو سال اخیر است. جمعیت کنونی شیر و خورشید سرخ در مهرماه ۱۳۳۴ تشکیل شده و با فعالیتهای مداوم خود تاکنون منشأ خدمات مهمی گردیده است.

تأسیساتی که بوسیله این هیئت بوجود آمده عبارتند از: ساختمان اداره مرکزی جمعیت که در سال ۱۳۳۶ خانمه یافته و از نظر ساختمان عجالتاً در این شهر بی نظیر و دارای سه طبقه است و بخشهای آزمایشگاه، اندرزگاه، زایشگاه و مامائی، درمانگاه عمومی، داروخانه، بخش تزریقات بانوان، بخش امور اداری، بخش تبلیغات، و سازمان جوانان در آن عملاً مشغول فعالیت و کار شده اند. در این بخشها دو پزشک دیپلمه و یک مامائی



نمونه ای از گنچ بری مسجد جنب امامزاده محمد



نمونه ای از گنچ بری محراب مسجد بایزید





دیلمه و یک خانم بهیار و یک خانم پزشکیار و یک کمک داروساز تحصیل کرده و یک کارمند دفتری و سه خدمتگزار بکار مشغولند .

کوجه‌ها و محلات شهر شاهرود تنگ و نامنظم بوده ، روی اسلوب صحیحی بنا نشده‌اند .

قدیمترین محلات شهر محله‌های زیر عبارت ، بید آباد ، محمدآباد ( منداآباد ) شریعت ، چهار سوق ، مسجد جامع ، قلمه ولی آباد ( قلعه ولووا ) و شیدری میباشند که در قسمت غربی شهر واقع شده‌اند .

**اوضاع صنعتی شاهرود** - اصولاً شاهرود منطقه‌ای کشاورزی بوده صنایع جدید در آن پیشرفتی نکرده است .

صنایع آن محدود بکارهای دستی و نساجی در روستاها و دهستانها بوده در خود شهر جز کارهای حرفه‌ای و ساختن ظروف سفالی که توسط چند نفر همدانی علی میشود از صنایع دیگر خبری نیست .

در دهستانهای طرود و بیجارچمنند بافت برک و کر باس و چادر شبهای ابریشمی و کر باسی رواج داشته اهالی زیر استاق در بافتن چادر شب مهارت مخصوص دارند .

در قصبه عباس آباد از توابع میامی ساختن تسبیح و ظروف زیر سیگاری و نی سیگار از سنگ پادزهر معمول و گاهی اشیاء ظریف و زیبایی بین آنها دیده میشود . در شهر شاهرود چند کارگاه قالی بافی دایر است که از سالها قبل تأسیس شده

و تا کنون تعداد زیادی قالیهای مرغوب و خوش نقش بیازار آورده است . کارگاه جدید قالی بافی در سال ۱۳۲۹ مشغول بکار شده در ابتدای امر کارگاههای جوراب بافی و نغریسی هم جزء آن بوده ولی فعلاً از کارگاه قالی بافی آن که ۸ دستگاه بافت و ۳۶ نفر کارگر دارد استفاده میشود . در این کارگاه ماهیانه ۱۲ متر قالی تهیه و آماده فروش میگردد .

غیر از کارگاه فوق چهار دستگاه قالی بافی دیگر نیز در محله شیدری مشغول بکار است که محصول ماهیانه آن ۶ متر است و ۱۸ نفر کارگر در آن کار میکنند .

**روغن گیری** - از سالیان دراز کارخانه‌های دستی روغن گیری از دانه‌های نباتی در این شهر دایر بوده است . وسائل روغن گیری کاملاً بدوی توسط یک چرخ دوار با نیروی اسب و یا گاو بگردش درآمده از دانه‌های کرچک و کنجد روغن بدست می‌آورد . هم اکنون چهار دستگاه روغن گیری از این نوع در شاهرود مشغول بکار است .

**صابون سازی** - قدیمترین کارخانه صابون سازی شاهرود که با وسائل دستی وبدون کمک موتور مشغول بکار است فقط بتهیه صابونهای حمام مبادرت می‌ورزد . مواد اولیه کارخانه از چربی دامها تأمین شده بهترین نوع صابون حمام مشرق ایرانرا بشام ( صابون حاج رجیبی ) ساخته و آماده فروش می‌سازد . صابون حاج رجیبی در نواحی خراسان معروفیت و شهرت خاصی داشته ، در طی مدت چندین سال از مرغوبیت و خوبی آن کاسته نشده است .



نمونه‌ای از گنج‌بری  
دالان ورودی  
بصحن

کبریت‌سازی- در سال ۱۳۱۴ بهمت چند تن از آذربایجانیهای مقیم شاهرود کارخانه کبریت سازی بزرگی در این شهر تأسیس شد که بمناسبت وفور چوب سپیدار و وجود کارخانه های دستی باروت سازی روز بروز بر اهمیت و اعتبار آن افزوده می‌شود. کارخانه نامبرده کبریت‌های خود را درجه کوچک چوبی و باعلامت مخصوص به بیشتر شهرستانهای مجاور صادر مینماید. حد اکثر محصول کبریت این کارخانه روزانه ۱۰۰ پاکت ۱۰۰ عددیست که مجموعاً ۱۰۰۰۰ جبه کوچک کبریت در آن بسته بندی شده است. از چند سال پیش چند کارخانه موتوری چوب بری در این شهرستان بکار افتاده اند که فعلاً یکی از آنها بکار خود ادامه میدهد. نیروی محرکه کارخانه بوسیله برق شهر تأمین میشود.

کارخانه برق- در سال ۱۳۰۹ برای اولین بار توسط مرحوم حاج محمد حسن اخیانی کارخانه مولد برق در این شهر بکار افتاد. بعداً در طی سالهای ۱۷-۱۳۱۶ کارخانه سابق بشرکت سهامی روشنائی شاهرود که بهمت چند تن از تجار و معاریف شهر تأسیس شده بود واگذار گردید.

شرکت نامبرده با خرید موتور و لوازم سیم کشی و استخدام مهندس مجرب روشنائی شهر را سر و صورتی داده بوضعی آبرومند در آورد.

شرکت روشنائی در طی چند سال عمر خود با ترتیب و تنظیم روشنائی شهر رضایت کامل اهالی را فراهم می‌آورد ولی بواسطه ازدیاد تقاضا و عدم سرمایه و وسائل کافی شرکت نتوانست بکار خود ادامه دهد تا اینکه در سال ۱۳۳۰ شهرداری سهام شرکت روشنائی را خریداری و مستقیماً اداره امور کارخانه را بعهده گرفته است.

از آن سال تا کنون با کمک و مساعدت سازمان برنامه و فعالیتهای شهرداری سه موتور مولد برق بر موتورهای سابق اضافه شده و فعلاً ۴ مولد مشغول بکار و یکی هم غیر قابل استفاده است.

مجموع نیروی موتورهای کارخانه بالغ بر ۵۸۵ اسب بخار بوده و ۴۰۲ کیلو وات برق تولید مینماید.

**آبهای شهر** - آب این شهر ازدورشته قنات بنام سیل وجلالی تأمین میگردد  
آب این قنوات که بصورت واحدی اداره میشوند شامل سه رشته مهم بنام مسجدو وکلاغ  
آشیان وجلالی میباشد .

منشاء آبها، انتهای صحرای جلالی است که در شش کیلومتری شمال شهر واقع  
شده و بزرگترین منبع آب شهرستان محسوب میشود . آب قنوات مزبور در انتهای  
خیابان فردوس مقابل باغ سرچشمه ظاهر شده وارد جایگاه تقسیم آب یا مقسم میگردد  
و از این نقطه آب آن طبق مقررات معینی بین باغداران و زارعین توزیع میشود . مقدار  
آب آن در حدود ۲۰ سنک یعنی یازده دهنه یا بقول اهالی یازده بلوک است . تمام آب  
آن در شهر مصرف نمیشود بلکه يك دهنه آن بقریه باغندان و سه دهنه برای شرب  
اراضی قلعه نو و فرح آباد و قلعه عضدی و اسدآباد و هفت دهنه آن اختصاص بمصرف شهر  
دارد .

قسمت بیشتر آبی که داخل شهر میشود در باغها بمصرف آبیاری درختان زردآلو  
و انگورو گیلاس و غیره میرسد فقط مقدار کمی از آنرا بزراعت میبرند . سابقاً تاده کیلو  
متری جنوب شهر زراعت میشده ولی اکنون بواسطه کثرت باغستانهای میوه و کمی  
آب زمینهای زراعتی سابق بلااستفاده مانده و اهالی از حیث آب در مضیقه هستند ، در  
سه چهار سال قبل برای ازدیاد آب شهر از طرف شهرداری و سازمان برنامه اقداماتی  
بعمل آمد که تاکنون نیز ادامه داشته و امید میرود در آینده نزدیکي به نتیجه برسد .

آبادهای مجاور شهر بوسیله چند رشته قنات که معروفترین آنها قنوات اردیان  
ومغان ، یونس آباد ، رویان و دزج میباشد مشروب میشود که منشاء تمام این قنوات  
باستثناء قنات دزج همان صحرای جلالی است .

۱- قنات اردیان ومغان که بنام قنات چهارباغ معروفست چهارسنک آب دارد  
و آب آن نزدیک محلی بنام چنار سوخته مجاور قریه باغندان ظاهر و آماده بهره  
برداری میگردد و تقریباً نلک آب قنات نامبرده بیشتر بقره اردیان ومغان نمیرسد .

۲- قنات یونس آباد که از وسط قریه باغندان گذشته ، مقدار آب آن سه سنگ  
است . آب این قنات هم قبل از آنکه بده مزبور برسد مصرف شده بیش از خمس آن  
واردده یونس آباد نمیشود .

۳- قنات دزج که منشاء آن اول خیابان امیریه واقع در شمالشرقی شهر بوده  
و اراضی قریه دزج و امشروب میسازد آب آن سابقاً از شکاف سنگی در محل تل خاکستر  
بنام (درزدزج) خارج میشده ولی فعلاً از رشته چاله بی که اقلاً ۲۰ متر از قنوات مجاور  
خود عمیق تر است بیرون میآید و در حدود چهار پنج سنک آب دارد . میگویند استعداد  
آب این رشته زیاد است .

۴ - قنات رویان که در حدود ۱۲ سنگ آب دارد و از محلی بنام (تکه غار) در مشرق صحرای جلالی سرچشمه گرفته بعد از رسیدن بقل خاکستر بسمت جنوب جاری میشود زمینهای زراعتی زیر استاق را مشروب میکند .

### اوضاع اقتصادی شاهرود

محصولات کشاورزی - شهرستان شاهرود منطقه ای فلاحی است که در کشتزارها و باغهای آن انواع و اقسام محصولات کشاورزی به بل میآید. در میان فر آورده های گوناگون محصول درختان میوه که منبع عمده درآمد مردم بوده و قسمت مهمی از صادرات این شهرستان را تشکیل میدهد حائز اهمیت بیشتری است .

بیشتر مزارع و باغها از آب قنات مشروب شده فقط کشتزارهای مجاور رودها و دهکده های کوهستانی از رودخانه ها و چشمه ساران استفاده میکنند .

با وجود اینکه مقدار آب این منطقه از اغلب مناطق فلاحی کشور بیشتر است معذالك كثرت زمینهای زراعتی و ازدیاد باغستانهای میوه باندازه ایست که روز بروز احتیاج همگانی باین مایع حیاتی بیشتر احساس میشود .

طریقه شخم و شیار زمین با همان روش قدیمی یعنی استفاده از گاو آهن انجام میگردد ولی در سالهای اخیر باراهنما میهای مفید وزارت کشاورزی و ایجاد شرکت های عمرانی روستائی و فروش ماشینهای فلاحی با قساط طویل المدت بروستائیان و سایر تبدیل روش قدیم بسیستم نو و تهیه و ترویج بذر و محصول بهتر و زیاد تر فراهم شده است .

نباتاتی که در نواحی مختلف این شهرستان کاشته میشوند عبارتند از: غلات ، بقولات ، نباتات صیفی ، سبزیجات ، سیب زمینی ، درختان میوه و گیاهان صنعتی .

۱- غلات: گندم - یکی از فر آورده های مهم کشاورزی این شهرستان گندم است که در اکثر قراء و قصبات و زمینهای مجاور شهر بخوبی عمل میآید و جنس آن بسیار مرغوب میباشد. ولی در بعضی سالها بی ترتیبی بارانهای موسمی و خشکی هوا و آفات مختلف مانند ملخ و زنک و سن باعث تقلیل و نقصان محصول میگردد .

عمل شخم و بذر افشانی در دو موقع سال انجام میگردد. یکی کشت پائیزه که که بتدریج از اول مهر تا آخر آذرماه عمل کشت انجام شده و در اواخر خرداد درو و جمع آوری میشود، دیگری کشت بهاره که در اوایل فروردین کاشته شده و در تیرماه جمع آوری میشود .

معمولا دو نوع بذر بومی از سایر اقسام بذر بیشتر مورد استفاده برزگران قرار میگردد .

یکی بذر گندم کلک و دیگری بذر گندم خوار. بذر کلک در نقاط کم آب و خشک

و بذر خوار در نواحی پر آب و مرطوب کاشته میشود و بهمین جهت میزان محصول کندم کلک سی درصد از کندم خوار کمتر است .

تاز گیها بذر مرغوب دیگری بنام شاه پسند که گویا يك بذر آمریکائی است در دسترس کشاورزان گذاشته شده که از هر حیث رضایت خاطر آلمان را فراهم نموده است.

نقاط مهم کندم خبز شاهرود عبارتند از، دهستانهای زیر استاق و پشت بسطام و میامی که تقریباً بیشتر آذوقه شهر را تأمین مینمایند. برداشت محصول کندم بطور متوسط در هر جریب (۱۲۵۰ متر مربع) ۲۲۵ کیلوالی ۳۰۰ کیلو بوده و تقریباً تخمی ۱۵ تا ۲۵ تخم بهره میدهد، بعضی نواحی از این قاعده مستثنی است. میزان کاشت بذر در هر جریب ۱۵ تا ۲۴ کیلو تغییر میکند. محصول سالیانه کندم این شهرستان در حدود ۲۰۰۰ تن است.

طرز تقسیم محصول غلات مابین مالک و دهقان طریقه پنج يك است بدینگونه که از پنج قسمت محصول چهار قسمت و امالك و يك قسمت را دهقان بر میدارد.

چورا نیز بطریق کندم با تغییر موعد کاشت میکارند ولی وسعت مزارع آن پیاپی کشتزارهای کندم نمیرسد. میزان محصول جو ناچیز است و اغلب صرف تغذیه دامها می شود.

ارزن در مناطق کوهستانی بسیار کم و فقط برای تغذیه ماکیان و روستائیان کاشته میشود محصول تقریبی سالیانه آن ۲۰۰۰ تن است.

سیب زمینی - سیب زمینی از محصولات قابل توجهی است که بمناسبت درآمد فراوان و ارزش غذایی فوق العاده بیشتر مورد توجه و علاقه روستائیان این منطقه واقع شده است.

تا قبل از جنگ بین الملل دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) که کمبود مواد غذایی چندان محسوس نبود سیب زمینی فقط در بسطام و مزارع اطراف بمقدار بسیار کم کاشته میشد ولی بعد از وقایع تاسف آور شهریور ۱۳۲۰ و ورود سربازان همسایه شمالی و جنوبی باین منطقه کثرت سپاهیان بیگانه و ازدیاد تقاضا و کمی عرضه مردم را بکشت سیب زمینی و توسعه کشتزارهای آن تشویق کرد. بطوریکه اکنون هم پس از گذشت سالیان متمادی سیب زمینی از مواد صادراتی مهم این شهرستان بشمار میآید.

کشت سیب زمینی بیشتر در دامنه شنی کوهستانها که محیط مناسبی برای رشد و تکثیر آنست عملی میگردد. مرکز مهم کاشت این محصول کوهپایه های پشت بسطام است و بهترین نوع و لذیذترین اقسام آن در مچن بعمل میآید.

کشت سیب زمینی از اوایل فروردین تا اوایل اردیبهشت ادامه داشته برداشت محصول آن در آبانماه انجام میشود.

میزان برداشت محصول آن بطور متوسط از هر جریب ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلو گرم است.

محصولات متفرقه غذایی بجز محصولات نامبرده نباتات دیگری از قبیل انواع سبزیجات، پیاز، هویج، چغندر، گوجه فرنگی نیز در دهستانهای و باغهای اطراف شهر کاشته میشود.

کشت و تربیت این نباتات مستلزم زحمت زیاد و مراقبت کافی میباشد. محصول سالیانه پیاز که بیشتر در بسطام بعمل میآید در حدود ۳۰۰ تن است که تقریباً دو سوم آن بمصرف داخلی رسیده، بقیه به شهرستانهای دیگر کشور فرستاده میشود.

هویج که در شاهرود بنام «گزر» خوانده میشود در همه نواحی بخصوص در «تل» که از دهات جنوبی است بعمل میآید. هویج تل دارای رنگ قرمز تیره و طعم مخصوص و شیرین مطبوعی است. مقدار محصول هویج از ۳۰۰ تن تجاوز میکند.

چغندر فقط بمقدار مصرف و جهت تغذیه دامها کاشته میشود مقدار تقریبی محصول آن در حدود ۴۰۰ تن است.

محصولات صیفی از قبیل خیار و بادمجان و کدو و خربوزه و هندوانه و طالبی در بیشتر نقاط بعمل آمده کشت آنها مانند سبزیجات بکود زیاد و زحمت و مراقبت فراوان احتیاج دارد.

موعدا کاشتن آنها از اوایل بهار شروع شده و محصول آن تکافوی مصرف اهالی را نمیکند بهمین جهت کسری احتیاجات عمومی از سایر نقاط کشور تامین میگردد.

درختان میوه - خاک حاصلخیز و آب و هوای مناسب این شهرستان برای رشد و نمو اقسام درختان میوه و فراوانی محصول آنها استعداد بسزائی دارد.

بطور کلی انواع درختان میوه، زردآلو، انگور، گیلان، هلو، آلبالو، سیب، کلابی، آلو، گردو، توت، انجیر، انار، سنجد، بسته و بادام در این شهرستان بعمل میآید.

غالب باغداران و زارعین بزردآلو و انگور که فرآوردههای کالیفرنی شده و تازه آنها از صادرات عمده این شهر است توجه خاصی دارند.

زردآلود - میوه درخت زردآلو که بطریق مخصوص کالیفرنی شده و بخارج کشور حمل میشود رقم برجسته در آمد عمومی زارعین و خرده مالکین این شهرستان را تشکیل میدهد.

استقبال عجیب بازرگانان اروپا خصوصاً مردم آلمان از این فرآورده که محصول ممتاز و عالی آن در این شهرستان تهیه میشود بعدی است که علاقه باغداران بتربویج و تکثیر محصول و باغستانهای آن روز بروز رو بترقی است.

دقت و فعالیت شایان توجهی که مردم این شهرستان در امر پرورش و تهیه این محصول مبذول میدارند علاوه بر تحصیل منفعت و درآمد خصوصی در پیشرفت اقتصاد کشور و ازدیاد ارز دولت تأثیر فراوان دارد.

کاشت و تربیت درختان زردآلو در دوره اول محتاج مراقبت فراوان بوده و

در سالهای بعد بجز آبیاری مرتب و کندن زمین احتیاج بمواظبت دیگری ندارد. معمولا این درختان بین ۵۰ تا ۸۰ سال قابل استفاده و بهره برداری هستند. بهره برداری از درختان زردآلو از اوایل تیرماه شروع شده ۳۰ تا ۴۰ روز طول میکشد. ابتدا زردآلوهای رسیده را با تکان دادن شاخه در چادر و گاهی روی زمین جمع آوری نموده و بعدتک تک از وسط نصف مینمایند و پس از خارج نمودن هسته آن در ظرفهای چوبی مستطیل شکل مخصوصی که «طبق» نامیده میشود بهن نموده و پس از دوا زدن بکوره میبرند.

کوره‌های کالیفرنی معمولا اطاقهای تاریکی هستند که بجز يك در کوتاه منفذ دیگری ندارند.

ابتدا طبق‌های آماده را که در آنها برگ تازه و بر آب چیده‌اند در داخل کوره روی هم قرار داده ظرفی را که درون آن مقداری گوگرد و زغال افروخته نهاده‌اند در زیر طبق‌ها جای میدهند و درب تنگته‌ای کوره را با کاهگل محکم و بدون روزنه مینهند و بعد از ۵ یا ۶ ساعت درب را باز نموده طبق‌ها را بافتاب میبرند تا خشک شود. بدین ترتیب برگه معروف کالیفرنی آماده عرضه بیابازار میشود.

بازرگانان برگه پس از خرید دوباره با دقت زیاد آنها را شستشو نموده و در جمبه‌های ۱۲/۵ کیلوئی لغاف شده جای داده برای صدور حاضر میسازند.

طریقه کالیفرنی کردن برگه زردآلو در دوره سلطنت اعلیحضرت فقیدرضا شاه کبیر (۱۳۱۰) توسط میرحسن تبریزی که دراستخدام تجار تخانه مرحوم حاجی محمد حسن اخیانی بود بیابغانان و باغداران این شهرستان آموخته شد.

همانطور که گفته شد مهمترین بازار فروش برگه کالیفرنی شده شاهرود بندر هامبورگ در شمال کشور آلمان است. زردآلهای فاسد و نامرغوب را پس از جمع آوری بهمانصورت در آفتاب خشک کرده و بنام بلبلی در بازار داخلی فروش میسازند. تنها آفت عمومی درختان زردآلو سرمازدگی است که هرچند سال یکمرتبه باعث ضرر هنگفت باغداران میشود.

<sup>۱</sup>مجموع برگه کالیفرنی شده شاهرود سالانه به هزار تن میرسد که در ۲۴۰۰۰ جمبه بسته بندی شده و بخارج حمل میگردد.

هسته زرد آلو و مغز آن مانند برگه از فراورده‌های صادراتی این شهرستان بوده میزان محصول آن با زردآلوی حاصله نسبت مستقیم دارد. بطور تقریب هر سه تن زرد آلو دارای ۳۰۰ کیلو هسته بوده و هر ۳۰۰ کیلو هسته ۱۰۰ کیلو مغز خالص دارد.

بزرگترین مراکز پرورش درختان زرد آلو بهشهای زیر استاق و پشت بسطام هستند.

درخت مو - مودر این شهرستان بنام (تك) مخفف تارك خوانده میشود بعد از درخت زرد آلو پر در آمد نرین میوه ایست که در باغستانهای این منطقه تهیه و تربیت میشود.

تا کستانهای وسیع اطراف شهر و زمینهای جلگه ای روستاهای بخش زیر استاق مرغوبترین انگور این منطقه و شاید عالیترین نوع آنرا در مزارع مشرق ایران بوجود میآورند.

تکثیر و ازدیاد تا کستانهای هر ساله بوسیله خوابانیدن ساقه های مو که در اصطلاح محلی هر یام نامیده میشود صورت میگیرد. برای این کار ابتدا در پسای موی کهنسال گودالی طویل بمق ۲ تا ۲/۵ متر حفر نموده و ساقه ضخیم آنرا بطور افقی در کف گودال میخوابانند سپس چند ساقه جوان یکساله آنرا از انتهای حفره بیرون گذاشته و گودال را از خاک نرم پر میکنند.

ساقه جوان یکساله در ظرف سه سال آینده تبدیل بیک موی جوان و بارور میگردد. موهارا بدو طریق برای بهره برداری آماده میسازند :

۱- برای استوار داشتن ساقه نرم و قابل انعطاف مو، معمولا پایه ای از چوب کاج جنگلی در پای آن کار میگذارند که طاق و نگهداری خوشه های متعدد انگور را داشته باشد.

۲- طریقه دیگر بنام جفت یا جفته نامیده میشود، برای این کار دار بس تهای طولانی و عریض در تا کستانها بوجود میآورند که ساقه های بلند مو را بروی آنها کشیده و میبندند. معمولا انگور پایه از جفت مرغوبتر و شاداب تر است. از انگور کشمش مشروبات الکلی - انواع سرکه و خوشاب بدست میآورند.

بمناسبت فراوانی انگور و ارزانی آن کارخانه بزرگ مشروب سازی الکل بنام کارخانه ماسیس از ۲۰ سال قبل در این شهرستان تاسیس شده که انواع و اقسام مشروبات الکلی و الکل صنعتی در آن تهیه میشود. شراب شاهانی و عرق مخصوص شاهرود نزد میخواران محبوبیت خاصی داشته بهمین مناسبت بیشتر محصولات این کارخانه بخارج حمل میگردد.

محصول سالیانه انگور شاهرود بالغ بر ۳۰۰۰ تن است که ده درصد آن در محل مصرف شده و بقیه بشهرستانهای استان مرکزی و مازندران و گرگان حمل میگردد.

در این شهرستان بیش از چهارده قسم انگور عمل میآید که نوعی از آن بنام فخری (سرخ و سفید) پس از چیدن قابل نگهداری بوده و اهالی بوسیله آونک بسقف منازل تا اوایل نوروز آنرا ذخیره میکنند.

بهترین انگور این منطقه از تا کستانهای باغزندان، دزج، اردیان و مقان بدست میآید.



**گیلاس** - بعد از زرد آلو و انکو و مرغوبترین میوه این شهرستان گیلاس است که تقریباً صدی نود محصول آن بشهرستانهای مرکزی و مناطق شمالی حمل میگردد . گیلاس خوب و مرغوب را بوسیله پیوند تربیت میکنند . گیلاس بومی کوچک و طلائی رنگ و شیرین و گیلاس معروف بفرنگی درشت و سیاه و بر گوشت و میوه خوش است ، در عرض پانزده سال اخیر میزان کاشت درختان گیلاس روز بروز افزایش یافته و اکنون محصول سالیانه آن بالغ بر ۱۰۰ تن است .

**آلو** - سابقاً کاشت درختان آلو و تربیت آن مورد توجه کامل باغداران این شهرستان نبود . پیدایش آفات گوناگون و سرایت دائمی آنها کم کم از میزان محصول و توجه و مراقبت روستائیان باین میوه کاسته است بطوری که مرتباً درختان آلو ریشه کن نموده پس از سوخت میرسانند مقدار تقریبی محصول سالیانه آلوی خشک ۱۵۰ تن است .

میوه های دیگر مانند گلابی ، هلو ، شلیل ، سیب ، آلبالو ، گردو ، انار و ... با مقدار مصرف بعمل میآید . مرغوبترین نوع گلابی این شهرستان نوع چینی آنست که بر آب و مطبوع و خوش طعم است .

از انواع اشجار بی میوه که فقط از چوب آن استفاده میشود درختان سیبدار ، بید ، نارون ، زبان گنجشک در نواحی مختلف شهرستان کاشته میشود . درختان سیبدار مخصوصاً در قصبه کوهستانی و بیلاقی مجن پرورش یافته بخوبی جنس معروفند . در جنگل های ابر واقع در قسمت شمال شرقی نیز درختان جنگلی افرا ، توسکا ، نمدار ، ملبیج ، بلوط و غیره وجود دارند .

**نباتات صنعتی** - پنبه - از محصولات صنعتی آنها پنبه است که مورد توجه بیشتر دهقانان و روستائیان این منطقه واقع شده است . کاشت پنبه و پرورش و بدست آوردن محصول آن مستلزم رنج و زحمت فراوان و مراقبت بی پایان است . موقع کاشت آن ماه اردیبهشت است .

شگفتن غوزه های آن از اوایل آبانماه شروع شده و تا اواخر آذر بیشتر محصول آماده چیدن و جمع آوریست . بیشتر سالها سرمای زودرس آذرماه شاهرود مانع شگفتن غوزه ها شده دهقین مجبور میشوند که آنها را نشکفته جمع آوری نمایند .

در اینصورت محصول پست و فاسدی از پنبه بدست میآید که کمتر مشتری و خریدار دارد . تا کنون در شاهرود فقط از دو نوع بذر پنبه ( بومی - فیلستانی ) استفاده شده که گرچه نوع دوم آن مرغوبتر است ولی بهره کافی نمیدهد زیرا قبل از شگفتن غوزه های آن سرمای آذرماه فرامیرسد و محصول آنرا از بین میبرد . پنبه بومی از این صدمه در امان بوده قبل از فرا رسیدن آذرماه محصول آن قابل بهره برداری و چیدنست . بطور متوسط برای هر جریب ( ۱۲۵۰ متر مربع ) زمین ۶ تا ۹ کیلو بذر مصرف میشود و حده متوسط بهره برداری در هر جریب ۱۸۰ کیلو گرام میباشد .

بیشتر مزارع پنبه در نواحی شهر و حومه و دهستانهای میامی و کلانته‌هاست. محصول تقریبی سالیانه پنبه تصفیه شده شاهرود در حدود ۳۰۰ تن است.

**تنباکو** - کشت تنباکو در نواحی بیارجمند و خوار و طوران تحت نظارت مستقیم اداره دخانیات عملی میشود. محصول آن بطور متوسط در هر هکتار زمین به ۱۵۰۰ کیلوگرام میرسد. مقدار محصول تنباکو در سال ۱۳۳۵ تقریباً به ۷۰ تن بالغ شده است. کشت و ذرع تنباکو نیازمند مراقبت و دقت فراوان بوده و پس از کاشت تخم در موقع معینی باید نشا شود. محصول تنباکو هر ساله منحصراً توسط اداره دخانیات از زارعین خریداری شده به تهران ارسال میگردد. اداره کل دخانیات با وسایل مخصوص آنها را استاندارد و بسته بندی نموده و برای فروش آماده میسازد. آفات تنباکو عبارتند از: سفیده، شته و گل که با کمکهای فنی و مالی اداره کشاورزی مرتباً با آنها مبارزه میشود.

**زیره** - زیره سبز را در نواحی مختلف این شهرستان بصورت دیم میکارند. موعد کاشت آن اواخر بهمن و اوایل اسفند بوده، در اواسط خرداد آماده بهره برداری است. میزان متوسط محصول آن در هر جریب ۶۰ کیلوگرام است. در سالهایی که میزان بارندگی بیشتر است محصول زیره نیز افزوده میگردد.

**کتیرا** - کتیرا ماده صمغی است که از شیره بوته گیاهی بنام گون که ارتفاع بعضی شاخه‌های آن تا ۷۰ سانتیمتر میرسد بدست میآید. این بوته خود رو بیشتر در دامنه‌های کوهستان شمالی و شرقی این شهرستان میروید برای جمع آوری کتیرا ابتدا در موعد معینی بوسیله آلتی مخصوص چند محل ساقه گون را تیغ میزنند. شیره کتیرا در عرض چند روزی کاملاً تراوش نموده، در اثر مجاورت با هوا بسته و منقبض میگردد سپس آنها را جمع آوری نموده آماده فروش مینمایند. مرغوبترین کتیرای شاهرود کتیرای آزه بر است که میزان برداشت آن در حدود سالیانه ۷۰ تن است.

در کویر بیارجمند از درختی بنام کما شیره ای بدست میآید که آنرا و شق گویند.

**گلله داری** - در این منطقه پرورش دامها همه جا با زراعت همراه است و دهقانان و روستائیان گلله‌های کوچک بزومیش را که گاهی تعداد آنها به ۱۰۰ رأس میرسد هنگام تابستان در مزارع و باغات و در زمستان با علوفه خشک نگهداری میکنند. همچنین به علت وجود مراتع وسیع در نقاط مختلف شهرستان پرورش گلله‌های بزرگ بین اهالی مرسوم است و همه ساله دامداران نواحی شمالی رمه‌های خود را در زمستان بحدود گرگان و گنبدکاووس برده، موسم بهار و تابستان در مراتع اطراف شهرمانند مچن و میقان و ابرسج، قلمه نو، ابر، نکارمن و کلانته خییج چرا میدهند.

تهیه و جمع آوری محصولات مختلف گوسفندان در مراکز معینی صورت میگیرد که کومه یا آرام نام دارد.

کره‌ای که از شیرگوسفندان این شهرستان بدست می‌آید بخوبی جنس معروف است و نزد اهالی بکره ولایتی شهرت دارد.

**معادن** - در مناطق کوهستانی این شهرستان منابع سرشار و وسیعی از معادن مختلف فلزات و سایر مواد کانی ذخیره شده است که بمناسبت راههای صعب‌العبور و عدم وسایل و سرمایه لازم تا کنون دست نخورده باقی مانده برای استخراج و صدور آن اقدامات اساسی بعمل نیامده است.

سرمایه‌های خصوصی ناچیزی که در نقاط انگشت شمار این شهرستان برای استخراج و صدور سنگهای معدنی بکار افتاده است قادر نیست اهمیت و استعداد کانهای این منطقه را ظاهر سازد.

مردم این منطقه از سالها پیش بوجود معادن غنی مس پی برده و با وسایل قدیمی و دستی آنرا استخراج میکرده‌اند.

یک روایت قدیمی که وجه تسمیه منطقه‌ای مابین سمنان و دامغان و بسطام را که قوس نامیده میشده است تعیین میکند حاکی است که بمناسب فراوانی معادن مس در این ناحیه آنرا کوه مس یا قوس مینامیده‌اند معادن گرانهای مس عباس آباد شاهرود شاهد صادقی برای اثبات این مدعا است.

بهر حال بر اثر تحقیقات مقدماتی وجود معادن مس، کرومیت، سرب، آهن، ذغال سنگ، گچ، گل سفید، طلا و نقره در این ناحیه معلوم و مشخص شده است.

معادنی که فعلا بطور ناظمی در حدود امکان سرمایه‌های کوچک و خصوصی استخراج میشوند عبارتند از:

معادن کرومیت و مس فرومد و عباس آباد، معادن سرب تاش و بیارجمند و معادن زغال سنگ پریخان و ده‌ملا و معدن گل سفید کلات نر فرومد، معادن طلای کوه زرد (کوزر) در حدود جنوب شرقی بیارجمند، و معدن زغال سنگ ابر که راکد و بدون استفاده مانده است.

معدن مس عباس آباد و قسمتی از معادن کرومیت فرومد توسط سازمانهای دولتی استخراج میشوند.

معادن کرومیت - ناحیه فرومد که در قسمت شرقی شهرستان شاهرود واقع شده است مرکز معادن کرومیت بوده تحقیقا از سال ۱۳۱۱ شمسی وجود معادن نامبرده در آنجا مسلم و معین گردیده است.

در آن سال شخصی بنام (ملا براتعلی ناظر نصرت لشکر) در حوالی قریه فرومد واقع در بخش میامی اولین معدن کرومیت را کشف کرد. چهار سال بعد هیئتی از متخصصین آلمانی و ایرانی که آقایان مهندس شیردل و طالب زاده جزو آنها بودند پس از مطالعات دقیق و جستجوی فراوان در یکی از قسمتها شروع با استخراج سنگ کرومیت نمودند.

فعالیت هیئت نامبرده تا سال ۱۳۲۰ که بر اثر هجوم نیروهای متجاوز بیگانه همه سازمان های اساسی و مفید کشور دچار وقفه و تعطیل گردید ادامه داشت.

از سال ۱۳۲۷ مجدداً فعالیت استخراجی در این معدن شروع گردیده و تاکنون که میزان محصول استخراجی آن سالیانه به ۱۲۰۰ تن بالغ گردیده است ادامه دارد. کلیه سنگ کرومیت استخراجی از ایستگاه آزادور وسیله راه آهن به تهران حمل و از آنجا به خارج صادر میگردد.

در این اواخر شرکت های متعدد دیگری برای استخراج معادن کرومیت اطراف فرومند تأسیس و مشغول بکار شده اند.

این شرکتها فعلا در سه نقطه مشغول استخراج و بهره برداری هستند. یکی از این نقاط معدن متعلق بشرکت دهنشیر است که در ۱۲ کیلومتری مغرب فرومند واقع شده و دیگری معدن متعلق بشرکت کرومیت ایران است که در مشرق این منطقه بوده و تا فرومند ۲۴ کیلو متر فاصله دارد. سومین معدن متعلق بسازمان برنامه بوده و در شمال فرومند واقع شده و تا آنجا بیش از ۹ کیلومتر فاصله ندارد.

از دو معدن نامبرده بالا (دهنشیر و شرکت کرومیت ایران) سالیانه ۴ تا ۵ هزار تن سنگ کرومیت استخراج میگردد. سنگ های این کانه بسیار مرغوب بوده ۵۵ درصد کرومیت خالص دارد.

سرب - معادن سرب تاش و بیارجمند بتازگی کشف شده است فعالیت استخراجی و بهره برداری در معدن سرب تاش بیشتر و بهتر بوده و محصول آن بکشور های خارج صادر میگردد.

سابقاً از معدن (بغلو) شدادیه واقع در ۴ کیلومتری خانه خودی در شمال بیارجمند نیز سرب بدست میآمده است.

آهن - تقریباً در بیشتر نواحی کوهستانی شاهرود علامات وجود معادن آهن مشاهده گردیده است ولی تاکنون اقداماتی برای استخراج و صدور آن بعمل نیامده است.

زغال سنگ - معادن زغال سنگ شاهرود بیشتر در قسمت های شمالی و غربی این منطقه واقع شده است.

معروفترین آنها معادن ذغال سنگ ابرو پریخان و دهلا میباشند. معادن زغال سنگ ابرو در ۴۲ کیلومتری شمال شرقی شهر شاهرود و در نزدیکی قریه ای کوهستانی بهین نام قرار گرفته است. استخراج و بهره برداری این معدن مطابق در اختیار سازمان های دولتی بوده و چندین سال قبل زغال سنگ از آن استخراج میشده و از این معدن برای سوخت کوره های معادن مس عباس آباد استفاده میکرده اند.

۲- معادن زغال سنگ پریخان و دهلا توسط مکتشفین آن استخراج شده و زغال آن در شهر شاهرود بصرف سوخت گرما به ها و بنگاه های دولتی و ملی میرسد.



آقای محمد تقی یارمهدی

آقای محمد ملك محمدی  
دبیران دبیرستانهای شاهرود

آقای محمد علی فلاح

میزان استخراج این معادن بدرستی معلوم نیست  
مس - همانطور که گفته شد در سنگهای آتشفشانی حوالی عباس آباد مقادیر  
معتبری مس موجود است که میتوان آنرا در ردیف بهترین نوع معادن مس در ایران  
دانست .

برای اولین دفعه تومانس نام ارمنی در سال ۱۲۹۱ شمسی بوجود سنگهای  
مس در این ناحیه پی برد و از آنسال تا کنون کم و بیش از این معادن مس بهره برداری  
شده است.

معادن اکتشافی این ناحیه شامل دو قسمت است یکی معدن «چغندر سر» که  
دارای مرغو بترین نوع سنگ مس ، و ذخیره آن تا کنون دست نخورده مانده  
است . دیگر معدن کوچک « دامن چال » که از طرف سازمانهای دولتی استخراج  
گردیده و در نزدیکی آن کوره های ذوب مس دائر شده است.

مُحصُول این کوره ها روزانه بطور متوسط ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلو گرم مس  
است که منحصراً تحویل کارخانه های فلزکاری ارنش میشود. در معادن مس عباس آباد  
روزانه ۲۰۰ کارگر بکار مشغولند .

گل سفید - معدن کلات نرددر ۲۴ کیلومتری فرورد از معادن معروف این ناحیه  
است در این معدن ۸۰ نفر کارگر، روزانه قریب ۶ تن گل سفید استخراج میکنند.

فروردین ۱۳۳۶

عبدالرحیم فاتح لیسانسیه تاریخ و جغرافیا

### آمارقنوات بخش حومه شاهرود:

- ۱- غیر آباد ۲ - بدشت چشمه ۳ - سعد آباد ۴ - دزج ۵ - رویان ۶ - یونس آباد
- ۷ - اردبیل و مغان ۸ - خوریان ۹ - کلانه خان ۱۰ - تل ۱۱ - قلعه آقا محمد رضا
- ۱۲ - قلعه شوکت ۱۳ - علی آباد تقی خان ۱۴ - صالح آباد ۱۵ - راهنجان ۱۶ - عباس آباد
- ۱۷ - دهلا و قنر آباد ۱۸ - قاسم آباد ۱۹ - جعفر آباد ۲۰ - لطف آباد .

### آمارقنوات بخش پشت بسطام شاهرود :

- ۱- حسینی ۲ - محمد آباد ۳ - سیاه او ۴ - ملا ۵ - ملا محمد صادق
- ۶ - اکبر آباد ۷ - حسین آباد ۸ - صفی آباد ۹ - ابوتراب ۱۰ - بیدر ۱۱ - شاه مراد
- ۱۲ - محمد آباد ۱۳ - مهدی آباد ۱۴ - فتح آباد ۱۵ - حاج اکبری ۱۶ - صادق خانی
- ۱۷ - نظامی ۱۸ - گلشن ۱۹ - رضوان آباد ۲۰ - اقبال ۲۱ - رضوانیه ۲۲ - تقی آباد
- ۲۳ - مهین آباد ۲۴ - شور آب ۲۵ - ابر ۲۶ - مهرانجانی ۲۷ - کور خان
- ۲۸ - حاجی رضاقلی ۲۹ - کندپلی ۳۰ - علی آباد ۳۱ - قره جنگل ۳۲ - میرزا هدایت
- ۳۳ - کریم آباد ۳۴ - گرجی ۳۵ - حاراخوند ۳۶ - آقاچواد ۳۷ - چمن ۳۸ - مراد آباد
- ۳۹ - قلعه ۴۰ - اعظم آباد ۴۱ - قلی ۴۲ - محمد آباد ۴۳ - سیاه قوتی ۴۴ - امیریه
- ۴۵ - کوثر آباد ۴۶ - حسین آباد ۴۷ - خانلر خانی ۴۸ - قاسم آباد ۴۹ - حیدر
- ۵۰ - بالا ۵۱ - حسین آباد ۵۲ - مزار ۵۳ - کربلانی اصفهر ۵۴ - مجیدیه
- ۵۵ - کوثر آباد ۵۶ - حیدر ۵۷ - کلا مو ۵۸ - حاج آقا محمد ۵۹ - خورا
- ۶۰ - حاج مظفر ۶۱ - لقمان ۶۲ - قنات ۶۳ - ابراهیم آباد ۶۴ - ابوتراب ۶۵ - چهارطاق
- ۶۶ - محمد آباد ۶۷ - شریف آباد ۶۸ - محمود آباد ۶۹ - تقی آباد ۷۰ - استاد رمضان
- ۷۱ - قنات شور ۷۲ - اسداله ۷۳ - حیدر آباد ۷۴ - تپه ۷۵ - حاج بابا ۷۶ - بالیز نو
- ۷۷ - زرگر ۷۸ - علی آباد ۷۹ - عبدالله

### آمارقنوات بخش میامی شاهرود:

- ۱- میامی ۲ - ابراهیم آباد ۳ - کلانه اسد ۴ - محمد آباد ۵ - آب مرجان ۶ - جودانه
- ۷ - اسرائیل ۸ - ار میان ۹ - کال سفیدار ۱۰ - قلعه صفر ۱۱ - حسین آباد مقری
- ۱۲ - ریسو ۱۳ - حسین آباد آقابان ۱۴ - هونستان ۱۵ - بکران ۱۶ - استخرو ۱۷ - علی آباد
- ۱۸ - کوهان ۱۹ - شریف آباد ۲۰ - شق آباد ۲۱ - نجف آباد ۲۲ - شهرنو ۲۳ - جهان آباد
- ۲۴ - ری آباد ۲۵ - پویه ۲۶ - اصفهر آباد ۲۷ - کورد آباد ۲۸ - جیلان ۲۹ - بروخی
- ۳۰ - مزج ۳۱ - خبیج ۳۲ - کلانه خبیج ۳۳ - الهاک ۳۴ - عباس آباد ۳۵ - صدر آباد
- ۳۶ - کال طاقی ۳۷ - فیروز آباد ۳۸ - فرومه ۳۹ - کلانه میر اهلم ۴۰ - استرید
- ۴۱ - کلانه سادات ۴۲ - فیروز آباد پائین

## مشروطیت در شاهرود

مورخین و نویسندگان تاریخ پنجاه ساله اخیر کشور باستانی ایران اکثر بلکه تمام اطلاعات و تحقیقات خود را در محور شهرستانهای بزرگ و فداکاریهای رادمردان همان سرزمین محدود و مختوم نموده اند و از خدمات صادقانه شخصیت‌هایی در شهرستانهای کوچک که در راه پیشرفت مشروطه خود را فدا کرده و سهم مؤثر و بسوای

در پیشرفت تحول نیمه اول قرن جاری داشته اند اسمی بمیان نیاورده اند و گناهی عظیم است که وقایع نگار عصر که آثار او مورد اطلاع و استفاده آیندگان قرار میگیرد بدون توجه بشمام جهات واقعه جریانی را برشته تحریر در آورد که مورد انتقاد یا باس و شکوه کسانی که قدم بقدم در مسیر تحولات و جریانات پنجاه ساله اخیر واقع بودند گردد اعم از اینکه عدم توجه مستند به بی‌اطلاعی مؤلف یا مصنف باشد و یا برسهل انگاری و بی‌اعتنایی. زیرا تاریخ نویس اخلاقاً و ظایفی برعهده دارد که بی‌اعتنایی بآنوظائف سبب انقلاب تاریخ و تردید بصحت و سقم آن برای آیندگان و ناراحتی درونی برای معاصران خواهد بود.



از جمله در هیچ يك از کتبی که تا امروز در مورد مشروطیت این کشور نوشته شده نامی از شهرستانهای مرکزی و شمال شرقی و افراد فداکار آن بمیان نیامده در صورتیکه آنها و احفادشان از مورخین انتظار دارند بیاس حق شناسی و تشویق خدمتگزاران حقیقی مملکت هنگامی که متحمل تنظیم واقعیات نهضت يك مملکت می شوند در عرض دیگران به تناسب مجاهدتشان آنچه را کسزده اند و کشیده اند گفته آید.

اینک برای روشن شدن زاویه تاریک از صفحه روشن تاریخ مشروطیت ایران و رسوخ نهضت در شهرستان شاهرود و چگونگی پیشرفت آن بشرح زیر می‌پردازد .

سلاطین قاجار شخصا مردمانی متظاهر بدینداری و جانب داری از رعیت بودند لکن کثرت حلقه بیماشی و خوشگذرانی و دوری راهها از پایتخت، و عدم وسائل نقلیه سریع، و عدم امنیت راهها، و نبودن پست و تلگراف منظم، از جمله عوامل مؤثری بود که فاصله خطرناکی بین شاه و ملت ایجاد کرده بود. حکام و مصادر وقت با استفاده از این موانع قهری از هر گونه ظلم و جور نسبت به مردم خودداری نمی‌کردند. تنها ملجاء و پناه گاه مردم از جور حکام فقط علماء اعلام بودند که در بعضی ولایات با توسل بآنها از مجازات و فشار بر مردم کاسته میشد و شخصیت ذاتی علماء در هر یک از ولایات میزان الحراره ای برای مقدار زیادی و میزان رفاهیت فردی و اجتماعی آن بلد محسوب میشد .

در سال ۱۳۰۹ قمری از طرف ناصرالدین شاه امتیاز دخانیات داخله و خارجه بکمیانی ژری تیمه دولت بلژیک در قبال دریافت چند ملیون تومان برای شاه و آبادی دربار و اگذارشد مردم با غیرت آنزمان که در مقابل تمام نامالیمات و تضییقات حکومت صبر و بردباری از خود نشان میدادند و حفظ اسلام و استقلال مملکت را موقوف به عدم استیلای اجانب میدانستند موضوع دخالت بیگانه در یک امر کوچکی از هزارها امر - و مملکت ذنب لایفگردانسته سرو صدا در اطراف و اکناف مملکت بلند گردید مخصوصا پس از صدور حکم معروف آیه‌اله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی اعلی‌اله مقامه از سامرا که عینا نقل میشود .

«استعمال تنباکو و توتون بای نهر کان در حکم معاربه با امام زمان است» چنان شور و هیجان و وحدت و اتفاقی در تمام جماعات فرق و مذاهب مختلفه این مملکت پدید آمد که از اول زندگی سیاسی و اجتماعی این کشور تا این زمان بی نظیر و شاید در دنیا یک چنین هم آهنگی و تعصب ملی و مذهبی و قبول اطاعت از مرجع دین دیده نشده باشد .

میگویند از حاج محمد خان رئیس طایفه شیخیه تکلیف را استعلام کرده بودند جواب داده بود ما با مشرعه در فروغ اختلاف داریم ولی در یک امر اجتماعی و سیاسی که مربوط بحیات و استقلال مملکت است البته حکم را اطاعت نمائید و خود غلیان با را تا صدور جواز از ناحیه مرحوم میرزای شیرازی ترك نمود .

بالاخره پافشاری و ثبات مردم و همکاری افراد وابسته به اقدین قرارداد و حتی مقاومت منفی زوجات شاه در حرم خانه ، شاه را مجبور بفسخ قرار داد و منجر بفرج کمیانی بیگانه از مملکت گردانید و در تمام دوران دوازده سانه سلطنت مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ قمری) این جنبش ملی مقدمه گفتگوهای از قبیل درخواست عدالتخانه و یا تاسیس حکومت مشروطه در میان اجتماع گردید البته سری و مخفیانه زیرا قدرت استبداد مجالی با شاعه و تظاهر باینگونه کارها را نپسندید و چون منظور از نگارش این



مقاله ضمن لزوم مقدمه‌ای که در بالا گفته شد نحوه نفوذ مشروطیت و تاریخ ورود آن بشهر شاهرود است از تشریح وقایع این شهر قبل از مشروطه خودداری میشود.

یکسال قبل از تاریخ صدور فرمان مشروطه «۱۳۲۳» مکاتباتی از تهران معرمانه بین مرحومین حاج شیخ عبدالحسین خرازی پدر آقای خرازی نمایند فعلی مجلس شورای ملی و حاج محمد تقی شاهرودی نماینده دوره اول تهران از طبقه بازرگانان وسید محمد رضا مساوات و مؤید الاسلام مدیر روزنامه جبل‌المتین مقیم تهران بسا مرحوم آقا سید مرتضی واعظ مقیم شاهرود در باب سیاست روز و تحولاتی که در شرف وقوع بود مبادله میشد.

وبالینکه آن مرحوم خود روحانی و از خانواده روحانیت و در این شهر مردی متفرد و صاحب قبیله و ناطقی بی بدیل بود بسبب وجود قدرت درید حکومت و عمال استبداد و عدم آشنائی اهالی بسیاست روز از علنی کردن جریان در مجامع عمومی خودداری مینمود.

قطعه‌ای انگشت شماری از خصمین که شانه آنها در زیر بار ایادی جور و ستم خم آورده و تشنه استماع و پیدایش اوضاع نوین بودند از وقایع بشت پرده وسیله مرحوم واعظ مستحضر میشدند تا اینکه فرمان مشروطه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری از طرف مظفرالدین شاه صادر گردید. صدور فرمان فرصتی بود که مرحوم واعظ با جرأتی بیشتر مردم را در مجامع عمومی و علنا به آزادی و حمایت از حکومت مشروطه دعوت نماید و چون در ابتداء مردم تحت تأثیر تلقینات و تبلیغات عمال استبداد و به تبعیت از اعتقادات و استنباطات بعضی از علماء حکومت مشروطه را مخالف احکام شرع مقدس اسلام می دانستند و با جماعتی که از پیدایش حکومت مشروطه بوی زوال قدرت خود را استشمام کرده بودند همدستان شده و مخالفت های شدید نمودند تهدیدات و هتاک های نابجا و خلاف عقل و شرع آن عده که توأم با بعضی حسادت ها و رقابت های محلی شده بود روح آن مرحوم و دوستان او را آزوده کرد اما با ایستادگی و مقاومت هر چه تمامتر کاندیدای دوره اول خود را (مرحوم حاج سید ابراهیم ابرسجی) که از روحانیون بزرگوار و مؤمن بمشروطیت بود بمجلس شوری فرستادند. این مبارزه مقدس بین آزادی خواهان و عمال ارتجاع ادامه داشت ، شاهین توازن گاهی با اینطرف و گاهی با آنطرف متبایل میشد تا در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ قمری که محمد علی شاه مجلس را بتسوی بست و آزادی خواهان را متفرق و محبوس ساخت باز غلبه استبداد بر آزادی در این شهر مشهود اهانت ها و شرارت های که بر آزادی خواهان این شهروار دشت از حد احصاء بیرون است.

مرحوم واعظ را تکفیر نمودند و تحت همین عنوان حسینعلی خان معروف بشوکت نظام رئیس قره سواران شاهرود که از مستبدین معروف بود ادار نمودند و روزی با عده ای سوار مسلح در بازار آن مرحوم را محاصره و مضروب نمودند.

در حالیکه خانه اش حصانت گاه و نجدیدگان و مستمیدگان بی پناه برد همیشه حامی مظلومین و مدافع حقوق آنها بود تهدیدات و تضيیقاتی که برایش فراهم شده بود او را مجبور باستمداد از مراجع روحانیت در نجف اشرف نمود و بنا بامر آیت الله قفید آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی کبیریان که از تلامذه و شاگردان ممتاز و مورد اعتماد آن مرحوم بود او اواخر سال ۱۳۲۶ قمری با تجلیل فراوان و شایانی بشاهرود وارد، لدی الورد در مجلسی که عموم علماء اعلام و طبقات اهالی حضور داشتند بایانی واضح و آشکار گفتند که آیت الله خراسانی پشتیبان امر مشروطه و امر بحمايت از آن فرموده اند و مرا مأمور کرده اند شرحی را که در باب معنی مشروطیت بخامه توانای خود مرقوم و بچاپ رسیده و بتمام اطراف مملکت ارسال شده برای آقایان قرائت نمایم و رود این روحانی جلیل القدر بشاهرود و اعلام پیام آیت الله خراسانی ضربتی بود که بر پیکر استبداد و مخالفین معلی وارد شد از آنروز وضع آزادیخواهان در شاهرود رو به بهبود و جمعی از محترمین و رؤسای ادارات و علمای اعلام در اجرای منویات آیت الله خراسانی شبانه روز با تشکیل جلسات و تذکرات سودمند خود در اجتماعات تشکیلات منظمی را بوجود آورده بودند این آزادی نسبی بهمین حال در این شهر متوقف شد تا قیام مردانه آزادیخواهان تهران و تبریز (بشرحی که در تواریخ مسطور و شرح آن موجب بسط مقال است) که معمد علی شاه فراراً خود را زیر پرچم روسها قرارداد و از طرف مشروطه طلبان خلع او و سلطنت فرزندش احمد میرزا اعلام گردید (جمادی الاول ۱۳۲۷ قمری) علنی شدن این نکته که شاه استبداد به بیگانه پناهنده شده تأثیر عجیبی در روحیه طبقاتی که بسرعت میتوان عقل و فکر آنها را تسخیر و در آنها مؤثر واقع شد نمود و با اینکه سنخ فکر اکثر طبقات برای تبلیغات زهر آگین مؤمنین با استبداد و مغرضین مطلع بامر مشروطه مخالف بود معذالك مردم وطنخواه شاهرود که علاقه مند بحفظ استقلال و ملیت مملکت خود بودند نتوانستند عمل ناپسندشاهی را که تا دیروز دانسته و باندانسته از او تقویت میکردند نادیده بگیرند این بود که حس نفرتی در آنها نسبت بشاه پیدا و عده ای از مردم بدون توجه بتذکرات بدخواهان، داوطلبانه با آزادیخواهان این شهر که خواهان خلع معمد علی شاه بودند پیوسته تاجاییکه آزادیخواهان توانستند مجلس شورای معلی خود را که بدستور آزادیخواهان تهران و تبریز تا آنروز جلساتشان بطور محرمانه و سری در منزل مرحوم واعظ (معلمه شبدری) تشکیل میشد علناً معلی مستقل برای آن تهیه و جلسات مشاوره هفتگی را در حیاط مرحوم حاج علی اصغر صابر، کوچه حمام حاج اسمعیل محل سکونت فعلی آقای حاج سید عبدالله هاشمی تشکیل و رسماً علناً با آزادیخواهان مرکز و تبریز مکاتباتی مبادله نمایند.

در خلال این جریان زعمای مطلع مغرض طرفدار معمد علی میرزا که شامه شان تیزتر از ساده دلان و مؤمنین با استبداد بود نقشه کشیده و صلاح دانستند که سران خود را ظاهراً در صفوف آزادیخواهان در آورده تا در صورت موقیبت مشروطه از قافله عقب

نمانند در صورت شکست عنوان بازرس و جاسوس را پیدا نموده بهتر و بیشتر مورد توجه اولیاء استبداد واقع شوند این بود که کم کم در مجامع رسمی و انجمن ها و مجالس شورای محلی و حوزه های حزب دموکرات که در پایین آن اشاره خواهد شد رخنه نموده و بعنوان عضو رسمی پذیرفته میشدند .

اعضای مجلس شورای محلی مذکور عبارت بودند از مرحوم آقاسید مرتضی واعظ ، مرحوم حاج محمد اسماعیل رحیم اف ، مرحوم کر بلائی محمدجعفر صدیق ، مرحوم کر بلائی سید جعفر ، مرحوم حاج عبدالحسین اخیانی پدر آقای محمد اسماعیل اخیانی که آن مرحوم علاوه بر شخصیت مهم محلی از مؤمنین واقعی مشروطه محسوب میشد و آقای حسین آقاییان البته دو نفر از علماء طراز اول و موجه مرحوم آقا شیخ احمد بدر حجة الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله مهدوی و مرحوم حاج آقا میرزا بدراندان شمند فقید عبدالحسین تقدیسی در اکثر جلسات بعنوان ناظر بر مذاکرات و تصمیمات حاضر شده راهنمایی هایی میکردند . امایک اشتباه بزرگ سران مشروطه موجب شد که علاوه بر ضررهای مالی هنگفت بر بنیه فقیر این ملت باز مملکت دچار آشوب و گرفتاری و غارت و قتل نفوس گردد و آن اشتباه این بود بجای اینکه محمد علی میرزا را توقیف و دستور محاکمه او را بر طبق قانون اساسی که متمم آنرا خود او امضاء کرده بود بدهند او را رها کرده و حتی سالی یکصد هزار تومان که به پول امروز بیش از سی ملیون ریال میشود بعنوان باج سبیل و خوش رقصی هایش دستمزده صدور قتل آزاد بخوانان فداکار این مملکت در باره اش تصویب کردند . این اشتباه که شاید هم معلول اوضاع سیاسی روز بود و همچنین اختلافات بین سران مشروطه از آتش زیر خاکستر دو ساله در غیبت او بی بهترین وجهی حفاظت و نگهداری نمود . روسهای تزاری برخلاف قول و وعده ای که داده با تبریک و فرستادن محمد علی میرزا (ماه رجب ۱۳۲۹ قمری) از ادسای روسیه بگمش تپه تر کمن صحرا، این آتش را محترق و منفجر کردند . در تمام ولایات و شهرها طرفداران استبداد و آشوب گران نفع طلب و متخصصین محلی و استفاده جویان موقع شناس بجنب و جوش افتاده عده ای را بغناک و خون کشیدند و ماهها اوقات و سرمایه این مملکت گرفتار رفع این بلیه بود .

محمد علی میرزا و شعاع السلطنه برادرش با عده ای تر کمن سوار و پیاده با وسائل جنگی از استرآباد بطرف مازندران و فیروز کوه و تهران برای جنگ و کشتار مجدد هموطنان بی گناه خود حرکت و علی خان ارشدالدوله را با سه هزار سوار تر کمن مأمور کرد که از طریق شاهرود و دامغان و سمنان و تصرف این شهرها بگرمسار و ورامین محل تلاقی رسیده که مجتمعاً برای تصرف تهران پیشروی نمایند .

خبر حرکت ارشدالدوله را بشاهرود قاصد مخصوص مرحوم حاج شیخ حسین استرآبادی (بزرگ فامیل مقصدلوی کنونی) که از مشروطه خواهان و آزادی طلبان معروف و نماینده استرآباد در مجلس شورای ملی نیز بود برحوم آقاسید مرتضی واعظ رسانید و پس از مشاوره که بابستگان و سران حقیقی مشروطه در این شهر بعمل آمد مصلحت در این

شد که آن مرحوم جلای وطن نماید زیرا لعن پیام مرحوم استرآبادی طوری بود که در ورود ارشد الدوله باین شهر و کشتن آقا از هم فاصله ای نخواهد داشت و برای اینکه مقصد صحیح منتشر نشود ظاهراً بسوی مشهد و باطناً بعزم بیارجمند از قصبات دور دست شاهرود با نفاق فرزند ارشدش «سید علی اصغر نبوی» که در تمام گرفتاریها و مشکلات بزرگترین غمخوار و فرمان بردار او بود رهسپار میشود (شعبان ۱۳۲۹) ماهها دردهات بیارجمند بطور مخفیانه بسر برده متأسفانه سعایت های محلی و تعقیبات دامنه داری که از آن مرحوم میشد بکمان اختفایش بی برده و ارشد الدوله پس از ورود بشاهرود عده ای سوار مسلح ترکمن از طریق باغ گود که کوهستانی و مرکز دزدها و باصری های مسلح است و بهمین مناسبت تردد کمتر و راه نزدیکتر است برای دستگیری آن مرحوم اعزام داشت ناگزیر با نفاق فرزندش شبانه از بیارجمند فراری و از راه عباس آباد و صدر آباد خود را بکلانه صفی یک فرسخی سبزوار رسانده وسیله قاصدی بدوستان خود درسبزووار اطلاع روز بعد بمهرام عده ای از دوستان بشهر سبزووار هدایت و چندین روز در آنجا توقف و بیش از حد مورد پذیرائی مرحوم حاج آقا محمد شاهرودی بازرگان مقیم سبزووار برادر مرحوم حاج عباسقلی صباغ واقع میشود.

روز های اواخر توقف شخص ناشناسی وسیله مرحوم شاهرودی به آقا مراجعه و اطلاع میدهد که یک نفر از افراد حزب دموکرات خارج شهر سبزووار با شما قصد ملاقات را دارد با خوف و رجاء زیادی آن مرحوم همراه دو نفر از نوکرهای مرحوم شاهرودی بخارج شهر میرود. آن مرد دموکرات حیدر خان عمواعلی مؤسس حزب دموکرات در ایران بود (مردی آزاده، روشن فکر، متعصب، دلسوز، با حرارت بود نقش بزرگی در پیشرفت حزب دموکرات و شعله ور ساختن احساسات جوانان علاقه مند ترقی و تعالی کشور بر عهده داشت ولی افسوس قبل از آنکه ثمرات جانفشانیهای خود را ببیند در گیلان بدست کوچک خان جنگلی ناجوانمردانه کشته شد) پس از ملاقات معلوم شد این مرد بزرگ و ادولت تحت تعقیب قرار داده فرار او بطور ناشناس عازم مشهد است که از ایران خارج شده از طریق روسیه بلندن برود. شبی را هم در شاهرود برای ملاقات آقا در منزل او صبح کرده است ولی چون مطلع گردید که آقا هم آواره و در بدر است توقف را جایز ندانسته بطرف سبزووار حرکت کرده ظاهراً سه روزی در سبزواری ماند.

در خلال این دوسه روز مطلع میشوند عده ای از دموکراتهای مشهد بعزم تهران از سبزووار عبور خواهند کرد در مسیر جاده خارج از شهر بآنها تصادف و بهم معرفی میشوند از جمله مسافری یکی هم مرحوم ملک الشعراء بهار بود که پس از آشنائی با مرحوم آقا کاغذی راهرا با قطعه عکسی بایشان میدهد. صاحب نامه مرحوم حاج شیخ محمد جواد تهرانیان ضمن معرفی خواهرزاده خود (مرحوم بهار و ارسال يك قطعه عکس خانوادگی و شرح جریاناتی در ذیل نامه توقف مرحوم ملک را در شاهرود

یکی دو ماه ضروری دانسته و توصیه کرده که پذیرائی شود مرحوم آقا با اظهار تأسف از اینکه شخصاً در شاهرود نیست سفارش نامه‌ای بشاهرود نوشته و مرحوم بهار میدهد مسافری بشاهرود حرکت میکنند. در عکس که مرحوم بهار حامل آن بود والان در کلکسیون نگارنده موجود است مرحومان حاج شیخ محمد کاظم و حاج شیخ علی اصغر و حاج شیخ محمد جواد تهرانیان و ملك الشعراء بهار و چند نفر دیگر از خانواده و اطفال خردسال خاندان تهرانیان در آن دیده میشوند.

تقریباً یکماه بعد از حرکت حیدر خان روزی خبر رسید که کربلائی میرزا محمد اصفهانی بدر آقای حسین شوقی که از سران و موثرین پیشرفت امر مشروطه در این شهر بود در معیت عمید السلطان حاکم شاهرود (عمید السلطان برادر سردار محی مشروطه خواه و معروف بمعز السلطان بسبزوار وارد شده اند پس از ملاقات با مرحوم آقا باو شرح قضایا و وقایع ورود اردوی محمد علی میرزا بشاهرود متفقاً بمشهد حرکت میکنند.

اکنون بر میگرددیم بحریان ورود اردوی محمد علی میرزا بشاهرود. در شعبان ۱۳۲۹ قمری ارشدالدوله با سوارهای ترکمن وارد شاهرود شدند بمحض ورود عده سوار مسلح برای تمقیب و احضار واعظ و کربلائی میرزا محمد اصفهانی که او نیز از بزرگان و مردی خیر خواه و اجتماعی بود فرستاد، مرحوم واعظ که قبل از ورود اردو فراری و دودمحل نبود ولی کربلائی میرزا محمد را احضار و انواع شکنجه باین مرد محترم داد.

اورا توقیف سپس سوارهای ارشد الدوله باذیت و آزار سایر مشروطه خواهان و بستگان آنها و غارت اموالشان می بردازند. البته نشاندارهای مشروطه هر کس در بنامه گاهی مغفنی میشود برای پیدا کردن يك مشروطه خواه مورد نظر منازل تمام مشروطه خواهان و اقارب و بستگان و دوستان آنها مورد بازرسی و حتی غارت واقع میشد. مجلس شورای محلی را هم درهم و برهم واثاث آنرا بردند تجار تخانه کربلائی میرزا محمد را با مقدار زیادی پول نقره و جواهرات و قالی هم چنین اثاث بهادار منزلش همه را غارت کردند. در بیرونی منزل واعظ که هم اکنون در کوچه معروف بواعظ زاده واقع است پنج نفر را با سامی حاج سید مجتبی و مرحوم سید محمد صراف و میرزا آقا و میرزا حسن و محمد تقی از برادرزادگان و خواهرزادگان مرحوم آقا در آئینزل بودند که از خانواده و اطفال خردسال آن مرحوم در اندرون متصل بآن سرپرستی میکردند.

بیست نفر سوار مسلح ترکمن بی عقیده و خونی با مشروطه در اندرون و بیرونی ریخته زنها و بچه‌ها متوحش شیون کنان در حالیکه درهای بیرونی و اندرونی قراول ایستاده که کسی داخل و خارج نشود پس از جستجو در تمام اطرافها و بهم ریختن اثاثیه و اطمانان باینکه آقا در منزل مغفنی نیست به حاجی سید مجتبی که بزرگ خانه بود

امر کردند که باید عمویت را حاضر کنی والا کشته خواهی شد و بتضرعات او که عمویم ماها است در شاهرود نیست و از محل او اطلاعی نداریم توجهی ننکرده پس از کتک کاری نسبت بمردهای خانه، او را دراز کرده که سرش را ببرند حتی بطوریکه خود ایشان نقل میکنند کارد بگلویش برده سپس بدکانهای آن مرحوم در بازار هجوم برده و کلیه اثاث آنرا بیغما بردند.

ادارات دولتی بغیر از تلگرافخانه و منازل رؤساء ادارات مشروطه خواه، آقایان مشیر الدوله پدر سرهنک پاشاخان، غفاری رئیس مالیه، بشارت الممالک رئیس بست، مبشر حضور رئیس تلگراف همه را غارت و خود آنها را مضروب نمودند. ارشد الدوله بمحض ورود، سالار اشرف را بحکومت شاهرود منصوب کرد و روز سوم با فشار مخالفین محلی مقرر شد کربلائی میرزا محمد و برادرش محمد اسمعیل را تیرباران کنند.

سالار اشرف پس از اینکه پانصد تومان پول نقره گرفت تیرباران آنها را موکول با اجازه ارشد الدوله نمود و دو روز بعد اطلاع داد که فقط با تبمید محمد اسمعیل اصفهانی بتهران موافقت شده و کربلائی میرزا محمد در شاهرود تحت نظر باشد. باید اعتراف کرد که ارشد الدوله شخصاً نظری بآزار و اذیت مردم و غارت اموال آنها نداشت لکن همکاری و تحریکات مستبدین محلی با سران اردو موجب این تضییقات و غارتها گردید.

بعد از نصب سالار اشرف نکارمنی که بعدها ملقب به سردار اشرف گردید بحکومت شاهرود، ارشد الدوله باقشون خود بسمت دامغان و سمنان و تهران حرکت کرد. البته در مسیر راه عده ای از سوارهای دولتی و محلی نیز که نان را بنرخ روز میخوردند با او ملحق میشدند.

ارشد الدوله در نزدیکی ورامین هشت فرسخی تهران با قوای دولتی برخورد کردگی یفرم خان مجاهد معروف برخورد کرده افرادش کشته و عده ای فراری شدند و خودش هم تیرباران شد (رمضان ۱۳۲۹ قمری). محمد علی شاه هم در نزدیکی سوادکوه از مجاهدین و بختیاریها شکست خورده بطرف استرآباد فرار کرد. خبر فتح که بشاهرود رسید موجب قوت مشروطه طلبان و ضعف مستبدین شد، سالار اشرف بحکومت دست نشانده ارشد الدوله فراری و بقاصله چند روز عمید السلطان برادر سردار معی وارد شاهرود شد و حکومت را باهشتاد نفر سوار دولتی که در رأس آنها عسکریاورد بود (این شخص بعدها ملقب بنصرت لشکر شد) بدست گرفت.

در تمام این جریانات چون مردم دست روسها را در کار می دیدند نسبت بآنها تفرع جیبی داشته و برای تلافی با آنها بجبارزه منفی برخاسته مصرف قند و شکر و نطف و چیت روسی را تحریم نمودند. انصافاً مردم متمصب و وطنخواه شاهرود در مبارزه با بیگانگان تاجاییکه عقلشان قد میداد و از آنها ساخته بود مضایقت و کوتاهی نکردند. مدتها بجای

چیت روسی از کرباسهای دست باف محلی و بجای قند و شکر، عدس، و بجای کبریت از سنک چخماق و بجای نغظ از بیه و شمع استفاده میکردند.

محمد علی میرزا از سواد کوه با عده ای از سواران خود را باسترآباد رساند مجدداً مشغول جمع آوری اقوام و انصار گردید با حمایتی که از طرف روسها میشد. با قشون دولتی بسرکردگی سردار محمد در نزدیکی بندرگز جنگید و قشون دولتی را شکست داد. این موفقیت بی باو و زودگذر موجب گردید یک نفر از نوکران مستبد خود را معروف بقلی خان (عموزاده کنونی آقایان معززی هاسا کتین علی آباد کنول گرگان) را) بحکومت شاهرور منصوب و نامبرده را بادوبست سوار ترکمن و چندین ده نفر سوار های کنولی و گوداد بیا و قشون عرب و عجم از استرآباد حرکت و روز ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۸ قمری وارد میقان سه فرسخی شاهرود میشود. خبر ورود او موجب فرار عمیدالسلطان (۲ ذی حجة ۱۳۲۸) حاکم مشروطه خواه شاهرود گردید که با اتفاق کربلائی، میرزا محمد از شاهرود بسمت مشهد فرار و در سبزوار بمرحوم واعظ ملحق میشوند.

برای جلوگیری از تکرار صدمات مالی و جانی، بزرگان شهر صلاح در این می بینند که چند نفر از رجال برجسته میقان رفته با قلیخان مذاکره و تریبی دهند که هجوم و حمله آنها بشهر موجب بریشانی و تزلزل خاطر زنان و اطفال ساکنین شهر نگردد. در نتیجه مرحوم حاج شیخ مرتضی کبیریان از علماء و درعین حال مردی شجاع و متنفذ و علماً طرفدار مشروطه بود با اتفاق مرحوم حاج عبدالحسین اخبانی و حاجی سید ابراهیم آقایان و حاج ملامحمد علی حاجی آخوند از شهر حرکت و در بسطام منزل مرحوم حاجی قاسم پدر حجة الاسلام آقای توحیدی وارد میشوند. از آن طرف آقایان صادق دانهانی از مستبدین معروف میقان رفته خبر و نقشه شاهرودی ها را بقلی خان اطلاع میدهند و نیز دستور میدهند فوری اردو بسطام حرکت و آقایان را توقیف نمایند.

اردوی قلیخان که در رأس آنها غلامرضا سلطان ابری گوداری و حاجی خان قلعه محمد آقائی و محمد کریم سلطان قهچی بودند و البته عده زیادی از اهالی ابرو میقان با آنها پیوسته شده بود طبق امر قلیخان وارد بسطام شده و بعضی ورود آقایان را توقیف مینمایند. مرحوم حاجی عبدالحسین اخبانی و حاج سید ابراهیم را با اخذ مافی پول مرخص میکنند. مرحوم کبیریان و حاج ملامحمد علی پدر حاجی ابوالقاسم کفاش را همراه قلیخان وارد ویش و در حالیکه نه عمامه بر سر و نه کفش بر پای آن مرحوم بود بشاهرود آوردند و در دارالحکومت و مه منزل حاج محمد حسن اخبانی واقع در کوچه ثبت اسناد توقیف مینمایند. فردای آن روز روی تبریکات مستبدین که در رأس آنها حاج محمد اسماعیل حاجی رحیم، حاج عبد الرحیم، کربلائی صفر و کیل الرعایا حاجی آقا محمد حاج جعفر، قرار داشتند مرحوم حاجی شیخ را برای رفتن نزد محمد علی میرزا باسترآباد حرکت دادند. بنظر بستگان اینطور رسید که محمد علی میرزا ممکن است دستور تیر باران شدن آن مرحوم را صادر نمایند این بود که بدست و با افتادند و چون در آن موقع هم

پول و بازئی بهترین وسیله نجات بود هزار تومان پول نقره تهیه و بقلی خان تسلیم کردند که مرحوم حاجی شیخ را دستور دهد برگردانند. مرحوم آقا شیخ احمد که از علماء طراز اول و متنفذ قدیم این شهر بود در این بهرانها بقصد مشهد بادرشکه از شهر خارج شده بود بین راه با سارقین مصادف و ناگزیر بر اجاعت بشاهرود میشود و جریان مرحوم شیخ رامیشنود. وسیله مرحوم حاج سید کاظم آقایان که او نیز از طرفداران استبداد بود برای قلیخان پیغام میدهد که عمل ناشایسته شما نسبت بمقام شامخ روحانیت بسیار نا بجا و شایسته است که آقای حاجی شیخ را برگردانند، این سفارش توأم بادریافت هزار تومان پول نقره آنروز کار خود را کرده مأمورین باشتاب هر چه تمامتر در گراب شش فرسخی شاهرود نزدیک قریه تاش بمرحوم حاجی شیخ و مأمورین رسیده آنها را بشاهرود بر میگرددانند.

سپس قلی خان و سربازهایش شروع باحضر مشروطه خواهان و آزار و اذیت آنها مینمایند. چند رأس گاو و هوز از آن رأس گوسفند از مرحوم کر بلائی میرزا محمد اصفهانی گرفته بطرف علی آباد کتول حرکت میدهند منزل او را آباد کانش غارت تمام زندگی این مرد را بنیام میکنند محمد اسماعیل اصفهانی برادر او را (پدر آقای بانکی کارمند فعلی عدلیه) توقیف و تحت شکنجه قرار داده دماغش را با ریسمان مهار کرده دور بازار میگرددانند. پس از این زجرها با اخذ یک هزار و پانصد تومان او را رها میکنند. تمام افراد وابسته به مشروطه خواهان مشمول این قبیل اذیت ها و جریبه ها واقع شدند و چون بیپناه جوئی هاتمام شدنی نبود با وساطت کر بلائی حسین کر بلائی ملا ابراهیم و غلامرضا سلطان ابری و چند نفر دیگر از مستبدین که در بالا معرفی شدند در معیت حاج رضا قلی قلعه نو خرقانی شبی در منزل حاجی محمد صادق حاجی ابوالقاسم بسطامی پدر آقایان صادقانها که آن مرحوم از طرفی خواهر مرحوم حاجی شیخ عیالش بوده و از طرف دیگر خواهرش عیال مرحوم آقا سید مرتضی واعظ بود جمع شدند و برای اینکه بیپناه جوئیها خاتمه داده شود و جوانهای فامیل از جمله آقا حسین شوقی که او نیز مانند پدر از مشروطه خواهان متمصب و فداکار بود و آقا محمد علی صادقیان و غیره بتوانند در بازار و خیابان سبز شوند تبادل افکاری شد و نتیجه داد که عجالاً پانصد تومان پول تهیه و بقلی خان تقدیم کنند مشروط با اینکه دیگر مزاحمتی برای فامیل آن دو مرد بزرگ (مرحوم واعظ و مرحوم کبیریان) ایجاد ننمایند. مرحوم کبیریان همان شب آب معان خود را نزد مرحوم آقا علی اکبر صادق بیع شرط داده پانصد تومان را تسلیم مینمایند معذک رفع مزاحمت نشد و در تمام شبانه روز امنیت از زن و مرد و غیره کبیران فامیل سلب و یکساعت خواب راحت برایشان متصور نبود. شب زمستانی را که همه ای از فامیل و همسایگان و چند نفر از طرفداران مشروطه در منزل آقا سید مصطفی بزدی در محله گلشن شب نشینی داشتند گفتتاً عده ای سوار بر کردگی و راهنمای میرزا کریم بسطامی پسر حاج عباس و محمد غلام داروغه شاهرود در ب حیاط را شکسته وارد میشوند ساکتین خانه هم از راههایی که قبلاً مطلع بودند فرار



می کنند فقط آقای شیخ حسن تهرانی موفق بفرار نشده و در زیر کرسی مخفی میشود . سوارها شروع بگردش اطاقها کرده لعاف کرسی را بالا میزنند آقای تهرانی را دستگیر میکنند و شبانه به حکومتی نزد قلی خان میرند او را مضروب و توقیف کرده روز بعد با پرداخت سی تومان جریمه و توصیه ای که از مرحوم آقا شیخ احمد بقلی خان میشود آزادش می کنند. قریب پنجاه روز قلیخان هم ریاست او دو حکومت شاهرود را داشت که در ظرف این مدت خیلی صدمه مالی و حیثیتی بردم وارد کرده منسوب بمشروطه حتی خردسالان آنها یکشب را با اطمینان خاطر و فراغت بصبح نیامورند. در همین روزها از طرف محمد علی میرزا سردار لیت سلطان به حکومت شاهرود منصوب و فرار شد که خبر حرکت مجاهدین از طهران بطرف شاهرود که آنروز نقطه سوق الجیشی و میدان تاخت و تاز طرفین گردیده بود منتشر شد. قلی خان رئیس اردر بتجهیز قوا پرداخته از افراد ترا که و گوداریها و فوج عرب عجم عده ای را سرکردگی محمد کریم سلطان قهجی و غلامرضا سلطان گوداری ابری و حاجی خان قلعه محمد آقائی و حاجی محمد ابراهیم قل اندا کرین و محمد رحیم بیگ و کیل باشی و باقر بیگ و کربلائی حسین ملا ابراهیم (چهار نفر اخیر متصدی تربیت سربازها و امر توپخانه و درجه نایبی و گروهبانی داشتند) بقریه دهلا چهار فرسخی جنوب شاهرود اعزام داشت که در آنجا از حمله و ورود مجاهدین بشاهرود جلوگیری نمایند. جمعی از افراد مزبور تا دامغان رفته بمستبدین آنجا که در رأس آنها انتصار الممالک و مسعود المملک قرار داشتند پیوستند. از آنطرف مجاهدین بسرکردگی حسینعلی خان تبریزی و آرسن ارمنی در بین راه تا دامغان با جنگهای پارتیزانی مواجه و عبور میکردند در دامغان (۸ محرم ۱۳۳۰ قمری) بین طرفین جنگ در گرفت و منجر بشکست مستبدین گردید عده ای کشته و زخمی عده ای فراری و بدعلا با افراد مقیم آنجا پیوستند در جنگ دامغان آقا صادق دامغانی که از سران مستبدین بود با پسر بزرگ حاج سید طاهر مجتهد گرگانی که او نیز طرفدار محمد علی میرزا بود کشته شدند مجاهدین پس از شکستی که بمستبدین وارد آورده چند روزی در دامغان برای رسیدن قوای کمکی بطرف دهلا حرکت در آنجا جنگ سختی بین آنها جریان پیدا کرد که در نتیجه مجاهدین گرداگرد رباط را که مستبدین در آن سنگر گرفته بودند احاطه نان و آب را بروی آنها بسته پس از ۲۴ ساعت مستبدین تسلیم و سران توقیف و بشاهرود حرکت کردند روز پنجشنبه (۲۰ محرم ۱۳۳۰ هجری) با فتح و فیروزی مجاهدین وارد شاهرود شدند قربانها و تجلیل فراوان از طرف مشروطه خواهان بعمل آمد .

قلیخان مستبد معروف را پس از شکنجه و داغی کشیدن با اخذ ۱۵۰۰ تومان پول و ضبط آنچه را که در شاهرود برای خود جمع کرده بود با ضمانت حاج محمد ابراهیم قل اندا کرین مرخص کردند که بملی آباد کتول مسقط الرأس خود برود. پس از چندی آنطور که شایع شد بدست اکبرخان کتولی کشته میشود توپچی ها و کیل باشی های معلی هم که نامشان در بالا برده شد روی شفقت مشروطه خواهان پس از چند روز

توقیف آزاد میشوند. در خلال دو ماهی که مجاهدین در شاهرود زمام امور را در دست داشتند بر اثر تحریکات روسها و دلیریهائی که آنها بمستبدین و طرفداران محمد علی میرزا میدادند گاهگاهی آتش فتنه در بعضی نقاط نزدیک شاهرود بر افروخته میشد از جمله قیامهائی در تاش هفت فرسنگی. و رامیان بیست و دو فرسنگی شاهرود کرد که با حرکت و شرکت مجاهدین مقیم شاهرود بمحل های مذکور بنفع مجاهدین غائله خاتمه پذیرفت. البته مجاهدت و کمک های درونی و داخلی دومی که در کور بسیار مؤثر بوده در تاش سیصد نفر و در رامیان هشتصد نفر کشته شدند محمود حاجی محمد ابراهیم علی مدد جزء مقتولین مستبد قریه تاش میباشد.

حسینعلی خان رئیس المجاهدین بمحض ورود و فتح شاهرود بمشهد مرحوم واعظ تلگراف میکند و از آن مرحوم و کر بلائی میرزا محمد تقاضا میکند که بشاهرود مراجعت نمایند. ابتداء مرحوم کر بلائی میرزا محمد و پس از چندی هم مرحوم آقا بشاهرود وارد و مورد استقبال اهالی و مجاهدین واقع شدند. اولین تقاضائی که در برخورد باریس المجاهدین میکند صدور دستور بسربازها که احترامات مردم حفظ و مزاحمتی برای اهالی بنام استبداد و غیره ایجاد نکنند. حتی نسبت بمستبدین که در آن روزها ساخت آشفته و بریشان حال بودند و عملیات خانمانسوز آنها تقاضای اغماض و گذشت را نمیگرد باری همینطور هم عملی شد.

در این هنگام سرباز ملی معروف به منتصرالدوله بحکومت شاهرود منصوب و بامرحوم واعظ در تجدید تشکیلات حزب دموکرات در شاهرود همکاری مینمود.

مرحوم واعظ همانطور که در شاهرود هدف اصلی محمد علی میرزا و ایادی او و مستبدین محلی بود روسهای مقیم شاهرود نیز باو خیلی بدبین و دائماً در صدد رانداختن او بودند در مدتی که از شاهرود فراری و در مشهد مقیم شده بود کم کم پی به هویت و محل اقامت او برده و روی فشار دو سها در صدد از بین بردن او برآمدند و شخصی بنام سید محمد طالب الحق را که منشأ فساد و آشوب مشهد در توپ بستن گنبد مطهر حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام از طرف روسها شناخته شده بود مأمور ترور مرحوم واعظ نمودند. خوشبختانه حزب دموکرات مشهد از جریان مستحضر آن مرحوم را بعمد خروج از منزل توصیه نمودند و مدت بیست و زدن منزل شیخ علی اصغر لمور فروش (نهرانیان) و بیست روز در منزل محمد جعفر کشمیری مخفی و حتی در خلال چهل روز بکمر تبه هم در نیمه شب نگذاشتند که آن مرحوم بسلام حضرت ثامن الائمه برود و از این بابت متحمل رنج عظیمی میشد حتی پس از تلگراف مجاهدین و ورود آن مرحوم بشاهرود او را رها نکرده باز آن مرد از خدایی خیر (طالب الحق) را برای ترور آن مرحوم بشاهرود فرستادند. نامبرده در شاهرود علناً باریس قشون و سالداتهای روس که قریب ششصد نفر بودند و در خیابان فردوس منزل فعلی آقای خسروی و آقای قناد و شهر بانی فعلی اقامت داشتند رفت و آمد داشت.

جریان حرکت طالب الحق بشاهرود و قصد او از طرف حزب دموکرات مشهد بشاهرود اطلاع داده شد و بمرحوم آقا نوصیه شد که کمترین از منزل خارج شود. بکروز خبری در شهر منتشر شد که بکنفرغریه در خیابان کشته شده پس از تحقیق معلوم شد مقتول همان تروریست مرحوم واعظ بوده است که هنگام عبور از نزدیک محل شهر بانی فعلی بوسیله هفت تیر بدست ناشناسی مقتول شده. بعدها کشف شد که زنده ناشناس علی اصغر جعفرزاده مشهدی از مشروطه خواهان متعصب و حسابد اراداره تجدید شاهرود بوده است (۱۳۳۰ قمری) بعد از این جریان مرحوم واعظ همیشه مورد سوء ظن و تعقیب روسها واقع بود تا اواخر سال ۱۳۳۳ قمری واقعه قتل امیر اعظم را بهانه عدم امنیت قرارداد داده وارد خانه او شدند و پس از جستجوی تمام گوشه و کنجای بیرونی او را آتش زدند و خارج شدند. حتی باین هم قانع نشده چند نفر از قزاق های روسی را بطرف بیارجمند در تعقیب فرستادند که ناگزیر از همانجا بمشهد عزیمت و متجاوز از یکسال و نیم در جوار حضرت نامن العجیب ارواحنا فداه بطور مخفیانه زندگی میکرد. تا سال ۱۳۳۶ قمری مصادف با پایان سلطنت نیکلای تزاری روسیه و انقلاب بلشویکی آن مرحوم با تجلیل فراوان و تعطیل عمومی و استقبال بی نظیر مردم بوطن خود بازگشت نمود. لاکن صدمات وارده در روح و جسمش مؤثر و ریشه دو اندیده بود که پس از مدت ها کسالت و بستری دیری نپایید و در ۵۳ سالگی پنجم ماه صفر ۱۳۲۹ قمری بدرود زندگی گفته و در نجف اشرف اوراد و ادای السلام بخاک سپردند. با مرگ این مرد بزرگ تشکیلات مشروطه و حزب دموکرات در این شهر بضمف و سستی بلکه باضمحلال گرانید فقط حزبی بنام اجتماعون بهمت بعضی از روشنفکران که فرزند ارشد آن مرحوم حاج سید علی اصغر واعظ زاده جزء مؤسسان و از افراد کمیته مرکزی بود در اواخر سال ۱۳۰۱ شمسی تشکیل شد که بعلمت محدود بودن در فعالیت آنهم بجائی نرسید. ناگفته نماند که از فرزندان ذکور آن مرحوم که در قید حیاتند یکی آقای واعظ زاده از محترمین مقیم شاهرود که او نیز بموقع خود صدمات و مشقات زیادی در اجرای منویات پدر بزرگوار خود در راه امر مشروطه و تأسیس حزب دموکرات متحمل گردیده و حتی زمانی که مورد تعقیب روسها واقع شد و سوار بر اسب در حال فرار بود از زین سرنگون پای چپش می شکند و متجاوز از یکسال در بستر بیماری گرفتار و اکنون هم که سالها از آن زمان میگذرد بدر دپناه مبتلا است.

فرزند دیگر آن مرحوم آقای محمد حسن نبوی لیسانسیه حقوق و مهندس دانشکده کشاورزی مقیم تهرانست که بوکالت دادگستری اشتغال دارد. از مرحوم کربلائی میرزا محمد اصفهانی یک فرزند ذکور مؤمن بمشروطه و حزب دموکرات در قید حیات است بنام آقای حسین شوقی که اکنون از بزرگان و ملاکین شاهرود بشمار میرود.

مرحوم حاج شیخ مرتضی کبیریان اعلی اله مقامه که حق بزرگی بگردن مشروطه دارد در آذر سال ۱۳۰۴ در مجلس مؤسسان شرکت و مکرمه مورد تفقد اعلیحضرت فقید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی واقع گردید در ۲۳ مهر ماه ۱۳۳۲ شمسی در شاهرود پس از ۸۴ سال زندگی بدرود حیات گفت. غلامرضا سلطان ابری رئیس سوارهای قلیخان

در شاهرود در محله قلمه سزك بدست مجاهدین باهفت تیر کشته شد. حاجی خان قلمه محمد آفائی را بدستور امیر اعظم باسببسته و کشتند. محمد کریم سلطان قهجی نیز کشته شد. در اینجا بيمورد نمیدانند که مخنصری راجع بتأسیس حزب دموکرات و افراد خدمتگزار آن نیز اشاره نماید. در سال ۱۳۲۹ قمری طبق دستور کمیته مرکزی تهران و بسوابق دوستی سلیمان میرزا وسید محمد رضا مساوات با مرحوم واعظ حزب مزبور را در شاهرود بسرپرستی مرحوم واعظ تشکیل، صدر کمیته آن مرحوم بود رابط بین کمیته تهران و شاهرود آقای حسن عظام قدس مشهور باعظام الوزاره بود که این مرد از دموکراتهای واقعی و مشروطه طلبان حقیقی این کشور بشمار رفته و چندین دفعه در آن زمانهایی که با اسب و گاری مسافرت میشد بدون توجه بنا امنی راهها و تحولات شبانه روزی سیاست راه تهران و شاهرود را پیموده و حامل پیام ها و نامه ها و عامل اجرای دستورات کمیته مرکزی تهران در شاهرود بود جا دارد نام او را به نیکی یاد کنیم. این مرد که آخرین پست دولتی او ریاست دادگاههای وزارت کشور بود امروزه تقاضای خود بازنشسته و در خیابان امیریه تهران منزل شخصی بمطالعه کتب و تقریراتی اشتغال دارد اینک اسامی عدهای از اعضای حزب دموکرات :

- ۱- آقای هنرجندی ملقب به معتمد دیوان که چندی رئیس شهر بانی شاهرود بوده است جد خانم آقای داودی رئیس فرهنگ فعلی شاهرود که اکنون در جندق منزوی است
- ۲- طاهر زاده رئیس اداره تریاک
- ۳- مرحوم ناظم دیوان - سنائی ۴ - سید احمد امین زاده پیشکار حکومت ۵ - شاهزاده علی خان رئیس مالیه ۶ - سعید السلطان رئیس شهر بانی ۷ - میرزا عبدالرحیم خان دانش رئیس اداره ثلاث ۸ - جعفر زاده رئیس اداره تحدید ۹ - مرحوم شریعت زاده برادر زاده آقای حاج عبدالحسین نجفیان که از افراد مشروطه خواه محسوب میشد ۱۰ - مرحوم حاجی میرزا احمد دامغانی جد آقایان عبداللهیان ها ۱۱ - مرحوم معتمد الدوله پدر آقای خسروی ۱۲ - مرحوم حاجی سید ابراهیم آقایان ۱۳ - آقای آقا شیخ حسن تهرانی ۱۴ - محمد اسمعیل اصفهانی ۱۵ - مرحوم مجد الشرف سنائی ۱۶ - آقای سید عبدالرحیم آقا سید ابوالقاسم ۱۷ - کر بلائی - حسنعلی برادر زاده حاجی زین العابدین سرور ۱۸ - آقای عبدالحسین توکلی یزدی ۱۹ - مرحوم میرزا اسداله یزدی ۲۰ - مرحوم قوام کلباسی ۲۱ - آقا میرزا رضا کلباسی ۲۲ - میرزا علی آقا سید کاظم بروئی ۲۳ - مرحوم آقا سید اسمعیل تبریزی ۲۴ - مرحوم آقا سید مصطفی یزدی ۲۵ - مرحوم حاجی آخوند ۲۶ - حاجی آقا علی صادقیان ۲۷ - آقای حسین شوقی ۲۸ - آقای واعظ زاده ۲۹ - میرزا علی مفتش ۳۰ - مرحوم مهدی حاجی قاسم پدر آقای رحیمیان ۳۱ - میرزا جواد حاجی طالب پدر آقای عشقی ۳۲ - مرحوم محمد حاجی شیخ احمد اخبانی ۳۳ - حاجی غلامرضا نجفی ۳۴ - مرحوم کر بلائی محمد حسین آقا محمد پدر آقای عبداله اخوین ۳۵ - مرحوم میرزا عبدالحسین تقدیسی .

## گردآورنده آقای عبدالوهاب دوستزاده

لیسانسیه حقوق و دبیر علوم اجتماعی

### فولکلور

با وجود بسط تمدن و توسعه اکتشافات و اختراعات حیرت انگیز هنوز هم بین تمام ملل دنیا عقاید قدیمه و سنن دیرینه ای مورد احترام است من جمله بابا نوبل - یحییان و آوردن اسباب بازی و شیرینی برای اطفال و بابا نوروز ایرانیان و هزاران عقاید دیگر که حتی درمنز های متفکر جهان نیز جایگزین شده نودار ملیت و میراث نیاکان است. مانوجه خوانندگان محترم را دراین مقاله بیاره ای از عقاید قدیمی بعضی مردم این شهرستان جلب مینمائیم .



۱- اگر کسی چهل روز صبح قبل از طلوع آفتاب جلو درخانه را آب و جارو کند روز چهلم حضرت خضر را خواهد دید و هر مرادی که داشته باشد میتواند از او بگیرد .

۲- ناخنهای خود را پس از کوتاه کردن در پای پاشنه در میریزند و میگویند که هنگام خروج خردجال اینها مثل شمشیر میشود و مانع از اینست که انسان بتواند از میان آنها عبور کند و خود را بدنبال خردجال برساند .

۳- اگر جغد روی دیوار خانه ای بنشیند و نوحه گری کند اهل خانه آنرا بفال بد میگیرند .

۴- اگر استکان یا ظروف دیگری ردیف شود آنرا با آمدن مهمان یا مسافر تمبیر میکنند .

۵- اگر روی مژه چشم ذره شینی بچسبید آوردن سوغاتی را برای آن شخص پیش بینی میکنند .

۶- اگر کسی وارد خانه ای شود موقع ناهار یا شام و غذا تمام شده باشد میگویند مادرزنش نامهربان است و بالعکس اگر غذا باشد میگویند مادرزنش مهربان است .

۷- اگر هنگام درآوردن کفش ، کفش هاروی هم واقع شوند میگویند صاحب کفش بمسافرت میرود .

- ۸- اگر شب شفاهازوزه بکشند يك انگه گیوه را پشت و رو گذاشته و میگویند ما زن غریب داریم و با این عمل عقیده دارند که صدای شفاها بلند میآید .
- ۹- اگر کسی درخانه مهمان باشد و بلند نشود برود در کفش او يك تکه ذغال میاندازند فوراً حرکت میکند و میرود .
- ۱۰- اگر کسی از اهل خانه ای مسافرت کند خواسته باشند زود بیاید دنبال او آب میریزند و اگر خواسته باشند دبر بیاید دنبال او سنگ میاندازند .
- ۱۱- میگویند اگر کسی در شب سوت بزند شیاطین دور او جمع میشوند .
- ۱۲- شکستن اشیاء را بطور ناگهانی بغال نیک میگیرند و میگویند بد و بلائی بود که بآن خورد .
- ۱۳- در موقع گرفتن ماه مس میرائی میزنند و معتقدند که ماه زود باز میشود .
- ۱۴- خواندن مرغ را در روز چهارشنبه بد میدانند و میگویند مرغ را بلبید کشت والا خطرات جانی برای اهل خانه دارد .
- ۱۵- چنارهای سوخته را نظر کرده میدانند و یکی از آنها هم که بیرون شهر است بسیار مورد احترام است و روز سیزده عید هر کس از میان چنار سوخته بگذرد حاجتش برآورده میشود .
- ۱۶- اگر در موقع ریختن آب صدای مخصوصی کند رسیدن مسافریا مهمانی را پیش گوئی میکنند .
- ۱۷- بیمار سفید درخانه آزاری نمیرسانند و آنرا باعث برکت خانه میدانند .
- ۱۸- برای آمدن باران شیلان میکشند .
- ۱۹- اگر با مدادان ابر قرمزی در هوا باشد باران شب را نوید میدهد و اگر شب ابر قرمز دیده شود تاخیر باران را حدس میزنند و میگویند که: «صبح بسوزد شب بیارد شب بسوزد کی بیارد!»
- ۲۰- اگر کسی موقع غذا خوردن نان را زیاد خرد کند دلیل بر عائله منسد شدن اوست
- ۲۱- باران شب عروسی دلیل بر علاقه داشتن عروس و داماد به تبه دیک «رندو» است .
- ۲۲- اگر کسی کف دستش بخارد پول گیرش خواهد آمد.
- ۲۳- برای شفای بعضی مرضای سخت بشمع و چراغ متوسل میشوند (شمع و چراغ عبارتست از يك خشت خام و مقداری نمک زردچوبه و قند که روی آن گذاشته و در نیمه‌های شب در محل بر عومی میگذارند)
- ۲۴- بعضی‌ها هم برای شفای مریض طعام آدم‌خسیسی را بر داشته بمریض میخورانند تا خوب شود با چیز گدائی را برای بهبود مریض تجویز میکنند.
- ۲۴- مداد و قلم را از طرفین سر نمیکنند و بد میدانند.

- ۲۵- هرگاه در مزرعهای کندمها پیش از تراشیدن حلقه شوند آنرا بفال بد میگیرند و جلوی آن گوسفندی قربانی میکنند
- ۲۶- معتقدند که پلنگ بازن کاری ندارد و دشمن مرداست ( اگر زن را ببینم شرم دارم- اگر مرد را ببینم جنگ دارم)
- ۲۷- اگر زن حامله‌ای به جنازه‌ای نظر افکند چشم بجهشش شور میشود.
- ۲۸- اگر کسی روی هاون بنشیند متهم بدزدی میشود.
- ۲۹- بهم زدن دسته کلید موجب دعوی زن و شوهر میشود.
- ۳۰- اگر کسی با دو دست بچهار چوب در تکیه کند در بدر میشود.
- ۳۱- اگر کسی ستاره‌ای را با انگشت نشان دهد بمرض عقربك دچار میشود.
- ۳۲- اگر نوزادی هنگام تولد انگشتانش باز باشد سخی والا خسیس است .
- ۳۳- زن زایو تا ده روز نباید در خانه تنها باشد و الا آل زده میشود.
- ۳۴- چلچله و کبوتر باعث برکت خانه است.
- ۳۵- وارونه گذاشتن جارو موجب دعواست .
- ۳۶- پشت سر مسافر نباید جارو کرد.
- ۳۷- اگر کسی روز عید قربان حمام برود سرش می‌جنبند و هم چنین خیاطی کردن در این روز باعث درد انگشتان میشود.



آقای سعدالله فراقی دبیر دبیرستانهای شاهرود ، جدولی را که نمودار فاصله دهستانهای حومه تا شهر میباشد ترتیب داده‌اند که ذیلا درج میشود .



فاصله تاشهر	نام ده	فاصله تاشهر	نام ده
۱۹ کیلومتر	گرمن	۳ کیلومتر	باغزندان
< ۱۷	مهدی آباد	< ۳	قلعه نوروزخان
< ۱۷	نمدمال	< ۶	اردیان
< ۱۸	قلعه عبدالله	< ۶	مغان
< ۱۸	قاسم آباد اسمعیل خان	< ۶	سعد آباد
< ۱۸	قاسم آباد خانلر	< ۶	بدشت
< ۱۸	قلعه آقا عبدالله	< ۶	یونس آباد
< ۱۸	قلعه محمد آقا	< ۸	رویان
< ۱۸	پرو	< ۸	قلعه عضدی
< ۱۸	اعظم آباد	< ۹	دزج
< ۱۸	زرگر	< ۱۰	جعفر آباد
< ۱۸	قلعه میرزاه محمد علی	< ۱۰	اسد آباد
< ۲۴	میعان	< ۱۰	حسین آباد ساغری
< ۲۴	چهارطاق	< ۱۱	قلعه شوکت نظام
< ۳۶	ابر	< ۱۲	قلعه نوخالصه
< ۱۵	تقی آباد	< ۱۲	خیر آباد
< ۱۵	حسین آباد	< ۱۲	خوریان
< ۲۴	قهبج بالا	< ۱۵	کلانه خان
< ۲۴	قهبج پایین	< ۳۲	علی آباد حاج تقی خان
< ۱۲	ده خیر	< ۳۲	صالح آباد
< ۱۲	علی آباد	< ۲۴	دهملا
< ۳۰	قطری	< ۲۵	قلعه حاجی دهملا
< ۱۳	گرجی	< ۲۷	راهنجان
< ۱۲	دولت آباد	< ۴۲	مهندونه
< ۱۲	کنده پلی	< ۱۰۲	طرود
< ۱۶	شریف آباد	< ۱۴۸	سطوه
< ۱۲	میان آباد	< ۱۵۰	که زر
< ۱۲	گرگان	< ۱۵۱	حسین آباد
< ۹	قاسم آباد میرهلمش	< ۱۵۵	معلمان
< ۶	بسطام	< ۱۵۶	حسینیان
< ۱۸	ابرسبج	< ۱۶۵	رشم
< ۱۲	امیریه	< ۱۴۴	بیدستان
< ۱۸	نکارمن	< ۱۸	کلامو
< ۳۶	مجن		



فاصله تا شهر	نام ده	فاصله تا شهر	نام ده
۱۷۰	عیش آباد	۶۰	میامی
۱۵۶	نردین	۷۲	ابراهیم آباد
۱۶۸	حسین آباد	۹۵	ری آباد
۱۷۴	دشت شاه	۸۹	کوهان
۱۶۸	قوشه دگرمان	۸۷	بکران
۱۶۸	نام نیک	۴۸	ارمیان
۱۷۴	تلوین	۸۴	استخرو
۱۲۰	بیار	۴۸	اسرائیل
۱۳۸	خانه خودی	۸۹	اصغر آباد
۱۴۱	دزبان	۹۶	پویه
۱۵۰	دستجرد	۴۸	چودانه
۱۴۴	طاهر آباد	۱۱۴	جهان آباد
۱۴۴	قزازان	۹۵	شریف آباد
۱۴۴	قلعه بالا	۸۹	کرد آباد
۱۰۲	قلعه احمد	۴۸	کلاته اسد
۱۴۴	کلاته دلبر	۸۳	کلاته مرغی
۱۳۸	گیور	۴۸	محمد آباد
۱۳۸	بزدو	۱۰۵	میان دشت
۱۲۱	مزرعه امین آباد	۸۵	هونستان
۱۳۸	مزرعه پهنه نواب	۸۳	حسین آباد
۲۷۰	ابوالحسنی	۹۳	سق آباد
۲۰۰	احمد آباد	۹۰	مزارع تقی آباد
۲۳۰	باغستان	۹۰	مزارع و کزان
۲۳۰	برم	۱۶۸	فرومد
۲۴۰	بشت آسمان	۱۳۸	عباس آباد
۲۳۵	تقمر	۱۶۵	استربد
۲۲۸	جعفر آباد	۱۶۳	فیروز آباد بالا
۲۴۵	چاه مرئی	۱۶۲	فیروز آباد پایین
۲۴۰	حجاج	۱۶۲	کلاته سادات
۲۳۵	حصارو	۱۸۶	کلاته ملا
۲۰۵	خوار	۱۸۰	مسیح آباد
۲۴۵	درازو	۱۶۳	صدر آباد
۲۴۵	سالك	۱۲۴	الهاک
۲۳۵	صالح آباد		

فاصله تاشهر	نام ده	فاصله تاشهر	نام ده
< ۲۴۰	ناهر	< ۲۳۲	عشقوان
< ۲۳۰	نوه	< ۲۳۰	فریدر
< ۶۶	جیلان	< ۲۴۵	فرینو
< ۴۸	خیج	< ۲۳۵	کاریز
< ۴۸	کلانه خیج	< ۲۵۰	گرماب بالا
< ۵۴	مزج	< ۲۵۵	گرماب پائین
		< ۲۴۵	فارستانه



آقای احمد صابر



آقای علی اکبر آقایان



آقای ابراهیم ناهیدی

دیران دبیرستانهای شاهرود



## بخش دوم

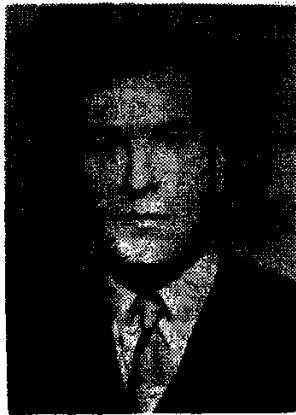
شامل

۱. سازمانهای فرهنگی شاهرود
۲. روسای فرهنگ شاهرود از بدو تا سپس  
فرهنگ جدید تا به حال
۳. مقالات فرهنگیان

## فرهنگ نو در ایران

در سال ۱۲۶۸ ناصرالدینشاه دارالفنون را که شالوده آن بدست راد مورد توانا و فرزند برومند ایران امیرکبیر ریخته شده بود طی مراسم باشکوهی افتتاح کرد و این مؤسسه تحت نظر مملوین اطریشی بکار تعلیم و تربیت پرداخت

قبل از تاسیس دارالفنون هم آمریکاییها در شهرهای رضائیه و همدان و تبریز ورشت آموزشگاههایی دائر کرده بودند و بعداً هم فرانسویان مدرسه الیانس و سن لوئی را در طهران و چند مدرسه دخترانه هم در شهرستانهای ایران تاسیس کردند .



اقلیت‌های مذهبی زردشتی، ارمنه، و یهود هم در همین اوقات مدارس اختصاصی داشتند که مر بیان‌منتخبی عهده‌دار تعلیم و تربیت اطفال هم کیشیشان بودند.

رفته رفته طایفه فرهنگ نو در سراسر ایران ظاهر گردید مردمان پیش‌بین که دارای قوای دراکه قوی بودند بسرعت دریافتند که این آموزشگاهها از

مؤسسات مترقی علمی جهان است و چیزی نخواهد گذشت که نور آن سراسر ایران پرتو خواهد افکند .

اینان علاوه بر اینکه اطفال خود را باین آموزشگاهها میفرستادند بترویج فرهنگ نو و تاسیس مدارس جدید همت گماشتند متأسفانه در اینموقع بین مخالفین و مغرضین از يك طرف و فرهنگیان از طرف دیگر مبارزات شدیدی در گرفت که عاقبت منجر بضر و شتم و قتل بسیاری از معلمین و اطفال معصوم گردید که شرح آن از حوصله این مقال خارج است معلمان مدارس در مقابل این تعدیات بسختی مقاومت می‌کردند. خوشبختانه در اینموقع بعضی از حکام محلی ایران که مردمانی بصیر بودند به‌حمایت فرهنگ و فرهنگیان برخاستند و تحت مراقبت مستقیم و بی‌خرج خودشان مدارس بسبک نو در شهرستانها دایر کردند که نمونه آنهم مدرسه اعظمیه شاهرود و گرگان و

شو کتبه بیرجند است و این مدرسه اخیر الذکر هنوز هم در شهر بیرجند بخدمت فرهنگی خود ادامه میدهد.

### فرهنگ نو در شاهرود

کشمکش‌های مردم با مدرسه و تعلیمات جدید خواه نا خواه بحوزه فرهنگی شاهرود هم سرایت کرد و معلمین این شهرستانهم در فشار و مضیقه عوام اغوا شده قرار گرفتند با اینکه مرحوم آیه الله آقا شیخ احمد شاهرودی طاب ثراه مجتهد و پیشوای وقت با تاسیس مدارس جدید موافق بود و شخصا در جلسات امتحانات حاضر میشد و شاگردان را بالطف و انعامات خود بهره‌مند میساخت و خود نیز مدرسه سعادت احمدیه را افتتاح نموده بود باز مفرضین بمخالفت بامدارس جدید پرداختند و هر روز بیپناه‌ای معلمین و محصلین را میآزردند.

این وضع نا طلمیه سلطنت پهلوی ادامه داشت تا اینکه وجود قائم اعظم و ناجی ملت ایران رضاشاه کبیر یک مرتبه بتمام این جارو جنجالها خاتمه داد و معلمین توانستند در محیط امن و آرام بکار تعلیم و تربیت بپردازند تا تاسیس مدارس پسران و فرستادن محصل بخارجه و بنای دانشگاه تهران بهترین نمونه علاقه مفرط و میل وافر آن فقید سمید بتعلیم و تربیت نسل جوان کشور بود. فرهنگ ایران در زمان سلطنت این شاهنشاه بجاده ترقی افتاد بزودی مهندسین و اطباء و حقوقدانهای ایران در سازمانهای بین المللی عضویت پیدا کردند.

اما شهریور شوم ۱۳۶۰ و ورود متفقین بخاک ایران یک مرتبه شیرازه مملکت را از هم گسیخت و کشمکشها و اختلافات سیاسی در مدارس رخنه نمود در نتیجه کسانی که همواره با بسط فرهنگ جدید مخالف بودند بیپناه خوبی بدست آوردند و حملات سابق را تکرار نمودند که خوشبختانه در اثر توجهات خداوندی و بیداری دولت‌ها و مردم فرهنگدوست پس از چند سال مبارزه مداوم آن گرفتاریها از محیط مقدس مدرسه رخت بر بست.

نا گفته نماند که در همین شهرستان مفرضین و مخالفین دبیران دبیرستانها را در مضیقه گذاشتند و با تهدید اولیاء اطفال از فرستادن فرزندانشان بدبیرستان دختران ممانعت میکردند مختصر اینکه در اثر این اعمال تعداد شاگردان سه کلاس دبیرستان هفدهدی به هفده نفر تقلیل یافت این مرتبه هم بسبب تدابیر و مقاومت دبیران و حمایت دستگاههای دولتی و بی اساس بودن مخالفت مخالفین این اعمال جاهلانه بکلی ازمیان رفت و امروز این مؤسسات بدون هیچ مانع و رادع بتعلیم و تربیت اطفال میپردازند و روز بروز توسعه مییابند امید است که بزودی مردمان خیر این شهرستان بفرهنگ دوستانی از قبیل نمازی وهراتی یزدی تاسی نمود و ساختمانهای مناسبی را زینت بخش

فرهنگ شاهرود نمایند.

در خاتمه باید اعتراف کرد که فرهنگ کنونی ما ناقصی نیز دارد و انتقادات بعضی از منتقدین هم بجاست و ما هم وظیفه خود میدانیم که در رفع این معایب هر چه زودتر و بیشتر بکوشیم البته با کمک و راهنمایی مردمان خیر و فرهنگ دوست، فکر تأسیس تأسیس انجمن‌های خانه و مدرسه و همکاری اولیاء دانش آموزان با فرهنگیان نیز از همین‌ها سرچشمه گرفته است و ما این موضوع در این سالنامه مفصلاً بیان داشته‌ایم.

### مؤسسات قدیم فرهنگی شاهرود

۱ - مدرسه اتیام اعظمیه، در سال ۱۲۹۲ بهمت شادروان امیر اعظم (نصرت‌الله خان) حاکم وقت در شهر شاهرود تأسیس و افتتاح گردید این مدرسه چهار کلاسه بود و تحت نظر مبرزترین معلمان آنروز اداره میشد و تعداد شاگردان آنهم بطور ثابت چهل نفر بود. در آخر سال که از کلاس چهارم آن قریت ۱۲ یا ۱۵ نفر فارغ التحصیل میشدند دبستان ۱۲ یا ۱۵ نفر شاگرد جدید میپذیرفت خود امیر اعظم هم با مور این دبستان نظارت مستقیم داشت و امتحان شاگردان نیز در مجمعی مرکب از بزرگان و معارف

## مدرسه مجانی اعظمیه (شاهرود)

تاسیس در سال ۱۳۰۰

شماره ۱۳۰۰

آقای محمدعلی زیندی، مدیر و سرپرست این عمل مدرسه عالی اعظمیه شاهرود عملیات چهار کلاسه ابتدائی خود را مطابق پروگرام

وزارت جلیله مطرف با تمام رساندم مدرسه اعظمیه بموجب این تصدیقنامه رسمی خانه تحصیلات چهار کلاسه مشارقه را تصدیق و تایید

گواهینامه مدرسه اعظمیه که ارزش آن تقریباً معادل کلاس نهم است

ورئیس فرهنگ بعمل می آمد در این مدرسه بشاگردان شام و نهار و لباس می دادند و چون وسایل خواب فراهم نبود پس از شام شاگردان را بصف کرده مرخص مینمودند هر هفته يك مرتبه آنها را بحمام و بانزده روز يك مرتبه هم بسلامانی میبردند معلومات فارغ التحصیلان این آموزشگاه در طی چهار سال تقریباً معادل بود با تحصیلات سه ساله متوسطه امروز و بعد از چهار سال گواهی نامه رسمی بشاگردان میدادند. معلمینی که در این مدرسه تدریس کرده اند عبارتند از شیخ حسن تهرانی، ادیب یغمای، آقای حبیب- یغمائی، محمود زاده، سید جعفر جعفری، امیرالادبا، میرزا حسن خان هدایتی که امروز از قضاء دادگستری است محمد رضا عماد ( عماد الشریعه ) سید یحیی ضیائی - سید علی نقی ( سیف السادات ) شیخ جلال ، شریف العلماء سید حسین قطب فاضلی شاهرودی ادریس خان شمس و جمعی دیگر

در دبستان کارگاههایی موجود بود که استادانی مجرب در ساعاتی معین شاگردان



را تعلیم میدادند من جمله کارخانه نساجی تحت نظر جعفر خان و کارخانه عبا بافی تحت نظر استاد ابوالقاسم نائینی بود و اجناس آنهم در بازار شاهرود بقیمت خوب فروش می شد . هنگام تابستان بعد از ظهرها دبستان تعطیل بود ولی شب شاگردان برای شام خوردن بمدرسه میآمدند متأسفانه این مدرسه که از بهترین مدارس شاهرود بود و مردمانی فاضل از آن برمیخاست پس از مدت ۱۶ سال تعطیل شد فرهنگیان شاهرود انتظار دارند که فامیل

جلیل عضدی مجدداً با دائر کردن مؤسسه آبرومند فرهنگی دیسگری که مناسب باموقعیت فرهنگی و خانوادگی آنها باشد خدمات سابق فرهنگی خود را در این شهرستان تجدید و تکمیل فرمایند .

#### ۴- مدرسه سعادت احمدی - در سال ۱۲۹۶ بهمت شادروان آیهاله آقاشیخ

احمد شاهرودی طالب ثیراه جمعی مردمان فرهنگ دوست جلسه ای تشکیل دادند و مبلغی متناسباً بجهت تأسیس دبستان جمع آوری کردند و بعد درین خود دوازده نفر را بسمت نظارت امور دبستان تعیین نمودند این عده تحت نظر مرحوم میرزا عبداله خان گل سرخی رئیس اداره تجدیدتریاک شروع بکار کرده و بزودی دبستانی شش کلاسه و آبرومند تأسیس شد و زیر نظر مربیان بسیار مجرب و مطلع بکار آموزش و پرورش پرداخت ماهیانه دانش آموزان بیول آن زمان بیست ریال و ده ریال بود و حقوق معلمین از این محل و کسری آن از صندوق مدرسه پرداخت میشد متأسفانه دارای کتابخانه ای بود که اولیاء مدرسه آنرا اداره می کردند متأسفانه در اثر اهمال و رسیدگی نکردن هیئات مزبور بامور مدرسه در اندک مدتی موجودی صندوق و کتابهای مدرسه بیغما رفت و معلمین هم مبلغی طلبکار شدند .



۳ - مدرسه نصر تیه - در سال ۱۲۹۷ بهمت آقای نصر تی مدرسه ای بنام «علویه» تأسیس که تمداد شاگردان آنهم بیست نفر بود دو سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۹ امتیاز نامه رسمی از وزارت فرهنگ گرفت و دبستان ملی نصر تیه نامیده گردید و از اینموقع بعدش کلاسه شد و همیشه تحت نظر معلمین خوب شهر اداره میشد و شاگردان بسیار خوبی هم داشت که اکنون در ادارات دولتی مصدر امور مهم میباشند اما متاسفانه در سال ۱۳۲۲ منحل شد .

۴- مدرسه دخترانه اشرفیه - در چهل سال قبل مدرسه ای دخترانه تحت نظر آقای میرزا علیرضای کرمانی و بانو که از مردمان بصیر و روشنفکر و فرهنگ دوست میباشند در این شهر تأسیس شد در ابتدای سلطنت پهلوی این مدرسه دارای امتیاز نامه رسمی و شش کلاسه شد و تا سال ۱۳۳۰ نیز دایر بود دبستان اشرفیه تنها مؤسسه فرهنگی است که از آغاز تأسیس تا آخر بحسن تدبیر مدیر آن در محیط شاهرود با هیچگونه مخالفت محلی یا کارشکنی بکار خود ادامه داده است .

### شادروان سید اسمعیل شیرازی معروف بسید شیرازی

هفتاد سال قبل سیدی جلیل القدر و متقی از شیراز بمشق زیارت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام منزل بمنزل طی طریق کرده تا شاهرود رسید . مردمان روشنفکر شهر سید را شناخته و مقدمش را گرامی داشتند سید بانیکی هائی که دید دو شاهرود اقامت کرد و شغل معلمی را پیشه خود ساخت هر چند از عوام الناس مخالفینی داشت که او را آزار می رسانند ولی سید با عشقی که بتعلیم و تربیت داشت از میدان در نرفت و تا آخر عمر ۱۳۰۷ دست از کار خود نکشید .



مردم شاهرود درسو گوازی او العلق از هیچگونه تجلیلی فرو گزار نکردند و جادارد که شاگردان آن مرحوم که از مردمان بزرگ شهر هستند آرامگاهی که در خور آن مرد شریف باشد بر تربتش بسازند و بدینوسیله حق استاد را ادا کرده و روح آن مرحوم را شاد کنند .

### آقای سید عباس تبادگانی

ظاهر ادر حدود سال ۱۲۹۳ شمسی تجار شاهرود با اهتمام و راهنمایی مرحوم حاج



محمد حسن اخیانی در چند جبهه فوقانی کاروان سرای معروف طومانیانس مدرسه‌ای دایر کردند که فقط دو کلاس داشت، اما خوب اداره می شد چون آقایان تجار متخارج ماهانه مدرسه را بی تأمل در هر ماه می دادند. سیدی محترم بنام سید عباس تبادکانی مدیر مدرسه بود که قرآن مجید را با تجوید و قرائت و آهنگی خوش تلاوت می کرد. آقای حبیب یغماسی هم چند گاهی با وی همکاری داشتند و چندی نیز مرحوم حاج منتجب السادات چند قی در این مدرسه معلم بود. این مدرسه در سال ۱۲۹۸ شمسی دایر بود. آقای سید عباس تبادکانی گویا اکنون در کتابخانه آستانه قدس رضوی عضویت دارد.

### چند نفر از معلمین قدیم فرهنگ شاهرود



جناب آقای احمد داودی فرزند مرحوم شیخ عبدالحسین امین در سال ۱۲۸۱ در شاهرود متولد و تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان اعظمیه شاهرود پایان رسانیده و سپس وارد مدارس قدیمه شدند و تا سال ۱۳۰۰ هم در شاهرود و مشهد تحصیلات قدیمه اشغال داشتند. در سال ۱۳۰۱ با مرحوم سید عسکری صفوی بتأسیس مدرسه‌ای ملی همت گماشتند و در سال بعد هم از طرف دولت مأمور تشکیل دبستان بسطام شدند و تا ابان ۱۳۰۶ در خدمت فرهنگیه بودند در همین سال بداد گستری دعوت و اکنون هم دادستان استان نهم میباشند. ما توفیق بیشتر ایشان را در اجرای عدالت و بسط فرهنگ کشور از خداوند متعال مسئلت مینماییم.



مرحوم سید یحیی ضیائی



آقای سید مرتضی بهشتی آقای مشکوتی آقای محمدرجایی

## رقوسای فرهنگ از ابتدا تا سال ۱۳۱۱

۱- مرحوم میرزا ابوالحسن قسی اشعری در سال ۱۲۹۷ نماینده فرهنگ شاهرود بود و اولین دبستان دولتی در زمان مشار الیه تأسیس شد. مدت خدمتش در شاهرود قریب سه سال و شخصی معمم دارای اطلاعاتی جامع بوده است. از بعضی نامه‌هایی که در این تاریخ از وزارت فرهنگ رسیده است «عنوان اداره فرهنگ شاهرود و بسطام و دامغان» را دارد، چنین استنباط میشود که در آن وقت فرهنگ دامغان هم ضمیمه شاهرود بوده است.

۲- در سال ۱۳۰۰ آقای میرزاتقی خان بنمایندگی فرهنگ شاهرود منصوب گردید متأسفانه از وضع ایشان اطلاعی در دست نیست.

۳- در سال ۱۳۰۱ مجدداً آقای میرزا ابوالحسن اشعری متصدی فرهنگ شاهرود گردید و در همین سال دبستان سه کلاسه بسطام هم تأسیس شد.

۴- در سال ۱۳۰۲ آقای شهیدی بریاست فرهنگ شاهرود منصوب شد و از احوالات ایشان هم اطلاعی در دست نیست.

۵- در سال ۱۳۰۳ آقای محمود امیر خلیلی بریاست فرهنگ شاهرود را داشتند

سازمان فرهنگ شاهرود در این سال منحصر بیک دبستان چهار کلاسه در بسطام بوده است. تلگرافی بامضای کفیل معارف شاهرود آقای هدایتی موجود است که از مرکز در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۰۴ تقاضای تأسیس کلاس پنجم را نموده گویا وزارت فرهنگ هم اجازه داده و سال بعد یعنی سال ۱۳۰۵ فرهنگ شاهرود دارای کلاس پنجم ابتدایی بوده است.

۶- در سال ۱۳۰۵ آقای حاج میرسید علی موسوی سراجی عهده دار ست ریاست فرهنگ شاهرود بودند و آنچه که در پرونده‌های موجود منعکس است در این سال فرهنگ شاهرود یک دبستان در شهر و یک دبستان در بسطام داشته است.

۷- در سال ۱۳۰۶ آقای امیر خلیلی مجدداً ریاست فرهنگ شاهرود را داشتند

۸- در سال ۱۳۰۷ آقای میرزا احمد خان فرخ پی رئیس فرهنگ شاهرود شد بطوری که از بعضی مندرجات پرونده‌ها استنباط میشود آقای فرخ پی مردی فعال و جدی بوده است. تأسیس مدرسه «شماره ۲» شاهرود و مدرسه دو کلاسه نسوان و کلاس ششم ابتدایی از اقدامات بسیار مفید ایشان است سازمان فرهنگ در زمان مشار الیه عبارت بود از:

۱- مدرسه شش کلاسه شهر با اسم مدرسه شماره ۱

۲- « یک کلاسه « « « « « ۲

۳- « سه کلاسه بسطام

۴- « یک کلاسه قلعه نو

۵- « یک کلاسه میامی

۶- « دو کلاس اکابر شبانه

۷- يك مدوسه ملی (نصرتیه) که از دولت اعانه میگرفت و تحت نظر فرهنگ بود. آقای فرخ پی چنانکه گفته شد مردی فعال بود در ذیل بودجه پیشنهادی بمرکز بخط خودش چنین نوشته است.

«توضیح آنکه از بابت صرفه جوئی سال ۱۳۰۶ قریب ۱۷۰۰ تومان در صندوق مالیه مانده ممکن است عمارتی جهت مدرسه از همین اعتبار ساخته شود که هر ماه مدرسه مجبور بپرداخت ۱۲ تومان مال الاجاره نباشد»

اما معلوم نیست که بچه علت با پیشنهاد مفید مشارالیه موافقت نشده است در صورتیکه اگر آروز اولیاء وزارت فرهنگ با این پیشنهاد و پیشنهادهای مشابه با آن موافقت مینمودند اکنون اداره فرهنگ شاهرود مجبور نبود سالیانه چهل هزار تومان بابت کرایه خانه های استیجاری بپردازد.

آقای فرخ پی در آذرماه ۱۳۰۷ هنگام تأسیس مدرسه نسوان جشن بسیار باشکوه و مجللی ترتیب داده بود که تا آنروز در مؤسسات فرهنگی شاهرود نظیر چنین جشنی دیده نشده بود در آخر هم چون وزارت فرهنگ با پیشنهاد مختصر اضانه حقوق او موافقت نکرده بود اداره فرهنگ را بکفیل خود سید مهدی بخان نیازمند واگذار کرده بهتران رفت.

۹- آقای میرسید مهدی بخان حائری روحانی در سال ۱۳۰۸ عهده دار سمت ریاست فرهنگ شاهرود گردید و قریب سه سال هم در این سمت باقی بود و از وضع ایشان و اقداماتشان اطلاعی در دست نیست جز آنکه مدرسه سه کلاسه بسطام را بعلت قلت شاگرد تعطیل و معلمین آنرا بشهر آوردند و سه سال بعد باز آقای فراست مدرسه را افتتاح کرد.

از خوانندگان محترم استدعا دارم اگر از سوابق و خدمات و شرح حال آقایان رؤسای فوق السدکر اطلاعاتی دارند بجهت درج در سالنامه بعدی بکتابخانه فرهنگ شاهرود بفرستند البته بنام خودشان درج خواهد شد.

شرح حال بقیه رؤسای فرهنگ شاهرود را که بترتیب انتصابشان تنظیم شده است در صفحه های آینده مطالعه خواهید فرمود.

### شاه دوستی

چو نیکی کنی او دهد پایگاه  
نیابد نیاز اندر آن شهر راه  
که بر چهر او فریزد آن بود  
که داری همیشه بفرمانش گوش  
نباید که باشد ورا مغز و پوست

چنان دان که آرام گیتی است شاه  
بشهری که هست اندر او مهر شاه  
جهان را دل از شاه خندان بود  
چو از نعمتش بهره یابی بکوش  
دلی کو ندارد دل شاه دوست

## دبستان بدر

دبستان بدر اولین دبستان دولتی است که در سال ۱۲۹۷ خورشیدی بنام دبستان  
نمره ۱ در شاهرود تأسیس گردیده است این دبستان هم چنانکه از اول مشعلدار فرهنگ  
نویں این شهرستان بوده توانسته است در طول مدت سی و نه سال خدمات فرهنگی

خود همواره جوانان برومند این شهر را بشاهراه ترقی رهبری  
و تا سرحد امکان ضمیر پاک آنرا بنور دانش روشنی بخشید.  
چنانکه میتوان گفت اکثر مفاخر این شهرستان که اکنون شاغل  
مقامات مهم معنوی و اداری هستند روزی افتخار شاگردی این  
دبستان را داشته و بنیان ترقی علمی آنان در این آموزشگاه  
استوار گردیده است .

در زمان شاهنشاه فقید که فرهنگ جدید کشور حیات  
خود را آغاز نمود این دبستان پیوسته مجری نیات مقدس آن  
رادمرد بزرگ بوده و با ترتیب دادن جلسات مهم سخنرانی و تنظیم  
برنامه‌های جالب هنری مردم بچگونگی این تحول عظیم فرهنگی

آشنا و از این راه بزرگترین خدمت را به معارف این شهرستان نموده است. از آغاز سلطنت  
اعلیه حضرت همایونی نیز که همواره توجه خاصی نسبت به پیشرفت فرهنگ کشور مبذول  
میفرمایند این آموزشگاه بر فعالیت خود افزوده و همه ساله فارغ التحصیلانی کار آزموده  
با اجتماع تحویل داده است .

این دبستان شش کلاسه و سالیانه بالنسبه ۱۵۰ نفر نوآموز در کلاسهای مختلف  
بیتحصیل مشغولند در سال ۳۴-۱۳۳۵ این آموزشگاه حرفه‌ای گردید و دو نفر از کارکنان  
دبستان که تعلیمات حرفه‌ای را در رشته نجاری و فلزکاری درمرکز فرا گرفته‌اند نوآموزان  
رادر کارگاههای نسبتاً مجهز دبستان بکارهای هنری و صنعتی آشنا می‌سازند. انجمن همکاری  
خانه و مدرسه نیز در سال ۳۴ تشکیل و در سال جاری بهمت ریاست محترم فرهنگ و اولیاء  
دبستان وعده‌ای از اولیاء خیراندیش نوآموزان تشکیل و اقدامات اساسی خود را برای  
رفع نقائص آموزشگاه شروع کرده‌اند. اولین قدم مؤثر آن اقدام به تهیه پوشاک مجانی  
جهت شاگردان بی بضاعت است که با فرارسیدن نوروز بچند خانوار پریشان کمک شد.  
سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ هم همه ساله گروه خود را در این دبستان  
تشکیل و در سال جاری هم با استقبال بی نظیر نوآموزان رو برو سه گروه کوچک در



## علل عقب افتادگی فرهنگ ایران از ملل غرب

روزی تنهادر گوشه خانه نشسته و دربروی خودی و بیگانه بسته بودم وفرستی دست داده وآرامش خاطری حاصل شده بود موقع را مفتنم شمرده در تاریخ فرهنگ ایران بطور اجمال بمطالعه پرداختم ودر کتب ومظاهر علم ومعرفت پیشینیان آثاری درخشان میدیدم که مایه حیرت وتعجب میگشت لیکن بر اثر مقایسه فرهنگ گذشته با حال ونیز با توجه به پیشرفتهای علمی در اروپا ونقاط دیگر جهان بعقب ماندگی خودمان پی بردم باخود گفتم ما که روزگاری درازمشل فروزان علم ومعرفت را در دست داشتیم وتغم دانش و بینش کاشتیم چه موجب گشت که در پرتو آن چراغ تابان ، دیگران راه ورسم زندگانی را دریافته و چهاراسبه بسمت ترقی وتکامل شناخته اند وبازملت چیست که ما خود از ثمرات آن کشت تمتع نیافتیم و چنانکه شاید و باید نتایجی مطلوب بدست نیاوردیم گاهی باخود میاندیشیدم که چرا ایران که یکی از ارکان تمدن قدیم محسوب است واز



این جهت نامش زبانزد خاص و عام بود بکباره از مقام شامخ علمی فرو افتاد و جای خود را بدبگیران سپرد و مردم این کشور نتوانستند صرفنظر از ترقیات علمی و صنعتی جدید لااقل در شعب علوم قدیم پیشرفتی کنند وامثال سعدی ها و فردوسی ها و ابن سیناهای امروزی بیار آورند. چه شد که در نهضت علمی و ادبی اروپا مردم آن سامان

سه کلاس تشکیل گردید. همه هفته جلسات سخنرانی این سازمان دایرواظر طرف اعضای سازمان پیرامون هدفهای مقدس شیروخورشید سرخ سخنرانی میشود وتحت نظر مربی مخصوص سازمان تعلیمات لازمه را فرا میگیرند. انجمن ورزشی آموزشگاه نیز همه ساله با شرکت نوآموزان ورزش دوست فعالیت خود را آغاز ونو آموزان را بفنون مختلف ورزش آشنا میسازد. مدیر دبستان بدر- سید احمد میرحسینی

متدرجاً در جریان علمی قرار گرفتند و قیودی را که دست و پایشان بدانها بسته بود گسسته  
 با تفکر آزاد در مسیر علم و ادب و هنر پیشرفتند و با اصطلاح هفت شهر فضیلت و معرفت را  
 بی‌موندند که آثار این سیر و حرکت اکنون بخوبی مشهود است و ماهه‌نوز اندر خم یک کوچه ایم  
 و معلوم نیست بکجام می‌رویم و مآل کارمان چیست .

با این پرسشها مواجه بودم و می‌خواستم که با آنها جواب گویم لکن ناگهان  
 بخود آمدم و دیدم که در راهی صوب المبور و فراز و نشیب های بسیار قدم نهاده ام که  
 رسیدن بمقصود بسیار دشوار است. با خود گفتم که برای باقنن علل عقب ماندگی فرهنگ  
 ما و پاسخ دادن باین پرسشها نباید دست از تفکر و مجاهدت بردارم و مجهولات را بروی  
 هم انباشته بگذارم و بگذرم بخود گفتم که «آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی  
 باید چشید» باتذکار این بیت قوت قلبی یافتم و خامه برداشتم و عللی را که بنظرم مهمتر  
 و کلی تر جلوه میکرد بر صفحه کاغذ نگاشتم که اینک مختصری از آنها برای اطلاع  
 خوانندگان درج میگردد .

۱- وضع جغرافیائی و محیط طبیعی ایران چنانست که معبر بسیاری از اقوام  
 بوده و هست و در جریان تاریخ بسیاری از قبایل و اقوام چه برای تصرف ایران چه بمنظور  
 عبور از این منطقه بهجوم ها و حملات بیایی پرداخته و نواحی مختلف مملکت را دستخوش  
 قتل و غارت و ویرانی ساخته‌اند. شواهد بارز این مدعا حملات اسکندر مقدونی و اعراب  
 و چنگیزیان و تیموریان و قبایل ترک دیگر است که صفحات تاریخ ایران از اعمال و حشیانه  
 آنان پر است که بالنتیجه از سیر طبیعی خود باز مانده و بسیاری از دانشمندان را  
 از دست داده ایم و بیشتر آثار علمی و هنری ما از میان رفته است .

۲- قبل از تأسیس دولت صفوی ایران نزدیکترین معبر تجاری بود  
 که هندوستان و چین را بفریب مربوط میساخت و آمد و رفت تجار و مسافران نمایندگان  
 علمی و ادبی و روحانی بود که نهال علم و معرفت را (که از دیرباز علماء و متفکرین اروپائی  
 بآب تعقیق و نور تجر به پرورش داده و بارور ساخته بودند) با خود بیاورند و از ثمراتش  
 ایران را برخوردار سازند لکن بدبختانه از دوره صفویه با تشکیل دولت عثمانی و تسلط  
 آنان بر استامبول و باقازها این معبر از اهمیت افتاد و سدی بزرگ میان ایران و اروپا حایل  
 گشت و سرانجام با جبر ترعه سوزن این منطقه بکلی از نظرها دور ماند و سبب شد که  
 ایرانیان آن عصر از جنبش علمی و ادبی اروپا بی‌خبر ماندند و از قافله ترقی و تکامل دنیا  
 افتادند .

۳- سیاست دولت صفوی بر اساس تقویت مذهب بود و بنا بر این امور و آثار  
 دینی رونق تازه یافت و علمای میرزا در جمع اخبار و تفسیر و تألیف کتب مذهبی مجاهدت  
 کردند و افغان مردم بیشتر باین قبیل مسائل متوجه بود و بضمیم دیگر علم و معرفت  
 التفاتی نمیشد تا آنجا که بسیاری از شعرا و ادبا بجای وطن اختیار کردند و بهندوستان  
 و آسیای صغیر رفتند و زبان فارسی را در آن نواحی رواج دادند و تصور میکنم اگر

اقدامات فرهنگی که در دوره قاجاریه خاصه از زمان عباس میرزا ولیمهد شروع شده بود در این دوره آغاز میگشت شاید امروز وضع فرهنگی ما به از این بود که هست .

۴ - مهمترین مانعی که هنوز از میان نرفته و بین فرهنگ ما و فرهنگ واقعی جهان سدی آهین و استوار است فقر اقتصادی است که تأثیر و اهمیت آن از نظرها دور مانده و اقدامات جدی برای درهم شکستن این سد استوار بعمل نیامده است. برای تأیید این مدعا همین قدر کافیست که خوانندگان محترم خاصه فرهنگیان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تهری دست و بی چیز دقت فرمایند و ضعف بدنی و فکری آنان را که مولود همین عامل مهم است تشخیص دهند. بهمین سبب است که بسیاری از استعدادهای ممتاز و قدرتهای فعال مجال جنبش و ترقی و تکامل پیدا نمیکند و از حالت قوه، بفعل نمیرسد. بسا از دانش آموزان مستعد و لایق که بسبب فقر اقتصادی فقط چند کلاسی از مدارس ابتدائی رادیده و از طی مراحل بالاتر بازمانده اند و هر چه جلوتر میرویم می بینیم که با وجود استعداد بسیار بجای تحصیل علم ناگزیرند که بکسب معاش بپردازند و دوره شباب را که سخت در شتاب است بتهیه مایحتاج زندگی بگذرانند. برای تشبیه محسوس اگر عامل اقتصادی را بشابه غربالی فرض کنیم این قبیل دانش آموزان نمیتوانند با سه سالان خود از چشمه های غربال خارج شوند و در ردیف آنان قرار گیرند بلکه از یکدیگر جدا میمانند و هر یک راهی علیحده پیش میگیرند .

۵ - نهضت علمی و ادبی که در دوره قاجاریه بوقوع پیوست و ارتباط بیشتری که با اروپائیان حاصل شد موجب بیداری دولت و بعضی از افراد ملت گشت و از فرهنگ و تمدن اروپا و اقتباسات بسیار بعمل آمد لیکن بملت تازه کاری و بی تجربگی و تاژی موضوع چنانکه شایسته است نتایج مفید و مطلوب بدست نیامد. بر نامه فرهنگ ما از پروگرام فرهنگ فرانسه معین شده و تاحدی بامقتضیات محیط اجتماعی ماساز کار گشت و اگر چه در این زمینه هم تعولاتی بوجود آمد باز عقب افتادگی و نقائص گذشته را تلافی نتوانست کرد. لیکن اگر از انصاف نگذریم باید گفت که در دوره رضاشاه فقید قدمهای مؤثر و مفید در زمینه بسط و توسعه فرهنگ برداشته شد و با فرستادن دانشجویان بمسالك خارجه ایران دارای اطباء و مهندسان و استادانی شد که متدرجاً جای معلمان خارجی را گرفته بتدریس و تربیت هموطنان پرداختند و با اینهمه هنوز در مراحل نخستین سیر واقعی فرهنگ هستیم و بقاصد عالی خود نرسیده ایم و وجود اکثر درس خوانندگان امروزی که جز برای کار اداری گرهی از کارهای فرو بسته اجتماعی نمی گشاید دلیل بارز نقص فرهنگ ما و عوامل مؤثر در این موضوع است در صورتیکه فرهنگ هر ملت باید مبتنی بر احتیاجات اجتماعی باشد و بتواند مشکلاتی را که با آنها مواجه است مرتفع سازد .

۶ - آخرین عامل مؤثر عقب ماندگی ما از نظر فرهنگ و تمدن که از ذکر آن چشم پوشی نمیتوان کرد اینست که در دوره قاجاریه مداخلات بیگانگان در بیفرونی نهاد و مساله کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) باعث بسیاری از مقاصد گشت و نگذاشت که جامعه

مامستقل پیش برود و در اثر همین مداخلات ناروا و ناجوانمردانه بود که هر وقت دولت و ملت ایران میخواست اقدامی برای تحکیم سیاست کشوری یا ترقی فرهنگی بعمل آورد منافع بیگانگان مانع میکشت و موجب انحراف اذهان میشد و ما را از خط سیریکه آنان در راه تکامل برگزیده بودند دور میساخت. لیکن خوشبختانه با الغاء کابینه تولاسیون در زمان رضا شاه کبیر و جلوگیری از مداخلات بیگانگان ملت ایران تاحدی بیدار شد و در واقع بدنبال کم شده خود بر راه افتاد و در اخذ و اقتباس تمدن و فرهنگ جدید کمر همت بر میان بست و در این زمینه ترقیاتی نیز نصیب ما گشت.

در پایان این مقاله این نکته را نیز باید تذکر داد که در اثر تحولات سالهای اخیر ملت ایران احتیاجات فرهنگی خود را بیش از پیش تشخیص داده است و برای رفع آنها اقدام های مؤثر بر میدارد و در تحت حمایت و رهبری شاهنشاه رؤف و خیر خواه بسوی کمال مطلوب خود که اکتساب علم و فضیلت و هنر است پیش میرود و امید است که با تفضل خداوند عزاسمه مردم این مملکت مقام فرهنگی پیشین خود را دوباره بدست آورند و آب رفته در این زمینه بجوی باز آید.



آقای محمد حسن صادقیان  
ناظم دبستان خانقانی



آقای محمد صادقیان  
دبیر دبیرستانها



آقای احمد شماعی  
ناظم دبستان پهلوی





## دبستان دولتی هدایت

آموزشگاه دو کلاسه ای سی سال قبل در سال ۱۳۰۶ بنام دبستان سعادت تأسیس شد که بعداً در سال ۱۳۱۶ بیاس خدمات شادروان میرزا رضاقلی خان هدایت بنام دبستان هدایت نام گذاری گردید. مدیریت این آموزشگاه را در این مدت این آقان عهده دار بوده اند:

- ۱- آقای حسین نوری ۲- آقای میرزا اسمعیل دزیانی ۳- آقای سید محمد علی شریعت بناهی ۴- مرحوم سید یحیی ضیائی ۵- آقای شیخ محمد حسن جلالی ۶- آقای احمد باقی ۷- آقای محمد حسن مهاجری ۸- آقای شعبانعلی خالقی ۹- آقای سید احمد میر- حسینی و از سال ۱۳۳۴ هم اینجانب افتخار مدیریت و سرپرستی آموزشگاه را عهده دار شده ام. این آموزشگاه در سال تحصیلی ۱۶-۱۳۱۷ شش کلاسه شده و در سال تحصیلی ۱۹-۱۳۲۰ دبیرستانی بنام دبیرستان شاهرور بایک کلاس بآن منضم گردید که در سال تحصیلی ۲۳-۱۳۲۴ دبیرستان ایرانشهر منتقل گردید.

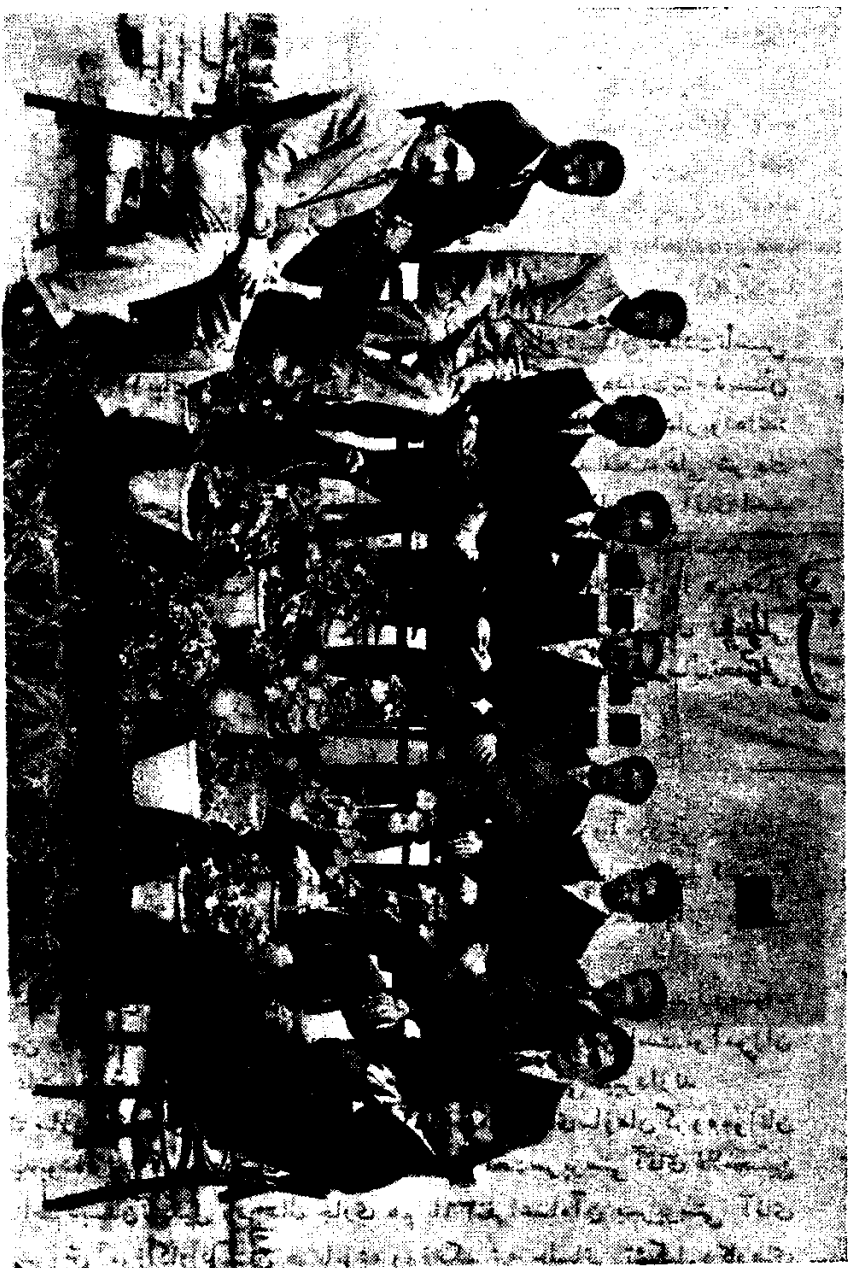
### وضع فعلی دبستان

۱- محل دبستان از بدو تأسیس مناسب با اصول بهداشت و آموزشی نبوده و اکنون هم ساختمان آن قدیمی و با اصول آموزش و پرورش مطابقت ندارد. امید است که اولیاء محترم فرهنگ و اولیاء دانش آموزان نسبت به سهم خود در احداث ساختمانی مناسب اقدامات لازم مبذول دارند.

۲- چون بعضی فعلی دبستان وسعت کافی دارد و وسائل ورزشی از قبیل والیبال و بینک و همچنین وسائل دیگری برای استفاده نو آموزان خریدار شده است. نو آموزان اغلب در ساعات ورزش تحت نظر مربیان مخصوص به عملیات ورزشی میگردانند.

۳- سازمان شیرخورشید در اواسط سال ۱۳۳۲ آموزشگاه دارای سازمان گروه جوانان شیرخورشید بوده و این گروه در سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۴ تحت سرپرستی آقای غلامحسین کوهستانی ناظم دبستان تشکیل و در سال جاری هم با ۳۶ نفر اعضاء آن سرپرستی آقای محمد حسن سروش آموزشگار دبستان هر بانزده روز یک مرتبه جلساتی تشکیل و کارهای سودمندی انجام میگردد.

۴- تعلیمات سمعی و بصری- نظر باینکه از طرف اداره فرهنگ جهت تهیه لوازمات سمعی و بصری بعلت قلت بودجه اقدامی ممکن نبود کارکنان این آموزشگاه در سال جاری با همکاری و شرکت دبستان پهلوی بمناسبت روز تاریخی بانردم بهمن اقدام باجراه نمایشی بنام (کمندی نو کر بیسواد) نمودند و از محل درآمد برای ۷۵ نفر نو آموزان بی بضاعت



از راست به چپ آقایان: ناصر عبداللہ پیمان - سید ابوالفضل بزازبان - ماشا اللہ اعجازی - محمد قلی مہدی - غلام حسین کوهستانی ناظم -  
محمد حسن رحیمیان مدیر - حبیب اللہ مولوی - محمد حسن سروس - محمد شوقی - علی امیر بونسیان - محمد تقی مدرس

دبستانهای پهلوی و هدایت و نسوان باغزندان لباس عید تهیه و توزیع شد و بقیه به صرف تعلیمات سمعی و بصری دبستان رسید .

۵ - کتابخانه - آموزشگاه دوسال جاری موفق بتهیه کتابخانه ای جهت استفاده نوآموزان گردید و تعداد ۳۳ جلد کتاب از طرف اولیاء نوآموزان و ده جلد هم بوسیله کتابخانه فرهنگ باین کتابخانه اهدا شده که با کتابهای سابق جمعاً ۱۵۶ جلد کتاب میباشد . امید است که با توسعه آن همه نوآموزان دبستانها بتوانند در ساعات فراغت از این کتابخانه استفاده کنند .

۶ - کلاسهای مبارزه با بیسوادی - دبستان دولتی هدایت دوسال جاری بر طبق منویات اعلیحضرت همایونی دارای دو کلاس شبانه میباشد یکی بنام کلاس اکابر بمدیریت آقای محمد حسین متحدی و دیگری کلاس مبارزه با بیسوادی که بوسیله آقای ابوالفضل بزازیان تدریس میشود و جمعاً ۸۵ نفر در این کلاسها مشغول تحصیل میباشد .

۷ - انجمن همکاری خانه و مدرسه - در سال تحصیلی ۳۴-۱۳۳۵ انجمن خانه و مدرسه تشکیل و شش نفر از انجمن انتخاب گردیدند و در سال جاری هم از اولیاء نوآموزان دعوت بعمل آمد و شش نفر از انجمن بشرح زیر انتخاب شدند .

۱- آقای محمد حسین اخیانی رئیس ۲- آقای حاج عبدالرحیم رحیمی خزانة دار  
۳- آقای سید ابوالقاسم طباطبائی عضو ۴- آقای دکتر طیب زاده ۵- آقای سلیمان صنعتی  
ایرانی ۶- آقای علی اکبر صالح

مدیر دبستان دولتی هدایت - محمد حسن رحیمیان

## آقای حبیب یغمائی

### معلم

که دهقان است با آموزگار است  
معلم روح بخشد جان ببخشد  
معلم در چنین تن میدهد جان  
فزون ز اختر شده در تابناکی  
همیون بچه را نیک آورد بار  
پس از بسیار سال آن نقش خوانند  
که از نیکی نگارند نقش چندی  
تو میدانی که خود آموزگاری  
که طفلی را الفبائی زبر کرد  
که تا حرفی بشاگردی دهد یاد

بدین کشور کسی خدمتگزار است  
اگر دهقان! نموان از نان ببخشد  
تن نادان بود با مرده یکسان  
ز سعی اوستاد این جسم خاکی  
بین آموزگار نیک کردار  
بلوح ساده هر نقشی که رانند  
نمیرد آن هر روز نقش بندی  
بود آموزگاری سخت کاری  
بباید طشت خون لغت جگر کرد  
رسد جان بر لب بیچاره استاد

## فرهنگ و فرهنگیان

فرهنگ هر جامعه را از دو جهت میتوان مطالعه کرد نخست از جهت معنای آن که عبارت از کلیه آثار فکری و ذوقی و هنری يك قوم است .

دوم از نظر معنای اخص آن که عبارت از فعالیت و تأثیر مؤسسات تعلیم و تربیتی بمنظور رسیدن به هدفهای معین است .

فرهنگ بمعنای اخیر عهده دار آموزش و پرورش افراد اجتماع است و بمنظور هدایت آنان بکمال مطلوب خود فعالیت میکند و برای اینکه این فعالیت از قوه بفعل آید وجود سه شرط لازم و ضرور است .

۱- وجود نسل بالغ ۲- وجود نسل نارس ۳- تأثیر فعالیت نسل بالغ بر نسل نارس با روش صحیح و معقول، بطوریکه نیل بمطلوب آسان شود و نتایج مفید و ممتنع حاصل گردد . بدون وجود سه شرط مزبور و همچنین فقدان هدف صحیح و معقول ، وظایفی که فرهنگ بر عهده دارد خوب انجام نمیگیرد و اغلب بجای نفع ، ضرر وارد میآید .

نسل بالغ که بتمبیر دیگر معلمان و مربیان بصبر و روزیده اند باید اهمیت وظیفه خطیر و مسؤولیتی را که قبول کرده اند درک کنند و گذشته از استعداد شخصی برای تصدی مشاغل فرهنگی ، پیوسته در اندیشه ازدیاد معلومات خود باشند و پابهای زمان و تحولات آن پیش بروند و صرف نظر از شناختن جامعه خود بروحیات نسل نارس نیز چنانکه باید و قوف یابند و آنرا طبق هدفهای صحیح تعلیم و تربیت بار آورند و بمرحله کمال نزدیک سازند . از این بیان مختصر پایگاه معلم و مربی و اهمیت حیاتی آن دوروشن گشت و بحقیقت میتوان گفت که اگر در جامعه ای معلمان و مربیان لایق وجود داشته باشند و مسیر تکامل آنرا تشخیص دهند آن جامعه هیچگاه دستخوش اضطراب و تفرق و پریشانی نخواهد گشت و شخصیت ممتاز خود را در برابر اقوام دیگر حفظ خواهد کرد .

کودکان هر جامعه نسل نارس آنند و هر شخص ذی شعور تصدیق میکند که در آغاز زندگانی احتیاج مفرط بمراقبت و راهنمایی و حفظ حراست دارند و اگر نسل بالغ جانب آنان را نگاه ندارد و بطریق صحیح تربیتشان ننکند گذشته از اینکه بآنان خیانت کرده



است بنیاد زندگانی اجتماعی را متزلزل ساخته و ملیت و شخصیت و استقلال جامعه خود را از دست داده است .

بطور کلی بشر بسیار راغب و مایل است که از نابودی خود جلوگیری کند و در عالم حیات باقی ماند و شاید علت عمده توجه بتربیت اطفال نیز همین مسأله باشد تا مگر در اثر مجاهدات فراوان اخلاف لایق جای اسلاف را بگیرند و مظاهر زیبایی فکر و خرد و فرهنگ آنان شوند و نگذارند که در جریان تمدن و تکامل جامعه ، وقفه ای حاصل گردد . هدف فرهنگ هر جامعه ، اساساً این است که موارث تمدن گذشته خود و مزایای تمدن کنونی را بنسل نارس منتقل سازد یعنی در عین حال که از فراموش شدن و یامحو آثار مادی و معنوی گذشته جلوگیری میکند مقتضیات و خصائص محیط اجتماعی و مکان را نیز در نظر میگیرد و باین طریق عاقلانه و روش صحیح ، این دوسرمايه را باو میسپارد و این همان فعالیت است که در صدر این مقاله بدان اشارت رفت .

اما کیفیت و کمیت این فعالیت نسبت بجموع مختلف متفاوت است و در این مورد هر جامعه برای میرود و روش خاصی اتخاذ میکند ، این تفاوت و اختلاف ، مسلماً مولود عوامل محیط و تمایز مقتضیات حیات مادی و معنوی یک قوم از قوم دیگر است و بطور قطع همه این مسائل و موضوعات باید در تعلیم و تربیت بحساب آید و احتیاجات اجتماعی نیز در نظر گرفته شود .

اتخاذ روش صحیح منوط بعلم و اطلاع کافیست البته تا وقتیکه فرهنگیان یک جامعه ، جریان ترقی و تکامل خاص آنرا درست در نیابند و اعمال عمدی تربیتی بر آنان روشن نباشد کاری از پیش نخواهد برد و افرادی را که در زندگانی بکار آیند پرورش نخواهند داد .

مربیان و معلمان پیش از آغاز بکار باید هدف و روش صحیح را تشخیص دهند و بعد بوظایف خطیر و پر مسؤلیت خود پیردازند تا نسل نوری را برای ادامه حیات در محیط خاص خود بیار آورند .

برای کامیابی در آموزش و پرورش دانستن اصول روانشناسی جمعی و فردی و بکار بستن آنها لازم و ضرور است . اگر بتاریخ روانشناسی جدید مراجعه شود معلوم خواهد شد که ملت های آمریکا و اروپا تا چه درجه پیش رفته اند و ما تا چه اندازه عقب مانده ایم بطور خلاصه از قرن هفدهم میلادی بحدی که روش علمی در تحقیقات مختلف معرفت پیدا شد و اساس و افکار و آراء علماء پیشین متزلزل گشت روانشناسی هم که از علوم و معارف آن زمان بود از صورت جامد خود ( بشکل معرفت النفس قدیم ) خارج گشت و مسائل مختلف آن مورد تحقیق و مطالعه شد . آزمایشگاههای متعدد روانشناسی تأسیس یافت و اعمال ضمیری انسان اهم از جزئی و کلی کم کم از ابهام بیرون آمد و روانشناسی از علم کلی یعنی فلسفه بی نیاز گردید و علمی مستقل بشمار آمد .

نتایج مطالعات و تجارب دانشمندان در مورد افکار و حالات روانی انسان مدون گشته ، بصورت کتب ذقیقت و رسالات سودمند بی بازار علم و ادب عرضه شده است و

بیقین میتوان گفت که دانستن این علم بر هر کس فرض است زیرا زندگانی اجتماعی مستلزم اینست که افراد یکدیگر را بشناسند و از رغبت ها و تمایلات مختلف انسانی مطلع شوند و از راه معقول و درست با یکدیگر آمیزش و معاشرت کنند .

معلمان و مربیان مخصوصاً باید روانشناسی بدانند زیرا اگر از حالات روانی شاگردان دقیقاً و کاملاً اطلاع نیافته و شوق و استعداد و تمایلات آنان را تشخیص نداده باشند در آموزش و پرورش کامیاب نخواهند شد و هر راه دیگر که بروند قطعاً بتر کستان است .

معلم باید هم خود و هم شاگردان را خوب بشناسد ، اگر در مدارس ابتدائی کار میکند از روانشناسی کودک و اگر در دبیرستانها تدریس میکند از روانشناسی بلوغ اطلاعات جامع و کافی و صحیح داشته باشد و معلومات خود را که مبتنی بر تجارب علمی و مولود تحقیقات آزمایشگاههای روانشناسی است در مورد شاگردان بکار بندد و نتایج مطلوب را بدست آورد . ملاحظه فرمائید که راننده لایق يك اتومبیل از دستگاہها و پیچ و مهره ها و طرز کار کردن آنها اطلاعات کافی دارد و بحسن عمل و هدایت اتومبیل خود علاقه مند است ، آیا معلم میتواند از يك راننده هم کمتر باشد و بایب اطلاعاتی شاگردان خود را بطرف مقصد هدایت کند ؟ خیر .

ذات نا یافته از هستی بخش      کی تواند که شود هستی بخش

معلم واقعی آنکس است که از طریق روانشناسی علمی ، اختلافات فردی شاگردان را تشخیص دهد و بانوجه بآن اختلافات ، وجوه مشترک را نیز از نظر دور ندارد و بعبارت دیگر در عین اختلاف و کثرت متوجه اتفاق و وحدت باشد تا سرانجام افرادی مفید و زنده و لایق و مترقی و منظم بجامه تحویل دهد و از این راه شخصیت و وحدت ملی ایجاد گردد و استقلال محفوظ ماند .

اگر درست دقت کنیم می بینیم که برای رسیدن بهمین مقاصد ملل زنده و بیدار بتر بیت معلم و متعلم ، رغبت و علاقه مفرط دارند و از اقدامات جدی کوتاهی نمیکنند و از این نظر که نتایج مهم و مفید مؤسسات آموزش را بچشم می بینند و بعقل دو مییابند از صرف مخارج امتناع ندارند و در واقع از هر دست که میدهند از همان دست هم میگیرند و همه چیز خود را از آموزشگاه و معلم میخواهند و انصافاً حق نیز با آنان است .

فرهنگیان ایران نیز اگر بکار خود دل بستگی داشته باشند و هدفشان ترقی و تعالی جامعه ایرانی باشد ناگزیرند که با علم و اطلاع کافی و توجه بفرهنگ ملل راقی بسوی مقصد رهسپار شوند و در عین اقتباس از معارف و معلومات دیگران مقتضیات تمدنی خود را نیز در نظر گیرند و از فعالیت صحیح و مفید باز نایستند تا مگر ملت مانیز ( که از کارولن فرهنگ و تمدن ملل مترقی دنبال مانده است ) دارای فرهنگی درخشان و ممتاز شود و استقلال و شخصیت خود را حفظ کند و از محو و انقراض مصون ماند .

## بایزید بسطامی

بایزید طیفور بن عیسی بن آدم بن عیسی بن علی بن سروشان از بزرگترین عرفای اوایل ماه سوم هجری و معاصر بامعتمد بالله خلیفه عباسی بوده، پدرش از بزرگان بسطام و جدش کیش مجوسی داشته است.

از بدو تولد از چهره و سیمای با یزید آثار خدا پرستی لایح و علامات دینداری و پارسائی از جبهه اش ظاهر بود حتی بقول شیخ عطار زمانیکه مادر بایزید بار حمل داشت هر گاه لقمه ای شبیه آلود میخورد بایزید بقدری در رحم مام خویش جنبش میکرد که آن لقمه دفع میگردد. مادر از مشاهده این احوال و آثار دیگر درک نموده بود که فرزند او در آتیه شخصی برجسته و نامی خواهد گشت بدین سبب پس از تولد و قتیکه قابلیت تعلیم یافتن گشت او را بدبستان فرستاد تا خواندن و نوشتن بیاموزد. بایزید گاه اشتغال بتحصیل روزی در سوره لقمان باین آیه رسید که: ان اشکرلی و لوالدیک والی الصیر. پس از آنکه استاد معنی و تفسیر این آیت را بیان نمود لوح بر زمین افکند و بنزد مادر رفت و گفت من در دو جا نتوانم خدمت کنم یا مرا آزاد کن که بتدگی خدا اختیار نمایم یا از خدا بخواه که همه از آن تو باشم. مادر با تعلق خاطری که بدو داشت ویرا پیرستش حضرت باری تعالی امر نمود. بایزید بطلب علم بیرون شد و سی سال در شام بر ریاضت و کسب الهیات مشغول بود و گرسنگی و بیخوابی و مشقات دیگر را وقتی نمینهاد. بقول مشهور یکصد و سیزده پیرا خدمت کرد عاقبت شبی حضرت رسالت پناه محمد بن عبدالله ص رادر خواب زیارت نمود و بدان بزرگوار عرض کرد:

در کسب علوم طریقت ریاضت بسیار کشیدم ورنج زیاد بردم اما از آنهمه علوم دقیقه ای بر من مکشوف نگشت. حضرت او را بر رفتن مدینه و اخذ تعلیم نزد امام همام جعفر صادق ع هدایت و راهنمایی فرمود. بایزید فوراً از خواب بجهت و قصد رفتن کرد. روی بدان بلد منور نهاد. مدت های زیاد در راه بود و سعادت زیارت آنحضرت از پروردگار طلب میکرد تا اینکه بمدینه رسید، رحل اقامت بیفکند، سی سال در آستان آنحضرت بکسب علوم باطن پرداخت تا آنکه پس از سی سال در هر قسمت استاد گشت آنگاه آرزوی دیدار مادر خود کرد و روی بسطام نهاد.

وقتیکه بسطام رسیده شعر بود بهمانه رفت و گوش بردر نهاد مادرش در مناجات بود و باستان پروردگار عرض همیکرد، الهی غریب مرا نیکو محافظت نمای، دل و قلب بزرگان را با او خوش کن، و او را سلامت بدار. بایزید چون اینحال در یافتن دریای باب کرد، مادر در بگشود، بایزید از مهربانی و دوستداری مادر سخت شادمان گشته و از فرزونی

وجد و شفاف اشک بر رخسار راند و زار بگریست. سالیانی چند همچنان در خدمت مادر بود و ایام را بمبادت و ریاضت میگذراند. سیزده سال غرق در مطالعه الهیات بود و با کس سخن نمی گفت و همه فکر میکرد. گاهی پس از فکر زیاد سر از زانو برداشته آهی میکشید و دوباره به حال اول بر میگشت.

عیسی بسطامی که از بزرگان آندیار است گفته: من سیزده سال در خدمت بایزید بودم و هیچگاه صحبت او نشنیدم چه عادت او این بود که پیوسته سر بزانو مینهاد و فکر میکرد پس از مدتی سر از زانو بر میداشت آهی میکشید و دوباره در دریای فکر غوطه ور میگشت. ولی شیخ سهلکی معتقد است که هادت بایزید در حالت قبض این بود، اما در سایر مواقع مردم از بیانات او بهره ورمیشدند. مطابق روایات تاریخی بایزید پیش از هفتاد بار زیارت خانه خدا مشرف گشته است. گویند اولین دفعه که بمکه میرفت دوازده سال در راه بوده هر چند گام که برمیداشت چندر کمت نماز بجای می آورد. صیت مقامات ابقان و معارج عرفان آن بزرگوار در همه جا منتشر بود و همه کس آرزوی زیارت او را داشت.

بطور کلی بایزید بزرگترین عرفای ایران و مقام او حتی بر مولوی و سنائی و شیخ عطار و سایر عرفای بزرگ برتری داشته چه هر یک از شعرا و دانشمندان و هادیان راه طریقت بیهترین وجهی او را ستوده وی را سلطان العارفین و استاد خود خوانده اند. خلاصه بایزید جامع کمالات عرفانی و دارای خوارق بی شمار و سخت بدین و کیش خود معتقد بود چنانکه گبری را گفتند پیامسلیمان شو گفت اگر مسلمانانی اینست که بایزید عمل میکند طاقت آنرا ندارم و اگر آنست که شما میکنید بدان اعتبار ندارم.

حکایت دیگری هم که دال بر بزرگواری و کرامت بایزید باشد ذکر شده چنانکه گویند که وقتیکه بایزید از مکه باز میگشت ساکنین شهری که در سر راهش بود گرد او جمع شدند و چون آهنک عزیمت کردند مردم از حرکت وی مانع شده، اقامتش را استدعا نمودند بایزید دانست که آنجماعت متابعت نام را نموده و بحقیقت و قسمی نمیگذارند چیزی نفرمود تا روز دیگر پس از بجا آوردن نماز رو بایشان کرد: و گفت لا اله الا الله الا انا فاعبدونی. آنان چون این مقال بشنیدند ترك وی کرده، از گرد وی پراکنده شدند. اهالی بسطام قدر مقام آن بزرگوار را نشناخته پیوسته اذیت و آزارش میکردند چنانکه هفت بار بایزید را از بسطام خارج کردند و او را سخت آزر زدند. گویند در هفتمین بار بایزید پرسید چرا مرا از شهر بیرون میکنید در جواب گفتند چون تو مردی بد و بیدین هستی بایزید فرمود خوشا شهری که بد و بیدینش من باشم.

### شیخ ابوالحسن خرقانی

نامش علی پسر جعفر بوده است چنان بر میآید که پدرش تمول نداشته و معیشت خود وزن و فرزندان را بزحمت از راه زراعت تحصیل میکرد است. تاریخ و سرگذشت زندگانی شیخ ابوالحسن خرقانی پوشتر و معلوم تر از



احوال با یزید است . سال تولد او ۳۴۸ بوده است تاریخ کودکی و جوانی و پیری ، سنه وفات وی بدون اندک اختلاف معلوم میباشد .

علت صریح و دلیل منطقی این نکته معلوم نیست ولی تصور میرود پیش گوئی سلطان بایزید از ظهور شیخ ابوالحسن با تصریح سال تولد و نام وی مردمرا برانگیخته و وادار نموده است که از بدو تولد تاریخ زندگانی این عارف بزرگ را ضبط نموده و تفصیل زندگانش را دقیقانه ثبت نمایند . ولی برتری مقام روحی و معنوی سلطان بایزید و شیخ ابوالحسن نسبت بیکدیگر بطور وضوح آشکار نیست چه هر یک دارای کرامات فوق العاده بوده و در زهد و پارسائی و ورع و پرهیز گاری یکی کمتر از دیگری نبوده است .

اگر اشتها رز زیاد و بلندی آواز آیت و نشانه امتیاز باشد جای شك و شبهه نیست بایزید عالیتر و رفیعتر از شیخ ابوالحسن خرقانیست زیرا گذشته از اینکه وی در ایران مشهور و معروف است اغلب اهالی افغانستان نیز بدو معتقدند در صورتیکه ارادت مندان بشیخ خرقانی معدودی بیش نمیباشد و بازا گرچه بایزید قبل از ظهور شیخ ابوالحسن و برا بر خود مقدم داشته و گفته است :

شیخ خرقانی سه درجه از من بالاتر است زیرا که او کشت و زرع میکند، درخت مینشانند و جفای عیال میکشد، و هم او فرمود :

سی سال آرزوئی در دل داشتم و روا نمی شد شبی در خواب دیدم که هاتقی مرا گفت نوری که از خرقان ساطع و علامت ظهور خرقانیست بشفاعت برانگیز تا کام تو روا گردد ، همچنان کردم و حاجتم روا شد و هم چنین نقل است هنگامیکه شیخ ابوالحسن بر سر قبر بایزید آمد شیخ بسطام بوی گفت :

ای ابوالحسن گاه آن آمده که در خرقان ساکن باشی و مردم را بطریق ارشاد و همنامی کنی . ابوالحسن جواب داد همتی از تو خواهم که من مردی عامی ام و راه طریقت ندانم . بایزید گفت غافل مباش و خود را خوار شمار که نام و مقام منم از اثر برکت وجود تو بوده است . ولی تواضع و عدم خود پسندی بایزید باعث تنزل مقاماتش نمیگردد و از بزرگی وی نمیگاهد .

با همه این مقدمات در بزرگواری و علو طبع و بلندی پایه شیخ ابوالحسن محل شك و شبهه و جای تردید نیست و عجب اینست برخلاف بایزید که صد و سیزده پیر را خدمت کرد و از آن پس بتزکیه نفس توفیق یافته .

کرامات و خوارق عادات بسیاری بشیخ ابوالحسن نسبت میدهند چنانکه در کتب معتبره مسطور است که :

صیت و ورع و پرهیز گاری و آوازه تقوی و پارسائی شیخ ابوالحسن در سراسر ایران منعکس و مشهور گشته بود تا جائیکه سلاطین و بزرگان و عرفای معاصرش قصد خدمت او کرده ، بزیارت وی شتافتند .

معمروف است سلطان محمود غزنوی هنگامیکه از جنک باخوار از مشاه بر میگشت

## دبستان گوهر شاد (هفده دی سابق)

دبستان گوهر شاد اولین دبستان دخترانه ایست که در سال ۱۳۰۷ در این شهرستان تأسیس شده و با توجه مخصوص اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر سال بسال کلاسهای آن اضافه گردید تا اینکه شش کلاسه کامل شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۷م کلاس اول دبیرستان در آن دایر گردید که بتدریج پنج کلاسه کامل شد و سال ۱۳۳۴-۳۵ دبیرستان ۱۷ دی از دبستان مجزا و دبستان هم که تا آن زمان هفده دی نامیده میشد اسم آن بدبستان گوهر شاد تغییر یافت.

در حال حاضر ساختمان این دبستان از نظر آموزشی مناسب نیست جا دارد که اولیاء امور اقدام بساختن بنا مناسبی جهت این مدرسه بنمایند. مسائل ورزشی در دبستان هم گونه فراهم است و نوآموزان در ساعات معین به تمرینهای ورزش اشتغال دارند.

سازمان شیروخورشید سرخ این آموزشگاه دارای سه گروه است که برهبری خود اینچنانب همه هفته طی جلساتی دانش آموزان بهدفعهای شیروخورشید رهبری میشوند. در سال جاری پیروی از نیت اعلیحضرت همایونی دو کلاس مبارزه بایسوادری در این دبستان تحت نظر خانم زهره نژاد و خانم صفائی تشکیل گردید و تا بحال شاگردان هم به پیشرفتهای مهمی نائل شده اند.

انجمن خانه مدرسه این آموزشگاه در سال جاری تشکیل گردید و مبلغ ۲۶۰۰ ریال جمع آوری و بمصرف لباس نوآموزان بی بضاعت رسید. اعضای انجمن خانه مدرسه این آموزشگاه عبارتند از :

۱- خانم قربانیان رئیس ۲- خانم عینک چسبی نایب رئیس ۳- خانم معتمدی خزانه دار ۴- خانم شیرین زاده منشی ۵- خانم مجاهد عضوانجمن ۶- خانم مهرآبادی عضوانجمن .

مدیر دبستان گوهر شاد - کبری یزدانی

چون بیستام رسید فرمانداد تاخیمه زدند پس قاصدی طلبیده گفت نزد شیخ برو و او را بگوی تا پیش من آید و اگر بآمنن راضی نگشت این آیه را که اطمیعوا لله و اطمیعوا الرسول واولی الامر منکم بدو عرض کن فرستاده خدمت شیخ رفته پیغام بگزار داد ابو الحسن فرمود سلطان را بگوی که من در اطمیعوا لله چنان مستقرم که باطمیعوا الرسول نمیرسم تاچه زسد باو و اولی الامر منکم. چون این خبر بگوش سلطان رسید منتبّه گشت. خود عزم زیارت وی کرده آنگاه لباس سلطنت را برای از پوشیده خود در جامهٔ مبدل باده تن از غلامان بخرقان رفتند شیخ ابو الحسن محمود را از صف غلامان بخارج کرده ویرا بنواخت و اکرام کرد. سلطان در وقت مراجعت برای تبرک و برکت پیراهن کهنه عارف خرقانیرا گرفته باخود برد تا در موقع لزوم گره گشای مشکلاتش باشد. وفات شیخ در سال ۴۲۵ قمری بوده است

«از کتاب بیستام»

## ۱۰- شرح حال آقای سید حسین فراست بقلم خود ایشان



در سن بیست و پنج سالگی وارد خدمت دولتی شده یکسال در اداره دارائی و سه سال در مدرسه ژاندارمیری که زیر نظر مستشاران سوئدی اداره میشد انجام وظیفه می‌کردم چون خدمت نظام مطابق میل اینجانب نبود در سال ۱۲۹۹ به خدمت فرهنگ وارد شدم بدوایست بازرسی اداره فرهنگ و اوقاف شهرستان سمنان سمت بدمی در فرهنگ بعنوان منشی اول اداره فرهنگ بعد از آن تصدی فرهنگ و اوقاف سمنان بعهده اینجانب واگذار گردید و در سال ۱۳۰۶ بسمت نماینده فرهنگ دامغان منصوب و بمنظور زیر نظر داشتن امور تعلیم و تربیتی دانش آموزان مدیریت دبستان را نیز شخصاً بعهده گرفتم. در

مدت تصدی شش باب دبستان در حوزة فرهنگ دامغان تأسیس کردم و همچنین مسؤلیت حفاری هیئت میسیون آمریکائی را وزارت فرهنگ بعهده اینجانب معول کرد. دو شهر قدیم «هکاتم پی لس» در مرداد ۱۳۱۱ تصدی فرهنگ و اوقاف شاهرود گشتم که شرح آن ذیلاتوضیح داده میشود. پس از مأموریت شاهرود بتهران منتقل شدم در بهمن ۱۳۱۴ بسمت تصدی حسابداری و امور مالی دانشسرای تهران منصوب شدم و تا سال ۱۳۳۱ بر حسب تقاضای خود باز نشسته شدم اما آنچه تصور میکنم برای درج در سالنامه فرهنگ قابل توجه باشد شرح فعالیت و وضع فرهنگ شاهرود زمان تصدی اینجانب است .

اولا لازم میدانم این نکته را توضیح دهم که رشد و توسعه فرهنگ کنونی (که باز هم در شرایط فعلی ناقص و غیر کافی بنظر میرسد و عطش دانش پژوهان امروزی را اقناع نمیکند) به جوانانیکه کمتر از سی سال دارند امکان نمیدهد که مشکلات و معضلات محیط فرهنگی را در سی سال قبل مجسم کنند و درک اشکالاتیکه فرهنگیان سالخورده بآن مواجه بودند بنمایند .

یکی از مشکلات فرهنگ در آن زمان افکار عامه مردم خالی از ذهن و همامی بود که باعث محدودیت فراوان در راه جلب موافقت باولیاء دانش آموزان بخصوص و دوشیزگان میگردند . تا به آنجا که مسئولین فرهنگ مورد توهین و بغض کهنه پرستان قرار می‌گرفتند معهدادرو زمان تصدی اینجانب تعداد مدارس از یک باب دبستان شش کلاسه و یک دبستان دو کلاسه دختران به شش باب دبستان و یک باب دبیرستان ملی سه کلاسه توسعه پیدا کرد. دبیرستان ملی را شخصاً تأسیس کردم و  $\frac{۴}{۳}$  بودجه آن بعهده خود اینجانب بود با وجود اینکه بر اثر اینکار مقدار زیادی اوثیه پدیری خویش را صرف کردم ولی هیچگاه از این باب تأسفی بر من راه نیافته است .

سمی و کوشش فراوان بکاررفت که با بودجه ناچیز ماهیابه چهار هزار ریال آن زمان و وسائل جدیدی بمنظور تسهیل امور فرهنگی از قبیل میز و نیمکت تخته سیاه غیره را که آنوقت تلذکی داشت فراهم شد تا آنجا که ممکن بود اصول تعلیم و تربیت مکتب خاتمی که مبتنی بر چوب و فلک و اینگونه وسائل بود با سلوب نوین آموزش و پرورش نظریه و تجربی تبدیل گردید. علاوه بر تجدید نظر در برنامه دروس و تطابق آن با برنامه تحصیل کامل علمی از لحاظ پرورش نقطه مقابل اصل کهنه را که عبارت از تهدید و تحقیر محصلین بود اصل تشویق و ترغیب و پرورش فکری و غریزی و جسمی مورد نظر قرار گرفته بود تا بدینجا که فرهنگ شاهرود افتخار دارد که از نخستین شهرهای بود که در آن پیش آهنگی و ورزشهای میدانی و با اسباب مانند فوتیال و ژیمناستیک معمول گردید. فرهنگ و اوقاف شاهرود از لحاظ اداری مغشوش و با اصل اداری جدید منافات داشت این هم از همین برده شد و در اندک مدتی اداره فرهنگ و اطبق مدرن ترین سیستم اداری مرتب و منظم نمود.

آقای سید حسین شریعت پناهی از مأموران جدی و لایق و رئیسان کاردان فرهنگ شاهرود بوده اند و بطوریکه خودشان مرقوم داشته اند در مدت تصدی خود در شاهرود منشأ خدمات ذیقیمتی شده اند و اداره فرهنگ شاهرود در سال ۱۳۳۵ بیاس قدردانی از خدمات و اقدامات مفید ایشان پیشنهاد نمود که دبستانی بنام فراست نامگذاری شود و مقام وزارت فرهنگ نیز با این پیشنهاد موافقت و اکنون دبستان جدید التاسیس بسطام بنام دبستان فراست موسوم گردیده است.

## بانو پروانه یغمائی

بازرس فرهنگ شاهرود

### «بدختران دانش آموز»

که بادت خداوند پیوسته یار  
تو ای پاکدل دختر مهربان  
بگردد بکامت سپهر بلند  
نعیمی ز خوان سعادت بری  
بینداز از دوش خود بار جهل  
بته در ره دانش و علم پای  
شوی گر ز علم و هنر بهره ور  
به پیش تو هر مشکل آسان بود  
دلت پاک کن از دروغ و ریا  
ز گفتار بد خواه اندیشه کن  
به پیروای شرم آراسته  
چو «پروانه» خواهی شدن کامیاب

تو ای دختر عاقل هوشیار  
تو ای غنچه بوستان جهان  
چو خواهی ز گیتی شوی بهره مند  
شوی خود ز آلودگیها بری  
نما پاک از چهره زنگار جهل  
بشر را چو دانش بود رهنمای  
چو پیوسته کوشی بکسب هنر  
خداوندت از بد نگهبان بود  
رهی گر که خواهی ز دام بلا  
درستی و صدق و صفا پیشه کن  
عیف و متین باش و دلخواسته  
ز رفتی اگر جز براه صواب

## ورزش

در سال میلیونها از مردم جهان هستند که در عفوان جوانی بعلت ابتلای به بیماریهای گوناگون و عدم توانایی بدن در برابر تهاجم امراض میمیرند در حالیکه میلیونها مردم سالخورده و پیر هستند که علی رغم اینهمه موانع زندگی که در راه حیات آدمی وجود دارد شاداب و سرزنده باقی میمانند. دلیل آن چیست؟ يك نگاه بدوران زندگی هر يك از این دودسته نشان میدهد که آن جوانان بعلت کم تجربگی و افراط در منیبات توانایی جسم خود را کم کرده، در نتیجه همین ضعف، بیماری بر او غالب آمده و از پای در افتاده است در حالیکه آن سالخورده بعلت حفظ اعتدال و تقویت برد باری و مقاومت بدن مانند نهال برومندی در برابر طوفانهای زندگی ایستادگی کرده و زنده مانده است. علمای علم الحیات و کسانی که با خصوصیات زندگی بشر سروکار دارند معتقدند که هر چه بشر تمدن تر گردد نیروی جسمانی او ضعیف تر میشود.

انسان چند هزار سال پیش بعلت آنکه وسائل گوناگون کنونی را در اختیار نداشت و بسبب آنکه ناچار بود خودش بتنهایی غذای مایحتاج خود را تهیه کند دائماً با حیوانات و انواع حوادث جوی و طبیعی میچنگید در نتیجه اندامی ورزیده، بدنی سالم و نیرومند داشت. اما بشر قرن بیستم بعلت اینکه اینهمه وسائل آسایش و راحت را در اختیار دارد چون کمتر کار میکند و بیشتر بشن پروری میبرد آذ و بواسطه آنکه هر غذای مطبوعی پیدا کند و او آنکه برای بدن مضر باشد میخورد و هر نوشابه ای را و لوسم مهلك باشد میآشامد و از مهمل کار تا خانه با وسائل نقلیه میرود و حتی روزی هم که بقصد تفریح از شهر خارج میشود يك گوشه نشسته بیبازی ورق و تفریح و بنله گومی میبرد آذ و در نتیجه عضلاتی مرده، اندامی ضعیف و بنیه ای ناسالم دارد و همین امر آئینه بشر را بدون شك تهدید میکند.

صحیح است که ملازمت دائمی علم پزشکی با انواع بیماریها، خطومرك را در بسیاری از کشورهای تمدن کم کرده معیناً موجب آمار موجود حد متوسط عمر از آنچه در روزگار گذشته بوده بیشتر نشده و افراد بشر همچنان در سنین جوانی محکوم بمرك و فنا هستند.

در بعضی از ممالک مرقی مانند امریکا اکثر بیماریهای واگیر مانند حصیه، وبا، آبله، تیفوس، تب مالت و غیره بکلی از میان رفته ولی در عوض انواع عارضه های کوچک نظیر سرما خوردگی، سردرد، سوء هاضمه، ضعف قلب، تنگی نفس، رماتیسم فشارخون و نظایر آنها معمول و متداول شده هر کسی را می بینید از زكام و سوء هاضمه مینالد. دلیل آن چیست؟ برای اینست که جسم بشر بعلت فقدان تمرین و عدم توجه بورزش رو بفتا و فرسودگی است.

هر کس تا زمانیکه راه میرود تصور میکند که سلامت است و تا زمانی که یکباره

از پای نیفتند بفراتر تأمین سلامت خود نمی‌افتند. اینگونه اشخاص که ممکن است انواع نعمات گوناگون را در اختیار خود داشته باشند غالباً از مشاهده جوانان نیرومند و سالم و بانشاط حسرت میخورند و از آنچه خود فاقد آن هستند انگشت ندامت بردن می‌گزینند. در حالیکه این عده غافل از این حقیقت هستند که بدن آدمی احتیاج بکارهای سخت دارد. عضلات تازمانیکه بکار نیفتند تقویت نمیشود علاوه بر آن حفظ کردن ماشین بدن لازمه اش حفظ اعتدال است اگر اتومبیلی را خوب نگهداری نکنند در هفته‌ای یکبار آنرا برای سرویس نفرستند و در هر جاده ناهمواری آنرا بکار اندازند مسلماً زود شکسته و خراب میشود آیماشین حامل بدن که ملیونها مرتبه از ساعت هم دقیقتر و ظریف تر است از یک اتومبیل و کامیون هم سخت تر و کم ارزش تر میباشد ؟

بکار بردن دستورهای بهداشتی و رعایت امور سلامتی کارچندان مشکل و کمر شکنی نیست. از هر پزشک عالیمقام و یا متخصص علم الحیات بپرسید که چگونه میتوان سالم و بانشاط بود و عمر زیاد کرد شما خواهد گفت که بقدر کافی بخوابید، غذای سالم و معتدل بخورید، و ورزش کنید تا سالم بمانید. البته هر کدام از اینها مستلزم اجرای دستورات دیگری نیز هست.

شما اگر آسایش روحی نداشته باشید از آفتاب و هوای سالم محروم باشید و در بعضی امور افراط کنید و فرضاً بیکار و بی‌فعال بگردید طبیعتاً سایر اقدامات شما بی نتیجه است.

داشتن بدن سالم و روح بانشاط یکی از نعمات بزرگ زندگانی است که نمیتوان برای آن قیمتی گذارد کسانیکه جسم سالم دارند از تمام مظاهر و مواهب زندگی استفاده میبرند طبیعت بسیار زیبا است و دنیا برای زیستن بسیار محیط سالم و دوست داشتنی است ولی همین جهان پراز لذت برای کسانیکه از نعمت سلامت محرومند دوزخ ملالت بار و هراس انگیزی است. چرا بعضی از موهبت تندرستی محرومند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش باید بگذشته آنان مراجعه کرد.

تردیدی نیست که بزرگترین عامل وجود این بدبختی خود آنها هستند عدم رعایت اعتدال در زندگی و توجه نکردن ب ورزش باعث ضرف بنیه و از بین رفتن سلامتی شده چرا در عصر کنونی در کلیه مدارس و آموزشگاههای دنیا از آغاز کودکی دانش آموزان را ب ورزش و تفریح و تقویت قوای بدنی دعوت میکنند؟ بدن انسان از آغاز زندگانی شبیه به ماشین است که تازه از کارخانه بیرون آمده مرتب و دقیق و منظم کار میکند.

ضداداً بدن انسانی طوری ساخته شده که در درمعرض اضمحلال و خرابی قرار میگیرد. خداوند عالم بدن آدمی را طوری ساخته که اگر از آن خوب نگهداری کنند و تعدد در خرابی آن نکوشند در تمام دوران زندگانی که ممکن است از یکصد سال تجاوز

کند کمترین زحمتی برای صاحب آن ایجاد نمیکند.

چرا ورزش بزرگترین عامل سلامت بدن است؟ چرا تمام مبتکرین اصول جدید به بهداشت و متفکرین بزرگ همه عقیده مندند که ورزش عمر آدمی را زیاد میکند تقویت اعصاب و افزایش نیروی بنیه چه اثری در طول عمر دارد؟ از کتاب راهنمای ورزشکاران

## گزارش فعالیت های ورزشی

در ابتدای سال تحصیلی ۳۵ - ۳۶ شورای ورزشی

آموزشگاه های شاهرود بدین ترتیب انتخاب گردیدند.

۱- آقای رئیس فرهنگ رئیس شوری

۲- آقای محمد تقی صابر نماینده دبیرستان های پسران

۳- آقای نصرتی نماینده دبیرستان های دختران

۴- آقای حسین عبداللهیان نماینده آموزشگاه های پسران

۵- آقای خطیبی مدیر تربیت بدنی

۶- خانم دزیانیان نماینده دبستان های دختران



برگزاری جشن چهارم آبان - بمناسبت میلاد مسعود اعلی حضرت هابون

شاهنشاهی جشن فرخنده چهارم آبان در میدان ورزش با حضور جناب آقای فرماندار و کلیه رجال و معارف برگزار گردید. در همان روز مراسم رژه و عملیات ورزشی دانش آموزان با شکوه هرچه تمامتر بعمل آمد و تیم باشگاه فولاد تهران که بدعوت اداره تربیت بدنی شاهرود آمده بود در میدان فوتبال با تیم فوتبال شهرستان شاهرود مسابقه داد که سه برهیج بنفع تیم فولاد بود.

ساختمان استادیوم - مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال از اداره تربیت بدنی مرکز بجهت ساختمان یک استادیوم ورزشی ارسال شده و قطعه زمینی هم بمساحت دو هزار متر شهرداری باخجهن تربیت بدنی واگذار کرده که بمجرد رسیدن نقشه از مرکز با اعتبار موجود اقدام بساختن خواهد شد.

اعزام ورزشکاران - بعد از پایان مسابقات داخلی آموزشگاهها ۲۴ نفر از ورزشکاران زنده دبیرستانها بسرپرستی آقای محمد باقر جلالی و آقایان محمود خطیبی مریمی بستکبال و احمد صابر و محمد علی جلالی مریمیان و محمد علی رحیمیان مریمی در مسابقات آموزشگاه های استان مرکز شرکت و در دوهای میدانی موفقیت های بدست آوردند.

زمین ورزش - قرارداد اجاره زمینی بمساحت دو هزار متر در شرف انجام است که در آن یک میدان ورزشی دیگر «جهت استفاده دانش آموزان» احداث شود این میدان شامل چند زمین بستکبال و والیبال و پرش خواهد بود. مدیر فنی تربیت بدنی - محمود خطیبی

## ۱۱- آقای سید محمد فرزاد

دانشمند محترم جناب آقای سید محمد فرزاد در دیماه سال ۱۳۱۴ بریاست فرهنگ شاهرود منصوب گشتند بمجرد اینکه مشغول کار شد دریافت که اگرچه فرهنگ شاهرود از نظر ظاهر صورتی آراسته و مزین دارد و پیشرفتهائی هم در این راه نموده است از حیث بی بهره است این بود که شخصاً برای وضع این تقسیمه همت گماشت. همه روزه از کلاسهای درس سر میزد و بطرز کار معلمین و پیشرفت شاگردان راتحت کنترل شدید خود قرار میداد معلمین مجرب برای فرهنگ استخدام نمود. آقای فرزاد از دانشندان کم نظیر و بنام فرهنگ ایران میباشند. این استاد عالیقدر بیشتر عمر خویش را در خدمت فرهنگ ایران گذرانده اند.



فرهنگیان شاهرود ضمن درخواست توفیق بیشتر معظم له در وصول بهدفعهای مقدس فرهنگی افتخار می کنند که مدتی تحت سر پرستی و تعلیم دانشمندی چون ایشان انجام وظیفه نموده اند. دو معین مدرسه دخترانه شاهرود و دبیرستان دولتی شاپور از تأسیسات معظم له میباشد.

## دبستان ۱۵ بهمن

دبستان ۱۵ بهمن در سال ۱۳۱۶ در زمان ریاست آقای قدوسی بمدیریت بانو کاظمه افتتاح گردید و از آن بیمه بانو قدوسی ذوالفقاری بانو فرنگیس طلائی بانو طوبی زهد آقای علی اصغر جعفری بانو ولیغمانی بانو حمید خانی بترتیب مدیریت این دبستان راداشته اند.

در بنو تأسیس دبستان دو کلاسه و از سال ۱۳۲۱ بیمه شش کلاسه مختلط بود ولی از همین سال منحصراً دخترانه گردید.

وضع بنا و ساختمان مدرسه با اصول آموزشی موافق نیست از این رو با اینکه هر مدرسه همه گونه وسائل ورزش فراهم است نو آموزان استفاده کامل نمیکند.

گروه سازمان جوانان تحت نظر بانو نصرت جواهریان ناظم دبستان همه هفته جلساتی تشکیل داده و دانش آموزان را بهدفعهای سازمان رهبری مینمایند.

انجمن خانه مدرسه این آموزشگاه در سال جاری تشکیل شد و مبلغ ۴۰۰۰ ریال جمع آوری گردید که بمصرف کمک بشاگردان بی بضاعت رسیده است.

در سال جاری يك کلاس مبارزه با بیسوادی در این دبستان تحت نظر بانو عبدالغالی دایر گردیده و تا کنون دانش آموزان به پیشرفتهای جالبی هم نائل گردیده اند.

کفیل دبستان ۱۵ بهمن تیمورتاش



## همکاری خانه مدرسه

اگر غایت نظر و هدف نهایی از ایجاد سازمانهای فرهنگی تنها باسواد کردن و یاد دادن خواندن و نوشتن باشد کار سامان دیگری دارد و زحمت معلم و متعلم را بنحو محسوسی میکاهد.

اما همیشه تعلیم و تربیت لازم و ملزوم هم و کمال هر دو جنبه مورد نظر بوده است. دانایان اجتماع امروز تربیت را مقدم بر تعلیم می‌شمرند و معتقدند فردی که از پیرایه تربیت عاطل و باطل باشد و گرچه همه دانشهای کهنه و نو را بداند محال و ممتنع است برای قوم و میهن خود مفید باشد.

صحت و لزوم رعایت این نکته دقیق صاحب نظران هر جامعه را برانگیخته که در پیشرفت تربیت عمومی اهتمام و مجاهدت کنند و مسؤولین مربوطه را بوظائف اصلی و خطیر خود آگاه گردانند.

هر کس با معارف ممالک مترقی آشنایی دارد میدانند پیشرفت تربیت سر لوحه برنامه فرهنگ عمومی آنها و بر تعلیم مقدم است بدین معنی که دولت و ملت بمنظور تأمین و اذاعت و اشاعت این منظور عالی یکدل و یک زبان صمیمانه با هم معاشرت و همکاری میکنند و غفلت و تسامح روانه ندارند.

گرچه خانه و مدرسه در پیشرفت ابتکار مسؤلیت مشترک دارند ولی چون آموزشگاه معنویت بیشتری دلترا مییابد کارکنان مدرسی که بکار و وظیفه خود مؤمن و وفادارند عدم رعایت این اصل بزرگ را گناه و ذنب لایق میدانند و بوسائل گوناگون از جمله برقراری رابطه میان خانه و مدرسه میکوشند موفقیتهای شایان بدست آورند. در ایران متأسفانه ایجاد روابط همکاری خانه و مدرسه نه در همه نقاط و همه آموزشگاهها تا کنون تمیم یافته و نه از آن نتیجه مطلوب بدست آمده است.

موجبات این عدم توفیق بسیار و شناختن آن آسان است. و شاید چارز تیرین دلیل این باشد که بیشتر مجریان نه بحقیقت و اهمیت این امر آگاهند و نه بهترین و ساده ترین راه اجرای آن را میدانند. فقر اقتصادی هم اثر بد خود را بخشیده و تا آنجا که مشهود و معلوم شده اصولاً انجمن همگامی در مدارس، تنها بیشتر بمنظور جلب مساعدت توانگران بحال

شاگردان بی چیز و بینوا تأسیس شده و نظر کلی اینست که برای تأمین پوشاک و لوازم ضرورت زندگی محصلین بی چیز و سائلی فراهم آید بهمین مناسبت بیشتر اولیاء شاگردان که کم یا بیش سابقه عمل را میداند و وقتی بمدرسه دعوت میشوند بیپانه های نا چیز و نا استوار از حضور امتناع میکنند و اگر دست و دلشان باز باشد بفرآخور همت مبلغی کم یا زیاد میفرستند و وظیفه خود را بدینگونه ادا کرده اند .

این بی خبری و بی اعتنائی گذشته از اینکه سودمند نیست معایب و مفاسد زیادی در بردارد زیرا بفرص مساعدت مادی از یکسوم شعله طبع مناعت شاگردان مستمند رافرو مینشانند و آنان را بعبث خواری و زبونی عادت میدهند و از دیگر سوی در نهاد شاگردان توانگر کبر و غرور بر میافروزند و پیدا است که این دو عادت در انحطاط هر جامعه و گرچه افراد آن بهزاران فضائل اخلاقی و علمی آراسته باشند چه اندازه اثر دارد. علوم و معارف امروز بخوبی نشان داده که برای ارشاد و رهنمائی هر جامعه آشنائی با اصول مسلم روانشناسی سخت بکار است و رعایت دقیق این معرفت که ارج و مقدار آن نزد مهنوز بسزا شناخته نشده خاصه در امر تعلیم و تربیت چه اندازه میباشد .

بهمین مناسبت آنها که بحقیقت فرهنگ و ارزش معلم و مربی بیشتر و بهتر از ما آگاه و دانا شده اند برای تربیت اطفال و جوانان کسانی بر میگزینند که روانشناسی را خوب بدانند و اصول آن را با دقت و مواظبت تام و تمام اجراء کنند. انجمنهای همکاری خانه و مدرسه هم غالباً بپرکت این علم و بکار بستن نکات و رموز این دانش سیر آب میشود . این نکته مسلمست که خلق و خصلت هر کس چون نقش صورت و اندام او با افراد دیگر تفاوت بسیار دارد و اصولاً مجموعه قوای درونی و روحی هر شاگرد بظرف خاصی جلوه میکند ناچار مربی دانا و کاردان باید این تظاهرات را با حوصله و شکیبائی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و هر کدام را بروش جداگانه ای درس و آفتاب بیاموزد . اما هر چند مرتبه مربی ورزیده و هوشیار باشد راه یافتن بکنه عادات و خلق و خصلت شاگردان برای وی مقدور و میسر نیست و گاه اتفاق میافتد برای تکمیل معلومات و تسهیل کار از پدر و مادر و بستگان و شاگردان استفاده کند و آنچه را لازم و ضروری است بپرسد، سوابق زندگی طفلی، بیماریهای که شاگرد بداند مبتلا شده، طرز رفتار محصل در محیط خارج و خانه، و صدها مطالب نظیر اینها برای مربی واجب است .

طفل در فریفتن دیگران و ظاهر آرامی مهارت بسیار دارد و آسان میتواند خود را بهتر از آنچه هست بنمایاند اما پدر و مادر بحقیقت حالات روحی و عادات طفل خود بوسیله هم خانه بودن و مجاورت و مصاحبت نزدیک و دائم کاملاً آگاهند و تنگ و بد او را خوب بازمیشناسند .

گرچه محبت بی پایان پدر و مادر نسبت بفرزند ممکن است آنانرا از یاز گفتن بعضی نواقص کودک خویش باز دارد یا اصولاً از فرط علاقه، معایب و تقبیح وی بچشمانشان

حسن نماید اما همیشه این چنین نیست و پدران و مادران دانا از نمایاندن و شردن نقائص طفل خود بیمناک و گریزان نمیشوند و خاموش نمی نشینند وقتی مربی این اطلاعات را با آنچه که خود بدد دانش و تجربه و دانش دود کرده است بهم آمیخت باطن شاگرد پیش نظرش مکشوف و هریان میگردد. آنوقت باجرات و دل راحت بدون آنکه از غطا و اشتباه اندیشه داشته باشد تعلیم و تربیت را طبق اصول و شرایط فنی و علمی آغاز میکند. اینهمه موفقیت مرهون تماس مستمر خانه و مدرسه است.

در کشورهای متمدنی مردم مربی و مدیر مدرسه را از دار و معرّم خانه و خانواده خود میدانند و از آنها هیچگونه رودربایستی ندارند. معلمین هم رابطه دوستی و وحدت خود را بهیچ بهانه از اولیاء شاگردان نمی گسند.

گاه و بیگاه بنوبت بخانه آنها میروند و اطلاعات تازه ای از چگونگی اخلاق و رفتار و پیشرفت کار آنان کسب می کنند آنوقت نتیجه را با نظریات قبلی خود که در دفتر جداگانه نوشته اند میسنجند و بهیازان ترقی یا تنزل شاگرد و علل آن پی میبرند حتی در موارد لزوم اولیای اطفال را در کارهای شخصی و اجتماعی دلالت و راهنمایی میکنند. چه بسیار خانواده ها که بدمدکاردانی و توجه اولیاء مدرسه قوام و هستی گرفته و یا از پراکندگی و زوال رهائی یافته اند. این طرز عمل علاوه بر صدها فواید دیگر الفت و دوستی ثابت و پایداری ایجاد میکند که هم در پیوستگی علائق اجتماعی مؤثر است و هم قوای روحی و جسمی اطفال را که ضامن ترقی و اعتلای کشور و جامعه اند تقویت میکند. هنگامی که بدینگونه پر تو و داد و بیگانگی دو کانون مقدس خانه و مدرسه را بنور روحانی خود بر افروخت و خیر خواهی و نیک اندیشی هر دو جانب بسزا جلوه گر و نمایان شد کار تعلیم و تربیت آسان میشود و از این اتصال و حسن تفاهم که بنای آن بر صمیمیت و صداقت استوار است فواید بسیار حاصل میگردد.

## نظام وفا

### دبستان و معلم

دبستان بود خانه زندگی	که این خانه را باد پابندگی
یکی خانه ارجمند و شگفت	که در آن جهانی توان جا گرفت
کسی گونه خود مرد این خانه است	بگیتی یکی مرد بیگانه است
نمی داند آیین و رسم جهان	نه بشناسد او آشکار و نهان
معلم چراغی است گیتی فروز	چراغی که هرگز نیفتد زسوز
معلم بلند اختری روشن است	که این خانه زوروشن و گلشن است

جهان خرم و شاد از آموزگار

بدانسان که بستان بود از بهار

## دبیرستان شاهپور غلامرضا

این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳-۱۳۱۴ در زمان ریاست آقای فراست رئیس فرهنگ وقت بنام «آئین پناه» تأسیس شد و ملی بود تا سال ۱۳۱۵ که آقای حکمت وزیر فرهنگ از این خطه بازدید میفرمودند دستور دادند دبیرستان دولتی شود و ضمناً بنام دبیرستان ایران شهر هم نامیده گردید این دبیرستان تا سال ۲۴-۱۳۲۵ فقط دارای سیکل اول بود و در اینصورت جمعاً ۱۰۵ نفر از سیکل اول این دبیرستان فارغ التحصیل شده اند. در سال ۲۵-۱۳۲۶ در زمان ریاست فرهنگ آقای خاتمی در هنگام بازدید دبیرستان توسط والا حضرت شاهپور غلامرضا دبیرستان بنام ایشان موسوم گردید.



محل دبیرستان از بدو تأسیس تا سال تحصیلی ۲۵-۱۳۲۶ از اماکن استیجاری استفاده میشد که از لحاظ بهداشتی طبق اصول آموزش و پرورش نبود از این سال پیوسته بیکی از ساختمانهای دولتی منتقل و در سال گذشته هم بساختمانیکه توسط بانک ساختمانی بنا گردیده انتقال یافت و فعلاً محل دبیرستان از نظر بهداشتی با اصول آموزش موافق است.

### سازمانهای دبیرستان :

الف - سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ - از سال تحصیلی ۲۸-۱۳۲۹ سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ در این دبیرستان تأسیس شده و سال جاری هم تحت نظر آقای سید اسماعیل نصرتی مدیر دروس دبیرستان دانش آموزان بهداشتی مقدس سازمان و هبری میشوند.

ب - سازمان ورزشی - این سازمان زیر نظر اینجانب و آقای خطیبی دبیر مربوطه با تیمهای مختلفی که تشکیل یافته سه روزه بزمینهای ورزشی میپرهازند.

ج - سازمان نمایش و موسیقی - این سازمان بر رهبری آقای عبدالوهاب دوست زاده - معتمدی یارمهدی - مجتبی بیژن - محمد حسن مولسوی - ابراهیم ناهیدی معتمد تقی جلالی - سعداله فراقی و با همکارای دانش آموزان برنامه هایی را اجرا مینمایند.

## ۱۴ - آقای ابوالفضل مهابادی

آقای ابوالفضل مهابادی از فرهنگیان قدیمی است که در مدت طولانی خدمت خود، خدمت‌های پر ارج و مهمی به معارف کشور کرده است.

آقای مهابادی معتقد است که به تربیت و پاکیزه خوئی جوانان دانش آموز، بیش از جنبه‌های دیگر باید همت گماشت، زیرا اگر جوانان بوظایف مذهبی و اخلاقی و اجتماعی آشنا و مؤمن نباشند و گرچه دارای معلومات کافی باشند وجودشان آنقدر که باید و شاید برای تشکلت مفید نیست.

آقای مهابادی معلمی دانا، بلند اندیشه، جدی و پرکار است معلمی را شریف‌ترین و ارزنده‌ترین کار می‌شمارد و اکنون نیز در زادگاهش اصفهان رئیس دبیرستان صارمیه است. فرهنگیان شاهرود که سالی چند افتخار همکاری و با شاگردی این آزاد مرد را داشته‌اند همواره از خدای بزرگ مسالت میکنند که ایشان را در ادامت خدمت بفرهنگ توفیق عنایت فرماید.

توسعه دبیرستان ایران شهر و تاسیس چند دبستان دوشهر و حومه شاهرود در زمان ریاست ایشان بوده است.

د - انجمن ادبی - انجمن ادبی با شرکت اغلب دانش آموزان زیر نظر آقای یارمهدی دبیر ادبیات فعالیت‌های شایان توجهی دارد و مرتباً نشریه هفتگی برای استفاده عموم منتشر کرده است.

کلاسهای مبارزه با یسواد - این کلاس اخیراً بدستور وزارت فرهنگ و بتصدی آقای ابراهیم ناهیدی مدیر دفتر دبیرستان تشکیل شده و داوطلبان با مرتب تحصیل اشتغال دارند. آزمایشگاه دبیرستان - دبیرستان از سالهای پیش دارای آزمایشگاهی بوده که وسایل و لوازم کار آن بسیار مختصر بوده تا اینکه در سال جاری وضع بسیار آبرومندی بخود گرفته، بطوریکه تدریس بیشتر مباحث فیزیکی، شیمیائی، طبیعی با عمل توأم است. کارگاه حرفه‌ای - در سال قبل بجهت تشویق دانش آموزان بامور حرفه‌ای و سائلی تهیه و در اختیار آنان نهاده شد که اینک دانش آموزان در ساعات کار دستی تحت نظر آقای مولوی دبیر مربوطه از آن لوازم استفاده مینمایند.

کتابخانه دبیرستان - در سال گذشته بتصدی آقای ابراهیم ناهیدی دائره شروع بجمع آوری و شماره بندی کتب پراکنده آن شد بطوریکه کتابخانه دبیرستان اکنون برای استفاده دانش آموزان مهیا است.

فروشگاه پیشاهنگی - در سال جاری پیشاهنگان این دبیرستان بر رهبری آقای اخوین فروشگاه‌های در این دبیرستان تاسیس کردند که لوازم التحریر و ما بحتاج دانش آموزان بقیمت مناسبی در دسترس آنان گذاشته میشود.

مدیر دبیرستان شاهرود - محمد تقی صابر

## ۱۴- آقای محمد حسین قدوسی



آقای محمد حسین قدوسی خدمات فرهنگی خود را از آموزگاری شروع کرده‌اند و مدتها نظامات و مدیریت دبستان و دبیری و نظامات و مدیریت دبیرستان و دانشسرا را عهده دار بودند. در سال ۱۳۱۸ بریاست فرهنگ شاهرود منصوب گشتند و مدتی هم در زنجان و بابل کرمان مازندران عهده‌دار همین پست بودند اکنون ریاست اداره اوقاف استان نهم را دارا میباشند و چندین بار نیز از طرف اولیاء امور بدریافت نشان و مدال علمی و سیاسی مفتخر شده‌اند.

آقای قدوسی اقدامات بسیار مؤثری در فرهنگ شاهرود نمودند و سهم بزرگی در بسط فرهنگ این شهرستان دارند ایشان اولین رئیس فرهنگی بودند که یک دسته دانش آموز دبیرستان را برای مدت دو هفته جهت گردش علمی بمشهد فرستادند.

دبستان سینا میامی، حافظ بیارجمند، رازی دستجرد، دبیرستان هفده دی دختران را ایشان دایر کرده‌اند.

## آقای صادق سرمد

### آموزگار

آموزگار اگرچه خداوند کار نیست  
آموزگار خلقت انسان نمیکند  
سازنده مهندسی اعظم بود خدای  
لیکن بکار تربیت روح آدمی  
عرش خدای کرسی تعلیم شد ولیک  
رحمت بر انبیاء که نخستین معلمند

بعناز خدای برتر از آموزگار نیست  
این نقش جز بعهد او اگذار نیست  
آری که جز خدا را این اقتدار نیست  
آموزگار خوب کم از کرد کار نیست  
این منزلت نصیب یکی از هزار نیست  
و ندر کتابشان سخن نابکار نیست

بالا تر از مقام معلم بشرط دین  
کس را مقام و منزلت و اعتبار نیست



### ۱۴- آقای مرتضی مدرس

جناب آقای مرتضی مدرس در سال ۱۸-  
۱۳۱۹ رئیس فرهنگ شاهرود بودند دبستان  
دولتی مهرگان نردین از تأسیسات ایشان است  
متأسفانه تهیه شرح حال ایشان میسر نگردید

### دبیرستان هفده دی

دبیرستان هفده دی در سال ۱۳۱۷ تأسیس و پس از سه سال سیکل اول آن کامل  
شد و تا سال ۱۳۳۳ نیز سه کلاسه بود ولی از این سال بی‌مدد بر اثر درخواستهای متوالی  
اولیاء دانش آموزان موافقت مرکز جلب و پنج کلاسه گردید و سال گذشته برای اولین  
بار ۱۱ نفر از این دبیرستان بدریافت دیپلم نائل شدند .  
ساختمان دبیرستان بر طبق اصول آموزشی نیست و با اینکه همه گونه وسائل  
ورزشی در دبیرستان فراهم است دانش آموزان کمتر میتوانند در ساعات ورزش از آن  
استفاده کنند .

کتابخانه دبیرستان در سال جاری منظم و برای استفاده دانش آموزان مهیا  
گردید و مقداری کتاب هم از طرف فرهنگ درستان باین کتابخانه اهداء گردیده است و  
ده جلد کتاب نیز از طرف کتابخانه فرهنگ باین کتابخانه داده شده که مورد استفاده  
دانش آموزان قرار گرفته است .



تا سال قبل دبیرستان فاقد آزمایشگاه بود ولی در سال  
جاری آزمایشگاه مختصری ترتیب داده شده که دانش آموزان  
دروس طبیعی را عملاً و با تجربه بیاموزند .  
انجمن خانه و مدرسه دبیرستان در سال تحصیلی جاری  
تشکیل شد و چون بعد از آن جلساتی ترتیب داده نشده لذا انجمن  
موفق به اقدامات مؤثری نگردید .

سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ بر هبری آقای  
جرجانی ناظم دبیرستان تشکیل شده و دارای شش گروه میباشد  
و طی جلساتی دانش آموزان بهدهفهای سازمان رهبری میشوند .

آقای فلامحسین جرجانی  
ناظم دبیرستان هفده دی

## کمی بادشمنان نامرئی خود آشنا شوید

شاید روزی نباشد که اسم میکرب یا یکی از امراض ناشیه از آنها را شنیده و در راه مبارزه با آنها که هر روز هزاران هزار از نوع بشر را بدیاری نیستی میفرستد و بالا اقل ضعیف ورنه جور میسازد احتیاطهای لازم را بعمل نیاورده باشید .

این موجودات بسیار کوچک که با چشم عادی دیده نمیشود و میتوان دشمنان نامرئی خود بدانیم همه جا با ما هستند. در منزل، در خیابان، اتوبوسها، گردشگاهها، حمامها حتی مدارس و بالاخره در غذا و هوای تنفسی ما قدم ما را تعقیب میکنند و هر آن منتظر فرصت مناسبی هستند که به بدن ما حمله نموده و ما را مغلوب سازند .

خوشبختانه تمام این موجودات میکروسکپی تولید بیماری نمیکنند چه بسا که نوعی از آنها مثل بعضی از باکتریها برای ادامه زندگی بشر ضروری نیز میباشد . حتی نوع بیماری زای آنها هم همیشه در بدن تولید بیماری نمیکنند زیرا گو بیچه های سفید خون با ایجاد پاد زهر چون سر بازان مدافعی از عملیات آنها جلوگیری مینمایند . آنها موقمی میتوانند در بدن ما مستقر و تولید بیماری کنند که بدن مستعد قبول آنها شده و قوای دفاعی ما کم گردد و با شدت تهاجم و ایجاد زهر به آنها بقدری زیاد شود که بدن قدرت دفاع نداشته باشد و در بدن نیز قبلا مصنوعیتی تولید نشده باشد . این است که اغلب بعد از جنگها و قحطی ها یا سختی ها و امراض ارتهای دیگر که بشر را دچار ضعف عمومی میسازد حملات این دشمنان نیز زیادتر و انتشار بیماریهای گوناگون بیشتر میگردد البته بعد از مقدمات فوق بد نیست که برای شناسائی این دشمنان نامرئی مختصری راجع بانواع مختلف موجودات بیماری زا بحث کنیم .

بطور کلی این موجودات ممکن است از نوع جانوران یا گیاهان تک یاخته (تک سلولی) و بالاخره یا از نوع ویروس باشند . که از هر کدام نمونه های مختصری ذکر میفود .

از نوع جانوری آنها میتوان يك زمو فلازله (Zooflagelle) انگلی بنام تری پانزوم (Trypanosome) را نام برد این میکرب بوسیله مگس تسه تسه (Glossina) به انسان منتقل میشود و تولید بیماری خطرناک خواب رامی نماید . این



مگس خوشبختانه در ایران نیست بیشتر در سواحل رود کنگو افریقا است و اغلب سیاه بوستان را مبتلامی سازد .

تری پانزوم ها در مراحل مختلف زندگی وحتى روی میزبانهای مختلف تغییر شکل داده ممکن است امراض دیگری تولید نمایند . يك نوع تغییر شکل یافته آن لیشمانیا (*Leishmania*) است که شکل انگلی داخل سلولی است . این حالت عامل امراضی به اسم لیشمانیوز (*Leishmaniosis*) مانند سالک رامی نماید و نیز مرض شاگاس (*Chagas*) که در اطفال برزیل دیده میشود و تبهای کلا آزار (*Kalaazar*) که در مردم هندوستان زیاد است مولدینشان از نوع همین تری پانزوم هاستند .

از موجودات ریزجانوری میتوان همانوزمترانام برد که مولد بیماری مالاریا است البته بطور کلی مولد بیماری مالاریا اسپروزوئیت هائی (*Sporozoites*) میباشد که مرض مالاریا بصورت تبهای دوروزه ای و سه روزه ای و یادوره ای یعنی چند شکل در بدن ظاهر میسازند . ناقل این میکرب پشه ای بنام آنوفل است که در نقاط تاریک و مردابی زیاد دیده میشود بنابر این میکرب مولده در دو محیط یکی در خرطوم پشه و دیگری در گویچه های قرمز خون انسان زندگی میکند و موقع خروج از گویچه ها است که تولید لرزمی نماید .

آمیبه های انگلی دسته دیگر از موجودات ریزجانوری را تشکیل میدهند این موجودات اغلب در آبهای را که حتی در آب انبار منزل شما ممکن است وجود داشته باشد قسمتی اصولا در روده انسان دو نوع آمیب زندگی میکنند یکی لوشیا کولی (*Loosiacoli*) که بی آزار است و دیگری لوشیادنیستریکا (*L. Dysenterica*) که در تمام دنیا فراوان بوده و مولد اسهال خونی آمیبی است .

از انواع گیاهی این موجودات میتوان نوعی قارچ مولد کچلی را نام برد که در پیاز مومستقر شده و تکثیر حاصل میکند که با شستشوی مواد قلیائی از بین میرود .

باکتریها نیز از موجودات گیاهی بشمار میروند و اصولا چون مولد اغلب بیماریها هستند میتوان کلمه میکرب را به این دسته از تک باختگان اطلاق کرد .

باکتریها بر حسب شکل های مختلف و طرز قرار گرفتن آنها پهلوئی یکدیگر نامهای مختلف دارند که فقط از هر دسته نمونه هائی ذکر میشود .

استافیلوکوک ها (*Staphylocoques*) که اغلب در روی پوست و غیره می نشینند و کم آزارترین باکتریها هستند ولی با یک نوع آن که استافیلوکوک طلائی نام دارد تولید عفونت هائی می نماید و کورک و دمل که در اشخاص جوان بخصوص پسران دیده میشود مولدش يك نوع استافیلوکوک است وحتى نوعی از آنها به استخوان حمله نموده و تولید عفونت استخوانی و امراضی مثل استئومیلیت (*Osteomyelite*) می نماید که بخصوص در اطفال زیاد دیده میشود .

**(Diplocoques)** دیپلو کوکها نیز مولد خیلی از امراض میشوند مثل دیپلو

کوک ورم برده جنب و دیپلو کوک مولد منزیت یا ورم برده مغز استریتو کها (**Strep-tocoques**) که نیز جزء باکتریهای کروی هستند بیشتر در مخاط گلو و بینی و لوزهها مستقر میشوند این میکربها مولد دمل گلو، ورم حنجره، ورم داخل گوش، بادسرخ هستند. ورم لوزه در اطفال گاهی ممکن است باعث ورم کلیهها نیز بشود. استریتو کوکها ممکن است مولد ذات الجنب و ورم برده صفاق و عفونت خون یا سپتیسمی (**Sepsicémie**) و غیره نیز باشند. بخصوص نوع پنومو کوک آن (**Pneumocoques**) بریه حامله میکند ولی خطرش از استریتو کهای دیگر کمتر است و ممکن است اثرش خود بخود مرتفع گردد باکتریهای نام برده فوق را بعلمت کروی بودن شکلشان بطور کلی میکرو کوکها (**Microcoques**) نامند که دسته ای بزرگ را تشکیل میدهند.

باسیلهها (**Bacilles**) دسته دیگر از باکتریها هستند که اغلب دراز شبیه میله میباشند و ممکن است منزه دار نیز باشند مثل باسیل ابرت (**Eberth**) که مولد حصبه است. کخ مولد سل و لفلر (**Loffler**) مولد دیفتری و بالاخره مولد سیاه زخم و کزاز جزء باسیلهها هستند.

اسپریلها (**Spirilles**) دسته ای از باکتریها هستند که شکل پیچیده ای دارند و تولید بیماریهایی از قبیل گلودرد می نمایند. نوعی از آنها که دارای رشته طویل و مواجی هستند و بطور کلی اسپیروکتها (**Spiroquettes**) نامیده میشوند تولید بیماریهایی از قبیل سفلیس و تب راجعه و غیره می نمایند و بیبریونها (**Vibriones**) دسته ای از باکتریها هستند که شبیه واوفارسی میباشند مثل بیبریون مولد مرض وبا غیر از دو دسته موجودات گیاهی و جانوری که ذکر شد دسته ای از موجودات بسیار ریز دیگری در طبیعت هست که با میکروسکپهای عادی هم دیده نمیشوند و بنام ویروسها یا موجودات اولزا میکروسکپی می نامیم. این موجودات از دشمنان نامرئی ما هستند زیرا اغلب تولید بیماریهایی از قبیل آبله، سرخک، مصلک، گریپ و مرض هاری میکنند.

بطور کلی موجودات فوق الذکر خواه جانوری یا گیاهی و یا ویروسها خیلی قابل اهمیت هستند. امروزه روی اهمیتی که این موجودات در زندگی و سرنوشت بشر دارند هزاره نفر از افراد بشر وقت خود را در آزمایشگاهها بسر می برند و ملیونها دلار ثروت برای شناختن و جلوگیری از انتشار آنها بکار میبرود و هر روز بشر متدین بیشتری به اهمیت و بزرگی کاشفین آنها برده و به آنها بدیده تحسین می نگرد.

در ممالک مترقی ساختمانهای منازل، مدارس و بالاخره مجامع عمومی خود را طوری میسازند که کمتر جای سکونت این موجودات باشد بجهای خود را طوری پرورش میدهند که از کودکی مراعات بهداشتی و اهمیت به نظافت و بهداشت فردی و اجتماعی جزء خصائل آنها گردد زیرا سلامت جسم بیش از سایر چیزها ارزش دارد.

برای یک فرد متدین و علاقمند بزندگی خوب سلامت طفل و خانواده پیش از حتی تحصیل آنها ارزش دارد و برای کسی که در نشاء و توسعه بیماریهای واگیردقتی نمیکند در حقیقت ارزشی نمیتوان قائل شد.

حال که از دشمنان نامرئی خود نام بردیم بدنیست که بدانید راه مبارزه با آنها نیز خیلی ساده است و خوشبختانه در مملکت ما (که بهداشت چندان رعایت نمیشود) نور آفتاب کمک بزرگی به از بین بردن میکربها می نماید البته راه مبارزه با این موجودات خود بحث مفصلی است که تقریباً خارج از موضوع ماست.

قطر برای اینکه اثر این موجودات در بدن شما کمتر شود خود و اجتماع خود را قوی سازید.

اگر بدن خود را پیوسته شستشوداده، تمیز نگاه دارید از تهاجم استفیلو-کوکها در امان هستید.

اگر بینی و حلق و گوش خود را تمیز نگاهدارید و در موقع لزوم ضد عفونی کنید از حمله استرپتوکوکها راحتید. اگر از بیماریهای عفونی می هراسید مواظب غذا و آب آشامیدنی خود باشید و آنها را کندزدانمائید و بخورید. اگر از بیماریهای ربوی و تنفسی بیم دارید هوای تنفسی خود را آلوده نسازید و شما بنوبه خود اگر مبتلا به اینگونه بیماریها هستید از رفتن به مجامع عمومی خودداری نمائید و هوا و آب آشامیدنی مردم را آلوده نسازید. در موقع شیوع بیماریهای مسری به اصطلاح اپیدمی یک نوع بیمه‌سازی حتی المقدور خود و اطفالتان را واکسن ضد آن بیماری بزنید و از شستن لباسهای خود در آب نهرها و ریختن کثافات در جویها برای همیشه خودداری نمائید.

محل سکونت و بهداشت منزل و محل کار (مدرسه یا اداره یا هر جای دیگر) از نکاتی است که هرگز نباید از نظر محو گردد.

بایستی ساختمانها از نظر کسب نورغنی باشند و در نقاط کثیف و مرطوب ساختن بنا صلاح نیست.

مخصوصاً مدرسی که محل اجتماع افراد جوان و بچه‌ها است و میتوان گفت بیشتر روز اطفال در آنجا بسر می برند بایستی در ساختمان و رعایت اصول بهداشت آن کاملاً دقت شود و همچنین طبیب مدارس هر ماه مرتباً اطفال را از لحاظ بیماریهای واگیر معاینه دقیق نموده و درمان نماید و اولیاء اطفال از فرستادن بچه‌های مریض خود به مدرسه جلوگیری بعمل آورند. اولاً از نظر بهبود حال طفل در تانی از نظر جلوگیری انتشار بیماری و مبتلا ساختن سایر اطفال در ضمن برای قوی بودن و مبارزه کردن با این دشمنان خطرناک از اعمالی مثل عصبانیت، شب‌زنده‌داری، نوشیدن نوشابه‌های الکلی، استعمال دخانیات زیاد که همگی سلامت عمومی بدن و نسل‌های آینده شما صدمه وارد می‌آورند کاملاً به پرهیزید و بجای اینگونه تفریحات به ورزش و گردشهای دسته‌جمعی پردازید.

با مراعات نکات بهداشتی فوق و مبارزه با این دشمنان خطرناک به بهداشت اجتماعی که مسلماً گوشه‌ای از آن متعلق بشما است یعنی شما جدا از آن نیستید کمک نمائید و عواملی که باعث انتشار بیماری در شهر میگردد تا هر اندازه که مقدور است نیست و نابود ساخته و آنها را از بین ببرید.

## هدفهای تدریس ریاضیات در دبیرستانها

غالب دبیران کشور ما اینطور می‌بندارند که ریاضیات در مدارس متوسطه یکی از مشکل‌ترین مواد است و ضمناً آماریکه از امتحانات داخلی و نهایی دبیرستانها بدست آمده نشان میدهد که اکثر مردودین از ریاضیات کسر نمره آورده‌اند. این موضوع بخصوص در حساب و هندسه سال اول بسیار روشن و آشکار است و گاهی تا نود درصد دانش‌آموزان کلاس از هندسه و تعداد قابل توجهی از حساب رد میشوند در صورتیکه باید عکس این باشد.



چه در حقیقت ریاضی آسانترین درس است زیرا ریاضی عین اندیشه و فکر ماست، در زندگانی روزمره، در کار، در صنعت، در منطق و فلسفه همه جا فکر ریاضی است. طفلی که از کم بودن سهم خودش کایت میکند ریاضی فکر میکند زیرا کمیت‌ها را مقایسه میکند.

نجاریکه بدون خواندن ریاضی قطعات چوب را حساب کرده قطع و میزان میکند با ریاضی سروکار دار حتی سیاستمداری که احتمالات و اشکالات يك قضیه را تجزیه و تحلیل مینماید ریاضی فکر میکند. بطور کلی بشر در تمام شؤون زندگانی خود با ریاضی سروکار دارد با این وضعیت چرا دروس ریاضی در مدارس ما زیاد طالب ندارد و باید یکی از هزل ذیل یا مجموعه‌ای از آنها را در این امر مؤثر داشت:

۱- بسیاری از مواد برنامه هر کلاس متناسب با سن و استعداد و گنجایش دانش‌آموزان تعیین نگردیده است.

۲- طول سال مقید تحصیلی ما کم است.

۳- روش تدریس ریاضی خوب نیست.

۴- اغلب کتابهای ریاضی خوب تهیه نشده‌اند.

یکی از عواملیکه بیشتر از دیگر علل در این نقیصه مؤثر است روش تدریس ریاضی است و بقرض موجود بودن همه علل فوق ممکن است با اتخاذ يك روش صحیح نتیجه بهتری بدست آورد.

در تدریس هر موضوع چند اصل را باید در نظر داشت. احتیاجات عمومی دانش آموز، هدفی که در تدریس آن ماده بخصوص منظور نظر است، و بالاخره اینکه هدف اصلی تعلیم و تربیت دانش آموز است نه تدریس يك ماده. دانش آموز در هر مرحله و سنی که باشد دارای احتیاجات عمومی ذیل است و هر که تعلیم و تربیت گروهی را بعهده میگیرد لازم است بدان توجه داشته باشد:

- ۱- مصونیت و اعتماد، یعنی دانش آموز احساس کند که بیک جامعه بستگی دارد و معلم و شاگردان او را بین خود میپذیرند و تبعیض در باره اش اعمال نمیگردد.
  - ۲- محبت، دانش آموز را احساس کند که معلم او را دوست دارد.
  - ۳- شناسائی شخصیت، دانش آموز احساس کند که بشخصیت او احترام گذاشته میشود و معلم خوبی و نقاط ضعف او را خوب میداند.
  - ۴- پیشرفت و تشویق، دانش آموز احساس کند که او هم میتواند بدون کمک دیگران به هدف خود برسد و از کار دلسرد و مأیوس نگردد.
  - ۵- آزادی، یعنی باز میتواند هر کاری که میخواهد بکند و هر چه میخواهد آزادانه بگوید مشروط بر اینکه آزادی دیگران را مختل نسازد.
- بطور کلی هدفهای تدریس ریاضیات در دبیرستانها عبارتست از:
- ۱- اهمیت دادن بآن قسمت از ریاضیات که جوانان را برای زندگانی در جامعه پرورش و تربیت نماید و آنها را فردی استدلالی و مفید تحویل اجتماع دهد.
  - ۲- درک و تاثیر و اهمیت ریاضیات در ترقی و پیشرفت جامعهها در گذشته و حال و آینده.

۳- پی بردن باستندهای شخصی و آماده کردن برای انتخاب حرفه ای که محتاج دانستن ریاضی است

- ۴- تربیت محصل برای تحلیل و حل مسائل زندگی.
- ۵- تشخیص روابط موجود بین رشته های مختلف ریاضی
- ۶- تشخیص روابط موجود میان ریاضیات و سایر علوم.
- ۷- تربیت محصل برای درک مفاهیم زمان و مکان و کمیت های دیگر.
- ۸- فراگرفتن مقدماتی که برای مطالعات عالیتر ریاضی لازمست
- ۹- فراگرفتن اصطلاحات و علامات ریاضی بمنوان يك وسیله ارتباط.
- ۱۰- دانش آموز طوری تربیت شود که منطقی فکر کند و نتیجه بگیرد.

## نظام وفا

### آرزوی معلم

همه کار او سوزش و سازش است  
بسنگین دلان درس نرسمی دهد  
نخواهد بجز يك دل حق شناس

معلم چو کا نونی از آتش است  
همی سوزد از مهر و گرمی دهد  
نی از کس امید و نه از کس هراس

## گردآورد آقای محمود قاسم زاده

لیسانس و دبیر علوم طبیعی

### آهیدانید که ...

۱- خونیکه از قلب آدمی بیرون می‌رود شصت ثانیه بعد پس از گردش در بدن دوباره بقلب برمیگردد.

۲- عده بسیار کمی از مردم میدانند که در انگلستان بیش از شصت هزار دریاچه است.

۳- بعضی از پرندگان مهاجر تا دوهزار فرسخ از محل اصلی خود دور شده باز بهمان نقطه برمیگردند.

۳- پيله‌ای که گرم ابریشم بدور خود می‌تند از رشته‌های نازک بطول ۶۰۰ هزار متر تشکیل شده است.

۴- زرافه تنها حیوان پستانداری است که نمیتواند کوچکترین صدایی از حنجره خود خارج کند.

۵- مقدار کلسیمی که در یک لیتر شیر موجود است درست باندازه احتیاج روزانه بدن انسان است.

۶- سرعت حرکت کمره زمین بدور خورشید ۱۰۷۲۰۰۰ کیلو متر در ثانیه است.

۷- روزی دوبار قشر زمین در زیرباهای ما باندازه سی سانتیمتر بالا و پایین می‌رود ولی چون هیچگونه نقطه ثابتی وجود ندارد این حرکت محسوس و قابل درک نیست.

۸- فاصله زمین از خورشید در حدود  $149,500,000$  کیلومتر است.

۹- زمین دارای چهارده نوع حرکت است.

۱۰- عناصر و موادی که در زمین وجود دارند بهمان نسبت و اهمیت هم در بدن انسان موجودند.

۱۱- کاریکه قلب انسان در یک شبانه روز انجام میدهد تقریباً معادل حمل وزنه ۱۰ کیلوگرمی بسافت یک کیلومتر میباشد.

۱۲- اولین خسوف ماه که بشر توانست مشاهده کند در سال ۲۲۱ قبل از میلاد مسیح بوقوع پیوسته است.



## ۱۵ - آقای عبدالحمین آقاخانی

آقای عبدالحمین آقاخانی متولد سال ۱۲۸۶ شمسی فارغ التحصیل رشته ریاضی از دانشسرای عالی طهران، از بدو ورود به خدمت دبیری دبیرستانهای ماندران را بهمهده داشتند و سپس بترتیب رئیس فرهنگ بندر بهلوی، شاهرود، کردستان، سبزوار، اراک، گرگان، همدان گردیدند و چندی هم بازرسی فنی و بازرسی وزارت و دبیری دانشگاه و مدیریت بیمارستانهای سینا، وزیری، امیراعلم را بهمهده داشتند و اکنون هم معاون مدیر کل فنی وزارت فرهنگ میباشد.

دبستان سوم اسفندعباس آباد و ابن یمن فرمود و سعدی دیزج و چهارم آبان دهلا و خیام مجن و فردوسی کلاته خبیج و رودکی میقان و اردیبهشت شهر در زمان ایشان افتتاح شده است.

## ابن یمن

امیر محمود بن طغرایی در حدود سال ۶۸۵ هجری در قصبه فریومد از ولایت جوین خراسان تولد یافت. پدر ابن یمن از جمله شعرا بود و با پدر مشاعره میکرد.....  
ابن یمن دارای فضائل علمی و اخلاقی و اهل ورع و تقوی بوده چنانکه خود خود گوید:

من اندر کسب اسباب فضایل      نکر دم ، هیچ تقصیر و توانی  
هنر پرورده ام زینسان که بینی      بیا انکار کن گر میتوانی  
در نتیجه سر آمد های زیاد و تجربه های گوناگون اشعار و قطعات پخته معنی دار سروده.....

از قطعاتی که نظیر آن در ادبیات ایران زیاد نیست آنهایی است که شاعر در ستایش سعی و عمل و کسب روزی بکدبیین و عرق جبین و تشویق باستقلال نفس ساخته و خود اوزمین و املاک داشته و بعد از اضطراب و فروش آنها بکارزراعت و زمین داری پرداخته است و از آنچه از اشعارش بدست میآید در اواخر عمر از مردم کناره جوئی کرده هستی از دوستان نیز دوری جسته و گفته است .

گوشه ای گیر و کناری از همه خلق جهان

تا میان تو وغیری نبود داد و ستد

ابن یسین مذهب شیعی و ذوقی عرفانی داشته و اشعاری در بیان این ذوق سروده و از قدیمترین شاعرانست که بتصریح از ائمه و شهیدان کربلا یاد کرده است.

ابن یسین را باید نامی ترین قطعه سرایان نامید که پیش از او این فن اینگونه مورد توجه نبود شاعر در هر قطعه فکری و نظری ابراز کرده ملاحظه و مال پرستی و دنیاگیری را تو بیخ نموده و تملق و مدهانه پیش ناکسانرا زشت شمرده و از نیکی و شرافت و اصالت مدح، و از مردم بد اصل دون همت و رذل طبیعت شکایت نموده حتی در قبال آنگونه مردمان تجرد و مردم گریزی توصیه کرده است. بنظر او روزی مقسوم است و برای جرعه ای آب و لقمه ای نان نباید منت ناکسانرا برد. در ضمن مارا بکوشش و عقل و بردباری و قناعت دعوت میکند معمولا در قطعات خود عقل را میستاید و آنرا در امور قاضی قرار میدهد و مردم را بدان میخواند... قدم اول مردمی آنکه شخصی دیگرانرا نیاز ادسیس، کسب هنر نماید و گرنه درهم و دینار بدست مرد بیبدل دل آزار سودی ندارد.

هنر بیاید و مردی و مردمی و خرد

بزرگ زاده نه آنست کو درم دارد

ز مال و جاه ندارد تمتی هرگز

کسی که بازوی ظلم و سرستم دارد

خوشا کسی که از و هیچ بدبکس نرسد

غلام همت آنم که این قدم دارد

☆☆☆

اگر دو گاو بدست آوری و مزرعه ای

یکی وزیر و یکی را امیر نام کنی

بدان قدر که کفاف معاش تو بکند

روی و قرص جوی از یهود وام کنی

هزار مرتبه بهتر به پیش ابن یسین

کمر ببندی بر چون خودی سلام کنی

☆☆☆

دو قرص نان اگر از گندم است اگر از جو

دو تالی جامه گر از کهنه است و گر از نو

چهار گوشه دیوار خود بخاطر جمع

که کس نگوید از اینجای خیز و آنجا رو

هزار مرتبه بهتر بنزد ابن یسین

ز فر ملکیت کی قباد و کی خسرو

«از تاریخ ادبیات دکتر شفق»



## فروغی بسطامی

میرزا عباس بن موسی بسطامی از شعرای نامی ایران قرن سیزدهم هجرت است که نخست مسکین تخلص داشته و اخیراً بجهت انتساب به امیرزاده فروغ الدوله بر فروغی تخلص میکرده و ملخص آنچه در ظهردیوانش در شرح حال او نگارش یافته اینست که در آغاز دولت فتحعلی شاه قاجار از موطن خود بسطام بتهران رفته و همت بنظم شعر بر گماشته و با آنهمه بیسوادی که داشته در نهایت فصاحت بوده و چون تکمیل شعر بی‌خط و کتابت صورت امکانی نداشت، برای یاد گرفتن اصول خط چندان رنج برد که سین را از شین و حامیم را از یاسین باز دانست و نوشتن حروف هجاء را آشنا گردید و پیوسته باین بیت سنائی مثل میکرده.

اگر بودی کمال اندر نویسامی و خوانانی

چرا آن قبله کل نا نویسا بود و ناخوانا

در خدمت امیرزاده مذکور تربیت یافته تا رفته رفته حلاوت اشعارش مشهور و در این حال قدم بجاده عرفان گذاشته و مانند منصور انال‌الحق بزبان آوردی. پس مردم درباره او مختلف بعضی مرید شیطاناش گفته و دیگری مست باده محبتش خواننده و او نیز از شغف ایشان نفرتی و از ارادت اینان مسرتی بخود راه ندادی در عهد فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه باغزل سرائی میگذرانیده تا اینکه روزی سخن از خود ستامی و دعوی خدائی او برض ناصرالدین شاه رسید و امرها یونی باحضارش صادر گردید و او نیز بعد از آستان بوسی شدیداً انکار کرده و گفت من هفتاد سال دویدم تا حال بسایه خدارسیدم من کجا و این هذیان کجا پس در اثر آن لطیفه مسرود انعام و تحسین وصله و آفرین شاهنشاهی بودم و همواره ستایش و نگارش آن شاه جم را میکاشته تا در سال ۱۲۷۴ هجری درگذشت.

«از ریحانة الادب»

### از اشعار معروف فروغی بسطامی

یکشب آخر دامن آه سحر خواهم گرفت

داد خود را زانه بیدادگر خواهم گرفت

چشم گریبانرا بطوفان بلا خواهم سپرد

نوک مژگانرا بخوناب جگر خواهم گرفت

نمره‌ها خواهم زد و در بعر و بر خواهم فتاد

شعله‌ها خواهم شد و در خشک و تر خواهم گرفت



آقای آقابزرگ و کیلی



آقای اسمعیل رجالی



آقای محمد علی جلالی

\* \* \*

پایه عمر گرانمایه بر آبست بر آب  
 همه جا شاهد این نکته حباب است حباب  
 باده خور باده بیانک نی و فتوای حکیم  
 زانکه دل درد ترا چاره شرابست شراب  
 بر سر کوی خرابات کسی آباد است  
 که مدام از می دیرینه خرابست خراب

\* \* \*

خدا خوان تا خدا دان فرق دارد  
 که حیوان تا با انسان فرق دارد  
 موحد را بشرك نسبتی نیست  
 که واجب تا با امکان فرق دارد  
 محقق را مقلد کی توان گفت  
 که دانا تا بنادان فرق دارد  
 مناجاتی خراباتی نگرود  
 که سیر جسم تا جان فرق دارد  
 مغوان آلوده دامن هر کسی را  
 که دامان تا بدامان فرق دارد  
 من و ابروی یار و شیخ و معراب  
 مسلمان تا مسلمان فرق دارد  
 من و میخانه خضر و راه ظلمات  
 که می با آب حیوان فرق دارد

## دبستان دولتی اردیبهشت

دبستان فعلی اردیبهشت در یکی از باشکوه ترین ساختمانهای این شهرستان قرار دارد تاریخچه مفصل و مشروحی دارد که برای جلوگیری از تطویل کلام بایجاز در باره آن بگفتگو میپردازد.

در شهریورماه ۱۳۱۹ خورشیدی دوزمان ریاست آقای عبدالحسین آقاخانی در محله شبدری دبستان چهار کلاسه مختلطی بمدریت بانو ملوک مهدوی نادر بنام دبستان مختلط اردیبهشت تأسیس یافت که تا سال تحصیلی ۲۱-۱۳۲۲ با همان تشکیلات اداره میشد لیکن در سال مزبور دبستان شش کلاسه و مدیریت آن نیز بانو فرنکیس نیله کوه تفویض گردید.

در تاریخ ۲۴/۱۰/۲۲ بدستور آقای جیلعاملی ریاست فرهنگ وقت دبستان منحصراً پسرانه شد و مدیریت و نظامات آن نیز بترتیب بعهد آقایان محمد حسن مهاجری و محمد باقر جلالی معول گردید.

در تاریخ ۱۲/۱۱/۲۴ آقای اسماعیل نصرتی که قبلاً دبیری و نظامت دبستان دخترانه هفده دی را بعهد داشتند بمدریت دبستان منصوب و تا سال ۱۳۳۰ در این سمت انجام وظیفه نمودند.

در این مدت نظامات دبستان بترتیب با آقایان عباسعلی صالحی و محسن محسنیان بوده.

بالاخره در سال ۳۰-۱۳۳۱ سیکل اول متوسطه در این دبستان دایر شد و پس از دو سال تمداد دانش آموزان نیز رو با افزایش نهاد و لزوماً دبستان از دبیرستان منفک و بساختن دیگر در خیابان غربی منتقل و مدیریت آن با آقای ناصر مهاجر و نظامات آن نیز با آقای محمد باقری کارپرداز فعلی اداره فرهنگ و اگذار گردید.

این محل علاوه بر کوچکی با اصول بهداشت و آموزش و پرورش کاملاً مفایرت داشت. در تاریخ ۲۲/۶/۳۲ که اینجانب از نظامت دبیرستان شاهپور بمدریت دبستان منصوب شدم از بدو کار در صدد تمویض محل مدرسه برآمده و با پشتکار و فعالیت خستگی ناپذیر و تلاشهایی که در اینراه نمودم بالاخره موافقت آقای ملک نصر ریاست فرهنگ وقت را نسبت بتفویض محل آموزشگاه جلب و در نتیجه دبستان بساختن نو بنیاد واقع در خیابان غربی که بوسیله شهرداری ساخته شده بود منتقل گردید. اینوضع تا پایان سال تحصیلی ۳۴-۱۳۳۵ ادامه داشت فقط تنها تغییری که در کادر آموزشی روی داد انتصاب

آقای محمد علی نیکدل بنا بدرخواست اینجانب از دبیری دبیرستان بنظامت دبستان بود. در این سال آموزشگاه جمعاً ۲۰۸ نفر دانش آموز داشت که از این عده ۱۴۲ نفر آنان در امتحانات آخر سال قبول و ۶۶ نفر نیز مردود شده اند.

با توجه باینکه اکثر جمعیت شهر در اطراف این آموزشگاه سکنی دارند و ساختمان نو بنیاد شهرداری نیز گنجایش نو آموزان مراجعه کننده را نداشت در سال جاری دبستان بساختمان جدید الاحداث بانك ساختمانی که در نوع خود بی نظیر است منتقل و با این عمل دبستان از بیسروسامانی و خانه بدوشی که در این مدت گریبانگیر آن شده بود نجات یافت.

در سال تحصیلی جاری دبستان دست با اقدامات سودمندی در راه رفع نواقص خود زد که یکی از آنها ترتیب نمایشنامه (خدا - شاه - میهن) بود که در شب چهارم آبان ماه که مصادف با میلاد مسعود بندگان اهلحضرت همایون شاهنشاهی میباشد با همکاری دبستان دولتی خاقانی در محل آموزشگاه اجراء شد که مورد استقبال گرم و بی نظیر اهالی قرار گرفت و از این محل مبالغ ۵۹۰۰ ریال نصیب این آموزشگاه شد که بمصرف خرید یکدستگاه رادیو با میکروفون و بلندگو گردید که در محل دبستان نصب و از آنها در اجرای مراسم مذهبی و سخنرانیهای مفید و برنامه های تربیتی استفاده میشود.

ضمناً اولین جلسه انجمن همکاری خانه و مدرسه آموزشگاه نیز در تاریخ ۱۷ و ۱۸ و ۳۶ با حضور عده کثیری از اولیاء دانش آموزان در سالن دبستان تشکیل و نسبت بان انتخاب هیئت رئیسه اقدام شد در نتیجه آقای ابوالقاسم مهاجری رئیس، آقای حبیب الله جعفریان نائب رئیس، آقای جعفر ابراهیمیان خزانه دار و آقای عباسعلی هراتی و آقای رضا

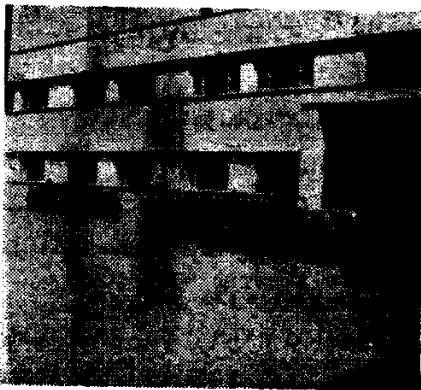
شهری و آقای عباس شهیدی و آقای سید علی اکبر سیدی بمضویت انجمن مزبور انتخاب گردیدند. ضمناً آقایان علی اصغر مددی و سید اسمعیل حسینی بعنوان معتمد محل تعیین شدند که همیشه در جلسات انجمن شرکت جویند.

در سال جاری بنابه پیشنهاد دبستان آقای حسن جلالی آموزگار آموزشگاه بسمت مربی افراد گروه سازمان شیر و خورشید سرخ دبستان انتخاب شدند که در نتیجه فعالیت های نامبرده اعضاء سازمان تا ۳۶ نفر افزایش یافته است.

از بدو تاسیس تا بحال نیز ۱۸۵ نفر از این دبستان فارغ التحصیل شده اند.

ساختمان دبستان اردیبهشت که در سال ۱۳۴۴ توسط بانك ساختمانی ساخته شده

مدیر دبستان اردیبهشت - محمد علی طاهری



دبستان دولتی اردبیل  
شاہرود  
کارکنان

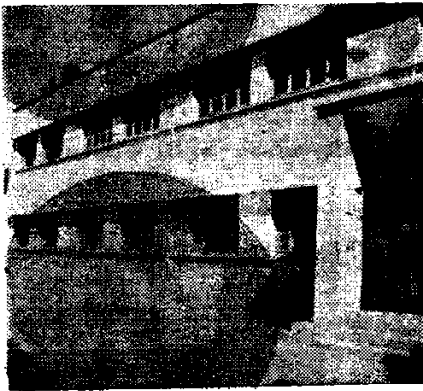


شرح عکسها در صفحه بعد

## ۱۶ - آقای محمد حسن جیل عاملی



آقای محمد حسن جیل عاملی در سال ۱۲۸۸ در اصفهان متولد شدند و تحصیلات مقدماتی را در همانجا بیابان رساندند سپس بدانشسرای عالی رفته و در سال ۱۳۱۳ از شعبه ریاضی فارغ- التحصیل شدند مشاغل ایشان بترتیب دبیری و رئیس فرهنگی چند شهرستان و دبیری دانشگاه و حالا هم بازرسی فنی وزارتنی هستند ضمناً رشته قضایی دانشکده حقوق را نیز در سال ۱۳۲۸ بیابان رسانیده اند. دبستان فروغی را در شاهرود دائر کردند بایکباب دانشسرای مقدماتی که متأسفانه پس از دو سال تعطیل شد.



ساختمان دبیرستان شاهپور که  
در سال ۱۳۴۴ توسط بانگ  
ساختمانی بنا گردیده است

### شرح عکس کارکنان دبستان اردیبهشت

- ۱- آقای محمد کلباسی
- ۲- آقای محمد کلانجاری
- ۳- آقای عباسعلی چکشی
- ۴- آقای حسینعلی پور کاظمی
- ۵- آقای محمدعلی نیکدل ناظم دبستان
- ۶- آقای محمدعلی طاهری مدیر دبستان
- ۷- آقای علی ذراعتیان
- ۸- آقای عبدالهادی نصرتی
- ۹- آقای حسن جلالی
- ۱۰- آقای حسن صفا

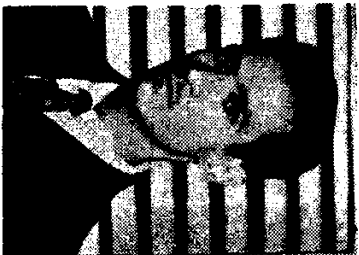
## دبستان دولتی فروغی

برای بیان تاریخچه این دبستان لازم است در ابتداء مختصری از هزل ایچاد آن و سایر دبستانها گفتگو شود. پیشرفت فرهنگ عمومی در جهان منجمله در ایران سبب گردید که مردم با رغبت بیشتری فرزندان خود را برای فرا گرفتن علوم بدبستانها و دبیرستانها بفرستند مخصوصاً ترقیات شکفت انگیز صنعت و اختراعات عجیبی که مفتاح آن بدست بشر افتاده تشبیه بر این امر شده است و هر اندازه هم بیشتر از فوائد علم و هنر بهره مند شویم احتیاق ما بفر گرفتن دانش زیاد تر میگردد باین دلیل و دلایل بسیار دیگر که ذکر آن لزومی ندارد وزارت فرهنگ در ایران همه ساله درصدد توسعه و بسط فرهنگ واجب بر آمده با گذرانیدن قانون آموزش اجباری از مجلس شورای ملی راه ترقی را برای ملت ایران باز نموده است. اگرچه تا کنون آنطوری که باید و شاید این قانون بمورد اجرا گذارده نشده ولی اجرای مقدمات آن تأثیر فراوانی در فرهنگ عمومی نموده است و مرهمان کشور بیش از پیش تمایل خود را نسبت بفرهنگ ابراز و همه ساله بیشتر از سال قبل نوآموزان برای فرا گرفتن علم و معرفت روی بدبستانهای کشوری آورند. وزارت فرهنگ ناگزیر از تأسیس آموزشگاههای جدید دیگری میشود. هر آبانماه سال ۱۳۲۳ شمسی بر اثر زبادی نوآموزان داوطلب تعلیمات ابتدائی آقای جواد رهنما رئیس فرهنگ وقت که فوق العاده فرهنگ دوست بودند دبستان چهار کلاسه جدیدی تأسیس کردند که بنام فقید سعید محمد علی فروغی نخست وزیر وقت و دانشمند اوچند نام گذاری گردید.

۱ در سال تحصیلی ۲۵-۱۳۲۶ پنج کلاسه و سال بعد شش کلاسه کاملی گردید. محل دبستان بسیار خوب و از هر لحاظ طبق اصول آموزشی میباشد. و چون دارای صحن وسیعی است و همه گونه وسائل ورزشی نیز فراهم است نوآموزان در ساعات ورزش استفاده کامل میکنند.

سازمان شیروخورشید سرخ - در این دبستان یک گروه سازمان جوانان شیروخورشید سرخ برهبری آقای امراالله ولیخانی آموزگار کلاسی پنجم تشکیل شده است که مرتباً طی جلساتی نوآموزان بهدفعهای سازمان رهبری میشوند بطالوه امور بهداشتی آموزشگاه زیر نظر افراد سازمان اداره میشود.

انجمن خانه و مدرسه - در سال تحصیلی گذشته انجمن همگامی خانه و مدرسه دبستان تشکیل و اقداماتی برای بهبود وضع آموزشگاه شد از جمله بلو جوه جمع آوری شده بکدستگاه میز بینگ پونگ جهت استفاده نوآموزان خریداری گردید در سال جاری



## کارکنان

### دبستان دولتی فروغی شاہرود

از چپ بر راست :

- ۱- آقای علیرضا بوزیان ۲- آقای ام‌الله ولیخانی ۳- آقای محسن اخیانی ۴- آقای حسین عبداللہیان مدیر ۵- آقای سید ہاشم طباطبائی ناظم ۶- آقای محمد علی جوادی ۷- آقای علی اکبر مصومیان ۸- آقای محمد مولائی



چون انجمن اکثریت نداشت تجدید انتخاب برای اعضای کسری بعمل آمد و آقای خضرائی رئیس و آقای گوهری نایب رئیس و آقای سیحانی منشی و آقایان دکتر رئیس دانایی و حاج جواد امانی و حاج نعمت اخیانی و آقای کرمی و آقای غلامرضا حسینی و آقای حبیب شالچی و آقای احمدیان بسمت اعضاء انجمن انتخاب گردیدند سپس وجوهی جمع آوری گردید.



ساختمان دبستان فروغی که بنای آن در سال ۱۳۴۶ از اعتبارات دولتی ساخته شده است

که بر طبق تصمیم انجمن صرف خرید لوازم جهت کارگاه حرفه‌ای گردید روی این اصل اکنون دبستان دارای کارگاه مکملی میباشد.

پیش آهنگی - تشکیلات پیش آهنگی در سال جاری در این آموزشگاه دایر گردیده و اکنون تحت نظر دانش آموزان پیش آهنگ فروشگاهی دایر شده که تمام دانش آموزان لوازم التحریر و سایر ضروریات خود را از این فروشگاه بقیمت مناسبی تهیه میکنند.

مدیر دبستان فروغی - حسین عبداللهیان



آقای اسمعیل عجم‌زمانی



آقای نوروزعلی نوروزی



از معلمین قدیم فرهنگ



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ایها الذین آمنوهل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله

دیانت یگانه لطیفه ربانیه ایست که افراد بشر را از شرور ظلمات او هام نگاهداری میکند .

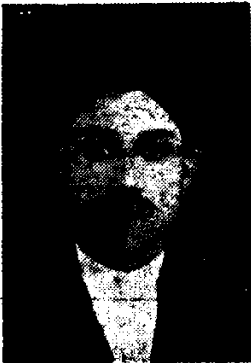
ادیان شرایع جز تهذیب اخلاق و دعوت امم بحق و راستی غرضی ندارند. تنها

حکومت مطلقه دیانت قدرت دارد رفاه حال افراد و بالنتیجه آسایش روح اجتماع را تأمین سازد . با آنکه تالو تمدن دیده بشریت را خیره ساخته ولی برای بکثانیه دو طول حیات انسانی اتفاق می افتاده است که روح سرکش ولی آرام توسن باد پای طبع هوسباز و پر آزادی آرام گیرد .

آری هر چه بر قطر کتاب نفیس تمدن بشری افزوده میشود هر چه قوانین و نظامات جاریه گلهای بدیع و دلپسندی را پرورش میدهد مشاهده میشود که کمال مطلوب عقول معتدل و سلیم که عبارت از تجلی روح و داد و صفا میباشد نه تنها در اجتماع بشری تحقق نیافته بلکه خلاف آن بصورت کشتار و

جنگهای عالم گیر هر روز بشکلی و هر لحظه برنگی باعث نابودی موجودات میشود . بشر قرن بیستم اگر چه بساخته های شکفت انکیز خود می سازد ولی باین حقیقت تلخ هم بیهوشی واقف است که و رای این جلای ظاهری هزاران عبوب هم مشاهده میشود نقایصی که پیشرفت علوم مادی اگر باعلی درجه کمال هم برسد قادر بر رفع آن نیست. عیویکه هرگز بر طرف نمیشود باعث هزاران فجاایع می گردد .

زیرا آنچه فی الواقع باعث پیشرفت جامعه و تمدن میگردد عبارت از فضیلت اخلاقی است و آنچه را که آید آل مقدس انسان را عملی میسازد فقط و فقط تمسک و توسل بدیله عنایت دین و هیلنت است. اعتقاد پاک بمبداء و معاد روح را با بدیت میبوند و فقط در بر تو دیانت امکان دارد که نیات عالی انسانی تحقق یابد در پیرامون حکومت مطلقه



## ۱۷- آقای محمد کامکار پارسی

آقای محمد کامکار پارسی از آبان ۱۳۲۳ تا تیرماه ۱۳۲۴ عهده‌دار سمت ریاست فرهنگ شاهرود بودند متأسفانه تهیه عکس و شرح حال ایشان میسر نشد.

دیانت است که تمام فضائل عالیه اخلاق تجلی مینماید. هر گاه با آداب و دستورات دین مبین اسلام آشنا شویم می بینیم رعایت آن مردم را از بدبختی نجات میدهد اجتماع و ملتی که قوانین و دستورات پیغمبر اکرم گرامی را بکار بیندند از هر گزند ردردهای اجتماعی محفوظ و ایمن میمانند. باری پیغمبر اسلام چنان با چشم دور بین و خرد دور اندیش قوانین اجتماعی را برای آسایش بشر و حفظ روابط آنان محکم و منظم طرح فرمود که اگر مردم دنیاتن در دهند و عمل نمایند بدینی دشمنی خونریزی و تمام رذائل از حریم بارگاه بشریت دور و پرچم مهر محبت دوستی و وداد بر فراز بارگاه آن نصب میشود. ملت با ایمان و متدین خود را بفضیلت تقوی میآراید و از هر آلودگی دوری میجوید و چون خدا را بسر اهیال خویش ناظر میدانند و معتقد است که باید حساب نیک و بد را بالو که از نمان و آشکار همه آگاهست باز دهد حتی خیال فاسد و سوء نیت را در دل خویش راه نینماید. از این روی در این جهان وجدانی راحت و آسوده و در عین حال وسائل رستگاری جهان دیگر خود را تامین مینماید.

## نظام وفا

## بدختران ایران

کز تو گردد شاد و خرم آنجمن  
مشرق علم و کمالند و هنر  
گاه دو اقلیم دانش آفتاب  
تو چرا هر لحظه گردی دورتر  
عهد دانش مهندسانی کجاست  
کشور آباد است و میهن سرفراز  
شمر و سوز و ساز و آوازی نبود  
روشنائی بخش محفلهاست زن  
اختران سعد فرزندان وی  
زیورزن مهر و خوی گرم اوست

هان بکوش ای دختر ایران وطن  
دختران غرب اکنون سر بسر  
که پی دانش چو سایه در شتاب  
تو چرا دوری از این خیل هنر  
ذوق و استعداد ایرانی کجاست  
از زنان فکر باز و دلنواز  
زن نیدگر در جهان رازی نبود  
بانوی کاشانه دلهاست زن  
کهکشان زندگی دامان وی  
حسن زن دلجوی و آزر م اوست



### ۱۸ - آقای جواد رهنما

آقای جواد رهنما از تیر ماه ۱۳۲۴ تا شهریور ۱۳۲۵ رئیس فرهنگ شاهرود بودند. دبستان‌های خاقانی و عسجدی ترود و منوچهری رویان و مولوی باغزندان از تأسیسات ایشان است. متأسفانه تهیه شرح حال ایشان میسر نگردید.

### دبستان دولتی خاقانی

«تنها مدرسه‌ای که پنج کلاس مبارزه بایسوادی دارد و بوسائل ورزشی جدید مجهز است» دبستان دولتی خاقانی است که سال تحصیلی ۲۴-۱۳۲۵ در زمان ریاست آقای جواد رهنما بمدیت مرحوم غلامحسین عرب زاده افتتاح شد و بدو تأسیس پنج کلاس بیشتر نداشت. سال بعد شش کلاسه شد و از شهریور ۲۵ تا سه ماه آقای عبدالرحیم بقامی و از آن بیعد آقای علی اکبر صالح مدیریت این آموزشگاه را عهده‌دار بودند. از بهمن ۲۶ تا مرداد ماه ۲۷ تحت نظر آقای مهدی عنایتی اداره میشد و از آن تاریخ تا کنون اینجانب عهده‌دار مدیریت این دبستان میباشم.

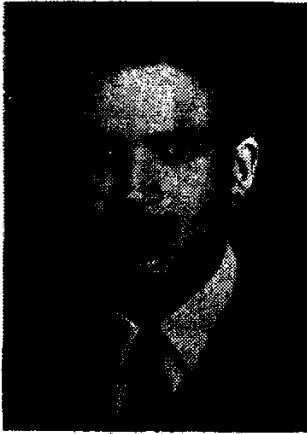
ساختمان دبستان - وضع ساختمان دبستان تا سال تحصیلی گذشته بسیار بد و محل آن در جاهای نامناسب بود و از ابتدای سال تحصیلی جاری بمحل جدید که در خیابان غربی بود و ساختمان آن از محل درآمد صدی پنج شهرداری سهم فرهنگ بنا شده منتقل گردید. گرچه این بنا هنوز ناقص است و نسبت بتعداد نوآموزان و کلاسهای که لازمست تشکیل گردد کافی نیست اما چون برای دبستان ساخته شده بمراتب از ساختمان سابق بهتر است. امید میرود که با فعالیت اولیاء فرهنگ بنای این آموزشگاه تکمیل گردد.

فعالتهایی که در سال تحصیلی جاری برای خرید و وسائل مورد نیاز بعمل آمده است:

برای تکمیل نواقص و خرید و وسائل مورد نیاز دبستان شبهای سوم و چهارم و پنجم آبان ماه نمایشی با کمک کارمندان و نوآموزان دبستانهای خاقانی و اردیبهشت

در محل دبستان اردیبهشت داده شد که بینهایت مورد توجه مردم قرار گرفت. در آمد حاصله به نسبت بین دو آموزشگاه تقسیم شد سهم این دبستان بمصرف خرید لوازم برق و وسایل ورزشی رسید و کلیه اطاقها و سالن و صحن حیاط دبستان برق کشی شده و لوازم ورزشی نیز تکمیل گردیده است.

کلاس مبارزه با بیسوادی - به پیروی از منویات اعلی حضرت همایونی و برای شرکت



در کار مهم مبارزه با بیسوادی آموزگاران این دبستان تصمیم گرفتند در این کار بزرگ شرکت کنند و وظیفه اجتماعی خود را افتخاراً انجام دهند از این جهت بتشویق مردم برای شرکت در کلاسهای مزبور همت گماشتند و فعلاً پنج کلاس مبارزه با بیسوادی در این دبستان دایر است که آموزگاران این آموزشگاه با جدیت و علاقه مندی کامل بتدریس ۱۵۰ نفر از افرادی که در این کلاسها شرکت میکنند مشغول میباشند و بنا باظهار ریاست محترم فرهنگ تنها آموزشگاهی است که جادارد آنرا مدرسه شبانه نام نهاد.

دبستان مدل - سال تحصیلی ۳۱-۱۳۳۲ این آموزشگاه تنها دبستان مدل شهر بود و وسائلی از طرف نمایندگان اداره اصل چهارم باین دبستان تحویل شد و آموزگارانی که کلاسهای تابستانی را دیده بودند عهده دار تدریس کلاسها شدند. از آن تاریخ تا بحال روش تدریس آموزگاران با سبک جدید ادامه دارد تا نو آموزان هم زودتر وهم بهتر مطالب درسی را فرا بگیرند وهم دیرتر ازدیاد ببرند.

گروه سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ - سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ آموزشگاه که ۲۴ نفر عضو دارد برهبری آقای محمد حسن صادقیان ناظم آموزشگاه سه هفته بعد از ظهرهای پنجشنبه با شرکت کلیه آموزگاران جلسات خود را تشکیل میدهد.

در این جلسات مطالبی سودمندی تحت عنوان شاه دوستی و میهن پرستی و علاقه مند ساختن آنان بنظم و ترتیب و عادت بکار و کوشش وهم چنین تقویت حسن نوع دوستی و شفقت و وظایفی که هر یک از افراد در توسعه بهداشت و رعایت آن و کمک به بینوایان و معلولین و سایر مطالب متنوع دیگر از طرف آموزگاران و نو آموزان ایراد میشود.

فروشگاه و آرایشگاه - در سال تحصیلی جاری بمنظور آشنا ساختن نو آموزان بامور اجتماعی فروشگاه لوازم التحریر ب سرمایه چند نفر از نو آموزان در دبستان

دایر گردید و یکنفر متصدی فروش و یکنفر حسابدار از طرف خود نوآموزان تعیین شده که نوشت افزار مورد نیاز شاگردان را بقیمتی که در بازار فروخته می شود در دسترس نوآموزان قرار میدهند.

هم چنین برای تشویق نوآموزان بامور حرفه ای و برای حفظ بهداشت موی



«سر سر» یکی از وسائل ورزشی جدیدی که در دبستان خاقانی کار گذاشته شده است.

ساختمان دبستان خاقانی که در سال ۱۳۳۲ از محل اعتبار صدی پنج سهم فرهنگ اذدر - آمد شهرداری ساخته شده است.

سر شاگردان آرایشگاهی ترتیب داده شده که موی سر نوآموزان را با پرداخت مبلغی بسیار ناچیز توسط خود نوآموزان اصلاح و از این راه کمکی بنوآموزان بی بضاعت میکنند.

انجمن همکاری خانه و مدرسه - اعضاء انجمن همکاری خانه و مدرسه در اسفند ماه گذشته توانستند جمعاً مبلغ ۵۱۷۰ ریال از اولیاء اطفال جمع آوری کرده و به ۳۳ نفر از نوآموزان بی بضاعت لباس بدهند و ۸۵۰ ریال هم بیودجه ورزشی آموزشگاه کمک کنند.

مدیر دبستان خاقانی - علی عطارتان



## سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ

در جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که ریاست عالیّه آن بمسئله والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی میباشد بخشی بنام سازمان جوانان وجود دارد. اساسنامه این سازمان در آذرماه ۱۳۲۷ پس از توشیح ملوکانه برای اجرا بوزارت فرهنگ ابلاغ شد و

از آن تاریخ بیحد فعالیت های دامنه داری در زمینه هدف های این سازمان آغاز گردید و عده بسیاری ازدانش آموزان در این سازمان قبول عضویت نموده مشغول فعالیت شدند.

در سال های اخیر دامنه این فعالیت ها وسعت بیشتری یافت بطوری که در سال تحصیلی ۳۵ و ۳۶ عده اعضاء آن در نقاط مختلف کشور به ۳۱۵۰۰ نفر بالغ گردید و تنها در نوزده آموزشگاه پسران و دختران شاهرود و قراة ۸۰۰ نفر دانش آموز بصورت این سازمان درآمدند. باید دانست که علاوه بر سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ ایران سازمان های مشابهی در ۷۵ کشور



جهان بنام جوانان صلیب سرخ وهلال احمر تشکیل شده وهم اکنون دارای چهل میلیون نفر عضو میباشد .

سازمان جوانان سراسر دنیا از جمله سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ ایران سه هدف اصلی را سر لوحه کار خود قرار داده و در راه نیل بآن کوشش و فعالیت میکنند آن سه هدف عبارت از بهداشت - خدمت - دوستی بین المللی میباشد.

۱- در زمینه بهداشت افراد سازمان اصول بهداشت و کمک های اولیه را در کلاس های یک به یک منظور تشکیل میشود فرا گرفته و بپاره ای پرستاریها و مراقبت های خانوادگی آشنا میشوند و آنچه را فرا میگیرند در خانه و مدرسه و شهر و ده بکار برده و از این راه کمک هایان توجیبی بتدرستی خود و جامعه و ایجاد زندگی بهتر برای اقشار مسکنت میشوند خوشبختانه برای حسن اجرای برنامه این هدف از طرف اداره فرهنگ شاهرود جمبه های مخصوص کمک های اولیه با داروهای لازم تهیه و در اختیار گروه های سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ آموزشگاهها گذارده شده است . و مر بیان سازمان از این وسائل برای تعلیمات بهداشتی اعضاء سازمان استفاده میکنند و هنگام ضرورت در کمک های فوری بهداشتی دانش آموزان بکار میبرند .

## ۱۹- آقای محمود خاتمی

آقای محمود خاتمی در سال ۱۳۱۸ از دانشسرای عالی رشته تاریخ و جغرافیا فارغ التحصیل شدند و از همان سال خدمت فرهنگی ایشان از دبیری شروع شد و بترتیب بازرس امتحانات، ریاست فرهنگ سمنان و شاهرود بروجرد و ریاست مدارس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را داشتند اکنون هم معاونت کل کارگزینی وزارت فرهنگ را دارا میباشند. در زمان ایشان سازمانهای فرهنگی شاهرود دبستانها و دبیرستانها توسعه پیدا کرد و ساختمان دبستان فروغی که چندسال قبل از ایشان پی ریزی شده بود بهمت ایشان خاتمه پذیرفت و مورد استفاده قرار گرفت و اولین دسته قهرمانان ورزشی بعد از شهریور ۲۰ در زمان ایشان برای مسابقات ورزشی بگرگان و طهران اعزام گردید.

این آموزشگاهها در زمان تصدی مشارالیه تأسیس شده است:  
دبستان پروین اعتصامی . قائم مقام کوهان . کاشفی کلاته خان . امیر کبیر مزج . نراقی مغان . شقاقی ایستگاه . رشدیه بدشت . صدیق کلامو . هضدی قلمه نوخالصه . فرخی خانه خودی . وثوق اعظم آباد . سپهر ابر . فولادوند ری آباد . ملک الشعراء بهار گرمن . عنصری سعد آباد .

۲- در مورد خدمت - این سازمان اعضای خود را بخدمات اجتماعی و کمکهای فوری آشنا میسازد و طریق نجات و باری آسیب دیدگان حوادثی از قبیل سیل، زلزله، آتش سوزی، و غیره را بدانش آموزان میآموزد تا بتوانند هنگام بروز این قبیل حوادث و بلاها بدون درنگ بیاری هموعان مصیبت زده بشتابند و چون افراد این سازمان ماهیانه مبلغ بظاهر ناچیزی بعنوان حق عضویت میپردازند و در اوقات مختلف برای همشاگردان بی بضاعت خود لباس و لوازم تحصیلی فراهم میکنند از کودکی بکمکهای مادی نیز عادت کرده و در آینده بصورت افراد خیر و نیکوکار وارد اجتماع میشوند. در هر صورت جوانان شیروخورشید سرخ ایران بر حسب مقتضیات و احتیاجات هر محیط آماده خدمت و فداکاری بوده و در این راه از بذل جان و مال دریغ ندارند.

۳- در زمینه دوستی بین المللی - افراد عضو سازمان جوانان از راه مکاتبه و مبادله آلبومها و هدایا با کلیه اعضای سازمانهای جوانان سراسر جهان بدون در نظر گرفتن



## دبستان دولتی پروین

ضرورت تحصیل برای نسوان و توجه ذات اقدس شهرباری به بسط و توسعه فرهنگ کشور و کثرت مراجعین و داوطلبان تحصیلات ابتدائی موجب شد که در سال ۱۳۲۵ در زمان ریاست آقای خاتمی این دبستان افتتاح گردد. از بدو تأسیس دبستان سه کلاسہ مختلط و مدیریت آن نیز بعهده اینجانب بود. در سال ۱۳۲۶ دبستان منحصراً دخترانه گردید و کلاسهای چهارم و پنجم و ششم هم بدان اضافه گردید تا اینکه در سال ۱۳۳۳ شش کلاسہ کامل و با اسم شاعر ارجمند و بلند پایه ایران پروین اعتصامی نامیده گردید.

محل دبستان - از ابتداء تا بحال از خانه های استیجاری استفاده میشود. مسلم

---

ملیت و نژاد آنان رابطه دوستی داشته و در راه انجام هدفهای مقدس خود صمیمانه بایکدیگر تبادل نظر و همکاری میکنند.

در اینجا بی مورد نیست از کسانی که برای پیشرفت مقاصد این سازمان در شهرستان شاهرود سعی نموده اند نامی برده شود. آقای داودی رئیس محترم فرهنگ که ریاست این سازمان را بعهده داشته اند همواره مشوق مر بیان و دانش آموزان عضو سازمان بوده و از بذل هیچگونه کمکی دریغ نداشته اند. سایر اعضای هیئت مدیره آقای حاج سیدعلی اصغر واعظ زاده و آقای ابوالحسن علمی و آقای حسین شوقی و آقای سیداحمد میرحسینی نیز بیوسه دو پیشرفت کار سازمان نظارت داشته و کوشا بوده اند. اعضای هیئت مدیره جمعیت مرکزی شیروخورشید سرخ شاهرود آقایان مهدی داودی حاج غلامرضا نجفی، و سید محسن نبوی نیز که خدمات شبانه روزی ایشان در این جمعیت خیریه بر کسی پوشیده نیست و توانسته اند در طول مدت خدمت خود شیروخورشید سرخ شاهرود را از نظر جمعیت مرکزی در ردیف شیروخورشید های فعال کشور قرار دهند و در کار سازمان جوانان از بدل هر گونه کمک مضایقه ننموده و حتی قسمتی از ساختمان جدید جمعیت را برای فعالیت های این سازمان اختصاص داده اند. در پایان ناگفته نماند که آقایان رؤسای آموزشگاهها و مربیان گروههای سازمان جوانان با فعالیتها و زحمات فوق برنامه آموزشگاهی خود عامل اصلی و مستقیم پیشرفت کار این سازمان بوده و خدمات آنان در این مورد قابل تمجید فراوان است.

رئیس سازمان جوانان شیروخورشید سرخ شاهرود

غلامرضا جرجانی

است که این ساختمانها مطلقاً مناسب با وضع آموزشی نیست انتظار ما از اولیاء فرهنگ و اهالی این است که ساختمان مجهز و آبرومندی برای این مدرسه بنا نمایند.  
ورزش- در ساعات ورزش تا حد امکان ورزشهایی که برای دختران مفید باشد با برنامه خاصی انجام میگردد.

سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ- در این دبستان سه گروه سازمان رهبری بانو بهیخت اکبری تشکیل شده که همه هفته در طی جلسات سخنرانی دانش آموزان به هدف های مقدس شیر و خورشید سرخ رهبری میشوند.

به پیروی از منویات شاهنشاه محبوب در آبان ماه سال جاری دو کلاس مبارزه با بیسوادی بزرگسالان در این آموزشگاه تأسیس شده که بانو جلیله دزبانیان و بانو عفت صابرافتخار آعهده دار تدریس در کلاسهای مزبور شده اند و داوطلبین تا کنون به پیشرفت هائمی هم نائل شده اند.

انجمن خانه و مدرسه این آموزشگاه در سال تحصیلی ۳۴ تشکیل شد و همان سال مبلغ ۳۴۵۰ ریال وجه از اولیا و نو آموزان وصول شد که بمصرف لوازم ضروری اطفال بی بضاعت رسید. در سال جاری هم مبلغ ۱۵۳۲۰ ریال جمع آوری شد که بمصرف خرید یک عدد چرخ خیاطی سینگر و یک تیچی سینگر و یک دستگاه رادیو و یک عدد بلندگور رسید بقیه هم مصرف لباس و لوازم نو آموزان بی بضاعت گردید. اعضای انجمن خانه و مدرسه عبارتند از:

- ۱- بانو صدقیانی رئیس.
- ۲- بانو یغمائی نایب رئیس.
- ۳- بانو قناد خزانه دار.
- ۴- بانو خوتی عضو انجمن.
- ۵- بانو خسروی عضو انجمن.
- ۶- بانو اخیانی عضو انجمن.

هدیر دبستان پروین - معصومه دزبانی



آقای ابوالحسن یمن متصدی تنظیم  
برنامه های انجمن ادبی دبیرستان  
شاهپور

### تمییه و تشویق

معلم خوب برای اینکه نهال وجود طفل را راست و بارور بار آورد باید تمام اصول و دقائق تربیت را جدأ رعایت کند. معلم باید با صبر و حوصله کلیه رفتارهایی را که از اطفال سر میزند. توجه داشته و اعمال آنها را کاملاً مورد دقت قرار دهد. عملی را که بچه انجام میدهد برایش طبیعی است چه وی خود را در موقعیتی مییابد که آن عمل و رفتار بطور طبیعی از او سر میزند اگر معلم در برابر عمل و رفتار بچه مقاومت نشان دهد مثلاً اخم کرده یاداد بزند رابطه خوب و رفیقانه اش را با شاگردان از بین میبرد و شاگردان نیز بچشم دیگری او را نگاه مینمایند.

باید دانست که یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت تنبیه و تشویق و چگونگی اجرای آنها است. تنبیه رفتار ناپسند شاگرد را موقتاً متوقف میسازد بنا بر این ارزش تنبیه از لحاظ تغییر رفتار و کردار بچه ها بسیار محدود و ناچیز است. یکی از روانشناسان میگوید: تنبیه کودکان را براه نمی آورد و عیبشان را بحسن بدل نمیکند فقط ترس از تنبیه برای بچه ها در هر سن و سالی که باشند بزرگترین تنبیه است.

گاهی تنبیه لازم مییابد زیرا راه دیگری در پیش نیست در اینصورت باید تنبیه را اجرا کرد ولی در هر حال باید مریبان اعم از والدین یا معلمین تنبیه را خیلی عاقلانه بهوقع اجراء گذارند و بدانند که تنبیه کردن فقط کتک زدن طفل نیست بلکه تنبیه عبارت از این است که طفل خطا کار در مقابل گناه خود قرار گیرد و بکنایه که مرتکب شده و قبل از تنبیه انکار مینموده اعتراف نماید. کودک فطرتاً نه فرشته است و نه دیو، بلکه برای خوبی و بدی هر دو استعداد دارد. منع کردن راه حل نیست بلکه در موارد معینی جزئی است از راه و رسم اصلاح. اگر بجای منع کردن و بازداشتن طفل از کار، راه درست را باو نشان دهیم مسلماً نتایج تربیتی بهتری خواهیم گرفت. تنبیه در صورتی مؤثر میشود که رفتار بد طفل را تعیین نماید یعنی کاری کنید که طفل متوجه خطای خود بشود در اینصورت طفل زیاد از وضع ناراضی نخواهد بود. تنبیه اصولاً شخصیت شاگردان را متزلزل میکند و امنیت خاطر آنها را از بین میبرد و ناخوشی روحی و جسمی ایجاد مینماید. اصولاً تنبیه اگر با خشونت و وحشیانه اجرا گردد ممکنست هواقب و خیمی در برداشته باشد حتی جان کودک بهخطر افتد بملاوه اگر تنبیه و سرزنش پی در پی اجرا شود اثرش از بین خواهد رفت بنا بر این بسیار دیده شده که گاه يك نگاه غیر عادی، يك

سکوت موقت، جدایی از سایر شاگردان، گرفتن امتیازی از طفل، در روح کودکان خطا کار از هر شکنجه و مجازاتی بیشتر کار گر میافتد زیرا منظور از مجازات نایستی انتقامجویی باشد. تنبیه بایستی بوضع کودک مقصر مناسب باشد نه بنوع تقصیر، و تا وقتی که معلم و کودک خشمگین هستند مجازات نباید انجام گیرد. مجازات نباید بلافاصله پس از خطی شاگرد انجام شود تعویق انداختن مجازات همیشه مفید است چون بشاگرد مقصر اجازه میدهد پیش از اجرای مجازات بخیط های خود بیندیشد و همین تأمل و تفکر گاه برای رفع اشتباه وی کفایت میکند. معلم باید هنگام مجازات هم مهربان باشد نه اینکه باخشم و عصبانیت بگوید که دارم يك حق اجتماعی را انجام میدهم. اگر ناچار از تنبیه کودکی هستید هرگز نگذارید فکر کند که از محبت شما نسبت باو کاسته شده است. معلم باید حتی در موقع اصلاح اعمال اطفال خرده بینی و انتقاد را با تعریف و تشویق توأم سازد و نیز راه پیشرفت و اصلاح را با نشان بدهد. هرگز مسخره نکنند و عبارات طعنه آمیز بر زبان نرانند. مخصوصاً موقعیکه در انظار دیگران باشد بکودک باید بفهماند که پس از تنبیه یا دیگران فرقی ندارد و آنچه سابقاً اتفاق افتاده گذشته است. هرگز نباید اجازه داد کودکی بید اخلاقی و سوء رفتار مشهور شود چون در اینصورت سعی خواهد کرد لیاقت دارا بودن این لقب را داشته باشد. اطفال را نباید تهدید کرد مخصوصاً تهدیداتی که اجرا نخواهید کرد. رفتار معلم باید طوری باشد که شاگردان بدانند پشتیبانی با عاطفه و صمیمی دارند و در نتیجه نشان دادن صمیمیت شاگردان او را دوست بدانند و حرفهای او را با ارزش و پر قیمت برای خود تلقی کنند. پس از ایجاد چنین اعتمادی معلم باید بر سر خطای که طفل مرتکب شده با او صحبت کند، مضار آنرا بگوید تا خود شاگرد قضاوت کند که عمل بدی انجام داده پس از اقرار بگناه و اجمع بچگونگی تنبیه از او پرسد اگر نظر شاگرد را در مورد تنبیه خودش پسندید اجرا نماید و گرنه خود تصمیم بگیرد.

معلم باید طوری رفتار نماید که شاگرد حس کند فردی و امانده و بیچاره می باشد. معلم باید سعی کند که شاگرد موقع تنبیه شدن خیال نکند که از سایرین بدست تر است بلکه باید طوری عمل نماید که شاگرد حس اعتماد بنفس خود را از دست ندهد و حتی تصمیم بگیرد که کارش را دفعه دیگر بخواهد انجام دهد.

دوست نقطه مقابل تنبیه تشویق است گرچه تنبیه ممکن است اثر بد در روحیه دانش آموز باقی گذارد تشویق اثر نیکو بجا خواهد گذاشت. تشویق باعث نمو تمام قوای بدنی و فکری اطفال میشود چه بسا اتفاق افتاده دانش آموزی مثلا بدسر ریاضی علاقه مند نبوده در اثر تشویق معلم از بهترین شاگردان کلاس شده است. همانطور که تنبیه باید بعد از عمل زشت شاگرد انجام شود تشویق هم باید بلافاصله بعد از عمل خوب دانش آموز صورت گیرد و معلم باید تشویق را بمنظور توسعه هوش و فضیلت شاگردان و ایجاد اعتماد بنفس و بالا بردن شخصیت اجتماعی اطفال مجری و معمول دارد و طوری آنانرا تربیت کند که بدرد اجتماع خورده، بتوانند درد نیای پر پیچ و خم امروزی برای خود زندگانی آسوده و راحت ترتیب دهند نه آنکه مقداری محفوظات داشته باشند و بعداً نتوانند از آنها استفاده نمایند و در جامعه عضوی سرافکننده و ناسودمند باشند.

## بقلم آقای علی اکبر صالح

متصدی امور اداری بهداری آموزشگاهها

### بهداری آموزشگاهها

در سالهای ۲۹-۱۳۳۰ با توسعه روز افزون تشکیلات فرهنگ شاهرود کثرت دانش آموزان وقت پزشکان بهداری شهرستان احساس میشد. فرهنگ مستقلا بزشک مخصوص نیازمند است تا بتواند سلامت و بهداشت دستگاههای وابسترا تضمین نماید. در همان موقع از طرف متصدیان امور فرهنگ برای این- نیازمندی مهم شروع با اقدام شد بالاخره در مهرماه ۱۳۳۲ آقای دکتر عبدالرحیم خواجه از وزارت بهداری بوزارت فرهنگ منتقل و بنام بزشک فرهنگ در شاهرود رسماً مشغول کار شد از تاریخ اشتغال ایشان باید گفت بهداری آموزشگاهها نیز تأسیس گردید.



سازمان فنی و بهداری آموزشگاهها :

۱- از لحاظ فنی (امور پزشکی) آقای دکتر خواجه بزشک و رئیس بهداری آموزشگاهها میباشد که فعلاً با استفاده از سه ماه مرخصی استحقاقی اداری با تعیین جانشین خود آقای دکتر توکلی جهت تکمیلی دوره تخصصی بلندن رفته اند.

۲- امور اداری بهداری آموزشگاهها نیز از اول فروردین ماه ۱۳۳۳ بمده اینجانب محول است که مدتی در دبیرستان و سایر دواير فرهنگ یا انجام وظیفه مشغول بوده ام.

۳- پزشک بزشک بهداری- با اقدامات زیادی که از طرف اداره فرهنگ و بهداری آموزشگاهها در شاهرود بعمل آمد آقای حسن نیری پزشک بزشک رسمی با پایه دو که بزشکیاری استخدام امور تزریقات و بانسانی بیماران فرهنگ بمده ایشان است.

طریقه مراجعه بیماران فرهنگی و چگونگی معالجه آنان - دانش آموزان بیمار با معرفی نامه رسمی که از رؤسای آموزشگاهها دریافت میدارند مستقیم ببهداری آموزشگاهها مراجعه میکنند و پس از ثبت نام در دفتر بهداری آموزشگاهها جهت معاینه و معالجه بزشک بهداری معرفی و راهنمایی میشوند نظریه بزشک دایر بنوع بیماری و

مدت استراحت یا معافیت موقت از آموزشگاهها برای جلوگیری از سرایت بیماری پس از صدور نسخه ذیل همان برك معرفی، درج و بآموزشگاههای مربوط اعاده میگردد این قبیل مراجعین هنگام دایر بودن مدارس حداقل در ماه بدویست نفر میرسد و آمار آنها هر ماه بداره فرهنگ ارسال میشود.

معالجه کارکنان فرهنگ نیز بامعرفی نامه ای که از طرف اداره فرهنگ بنام آنان صادر میگردد انجام میشود و گزارش آن مستقیماً برای استحضار فرهنگ مقام ریاست و بهداری آموزشگاههای کشور تقدیم میگردد. صرف نظر از معاینات و معالجات در بهداری آموزشگاهها بازرسیها طبی نیز در مدرسه از طرف پزشك فرهنگ بعمل میآید و برای دانش آموزان اوراق بهداشت انفرادی تنظیم میشود.

بهداری آموزشگاهها و ادارو- از بدو تأسیس تا کنون بهداری آموزشگاهها بودجه و اعتبار مشخص و معین برای خرید دارو نداشته فقط مقدار مختصری دارو جات بانسمانی از طرف اداره فرهنگ تعویل شده پیشنهادات لازم در مورد اعتبار دارویی از طرف اینجانب بموقع تنظیم و بداره فرهنگ تقدیم شده امید است که مورد تأیید و لیاقت امور قرار گیرد.

بهداری آموزشگاهها و لوازم و افزار طبی- بهداری آموزشگاهها فاقد لوازم طبی و جراحی میباشد و تا کنون در معاینات و معالجات از افزار و لوازم شخصی پزشکان مربوطه استفاده شده و میشود.

تصمیمات و پروژههایی که باید بمرحله اجراء آید :

الف خرید کلیه افزار و لوازم طبی و جراحی بانحصیل اعتبار قابل ملاحظه از محل عمران و آبادی که جناب آقای دکتر امیر حکمت نماینده محترم و عده و مساعدت فرموده اند.

ب- تعیین مکان مستقل و مناسب جهت بهداری آموزشگاهها و استخدام پزشك رسمی.

ج- استخدام پرستار و خدمتگزار مردوزن.

د- تعیین اعتبار دارویی.

انتظار میرود که با مساعی جناب آقای رئیس فرهنگ بزودی بموقع اجراء گزارده شود.



## دبستان حرفه‌ای پهلوی

دبستان پهلوی در سال ۱۳۲۹ در زمان ریاست آقای غلامعلی گویا بطور مختلط و بنام دبستان دولتی شمس پهلوی تأسیس و مدیریت آن بمعهده بانوقریشی که از فرهنگیان با سابقه و مجرب هستند واگذار گردید. در این سال دبستان چهار کلاسه بود: رسال ۳۱-۱۳۳۰ بمناسبت موقعیت محل و کثرت داوطلبین کلاس پنجم و ششم آن نیز دایر شد و مدرسه پسرانه و مدیریت آن نیز بمعهده آقای معتمد حسین نوری واگذار گردید و از سال تحصیلی ۳۳-۱۳۳۲ نیز مدیریت دبستان بمعهده اینجانب است.



محل دبستان - محل فعلی آموزشگاه از محل های سابق نسبتاً بهتر است و اخیراً اداره فرهنگ اقدام بساختن مدرنی جهت این آموزشگاه نموده است. امیدمیرود رسال آینده با استفاده از بنای جدید بکلی رفع اشکال گردد. کارگاه حرفه‌ای - از ابتدای سال تحصیلی ۳۳-۳۴

اینجانب و آقای معتمد عظیمی آموزگار همین دبستان که کلاس حرفه‌ای مخصوص را گذرانده بودیم کارگاهی در این دبستان تأسیس کردیم و با وسائلی که اداره فرهنگ خریداری نموده و بعداً هم سازمان برنامه مقداری کمک کرد و کارگاهی از هر حیث مجهز تشکیل گردید و اکنون نوآموزان در ساعات مخصوص در آنجا بکارهای حرفه‌ای اشتغال میورزند.

۱. دوبازرسی‌هایی که از طرف مقام معاونت کل وزارت فرهنگ و بازرسان امور حرفه‌ای وزارت متبوعه و اصل چهار بعمل آمد بعنوان بهترین و مثرقی ترین کارگاههای حرفه‌ای استان تهران شناخته شده است.

اداره فرهنگ در سال جاری اقدام بساختن کارگاهی طبق اسلوب و نقشه صحیحی نموده است که از ابتداء سال آینده مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

سازمان جوانان شیروخوردسرخ - سازمان جوانان شیروخوردسرخ این آموزشگاه شامل يك گروه میباشد که تحت سرپرستی آقای حبیب‌اله شاعی ناظم دبستان فعالیت مینمایند.

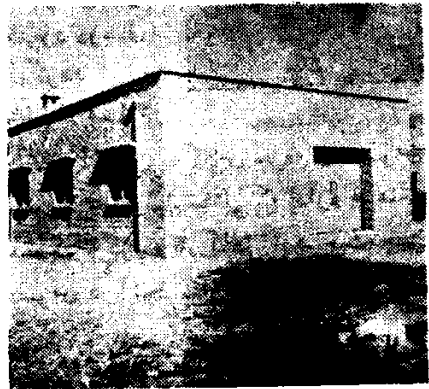
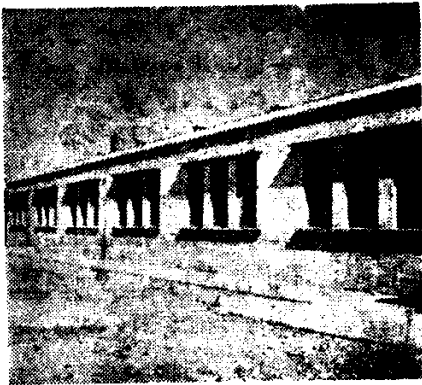
تعلیمات سمعی و بصری - چون از طرف اداره فرهنگ نسبت بتبیه لوازم تعلیمات سمعی و بصری جهت این آموزشگاه بعلت قلت بودجه اقدامی ممکن نبود بنابراین این

### ۴۰- آقای مشایخ فریدنی

از بهمن ماه ۱۳۲۷ تا مهر ۱۳۲۸ عهده دار ریاست فرهنگ شاهرود بودند  
تهیه عکس و شرح حال ایشان میسر نگردید

در روز پانزدهم بهمن ماه سال جاری کارکنان این آموزشگاه با همکاری و شرکت آموزگاران دبستان هدایت بمناسبت روز تاریخی ۱۵ بهمن اقدام باجرا نمایشنامه ای بنام «کمیدی نوکریسواد» نمودند که از محل درآمد آن برای ۷۵ نفر از نوآموزان بی بضاعت دبستانهای پهلوی و هدایت و نسوان باغزندان لباس عید تهیه شد و بقیه بصرف خرید رادیو و بلندگوسید.

مدیر دبستان دولتی پهلوی - محمد حسین جلالی



کارگاه حرفه ای دبستان پهلوی که در سال ۱۳۳۶ از اعتبارات دولتی ساخته شده است.

ساختمان دبستان پهلوی که در سال ۱۳۳۶ از اعتبارات دولتی ساخته شده است.





## فرهنگ و برنامه‌های حرفه‌ای و کشاورزی

تشکیلات يك جامعه از نظر گردش چرخها و همکاری افراد مختلف برای ارتقاء احتیاجات روز مره و حصول پیشرفتهائی در رشته‌های گوناگون از هر نظر شباهت بماشین و دستگاهی دارد که قطعات کوچک و بزرگ آن هر يك بتعداد و اندازه و شکل معین و برای انجام عمل خاصی ساخته شده و گرچه هر کدام بتنهائی قادر بانجام کار مثبتی نیستند لیکن بر اثر اتصال و همبستگی و هماهنگی آنها و انجام اعمال بواقع قطعات، این دستگاه بکار میافتد و نتیجه مورد نظر را بدست میدهد. مهندس سازنده این دستگاهها هرگز نمیتواند بمیل خود فی‌المثل تعداد پیچ و مهره و پیستون و چرخ لیسک و سایر قطعات را کوچک و بزرگ و کم و زیاد تهیه کند و برای بدست آوردن يك نتیجه معلوم همواره برعایت متناسب بین اندازه‌ها و قدرتها و تعداد قطعات محکوم است.

وظیفه اصلی فرهنگی نیز ساختن و پرداختن قطعات مختلف ماشین کوه پیکر اجتماع آینده است که بایستی با يك نقشه صحیح و بصیرت کامل و حساب دقیق و رعایت جمیع احتیاجات نوباوگان امروز را جهت پذیرش مشاغل و مسؤولیتهای گوناگون جامعه فردا آماده ساخته و بخصوص مراقب حفظ تعادل در تقسیم این مسؤولیت باشد.

با نهایت تأسف باید اذعان نمود که فرهنگ ما برنامهای که تا چند سال قبل تعقیب نمیشد نمیتوانست آنطور که باید و شاید بوظیفه اصلی خویش عمل نموده و با توجه با احتیاجات دنیای فردا افراد را تعلیم و تربیت نماید. نوع تحصیلات در همه مدارس و در سراسر کشور یکسان و بیک طریق ادامه مییافت و بنا بر این محصول دستگاه هم بیک شکل و استعداد و جهت انجام عمل واحد بدست میآمد. محصلین ما که طبعا مانند همه هم میهنان خود دارای ذوق و استعداد سرشار صنعتی و فنی بودند پس از اتمام تحصیلات چون سرمایه‌ای سواى يك مشت دروس و تئوری خشک و اکثرآبی مصرف نداشتند حتی برای سیر کردن شکم خود و امیماندند و ناگزیر بسوی ادارات هجوم آورده و هر روز بار تازه‌ای بر بودجه سنگین مملکت میافزودند. از طرفی وضع کشاورزی و صنعتی کشور بر اثر از بین رفتن شاغلین قدیم و پیدایش اشخاصی که عهده‌دار مسؤولیت و شغل انسان باشند هر روز بوضع اسف‌انگیزتری درمیآید. اجتماع جهات و نقائص مذکور زنک خطرری

بود که اولیاء امور را متوجه عیوب کار ساخته و آنانرا باتخاذ روش و متد مناسب و موافق مصلحتی که بتواند وضع اقتصادی کشور را بریک سیستم صحیح و مترقی استوار نماید و اداری ساخت .

اولین قدم وزارت فرهنگ در اینموود تاسیس مدارس کشاورزی و حرفه‌ای در سرتاسر کشور بود که خوشبختانه با همراهی اداره کمکهای فنی ایران و امریکا و معاضدت سازمان برنامه در اینموود پیشرفتهائی حاصل شده و با تربیت معلمین فنی و تهیه وسائل و ابزار فعلا محصلین بعضی مدارس در زمینهای کشاورزی و کارگاههای حرفه‌ای بفرار گرفتن اصول صحیح زراعت و فلزکاری و درودگری و سایر حرف اشتغال دارند بدیهی است اقداماتی که تاکنون شده است در عین آنکه کمال لزوم را داشته و بجای خود بینهایت مفید بوده اند لیکن هرگز کافی نمیباشند و با علاقه‌ای که اولیاء محترم وزارت فرهنگ در پیشرفت و تعمیم این برنامه‌ها دارند امید است با تهیه وسائل کامل تر و دلگرم ساختن بیشتر معلمین فنی و بخصوص اجراء برنامه‌های حرفه‌ای در همه دبستانها و دبیرستانها موجبات رهایی قطعی کشور را از عقب افتادگیها و بحرانیهای مالی و اقتصادی و صنعتی فراهم گشته و با بکارافتادن بازوان هنرمند و توانای جوانان فردا میهن عزیزمان ایران بتواند جای اصلی و قبلی خود را در میان ملل راقیه جهان باز نمود و دوران عظمت و سربلندی گذشته را مجدداً آغاز نماید.



مرحوم ملاحسین بیان از مبلغین و فضیای شاهرود بوده است دیوانی نیز از او باقیمانده که قریباً چاپ خواهد شد شرح حال او با نمونه اشعارش را در سالنامه سال آینده ملاحظه خواهید فرمود.

### ۴۱- آقای غلامعلی گویا

آقای غلامعلی گویا از آبان ۱۳۲۸ تا شهریور ۱۳۳۰ رئیس فرهنگ شاهرود بودند. دبستانهای حکمت حسین آباد، ادیب محمود آباد، فاورایبی نکارمن، انوری ابرسج، معزی خبیج، رهنمای الیکاهی، یغماخوریان، سنائی دوات آباد. دبستان پهلوی و اشرف پهلوی و رضاشاه کبیر در زمان تصدی ایشان افتتاح شده است. متأسفانه تهیه عکس و شرح حال ایشان میسر نشد.

## دبستان شقایق راه آهن

این دبستان در زمان ریاست آقای خاتمی بسال ۱۳۳۵ و بیاس خدمات آقای مهندس حسن شقایق مدیر کل راه آهن که در امور فرهنگی اقدامات مؤثری نموده بودند تأسیس و نامیده گردید از بدو تأسیس چهار کلاسه و بمدیریت آقای هاشم نجفیان اداره میشد و در آذر سال ۱۳۲۵ مدیریت دبستان بعهده آقای نوروز علی نوروزی محول و از سال ۱۳۲۹ تا کنون اینجانب افتخار خدمتگزاری را دارم. دبستان در سال ۱۳۳۰ پنج کلاسه و سال بعد شش کلاسه شد، محل دبستان تا سال قبل در یکی از ساختمانهای راه آهن بود ولی از سال جدید بساختمان اختصاصی که از هر حیث طبق اصول بهداشتی و آموزشی میباشد انتقال یافته است.



در مورد ورزش - چون در مجاورت دبستان محوطه وسیعی وجود دارد و ضمناً دبستان هم بوسائیل ورزشی کاملی مجهز میباشد نو آموزان در ساعات ورزشی تحت نظر مربی موبوطه بامور ورزشی اشتغال دارند.

اکابر و کلاس مبارزه با بیسوادی - کلاس اکابر دبستان از بدو تأسیس دایر و دو سال جاری نیز بیرونی از منویات اعلیحضرت همایونی کلاس مبارزه با بیسوادی نسوان نیز دایر و جمعاً ۶۴ نفر بتحصیل اشتغال دارند

انجمن خانه و مدرسه - انجمن خانه مدرسه این آموزشگاه در سال جاری تشکیل و آقایان امیر سلیمانی، رضائی، قزوینی، وجدانی، شادانلو، شکری، رضوی، کاشانی، نفعاتی بسمت اعضاء انجمن انتخاب گردیدند و اقداماتی نیز ممول داشته اند از جمله مبلغی وجه جمع آوری و بمصرف لباس دانش آموزان بی بضاعت رسید.

مدیر دبستان شقایق - محمد سبزواری

## دبستان دولتی رضاشاه کبیر

در مهرماه ۱۳۲۹ در زمان ریاست آقای غلامعلی گویادبستانی بنام اعلی حضرت فقید رضا شاه کبیر نام گذاری و مدیریت آقای علی اصغر جعفری افتتاح گردید و سال بعد پس از سه ماه که اداره امور دبستان بمعهده آقای کلاتجاری ناظم دبستان بود آقای محمدحسن رحیمیان بمدریت این آموزشگاه منصوب شدند و از تاریخ ۳۴/۲/۹ افتخار مدیریت آن باینجانب واگذار گردیده است. دبستان دولتی رضاشاه کبیر در ابتدای افتتاح چهار کلاسه و سال بعد پنج کلاسه و در سال تحصیلی ۳۱ شش کلاسه شده است و در سال جاری دارای کلاس اول مکرر نیز میباشد.

محل دبستان - محل دبستان در سابق ساختمانی قدیمی و از لحاظ بهداشتی مناسب نبود سال قبل بمحل جدید انتقال یافته است اگر چه از لحاظ ساختمان و بهداشت مناسب است. ولی بی پایه ساختمانیهای دولتی نمیرسد خوشبختانه بنازگی اداره فرهنگ در نظر دارد زمین اوقافی را که در اواسط همین خیابان است ساختمان نموده و در اختیار این دبستان بگذارد. مقدمات کار هم فراهم شده است و منتظر رسیدن اعتبار برای شروع ساختمان میباشد.

اولیاء نوآموزان ضمن خوشوقتی انتظار دارند که هر چه زودتر وسائل کار جهت شروع نمودن ساختمان فراهم گردد.

سازمان ورزشی - در سالهای گذشته بعلت دور بودن از زمین عمومی ورزش چندان فعالیتی از لحاظ پیشرفت ورزش در این آموزشگاه نبود ولی در سال جاری بواسطه احداث زمین ورزش در محل دبستان، پیشرفتهای قابل توجهی شده است و بسر پرستی آقای علی رضایان آموزگار ورزش آموزشگاه دارای دو تیم والیبال بود و تیمهای مذکور مرتباً تمرین و وسائل ورزشی نیز نسبتاً کامل است.

سازمان گروه جوانان شیروخورشید - سازمان گروه جوانان شیروخورشید سرخ این آموزشگاه در ۳۱ و ۳۲ بسرپرستی آقای حسینعلی کلاتجاری ناظم دبستان و از سال ۳۲ تا ۳۴ بسرپرستی آقای فراقی و در سال ۳۴ و ۳۵ بسرپرستی آقای محمد حسن صفا و در سال جاری آقای اسمعیل رجائی عهده دار رهبری جمعیت میباشد و مشاورانیه فعالیت های قابل توجهی از خود نشان داده و مرتباً جلساتی تحت نظراشان تشکیل و نوآموزان بهدفعهای سازمان آشنا میشوند.

انجمن همکاری خانه مدرسه - انجمن همکاری خانه و مدرسه در سال تحصیلی ۳۴ و ۳۵ تشکیل و بهمت اعضاء آن مبلغ ۳۶۰۰ ریال از اولیاء اطفال جمع آوری و ۳۴ دست لباس بین اطفال بی بضاعت آموزشگاه توزیع گردید و چون بعلت انتقال بعضی اولیاء دانش آموزان انجمن خانه و مدرسه اکثریت نداشت در سال تحصیلی جاری تجدید انتخاب شد و این آقایان بعضویت انجمن برگزیده شدند.

## ۴۲- آقای عبدالعلی گویا

آقای عبدالعلی گویا در سال ۱۳۰۰ شمسی در کرمانشاهان متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۲۰ باخذ لیسانس در رشته



فیزیک و شیمی موفق گردیدند و در سال ۱۳۲۶ هم باخذ لیسانس حقوق و علوم قضائی نائل گشتند و در سال ۲۹ بازرس امتحانات کاشان سپس رئیس فرهنگ شهرضا و سال ۱۳۳۰ رئیس فرهنگ شاهرود گردیدند پس از یکسال از شاهرود به تهران منتقل و نماینده وزارت فرهنگ در سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گردیدند در این ضمن در دانشسرای عالی بتدریس تاریخ ادبیان و ملل و نحل پرداخت و در این شان بلی کپی و بین دانش آموزان توزیع میشود و در آئیه نزدیکی خیال دارند که تالیف

خود را که موسوم است به کتاب «خلاصه ملل و نحل و مشترکات ادبیان» بچاپ برسانند فرهنگیان شاهرود توفیق ایشان را در بسط و توسعه فرهنگ کشور خواهانند.

دیپستان محمد رضاشاه پهلوی و قاآنی کلبوش را ایشان دایر کردند .

۱- آقای رحیم حریری رئیس انجمن

۲- آقای محمد حسن فتوره چی نایب رئیس

۳- آقای علی زاهدی خزانه دار

۴- آقای رضا ریاحی عضو

۵- آقای محمد علی لطفی عضو

۶- آقای سید علی اکبر سلیمانی عضو

۷- آقای زاهدی معتمد

۸- آقای اسماعیل کوثری معتمد

پس از تعیین اعضاء مبلغ ده هزار ریال جمع آوری گردید. مبلغ شش هزار بانصد ریال صرف خرید میکروفون و بلند گو و رادیو شده است و بقیه نیز بمصرف لباس اطفال بی بضاعت رسید.

کلاسهای مبارزه با بیسوادی- بر طبق منویات اعلی حضرت همایون شاهنشاهی در سال جاری دو کلاس مبارزه با بیسوادی در محل دبستان تشکیل شده است یکی از کلاسها بوسیله آقای کلاتجاری و دیگری بوسیله آقای فتح اله طاهری اداره میشود و شصت نفر از بیسوادان در این کلاسها مشغول تحصیل میباشند.

مدیر دبستان رضا شاه کبیر - مهدی عنایتی

## دبستان اشرف پهلوی

این دبستان در مهرماه ۱۳۲۹ بنام والا حضرت اشرف پهلوی ریاست عالیسه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و در زمان ریاست آقای غلامعلی گویا رئیس سابق فرهنگ بمدریت بانومهاجر تأسیس گردید و از تاریخ ۳۰/۱۱/۳۴ نیز اداره امور دبستان بمهدیه اینجانب محول گردیده است.

در بدو تأسیس دبستان چهار کلاسه بود ولی در این دو سال اخیرش کلاسه کامل گردیدم.

محل دبستان از ابتدا تا کنون محل های اجاره ای بوده که با اصول بهداشتی تناسبی ندارد امید است که دو سال آتی محل دبستان بمحل مناسبی انتقال یابد. با اینکه دبستان از لحاظ وسائل ورزشی مجهز میباشد ولی بعلمت کوچکی صحن آنطور که شایسته است نمیتوانند دانش آموزان استفاده کنند.

سازمان شیروخورشید سرخ - برهبری خانم کیلی یکی گروه سلزمان جوانان در این دبستان تشکیل شده است که همه هفته طی جلساتی دانش آموزان بهدهغهای مقدس سازمان رهبری میشوند.

به پیروی از منویات اعلی حضرت همایونی یک کلاس مبارزه با یسواد در این دبستان دایر گردیده است که هر روز یکی از آموزگاران این دبستان عهده دار تدریس در آن میباشد و بانوان داوطلب تا کنون پیشرفتهائی نیز نموده اند.

انجمن خانه مدرسه آموزشگه دو سال جاری تشکیل شده و طی سنختراتیجهائی لزوم همکاری انجمن خانه و مدرسه با اطلاع اولیاء دانش آموزان رسیده.

مدیر دبستان اشرف - پوراندخت فاضل

---

استاد حسین سرور

### مقام معلم

حشینی که شد زان خرد تازه روی  
سزد خوانندم بنده خو یشتن  
گل حکمت از باغ وبستان اوست  
تو دیگر ندانم چه خوانیش خواند

چنین گفت پیغمبر راستگوی  
هر آنکس که آموخت حرفی بمن  
معلم که این گفته دوشان اوست  
چو پیغمبرش خواجه خویش خواند

## دیرستان محمد رضا شاه پهلوی

در سال ۱۳۳۰ که ضرورت تأسیس دیرستان دیگری در این شهرستان بیش از پیش احساس میگردد ضمیمه دبستان اردیبهشت دیرستانی افتتاح و در سال ۱۳۳۱ از دبستان اردیبهشت تفکیک و بعداً بنام دیرستان محمد رضا شاه پهلوی موسوم گردید با

اینکه از تاریخ تأسیس این دبیرستان بیش از پنج سال تحصیلی نگذشته است ولی متناسباً محل و موقعیت همه ساله بر اثر مساعی اولیاء امور نقائص آن تکمیل و فعلاً از لحاظ عده دانش آموزان و داشتن وسائل ورزشی و کتابخانه و آزمایشگاه نسبتاً کامل و مجهز گردیده است. این دبیرستان از بدو افتتاح تا سال تحصیلی ۳۲-۳۳ رسماً سه کلاس بوده و در سال تحصیلی ۳۳-۳۴ کلاس چهارم بسیکل اول آن اضافه شد و در سال تحصیلی ۳۴-۳۵ کلاس پنجم نیز افتتاح گردیده است. خلاصه اقدامات و فعالیت هائیکه ظرف این مدت انجام شده است شرح زیر می باشد.

### ۱- تشکیل انجمن خانه و مدرسه در تاریخ ۱۰ و ۳۵

بستلور تشکیل انجمن هیکوی خانه و مدرسه و تعیین انتخاب اعضاء اصلی انجمن مذکور از اولیاء دانش آموزان دعوت بعمل آمد و در نتیجه آقایان زیر بسمت اعضاء اصلی تعیین شدند.

۱- آقای اسدالله غروی رئیس انجمن خانه و مدرسه

۲- جناب آقای میراسدی نایب رئیس

۳- آقای نصرت الله تشارلیان خزانه دار

۴- آقای مهدی مهدوی عضو

۵- آقای اسامیل انجلیاتی عضو

۶- آقای حاج آقا محمد ساغری عضو

۷- آقای محمد صدیق عضو

۸- آقای محمد علی عابدی عضو

۹- آقای یدالله دبیری عضو

۱۰- آقای علی اکبر سر کرده ای عضو

۱۱- آقای میر شمس مهاجرانی عضو

## ۱۲- آقای معین انصاری عضو

وانجمن از بدو تأسیس تا کنون مرتباً جلسات هفتگی تشکیل داده و نسبت برفع نقائص موجود با اولیاء دبیرستان صمیمانه همکاری نموده است. گذشته از همکاری های معنوی در آخر سال ۳۵ بمنظور تهیه لباس دانش آموزان بی بضاعت اقدام مؤثر و مفیدی مبذول و در نتیجه به ۲۸ نفر دانش آموزان بی بضاعت کت و شلوار دوخته تحویل شد.

۲- انجمن ورزشی دبیرستان طبق آیین نامه در اول سال تحصیلی تشکیل شد این انجمن از لحاظ تهیه وسایل ورزشی و آماده ساختن دانش آموزان در مسابقات داخلی دبیرستانها تحت نظر دبیران ورزش به پیشرفت های قابل ملاحظه ای نائل آمد.

۳- سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ تحت نظر آقای میرشاهی مربی گروه تشکیل و توسط ایشان تعلیمات لازم بدانش آموزان داده میشود.

۴- پیش آهنگی- دانش آموزانیکه مایل ب ورود در جرگه پیش آهنگی بوده اند آمادگی خود را کتباً اعلام و از ابتدای سال تحصیلی ۳۵-۳۶ تحت نظر آقای اخوین متصدی پیش آهنگی شهرستان شاهرود بفر گرفتن و اجرای مواد مرمانه پیش آهنگی مشغول شده اند و از بهمن ماه سال ۳۵ در دبیرستان فروشگاهی دایر نمودند فعالیت آنان در موارد مختلف مورد تقدیر مقامات مربوطه واقع شده است.

## ۵- چون آزمایشگاه این دبیرستان

نسبتاً کامل است. بیشتر از دروس علوم تحت نظر دبیران مربوطه با روش تجربی در آزمایشگاه تعلیم میگردد اغلب دانش آموزان با انجام عملیات آزمایشگاهی گذشته از اینکه آنانرا در فهم مطالب درسی کمک شایانی نموده در تحریک حس ابتکار آنها نیز عامل مؤثری بوده است کما اینکه دانش آموزان کلاس دوم توانسته اند از وسایل ورزشی آزمایشگاه برای گرفتن عکس و ظهور چاپ آن استفاده نمایند.

## ۶- در سال تحصیلی جاری بعلت رغبت

دانش آموزان کتابخانه دبیرستان در مواقع معین دایر و مورد استفاده واقع شده است و نسبت بترتیب کتب موجود نیز اقداماتی معمول شده و در نتیجه فعلاً تعداد ۸۰۰ جلد کتاب در کتابخانه موجود است.

مدیر دبیرستان محمد رضا شاه - ابوالحسن علمی





### ۲۳ - آقای آذر یغمائی

آقای آذریغمائی از شهریور ۱۳۳۱ تا شهریور ۱۳۳۲ عهده دار ریاست فرهنگ‌شاهرو بود و بدوند دبستان ناموس باغزندان و باباطاهرغزازان را تأسیس نمودند ولی متأسفانه تهیه عکس و شرح حال ایشان میسر نگردید .

مربوط بصفحه ۸۳

مرحوم حاجی منتخب پدر آقای حبیب یغمائی در نوروز سال ۱۳۰۰ شمسی در جشن سالیانه مدرسه آقای سیدعباس تبادکانی مشهدی اشعاری ساخته‌اند که چندبیت آن ذیلا درج میشود.

سبز و تر گردد و بر آرد بار  
از چه مانیم مرده فصل بهار  
که بدرش بسی بود اصرار  
گاه قرآن بلعن موسیقار  
کز جوانی به پیری است دچار  
گردش گلستان ندادد کار  
در حسابش بدرس استمرار  
که نگاریم بر در و دیوار  
عمر طی کردن صفار و کبار  
اندین دهر عالم و دین را  
خاصه آنکس که باشد از اخیار  
نیست کس را بجدشان انکار  
شکر باید کنیم لیل و نهار  
ببزرگان همت تجار  
برسولت معتمد مختار  
از زر و سیم و درهم و دینار  
هر یکی را دو صد هزار هزار  
تو بیغشای در عوض خروار

در چنین موسمی که شاخه خشک  
ما که والا ترین مغلوقسیم  
خلقه بیچاره میرزا عباس (۱)  
که سراید دروس شریعت  
وینطرف خسته منتخب‌زاده (۲)  
گاه میگوید از گلستان درس  
گاه جغرافیا و که تاریخ  
گاه تلقین نموده دیکتمه را  
حاصل این همه خرابی وقت  
همه از ما است تا بسائیم  
شرف هر کسی است فضل و کمال  
اولیائی که بهر ما باشد  
با چنین نعمت خدا داده  
که بده عمر و عزت و ثروت  
ای خداوند قادر مختار  
هر چه کردند اندرین مدرس  
در عوس بخش از کرامت خویش  
حبه‌ای را که خرج مدرسه شد

۱- اشاره به آقای سیدعباس تبادکانی مدیر و مؤسس مدرسه

۲- اشاره به آقای حبیب یغمائی

## تأثیر و اهمیت زبانهای خارجه در ابتدائی و متوسطه

در کشور ما از زمانهای بسیار قدیم بعلمت روابطی که در این مملکت با سایر ممالک مترقی آنروز داشته است احتیاج فراوانی بتعلیم زبانهای خارجی حس میشد. اما نوع زبان بستگی بزبان قوم و ملتی داشت که بر این کشور حکومت میکردند در زمان

اشکانیان مردم بتحصیل زبان یونانی راغب بودند. پس از استیلای عرب زبان یونانی اهمیت خود را از دست داد و زبان عربی جای آنرا گرفت. زبان عربی بعلل گوناگون متعجبه نفوذ فوق العاده خود در زبان فارسی و از نظر اینکه کتب مقدس دینی، بآن زبان است و از لحاظ ارتباط بسیار نزدیکی که بین مردم دو کشور ایران و عربستان وجود دارد و خلاصه بعلمت حلاوت و سلاست خود. زبان هنوز هم یکی از مواد مهم درسی دوره دبیرستانها و دانشگاههای ما بشمار میرود. هو اوایل قرن اخیر که ارتباط ایران با دول اروپائی بسیار شدوبان فرانسه را همراه بر نامه دبیرستانها

گذاشتند و هنوز هم کم و بیش در بعضی از مدارس متوسطه این زبان تدریس میشود ولی در مدت ده سال اخیر این زبان هم از رونق و اهمیت خود افتاد و بجای آن زبان انگلیسی در بهانش آموزان میآموزند.

با ذکر این مقدمه در اینکه از قرنهای پیش زبان دیگری غیر از زبان مادری در مدارس تدریس شده است جای شک و تردید باقی نمی ماند اما بدینست بدانیم ضرورتی هم دارد که زبان خارجی را در آموزشگاهها تدریس نمایند یاخیر؟

مسلماً تحصیل زبان بیگانه برای کسی که دلباخته کسب و دانش است و علاقه مند بکشف حقایق میباشد از ضروریات و تنها وسیله پیشرفت اوست زیرا مطالعه کتب خارجی عقاید و افکار تازه ای را در دسترس دانشجو میگذارد که در کتب دیگر از آنها بعنی بمیان نمی آید و در نتیجه محدودیت فکری از بین میرود. شاید عده ای بگویند که



بدون دانش السنه خارجی یعنی با استفاده از ترجمه کتب مورد نظر میتوان بقایید و افکار بزرگان پی برد ولی آنان که با ادبیات حلق دیگر آشنائی و احاطه کامل دارند بخواهی واقفند که لذتی که شخصی از قرائت یک اثر ادبی خارجی میبرد هرگز از ترجمه همان قطعه ادبی نخواهد برد علت اینست که بسیاری از ریزه کاریها و لطائف زبانهائی مختلف باهم فرق دارد و ترجمه آنها نه تنها جالب نیست بلکه بسیار بیسزه و نامربوط جلوه میکنند.

موضوع دیگر همان روابط بسیار روز افزون ملل جهان است وجود وسائط نقلیه جدید و نیازمندیهای فراوان مردم بیکدیگر آنقدر افراد کشورهای مختلف را بهم نزدیک کرده است که همه ناگزیر از دانستن زبان میباشند چون زبان تنها وسیله اظهار عقاید احساسات و آرزوها است و یگانه راه ارتباط افراط با یکدیگر میباشد. اینک که لزوم تدریس زبانهای خارجی تا اندازه ای روشن شد باید دید از چه دوره ای شروع کنیم تا نتیجه مطلوب برسیم. بعقیده بسیاری از دانشمندان فن تربیت چون قوه تقلید طفل بسیار است زبان خارجی را در دوران کودکی بهتر از هر زمان دیگر یاد میگیرد و در این زمان علاقه بیشتری بآموختن آن نشان میدهد و از این نظر است که فعلا در تمام دبستانهای نمونه ای که تحت نظر استادان تعلیم و تربیت دوتهران تأسیس شده است زبان انگلیسی یکی از مواد برنامه بشمار میرود. بطوریکه عده ای از دوستان هم دوره ام که معلمین این مدارس هستند اظهار میدارند پیشرفت کودکان در فرا گرفتن زبان خارجه بسیار قابل توجه است. برای تأیید این مطلب بتجربه شخصی خود نیز اشاره میکنم.

خواهرزاده ام که در حدود سه سال دارد از دوماه پیش تا بحال در مواقعی که بمطالعه مشغولم و گاهی عمدتاً کتب خارجی را با صدای بلند میخوانم هر جا باشد بمحض شنیدن صدای من از بازی و سرگرمی خود دست برداشته میآید و بین گوش میدهد و اگر شمرده تر بخوانم همه را همراه من تکرار میکند من از این علاقه او استفاده کرده بسیاری از لغات انگلیسی را با او آموخته ام و بر خلاف شاگردان بزرگسال دبیرستان کلماتی را که یاد گرفته است فراموش نمیکند و این خود مؤید این است که آنچه طفل میآموزد دیرتر از دست میدهد و مانند تصویریری که بر سنک کنده باشند بر ذهن او نقش می بندد.

این کودک از باز گو کردن جمله های انگلیسی و کلماتی که یاد گرفته است بسیار لذت میبرد و هر وقت کسی بخانه ما میآید او هم کتابش را میآورد و معاویر کتاب را با بیان جمله مربوط نشان میدهد فرق او با بزرگ سالان اینست که با یاد گرفتن این مختصر هر گز بخود نمی بالد و کلمات خارجی را در گفتار کودکان خود بکار نمیبرد ولی خوشحال است که چند کلمه زبان انگلیسی میدانند.

بنابر این تعلیم زبانهای خارجی در دوره ابتدائی بسیار مفید و ضروری است

اما نه با روشی که نوآموزان را برای همیشه از فرا گرفتن السنه خارجه متنفر سازد بلکه طرز تدریس و تعلیم باید طوری باشد که شوق آنان را در کسب معلومات بیشتر نماید.

در دوره ابتدائی هدف معلم زبان بساید متوجه تقویت قدرت مسکاتبه شود تا دانش آموز را برای درك مطالب کتب خارجی که در دوره متوسطه بآن باید اهمیت داده شود آماده سازد و در نتیجه ویرا برای ورود بدانشگاه و فهم مطالب عالیتر مهیا کند برای دانش آموزی که هنوز با بدانشگاه نگذاشته و از لذت تحصیل واقعی محروم مانده است شاید گفته ام بسیار مبتذل و بیهوده جلوه گر شود ولی با ورود باین مؤسسه بزرگ فرهنگی که باید دوره تحقیق و مطالعه را شروع کند با اهمیت موضوع پی خواهد برد.

### از نظام وفا

کیست مسادر بانی بنیاد مساسینه او مشرق امیدهاست  
کیمیای زندگانی ما درست زیر پای مادران باشد بهشت  
نیست آنجا از بهشت خلد کم

کیست مادر نقشه ایجاد مساللب او سر چشمه امیدهاست  
رمز عشق جاودانی مسادوست اینکه فرمودست آن مینوسرشت  
یعنی آنجائی که ما درزد قدم



بازی بگذشتن است از خویشتن  
مادری را مهربانی لازم است  
شاخه بی برگ و باری بیش نیست  
مفر باز و عاقل و کامل بود  
چون بهار است او چون گل طفل او

نیست آسان بازی مادر شدن  
مادری را جانفشانی لازم است  
هر که رافرزند مهراندیش نیست  
ای خوش آن مادر که روشندل بود  
مادری کو پاک قلب و نیکخوست



## ۴۴- آقای علی اصغر فاضلی



آقای فاضلی در سال تحصیلی ۳۲ و ۳۳ بریاست فرهنگ شاهرود منصوب گشتند و از اقدامات مفید ایشان تأسیس کلاس چهارم دبیرستان دخترانه بود پس از مدت یکسال هم بریاست فرهنگ نیشابور منصوب شدند و اکنون هم در آن حوزه فرهنگی بخدمت اشتغال دارند در دوران تصدی ایشان ساختمان دبستان شماره یک ۰/۵ سهم فرهنگ آغاز و بانجام رسید.

## پیشاهنگی

سازمان پیش آهنگی قریب پنجاه سال پیش در انگلستان با ابتکار و کوشش یکی از افسران انگلیسی بنام لرد بادن پاول تشکیل و سپس در بیشتر کشورهای جهان رونق گرفت. خوانندگان محترم کم و بیش از این تشکیلات که تا قبل از شهریور ۱۳۲۰ در ایران برقرار بود آگاه میباشند منتهی بجهت نواقصی که در امر اداره این سازمان بود منظور اصلی حاصل نشد و بزودی منحل گردید.



بار دیگر شمله های این مشعل فروزان با توجهات خاصه ملوکانه بمدیریت جناب آقای دکتر بیانی وجدیت عده ای از علاقه مندان بامر تربیت بالا گرفت و از سه سال قبل سازمان پیشاهنگی ایران شروع بکار کرد و بدین منظور سر بیانی تربیت و بشهرستانها اعزام گردیدند امید میرود که با متد و روش جدید منظور و غرض اصلی پیشاهنگی تأمین و رضایت خاطر عامه فراهم گردد و از این راه کمک قابل توجهی نسبت به پیشرفت زندگی جوانان بشود معنی و مفهوم پیش آهنگی علم بطریقه صحیح زندگی و دانستن رموز و رفع مشکلات و موانع حیاتی است و در واقع آنچه را که برای کامیابی و نیل

بدرجات عالی در جهان پر سر و صدای امروز لازم است در پرتو آن بدست میآید پیش آهنگی درس اخلاق، شرف، دوستی، اعتماد بنفس، نقاط بردباری را بجوانان یاد میدهد و بآنها طبایعی و شنا اسب سواری و هنرهای دستی میآموزد که هر يك بنوبه خود در

زندگانی اجتماعی مقامی دارد. علاوه بر اینها عملیاتی برای جلوگیری از خطرات حریق و غریق و گرمادگی و امثال آنها که منافع اجتماع در آنست فراهم میگردد. پیشاهنگ وظایف اجتماعی خود را برای ارضای خاطر هموطنان و بدست آوردن قلوب آسیب دیدگان و بیماران و مستمندان با عشق و علاقه انجام میدهد پیشاهنگی برای آنکه اوقات بیکاری جوانان بیهوده تلف نشود در یک محیط پاک و سالم وقت آنها را بکسب توانایی و فضائل و درک مسائل زندگی صرف میکنند صفات بارز اخلاقی و پسندیده را تعلیم میدهد افراد را بصیر و آشنا به مقررات و بانظم و انضباط و مفید برای خدمت بسالکت بار میآورد پیشاهنگی پیروی از منظور و اساس دیانت خداشناسی جوانان را برای خدمت و کمک بهمنوع آماده میسازد تا حد امکان فنون و صنایع دستی را میآموزد که در مواقع تنگ بکار آید و گذشته از آن برای محیط خانه نیز مفید باشد.

پیشاهنگی فرزندان را درس شرافت صداقت پاسداری میآموزد و آنها را وادار میکند که در همه حال خدمتگذار والدین و اقربا بوده و پیوسته از حال آنها تفقد نمایند. پیشاهنگی افراد را بصیروی عزم و اراده متکی بنفس بار میآورد و نسیبگذار سر بر جامعه شوند از مصائب و گیر و دارهای زندگی نهراسیده قادر بحفظ حقوق خود و دیگران باشند.

یک قسمت از تعلیمات پیشاهنگی تشکیل اردو های چند روزه و گردش های علمی میباشد که در محیطی پاک و بی آلودگی در خارج از شهر بجوانان سلامت فکری و نیروی بدنی بخشیده و نیز بخشی از حواجج زندگی در این مراحل آموخته میشود در واقع قسمت عمده منظورهای پیشاهنگی در خلال تشکیل این اردوها و گردشها تأمین میشود.

پیشاهنگی روح آزاد و نشاط را در کالبد جوانان میدمد در قلبشان تخم دوستی و برادری را پرورش میدهد آتش خشم و غضب و کینه توزیها را خاموش میکند و همیشه خوشحال و خندان و راضی بنظر میرسند خلاصه پیشاهنگی از یک طفل مرد اجتماع میسازد و این همان شخصی است که پدران و مادران و اجتماع طالب آنست.

مطالب فوق از نظر آشنائی خوانندگان محترم بسازمان پیشاهنگ بود و در اینجا یاد آور میشود که این سازمان مدت دو سال است در این شهرستان تشکیل شده و شامل دو قسمت پیشاهنگی روستائی و شهری است که تا کنون ۵۳ نفر پیشاهنگ و نامزدان ثبت نام نموده و بعضویت این سازمان مفتخر گردیده اند.

دو سال گذشته تشکیلات روستائی در بسطام برقرار شد و دو تابستان سال جاری هم هفت نفر مربی تعلیمات مربوطه را در اردوی نظریه فرا گرفته اند که از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۶۱ بکار مشغول خواهند شد. از این عده چهار نفر مأمور تشکیل رده های پیشاهنگی شهرستان و هفت نفر هم در باغ زندان و قلعه نومیباشند. در پایان با پشتیبانی و علاقه آقای رئیس فرهنگ و اعضای شورای پیشاهنگی انتظار میرود این مؤسسه تربیتی بتدریج شایسته ای بانجام وظیفه خود عمل نموده و نیز با همکاری و مساعدت اولیاء محترم پیشاهنگان بتواند در این راه گامی برداشته و بر روی پایه های خود قوام و استوار بماند.

رهبر پیش آهنگان شاهرود - اخوین

## ۴۵ - آقای ملک نصر



آقای ملک نصر از آذر ماه ۱۳۳۳  
 ناشر بور ۱۳۳۴ رباست فرهنگ شاهرود را  
 داشتند خدمات فرهنگی ایشان از دبیری آغاز  
 و فعلا بازرسی فنی میباشد در زمان معظم له  
 از طرفه بانگه ساختمانی دو دبستان در  
 شاهرود ساخته شده متوفیق ایشان را در بسط  
 و توسعه فرهنگ کشور از خداوند متمال  
 خواستاریم.

## جایی

## کتاب

ز دانایان بود این نکته مشهور  
 که دانش در کتب دانا است در گور  
 انیس کنج تنهایی کتابت  
 فروغ صبح تنهایی کتابت  
 بود بی مزد و منت اوستادی  
 ز دانش بخشید هر دم کنادی  
 ندیمی مگر داری پوست بوشی  
 بسر کار گویا و غموشی  
 پروش هیچو غنچه از ورق بر  
 قیمت هر ورق زان یک طبعی در  
 بخریر لطافت لب کشاید  
 هزاران گوهر معنی نماید  
 گهی اسرار قرآن باز گویند  
 که از قول پیمبر راز گویند  
 گهی باشند چون صافی درونان  
 بسانوار حقایق رهنمونان  
 گهی آرند در طی عبارات  
 بحکمت های یونانی اشارات  
 گهی از رخنگان تاریخ خوانند  
 که از آینه اخبارت رسانند  
 گهی دیزند از دریای شعله  
 بجیب عقل گوهرهای لعلر

## ۴۶- شرح حال آقای محمدعلی باقریه بقلم خودشان

در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در طهران متولد گردیدم و تحصیلات ابتدائی را در مدارس حکیم نظامی تهران و خاقانی آشتیان بیابان رسانیدم سپس برای کسب علوم مذهبی در قم متوطن و مدت هشت سال از محضر اساتید بزرگ از جمله آیات اله آقایان صدروخونساری



و حجت و بروجردی استفاده نمودم و برای طی مدارج بیشتر عملی و درک علوم جدید در سال ۱۳۲۷ خورشیدی وارد دانشکده علوم معقول و منقول شدم پس از سه سال تحصیل در آن دانشکده باخذ لیسانس در رشته منقول گردیدم و در سال ۱۳۳۰ بخدمت وزارت فرهنگ در آادم یکسال دبیر دبیرستانهای طهران دو سال ریاست اوقاف شاهرود در ادا شتم قریب یکسال هم بکفالت فرهنگ شاهرود مفتخر بودم و اینک هم بسمت شهرداری انتخابی در ورامین مشغول انجام وظیفه می باشم .

دبستان مهستی و جامی قلعه شوکت و کتابخانه فرهنگ از تأسیسات ایشانست.

## شاگردان رتبه اول



از راست بچپ:

- ۱- آقای سیامک شاملو شاگرد رتبه اول کلاس چهارم دبستان بدر
  - ۲- دوشیزه کار من مار کوسیان شاگرد رتبه اول کلاس اول دبستان پروین
  - ۳- دوشیزه نرجس خاتون نجفیان شاگرد رتبه اول کلاس اول دبستان ۱۵ بهمن
  - ۴- آقای رضا حیدرخومی
- » » » » »



## دبستان مهستی دخترانه

بسط و توسعه تمدن کنونی و نشر فرهنگ و دانش عمومی و ضرورت تعلیم و تربیت دختران و احتیاج مملکت بزنان تحصیل کرده و دانا مخصوصاً مادران هنرمند و مطلع چنین ایجاد کرد که در سال ۱۳۳۴ دبستان مهستی دخترانه که بدو چهار کلاسه بود افتتاح و از ابتداء مدیریت آن بعهده اینجانب واگذار گردید در سال جاری کلاس پنجم این دبستان نیز دایر شد و اکنون ۱۶۰ نفر در این دبستان بتحصیل اشتغال دارند ساختمان مدرسه مناسب نیست با اینکه همه گونه وسائل و ورزشی فراهم است کمتر میتواند نو-آموزان در ساعات ورزش استفاده کامل نمایند. انتظار دارد که اولیاء نوآموزان و انجمن همکاری خانه و مدرسه با فرهنگیان همکاری بیشتر نموده و ساختمان مناسبی که مطابق اصول بهداشتی و آموزشی باشد برای این دبستان فراهم کنند.

گروه سازمان جوانان شیرو خورشید سرخ برهبری بانو طاهره جوادی در این آموزشگاه تشکیل و سه هفته طی جلساتی دانش آموزان بهدفهای جمعیت رهبری میشوند.

برطبق امریه ذات اقدس شهریاری در سال جاری دو کلاس مبارزه بایسوادی بسرپرستی بانوان ایرانش و اسرافیلی تشکیل شد و تاکنون پیشرفتهائی هم در این امر شده است.

انجمن همکاری خانه مدرسه هم در دیماه سال جاری تشکیل شد و اعضاء آن بدین ترتیب انتخاب شدند.

۱- بانو قندچی رئیس

۲- بانو شیرین زاده نائب رئیس

۳- بانو وزیری خزانه دار

۴- بانو حسینی دبیر

۵- بانو مهاجرانی عضو انجمن

۶- بانو زندانی عضو انجمن

ضمناً مبلغ ۶۰۰ ریال جمع آوری گردید که با این مبلغ یک دستگاہ چرخ خیاطی مارک ژوکی ببلغ چهار هزار ریال بجهت تعلیم دانش آموزان خریداری گردید و باقیه همده دست لباس تهیه و بین دانش آموزان بی بضاعت تقسیم گردید.

مدیر دبستان مهستی - زهرا کلاتجاری



## ۲۷- آقای سید عبدالعالی داودی

جناب آقای سید عبدالعالی داودی ریاست محبوب فرهنگ در سال ۱۲۹۹ در يك خانواده روحانی متولد گردید والد ماجدشان حضرت آقای حاج سید میرزا داودی در قید حیات و منبع برکات و پیوسته بطاعت مشغول و بزهد و ورع مشهورند تحصیلات ابتدائی ایشان در شهر دامغان بانجام رسید و بنا با اشاره و صوابدید پدرارجمندشان برای فرا گرفتن علوم قدیمه بصوب محیط ذوق انگیز خراسان عزیمت نمودند و ضمن تلمذ از میحاضر اساتید معارف دینی تحصیلات کلاسیک را تا دوره دوم « دانشسرای قدیمه » پتیاپان رسانیدند در سال ۱۳۱۸ بخدمت فرهنگی وارد و مراحل خدمت را پایه به پایه از آموزگاری تا نظامات و مدیریت دبستان و از دبیری تا نظامات و ریاست دبیرستان و بازرسی فنی با منتهای جدیت و لیاقت بپیمودند در سال ۱۳۲۴ بطهران منتقل و بسمت ریاست یکی از دبستانهای تهران منصوب و ضمن انجام خدمت بدانشکده معقول و منقول وارد و بعد از سه سال با اخذ درجه « خوب » پایان نامه تحصیلات عالی خود را گذرانیدند در سال ۱۳۳۱ بر ریاست فرهنگ شهرستان ساوه منصوب و مدت چهار سال با کمال جدیت و حسن نیت در پیشرفت فرهنگ آن شهرستان اقدامات قابل ستایشی را معمول داشتند تنها در زمان ریاست ایشان در ساوه سی ساختمان نو بنیاد با تمام رسید ، دبیرستان کشاورزی که مورد نیاز اهالی بود افتتاح شد توجه و اقبال قاطبه اهالی ساوه خصوصاً مشایمت کم نظیری که از معظم له هنگام عزیمت از آن شهرستان بعمل آمد حقیقت گویائی است که از صفات برجسته و بارز این شخصیت عالیقدر فرهنگی بهترین بیان حکایت می کند و ما را در بیان آن صفات از ارائه شواهد بی نیاز میسازد و علاوه بر صدور ۶ تقدیر نامه وزارتی که تنها در مدت ریاست ایشان از طرف مقامات مرکزی ابلاغ گردیده است. و بویژه نشان درجه يك فرهنگ که اخیراً از طرف مقام معظم وزارت جناب آقای دکتر مهران بایشان اهداء شده است مراتب فوق را بی کم و کاست تأیید و کمال رضایت ملت و دولت را از حسن اراده و کاردانی ایشان تصدیق مینماید.

در خرداد ماه ۳۵ بر ریاست فرهنگ شاهرود منصوب شدند قبلی از وود معظم له تلگرافی از طرف مردم ساوه بفرمانداری شاهرود خطاب شده که ضمن تبریک انتصاب ایشان بر ریاست فرهنگ این شهرستان او منتقله لایق اظهار تأسف کرده بودند مخاطب به وصول این تلگراف کاتب و مظهر حقیقتی بود که چندین جد از وودشان عورتا ریخ فرهنگی این شهرستان متجلی گردید. آری ابتکار و فعالیت خصوصاً بی نظری و حسن نیت این شخصیت عالیترتبه فرهنگی بعد از چندی آشکار و در همه شئون فرهنگ تحول عظیمی را باعث گردید که شرح آن باختصار بعرض خوانندگان محترم میرسد. فی المثل صرف نظر از آنکه ظرف یکسکله برای ساختمانهای نو بنیاد اعتبار کفایتی اتم عمل اعتبارات دولتی تأمین و تحصیل نمودند با ابراد بیانات و سختی آنها فصیح و شور انگیز مردم شاهرود را که بامور فرهنگی چندان علاقه ای نشان نمیدادند چنان بفعالیت وادار نمودند

- که با کمک هم اهالی و مجرای دهستانها هم ده ساختمان نو بنیاد را با تمام رساندند.  
اینک شرح مختصری از فعالیت های یکساله ایشان:
- ۱- مضارح ساختمان يك باب دبستان از اعتبارات سال ۳۵ و يكجباب از اعتبارات سال ۳۶ تأمین شد که ساختمان آنها پایان یافته و اینک مورد استفاده واقع شده است.
  - ۲- از اعتبارات سهم فرهنگ از عواید شهرداری نیز يكجباب دبستان در شهر ساخته شده و مقدمات ساختمان شماره دویز فراهم شده است.
  - در هلمت رویان، منجن، خانه خودی، خلیج بکک اهالی ساختمان دبستانها خاتمه یافته و مورد استفاده قرار گرفته است.
  - ۳- برای تکمیل کادر دبیران دبیرستانها دو نفر دبیر ایسانسیه فزیک و ادبیات سازمان دبیران شاهرود اضافه شدند.
  - ۴- دوطرز تدریس و امتحانات دبیرستانها تجدید نظر شد و اقداماتی بعمل آمد که نتایج حاصله بسیار رضایتبخش میباشد.
  - ۵- برای تعلیمات حرفه ای و روستائی و اسلیمی و مبارزه با بیسوادی اقدامات سودمندی بعمل آمده است.
  - در نتیجه ظرف سال تحصیلی گذشته يكجباب دبیرستان کشاورزی در بسطام و يكجباب دبستان کشاورزی قلعه نو تأسیس شده، ساختمان يك کارگاه حرفه ای خاتمه یافته و لوازم يك کارگاه برای حرفه ای ساختن دبستان دیگری موجود است.
  - ۶- در سال گذشته در کلیه دبستانهای شهر و دهات متجاوز از ۱۴۵۰ نفر در کلاسهای مبارزه با بیسوادی شرکت نموده و در مراسم تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی بشاهرود چهار نفر از فارغ التحصیلان کلاسهای مبارزه با بیسوادی بوسیله ایشان بحضور شاهانه معرفی گشته و مورد تقدیر قرار گرفتند.
  - ۷- در مورد تکمیل آزمایشگاههای دبیرستانها و تهیه مواد اولیه برای کارگاههای حرفه ای اقدامات مفیدی بعمل آمده است.
  - ۸- هفته ای یکبار رؤسای آموزشگاهها با حضور معظم له در یکی از مدارس جلسه ای دارند و در این جلسات هر هفته يك طبقه از معلمین شرکت میکنند و مشکلات تعلیم و تربیت را ضمن بررسی و بحث از جنبه هر طرف میسازند.
  - ۹- در کلیه معارف شهر انجمنهای خانه و مدرسه تشکیل شده و در نتیجه فعالیت انجمنها به متجاوز از سیصد نفر دانش آموز بی بضاعت ایامی داده شده است و برای کلیه دبستانها رادیو میگردانند و در دبستانهای دخترانه علاوه بر رادیو میگردانند و در دستگاه چاپخانه تهیه کرده است. دبستان غروب هم از جنبه های انجمن های خانه و مدرسه لوازم کارگاههای حرفه ای تهیه نموده است.
  - ۱۰- کمیسیون انتشارات زیر نظر آقای ابوالحسن علمی رئیس دبیرستان محمد رضا شاه

و آقای محمد باقر جلالی با زورس فرهنگ و آقای محمد علی شفیعی رئیس کتابخانه فرهنگ مشغول کار شده و تا کنون چهارمین نشریه فرهنگ شاهرود را منتشر کرده اند و چند اعلامیه نیز برای جلب مساعدت اهالی با فرهنگیان انتشار یافته است و یکی دیگر از اقدامات مفید و ضروری کمیسیون انتشارات تهیه و تنظیم سالنامه فرهنگ است که برای اولین بار در فرهنگ شاهرود صورت عمل گرفته است و اینک در دسترس شما خوانندگان عزیز قرار دارد.

۱۱- آشنائی و راهنمایی اولیاء دانش آموزان با مورتربیتی با استفاده از امکانات موجود و سخنرانیها و نمایش فیلمهای تربیتی و اخلاقی و نشر بیانییه های آموزشی .  
 ۱۲- تشکیل انجمنهای ادبی و انتشار نشریات مفید تربیتی در آموزشگاهها بویژه انجمن ادبی دبیرستان شاهرود و دبیرستان محمدرضا شاه که در این زمینه اقدامات جالبی معمول داشته اند.

۱۳- در اغلب آموزشگاهها فروشگاههای دایر شده است که مستقیماً از طرف خود دانش آموزان اداره میشود و کالاهای مورد نیاز دانش آموزان مانند کاغذ و قلم و مداد و غیره با قیمت نازل در اختیار آنان قرار میدهند و در یکی دو دبستانهم آرایشگاهی با همکاری دانش آموزان دایر گردیده است.

۱۴- با وزارت کار و اداره هنرهای زیبای کشور در خصوص خرید یک دستگاه آپارات سینما مذاکره شده است و امید میرود که بزودی تحویل دهند تا از هجوم محصلین سینما های معمولی که اغلب فیلمهای نامناسب نشان داده میشود کاسته شود.

۱۵- فعالیت های کشاورزی - برای آنکه فارغ التحصیلان دهات پس از اتمام تحصیلات با امور کشاورزی آشنا شوند در بسطام اقدام - بنیادیس دبیرستان کشاورزی شده و اهالی نیز آب و زمین لازم را مجاناً در اختیار فرهنگ گذاشته اند تا دانش آموزان ضمن تحصیل بفرافتن اصول کشاورزی جدید آشنا شوند.

فرهنگیان شاهرود امید دارند که تحت رهبری معظم له در رفع نقائص فرهنگی شاهرود کوشیده و محیط فرهنگ این شهرستان را از هر جهت مجهز و آماده بخدمت گردانند .



درسالت تحصیلى ۳۵ - ۳۶ جمعاً ۵۳۴۵ نفر دانش آموز در شصت و سه باب دبستان و دبیرستان مشغول تحصیل بوده اند بشرح جدول زیر .

اسامى	باب	عده دانش آموزان
دبیرستان پسران	۳	۴۱۶
دبیرستان دختران	۱	۱۰۸
دبستان پسران	۵۳	۳۷۰۱
دبستان دختران	۶	۱۱۲۰
جمع	۶۳	۵۳۴۵

هم چنین در حوزه فرهنگى شاهرود ۳۶۶ نفر کارمند اعم از آموزشى وغير آموزشى بخدمت فرهنگى مشغولند.

م.س.ا.	دبستان	سنگل اول	دبستان ابتدائى	مفتوح	خدمتگذار	جمع
۱۳	۷۱	۴۶	۱۵۳	۲۳	۶۰	۳۶۶



آقای حسن یونسیان  
متصدى دایره کارگزینی



آقای سید ابوالفضل ضیائی  
رئیس دفتر فرهنگ



آقای حشمت اله گلستانی  
متصدى دایره آموزش

## تعلیمات اساسی چرا بوجود آمد و چه میکند ؟

قسمت اعظم جمعیت ایران در دهات سکونت کرده و با وسائل ابتدایی کشاورزی و معرومیت‌های بهداشتی و اجتماعی بکار تولید اشتغال دارند اگر بخواهیم کشور ما در شامراه تمدن بلعالم مترقی همگام گردد لازم است بداهات و ساکنین آن توجه شود بنا بر این اصل اعلی حضرت همایون شاهنشاه توجه عمیقی باین مسأله مبذول داشته اند و سازمان هاچه مستقیم و چه غیر مستقیم بیرونی از منویات ملوکانه مأمور اجرای این برنامه گردیده اند. سازمان بهداشت و ترویج کشاورزی و اداره عمران و بانک کشاورزی و مؤسسات دیگر در این راه قدمهایی برداشته اند اما تا گذیر باید باین نکته اساسی توجه کرد .

روستاییان ما قرون متمادی در بیخبری بسر برده اند و آمادگی آنرا ندارند که گامهای سریع در راه ترقی بردارند و وزارت فرهنگ باین نکته اساسی پی برده و برای هموار ساختن راه و برداشتن موانع جهت پیشرفت سازمانهای عمرانی دهات در سه سال پیش با اقدام مفیدی دست زد و اداره تعلیمات اساسی را بنا کمک و راهنمایی مستشاران یونسکو و اصلاح بنیاد نهاده است .

کارکنان تعلیمات اساسی در دهات دور افتاده بارشاد و روستاییان اشتغال دارند بدینوسیله است تعلیم خواندن و نوشتن یکی از وسائل رسیدن بهدف (بالا بردن سطح اقتصادیات روستاییان) میباشد .

مر بیان تعلیمات اساسی را از خواندن و نوشتن شروع میکنند و با سخنرانیهای بهداشتی و نمایش دادن فیلم و خلاصه با ولرد شدن دوزندگی روستاییان آنانرا بزندگی تازه ای آشنا میسازند. دوشادی و غم روستاییان شرکت میکنند و بالاخره اعتماد آنانرا جلب مینمایند آنگاه معرومیت های آنان را يك يك در برابر دیدگان شان قرار می دهند و با ایجاد حس همکاری و معاضدت که دو آنها تولید شده است با کمک خود آنها برفع آن میکوشند .

## قصبه بسطام مرکز اجرای تعلیمات اساسی

### فرهنگ شلرود

بسطام قصبه است در شش کیلو متری شمال شرقی شهرستان شلرود متصل بپارسیگرگان این قصبه بقایای یکی از شهرهای تاریخی ایرانست که بقوله عسکری از مورخین از بناهای زمان خسرو پرویز است و قسمتی از آثار تاریخی بسطام که حاکی از قدمت آنست از بناهای قبل از اسلام میباشد و نمونه آن آتشکده ایست که بدون هیچگونه خرابی بحال خود باقی مانده و مورد توجه اداره باستانشناسی میباشد از آثار بعد

از اسلام خصوصاً زمان سلاجقه وایلخانان فر اوان است. قبل از آبادی شاهرود مرکز و حکومت نشین این ناحیه بسطام بوده ولی از صدسال باینطرف بواسطه خشکی قنوات و زلزله و طبعاً ایجاد فقر عمومی ساکنین بیاد مجاور پراکنده شده و آن شهر تاریخی بصورت دهستانی مغروبه درآمد است . اینک آماری از چگونگی وضع بسطام که قبل از اجرای برنامه تملیحات اساسی بواسطه اینجانب تهیه شده .



- ۱- جمعیت بسطام ۴۰۰۰ هزار نفر که ۶۵۰ خانوار بوده و در ۵۶۵ باب حیاط زیست میکنند و عده سواد دارها ۸۶۰ نفر است.
- ۲- تقریباً شصت در صد جمعیت بسطام کارگر و زارع و بقیه بتناسب ملک و آب دارند .
- ۳- بهداشت اهالی خراب و دکتز و قابله و فلاروسلز ندارند .
- ۴- کلانتری بسطام چهارده نفر پاسبان دارد امور کشاورزی هم بعهده یکتفروست خانه هم یک نماینده دارد .
- ۵- یک دبستان پسرانه که در سال ۱۳۰۱ تأسیس شده و اکنون شش کلاس است دبستان دخترانهم ندارد .

۶- سه باب حمام که هر سه خزینه و آب آن کثیف و منیع و منشاء همه گونه امراض است .

۷- غلاتخانه نداشت و مرده و لباسهای کهنه را دو مجاری آب آشامیدنی شستو میدادند .

۸- پانزده باب مسجد که هفت باب آن مفروش بصمیر و بقیه بدون فرش و در حال خرابی است .

۹- پانزده باب آب انبار شیردار و سرباز که با مجاری کثیف و رو باز پر میشود .

۱۰- اراضی مزروعی و باغستان بسطام ۳۶۰۰ مکتار و اهالی فاقد وسائل کشاورزیند .

۱۱- محصولات عمده گندم، جو، سیب زمینی، پیاز، چغندر، لوبیا نخود از میوه ها زردآلو، هلو، سیب، انگور و هندوانه میباشد .

۱۲- نصف اراضی از سرشته قنلت و آب سیلی که از گوه شاهرود میآید مشروب میشود و بقیه اراضی بلا استفاده است .

۱۳- تعداد دامها- گاو ۳۰۰ رأس الاغ ۱۶۰ رأس اسب ۷۰ رأس گوسفند ۳۰۰ رأس

۱۴- مرغ و خروس ۱۲۵۰ عدد است .

در سال جاری ستاره بغت و اقبال بسطام طلوع نموده و اکنون دوران سیه

روزی و مشقت آنها کم کم در حال سبیری است و با توجه دولت و همکاری مردم برنامه تعلیمات اساسی بوقوع اجراء گذاشته شده و پیشرفت‌هایی هم در این امر حاصل گردیده و بطوریکه هیئت‌های اعزامی و بازرسین وزارت فرهنگ گزارش داده‌اند بهترین دهستان نمونه حوزه استان دوم میباشد اینک عملیات انجام شده را ذیلا بنسظر خوانندگان محترم میرسانم.

- ۱- در قسمت آمارگیری (جمعیت، زن، مرد، باسواد، بی‌سواد، محصولات، دام، مرغ و خروس) جدول مخصوصی که نمایش خصوصیات هر کدام است برای استفاده عموم تهیه شده است.
- ۲- ترسیم نقشه کامل بسطام
- ۳- تشکیل کمیسیون از متمدین مطلعین در نحوه اجراء برنامه و خواست‌های مردم، در ضمن تأسیس یک دبستان چهار کلاسه و دبیرستان کشاورزی.
- ۴- واگذار کردن اهالی یک حیاط مناسب برای دبستانی چهار کلاسه
- ۵- تأمین و تأدیبه سه هزار ریال از مردم جهت تعمیر حیات فوق‌الذکر
- ۶- اهالی چهار هزار متر زمین و پنج ساعت آب برای دبیرستان کشاورزی واگذار کردند.
- ۷- حل اختلافات محلی راجع بتقسیم آب محلات بسطام و ترتیب تقسیم آن
- ۸- تشکیل کمیسیونهای متعدد در هر هفته برای رفع نقائص و ایجاد وحدت و صمیمیت بین اهالی و سازمانهای فرهنگی
- ۹- لوله کشی یکی از حمامهای خزینه‌دار که قریباً دوش آنهم ساخته میشود.
- ۱۰- بررسی کامل بوضع خانه‌های ده و دادن دستورات بهداشتی بآنها و تشویق آنها بساختن مستراحهای نمونه
- ۱۱- جلوگیری از شستن لباس و کهنه در آب‌های جاری و آشامیدنی و تعیین محل مخصوص شستن مرده‌ها تا ساختن غسلخانه.
- ۱۲- اصلاح کردن وضع کنونی حمامها و دادن دستورات لازم جهت بهداشت حمام تا ساختن حمام دوش.
- ۱۳- برداشتن خاک‌روبه و پهن از معابر عمومی و تعیین محلی برای کشتار گاو
- ۱۴- درب گذاشتن آب انبارهای دستی و تعیین دستوراتی راجع ببرداشتن آب آنها.
- ۱۵- تعمیر یکی از مساجد محل و نصیر آن با کمک اهالی
- ۱۶- صرف ساختمان و گذاری بفرهنگ و تعمیر آن بتوسط خود اهالی و اختصاص آن بدبیرستان کشاورزی.
- ۱۷- تشکیل جلسه‌ای از آقایان رؤسای ادارات شهر و اهالی برای افتتاح دبیرستان و مذاکره درباره تشکیل شهرداری یا شورای ده.



- ۱۸- باسواد کردن ۲۵۰ نفر روستائیان در چهار کلاس شبانه و افزایش نوآموز در دو مدرسه و دبیرستان (در بسطام فعلاً ۴۵۰ نفر تحصیل مشغول تحصیل میباشند)
- ۱۹- تهیه وسائل کشاورزی جدید برای آشنائی روستائیان و طرز عمل آنها (گاو آهن، سم پاش، بذر پاش، ماشین جوشه کشی)
- ۲۰- تشکیل شورای ده.
- ۲۱- ساختن يك آب انبار شیردار دویکی از محلات
- ۲۲- جلوگیری در دفن میت در صحن امامزاده و زمین مجاور آن و اختصاص چهار هزار متر زمین در بیرون شهر جهت قبرستان
- ۲۳- راهنمائی دو نفر از اشخاص خیر جهت تهیه و نصب يك دستکاه آسیاب موتوری.
- ۲۴- وسائل ساختن يك غسلخانه با اسلوب صحیح و نامین سی هزار ریال برای ساختمان آن که اکنون پایان رسیده است.
- سرپرست تعلیمات اساسی - جلال واعظی

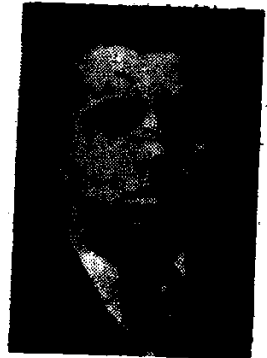
### چند نفر از کارکنان اداره فرهنگ شاهرود



آقای روین امین



آقای محمد حسین متحدی  
متصدی بایگانی فرهنگ



آقای علی اصغر جلالی



## دبستان حبیب یغمائی

نظر بملاحظه مفرط اهالی محترم شهرستان شاهرود بهدایت اطفال خود جهت کسب علم و اخذ کمال و هجوم نو آموزان دبستانهای شهر و عدم ظرفیت کلاسهای دبستانها و نیز علاقه فوق العاده دولت بیسقط و توسعه فرهنگ موجب شد که برابر امریه شماره ۶۷۷۱-۳۵۶۷۲۴ اینجانب مأمور تأسیس این دبستان گردیده ابتداء در خیابان مصلى كوچه تولى در محل سابق دبستان خاقانی بحیثیت و همگاری آقای محمد صادق صادقیان ناظم دبستان کلاسهای مقبول و داور و پس از گذشتن یکماه آموزشگاه بحیابان فردوس محل فعلی انتقال یافته و با تهیه وسائل مقدماتی و احتیاجات ضروری و تکمیل کادر آموزشی و ثبت نام عده معتابیهی برای کلاسهای پنجگانه شروع بکار نمود و نظربه پیشنهاد اداره فرهنگ شاهرود و تصویب مقام منبع وزارت متبوعه و از نقطه نظر تجلیل و قدردانی از زحمات متبادی يك فرد شایسته فرهنگ که سالها عمر خود را در راه تعلیم و تربیت صرف نمود و کسب افتخاری در این راه نموده انده اند آموزشگاه را بنام آن فرد لایق و بیاس خدمات وی «حبیب یغمائی» نامیده و اعلام فرمودند. عملیات و اقداماتی که این آموزشگاه در قلیل مهلت تأسیس انجام داده بشرح زیر است.

۱- محل آموزشگاه - محل فعلی آموزشگاه اجارهای و از جهت ضیق و وسعت صحن و قدیمی ساز بودن متناسب با آموزشگاه نبود و امیدوار است با موافقت اولیاء محترم فرهنگ در آتیه نزدیکی یکی از ساختمانهای که مخصوص دبستان ساخته میشود و در دست اقدام است انتقال یافته و از مضیق مکانی و راهی جنبه و نو آموزان مرفه الحاصل بکسب علم اشتغال و روزند. (۱)

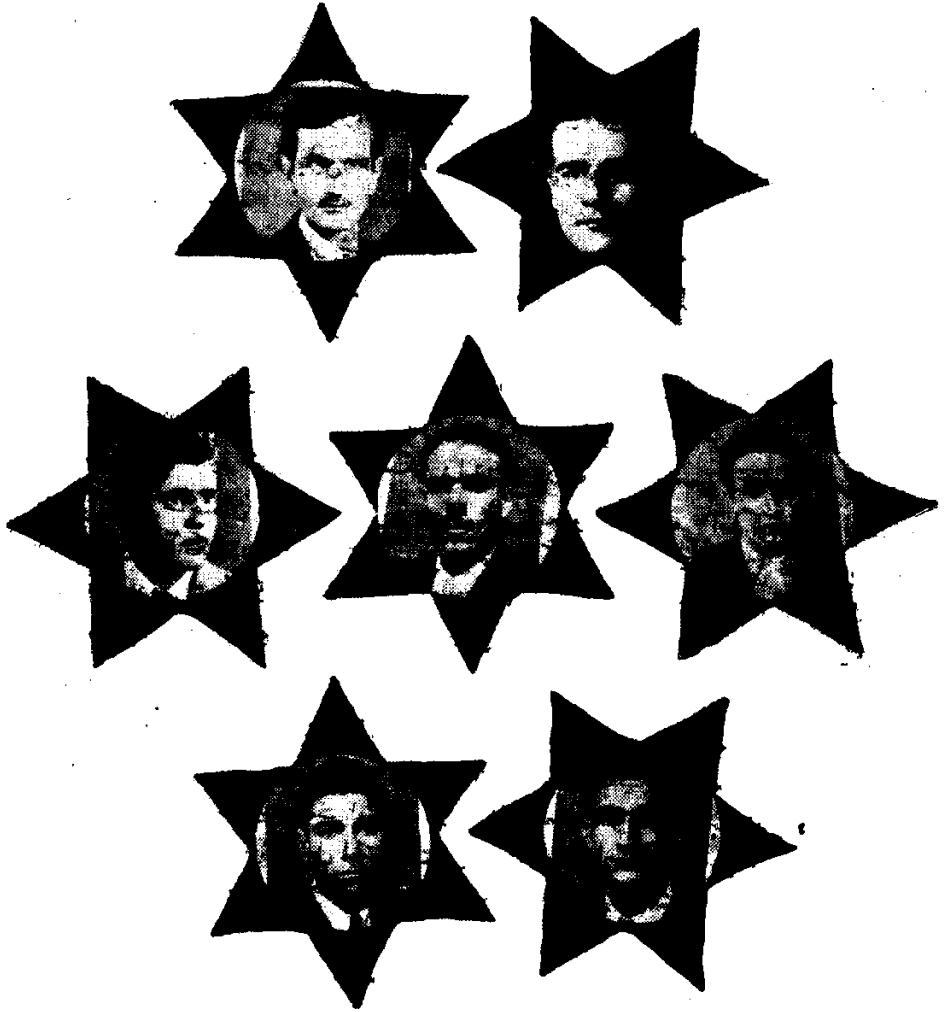
۲- سازمان و ورزشی - گرچه دبستان جدیداً تأسیس و فاقد همه گونه وسائل و ورزشی بود مع الوصف یا در نظر گرفتن لیس انسان الامامی بایشتهاد دبستان و موافقت و مساعدت ریاست محترم فرهنگ و شورای ورزشی شهرستان شاهرود و آقای چنگلی آموزگار ورزشی و کارکنان آموزشگاه تا حد امکان وسائل ورزشی تهیه و تأمین است که در سال آتی تکمیل گردد.

۳- کلاسهای تدریس - با یسواذکی بیروی از متویات اعلی حضرت صاحبزادگان و تأکید بر تعلیم و تربیت بک کلاس میلاوزه بایسواذکی بمدریت اینجانب و آموزشگاه کتوری آقای سید محمد ضیائی داور و بهترین وجهی عده ای یسوادان مشغول تحصیل در کلاس نامبرده شدند.

۴- سازمان جوانان شپروخوشید - يك گروه سازمان جوانان برهبری آقای علی اصغر نوریان در این آموزشگاه تشکیل گردیده و مشارالیه با علاقه مفرطی افراد گروه را بهدفعای سازمان آشنا میسازد و امید است که در آتیه قدمهای مؤثری در این راه برداشته و در این امر توفیق بیستری حاصل نمایند.

(۱) اخیراً دبستان حبیب یغمائی را اداره فرهنگ بساختن و وسیع و مناسب الحاصل داده است

۵- در سال جاری آقای حبیب یغمائی، یکصد و چهل جلد کتاب مفید بدین آموزشگاه  
 اهداء فرمودند. و در ساعت معینی کتابخانه مفتوح و دانش آموزان استفاده مینمایند  
 مدیر دبستان حبیب یغمائی- علی اصغر جافری



از راست: حبیب آردیف اول

۱- آقای محمد صادق صادقیان ناظم دبستان ۲- آقای محمد ابراهیم نظارت  
 ردیف دوم

۱- آقای عبدالله نجفیان ۲- آقای اصغر جافری مدیر دبستان ۳- آقای علی اصغر نوریان  
 ردیف دوم

۱- آقای فتح اله صالح ۲- آقای سید محمد حبیبانی

## ساختمان مدارس

اگر برای تأمین حسن تربیت و رشد صحیح قوای بدنی و عقای پنج عامل اصلی تصور کنیم بی شک «خانه خوب» یکی از آنها خواهد بود، بعامل مسکن بیش از این باید توجه شود

زیرا ریشه و پایه اغلب بیماریها که کاهش و تن و جان را باعث میشود عدم تطابق وضع ساختمانها از لحاظ نور، آفتاب، هوا، با اصول و موازین بهداشت میباشد با آنکه اخیراً باین عامل مهم بنظر دقی توجه شده ولی این تقاضا از بنیاد ریشه کن نشده است.

بدین جهت در هر شهر بااستثنا چندخانه معدودی که باقتضای تصادف یا بملت ثروت مالکانش برای زیستن مناسبت پیدا کرده است بقیه منازل هر يك بلعاطی از نظر زیستن برای سکونت نامناسب میباشدند

اندام منحنی و اقدام لرزان آندسته از مردم که در اماکن مرطوب و فنازلیکه حتی در پیروز هم پرتوهستی بخش خورشید را بخود نمی بیند ساکن هستند نمودار زنده و مجسمی است تأثیر شدید عامل مسکن را در پرورش قوای جسمی و عقلی ظاهر میسازد بدیهی است ساختمان مدارس شهر و دهات هم تابع وضع عمومی اماکن بوده است و غم افزاتر از آنکه در قدیم بی تناسب ترین منازل که در اجتماع خواهانی نداشتند بیدرسه اختصاص داده می شد و اگر شنیده باشید یکی از اطباقهای مرطوب و تاریک آنها بدارالتادیب ملقب میگردد. تا کودکان شیر بر و شیطان از وحشت ظلمت زندان بهراسند و انضباط خشک چوب و فلک را رعایت کنند.

تعمول فرهنگی کشور انقلاب مدنی و ادبی اخیر این مملکت در هر شانی از شئون اجتماعی بیسر و سامانیها را سامان بخشید تا جائیکه هدف تربیت «کودک» قرار گرفت و سلامت و بهداشت او در درجه اول اهمیت واقع گردید لذا مصادر امور در صدد برآمدند که با تحصیل اعتبارات و یژه ای همانان که مظاهر معنوی فرهنگ پایگاهی مجلل دارد از لحاظ ظاهر نیز اینپه ای در خور فرهنگ ولایق شأن فرهنگ بسازد.

اساساً برای تأمین بودجه لازم جهت احداث بناهای جدید سه محل منظور گردیده است.

۱- اعتبارات دولتی

۲- صدی پنج سهم فرهنگ از درآمد شهرداری

۳- کمک مردم. ثروتمندان و شورای ده.

شهر شاهرود نیز از مواهب این تعول بهره ور گردید و بطوریکه مشاهده میفرمایید در چند سال اخیر بنای باشکوه چند مدرسه پایان پذیرفته که اکنون در شمار

عالیترین و زیباترین ساختمان های این شهر معدوداست و تقریباً بیش از هزار نفر از نوآموزان و دانش آموزان این شهرستان در این ساختمانهای بتحصیل مشغولند متأسفانه اهالی شاهرود بطوریکه باید و شاید در این امر مهم حیاتی بی توجه بودند و هزینه اکثر این ساختمانها از محل اعتبارات دولتی بشرح زیر تأمین گردیده است .

۱- ساختمان دبستان فروغی : در فروردین ماه ۱۳۲۲ در زمان ریاست آقای جیلعاملی هنگامیکه جناب آقای مزینی بازرس عالی فرهنگ بعوزه فرهنگ شاهرود تشریف آوردند. در جمع آوری های کمک های مالی از اهالی برای ساختمان یک مدرسه اقدامات بسیار مفیدی بعمل آمد و زمین وقفی واقع در کوچه حمام نمره برای این منظور انتخاب و اولین کلنگ آن بنام نامی اعلیحضرت هایون شاهنشاهی توسط ایشان زده شد متأسفانه مالکین و تجار شاهرود با اینکه تمهیداتی کرده بودند ، کمکی نکردند و تنها فامیل محترم اخوین با پرداخت هفت هزار تومان هزینه بی ویزی و تهیه مقدمات و سائل ساختمانی آنرا فراهم فرمودند.

در سال های بعد بهمت آقای جواد رهنما ریاست فرهنگ وقت کارهای ساختمانی آن دنبال شد تا در زمان ریاست آقای خاتمی که وزارت فرهنگ مبلغی بدین منظور اختصاص داد ساختمان آن تکمیل و مورد استفاده واقع شد و دبیرستان دولتی شاپور با آنجا منتقل گردید در سال تحصیلی ۳۴ و ۳۵ نیز مبلغ بیست هزار تومان برای تعمیرات نهائی این ساختمان از وزارت فرهنگ گرفته شد و با این مبلغ تعمیرات لازم انجام و بصورت آبرومندی درآمد و محل دبستان دولتی فروغی گردید .

۲- ساختمان دبیرستان شاپور واقع دوخیابان فردوس که از محل کمک های دولت بتوسط بانک ساختمانی در سال ۳۳-۳۴ در زمان ریاست آقای ملک نصر ساخته شده است.

۳- ساختمان دبستان اردیبهشت واقع در سر چهار سوق که از محل کمک های دولتی بتوسط بانک ساختمانی در سال ۳۳ و ۳۴ در زمان ریاست آقای ملک نصر ساخته شده است.

۴- دبستان دولتی خاقانی واقع در خیابان غربی که از محل کمک های صدی پنج سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداری در سال ۳۲ و ۳۳ در زمان ریاست آقای فاضلی ساخته شده است.

در سال تحصیلی ۳۵ و ۳۶ بهمت وجدیت ریاست محترم فرهنگ جناب آقای داودی تلاش و فعالیتی بیسابقه در راه احداث مدارس نو بنیاد در شهر و دهستانها بعمل آمد و با آنکه اهالی قبلاً در قسمت واگذاری زمین و کمک بیودجه ساختمانهای فرهنگی رغبتی نشان نمیدادند ولی سفیرانیهای متعدد مفید و مؤثر ایشان افکار مردم شهر و ده را باین امر مهم حیاتی متوجه نمود اینک جدول ساختمانهای که در سال تحصیلی گذشته اتمام پذیرفته است ذیلا بنظر خوانندگان محترم میرسد .

الف از محل اعتبارات دولتی :

۱- ساختمان دبستان حرفه‌ای پهلوی .

۲- ساختمان کارگاه حرفه‌ای .

۳- اعتبار ساختمان يك دبستان هم تأمین شده است و مقدمات ساختمان آن هم

فراهم گردیده است.

ب- از محل صدی پنجم فرهنگ :

۱- دبیرستان محمد رضا شاه پهلوی

ج- كلك مردم و شورای ده

۶- ساختمان يك دبستان در رویان

۲- ساختمان يك دبستان در مچن

۳- ساختمان يك دبستان در خبیج

۴- ساختمان يك دبستان در خانه خودی

۵- ساختمان يك دبستان در قلعه صدیق

۶- يك ساختمان هم آقای حاج عبدالله اخوین در بسطام برای دبیرستان اهداء

فرموده اند.

### شاگردان رتبه اول



از راست بچپ :

۱- آقای سید محمد طباطبائی شاگرد رتبه اول کلاس چهارم دبیرستان محمد رضا شاه

۲- آقای محمد حاجی باقری > > > > ششم دبستان هدایت

۳- آقای ایرج هروی > > > > دوم دبیرستان شاهپور

۴- آقای منصور نوروزی > > > > از دبیرستان محمد رضا شاه



## آقای حسین عبداللہیان

بازرس کلاسهای مبارزه با بیسوادی

### مبارزه با بیسوادی

مطالعات عمومی برای هر فردی لازم است زیرا او را بمحیطی که در آن زندگانی مینماید آشنا نموده و سبب میشود که شخص بروابط افراد بشر با یکدیگر پی برد و با کسب این اطلاعات و توجه مخصوص بطرز زندگی، نوع همکاری افراد با یکدیگر پیدا میشود.

در ممالک متمدن جهان تعلیم را امری ضروری برای کلیه افراد اجتماع میدانند و همه از آن منتفع میشوند بهمین جهت در آن ممالک کسی خود را از دستگاہ تربیتی جدا نمیدانند و همین سعی عمومی در فرا گرفتن و ترویج تعلیم و تربیت باعث پیشرفت آن ملتها گردیده است

یکی از احتیاجات ضروری امروزی این است که مردم بتوانند در اجتماع با هم زندگانی نموده کنار بیابند باین معنی که افراد اجتماع باید بتوانند تشخیص بدهند که هر کدام از آنها چه فایده ای برای اجتماع دارند و برای بهتر زندگی کردن چگونه با جامعه همکاری کنند اگر قبول کنیم که مطالعات عمومی میتواند افراد را بوظایفی که دارند آشنا نماید و بآنان قبول مسئولیت و قدردانی از زحمات دیگرانرا بیاموزد جای شبهه نخواهد ماند که فرا گرفتن و آموختن تعلیم و تربیت از واجبات زندگی بشمار رفته و برای افراد اجتماعی که میخواهند از قافله تمدن عقب نمانند لازم و ضروری است در مملکت ما تا چندی قبل تعلیم و تربیت مخصوص نونهالان بود و هم دستگاہهای تربیتی بر این بوده است که نسل آینده را با روش تعلیم و تربیتی که مورد قبول دستگاہ بوده است تربیت نماید و چنانچه قبول نمایم که منظور از تعلیم و تربیت در مملکت مادر گذشته برای بهتر زیستن بوده است توجهی ببزرگسالان و وسیله تحصیل و تشویق آنان فراهم نگردیده است.

برای رفع این عیب بزرگ اجتماعی بفرمان ملوکانه مبارزه با بیسوادی در تمام کشور شروع و با نظارت عالیہ شخصی اول مملکت از تمام افرادی که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند دعوت بعمل آمد که در کلاسهای مبارزه با بیسوادی شرکت کنند.

## گزارش فعالیت‌های کلاس‌های مبارزه با بیسوادی

در سال جاری ۵۸ کلاس مبارزه با بیسوادی و بیست کلاس اکابر جهت تعلیم بزرگسالان انان و ذکور درحوزه فرهنگی شاهرود تأسیس شد که در آن کلاسها جمعا ۱۴۵۰ نفر نوآموز تحت نظر هشتاد نفر از بهترین معلمین فرهنگ شاهرود بتحصیل اشتغال داشتند و بطوریکه بازرسان مربوطه گزارش داده‌اند نوآموزان در امر تحصیل پیشرفت‌های شایان توجهی هم نموده‌اند.



در هنگام تشریف‌فرمایی اعلیحضرت‌هایون شاهنشاهی گزارش فعالیت‌های کلاسهای مبارزه با بیسوادی توسط آقای رئیس فرهنگ بعرض رسید که موجب مسرت ذات اقدس شاهانه قرار گرفت و عده‌ای از نوآموزان کلاسهای مبارزه با بیسوادی بحضور معظم له معرفی گردیدند و یک جلد کلام اله مجید هم از طرف نماینده آموزگاران کلاسهای مبارزه با بیسوادی بحضور اعلیحضرت‌هایونی اهداء گردید.

نمایندگان نوآموزان کلاسهای مبارزه با بیسوادی دبستان دولتی خاقانی شاهرود که در افتتاح راه آهن تهران - مشهد بحضور ملوکانه شرفیاب شده‌اند.

آقای علی اصغر گیوری ماشین نویس اداره فرهنگ  
شاهرود





نوشته سرکار سرهنگ شاملو

رئیس شهربانی شاهرود

## پلیسی مدارس و منظور از تشکیل سازمان مزبور

در یکی از ملاقات‌هایم باجناب آقای داودی ریاست محترم فرهنگ شاهرود ضمن صحبت از اینجانب خواستند مطالبی تحت عنوان فوق که در خور فهم دانش آموزان عزیز بوده و تا اندازه‌ای آنها را کمک و رهبری نماید جهت درج در سالنامه فرهنگ شاهرود

بنویسم با عدم توانائی قلمی بحث زیر نوشته میشود.



در ممالک راقیه از سالیان قبل بمسئله فوق توجه شده و در مملکت عزیز ما ایران نیز روی اصل توجهات ذات اقدس شاهنشاه دانش پرور و بوسیله تیمسار سر لشکر علوی مقدم ریاست محترم شهربانی کل کشور از سال ۱۳۳۵ مقدماتی فراهم و سازمانی بنام پلیس مدارس بوجود آمد که باتماس مستقیم وزارت فرهنگ و شهربانی کل کشور دو ساعات معینی بطور مداوم مطالبی جهت دانش آموزان بوسیله افسران پلیس تدریس و تفهیم گردد و در سال گذشته قسمت‌هایی توسط افسران

راجم بمقررات راهنمایی و عبور و مرور (که مخصوصاً در تهران در درجه اول اهمیت قرار داشت جهت دانش آموزان تدریس و تعلیم داده شد).

علت پیدایش این فکر و ایجاد چنین سازمانی روی این اصل بود که با استفاده از بررسی‌های مداوم علمای علم الاجتماع که همواره در بهبود زندگی عالم بشریت پیش قدم بوده و بسا چشم پوشی از اختلافات ملی و مذهبی و نژادی هدف مقدس خود را تعقیب مینمایند. باین نتیجه رسیدند که در دبستان و دبیرستانها بعد از این باید درس زندگی واقعی باطفال داده شود. تا نوباوگان امروز که مردان آینده اجتماع میباشند با حقایق زندگی که با گذشت آنی زمان با آن روبرو خواهند شد آشنا گردند البته ضمن این مسائل تصور می‌رود مسئله‌ای که در زندگی اجتماع قابل توجه بوده و با بقای اجتماع هر قوم و ملتی سر و کار دارد مسئله انتظامات انجام وظایفی است که بمعهده پلیس گذارده شده و عدم رعایت این مطلب. لطمه بزرگی به اجتماع میبشد زیرا مسلم است برای اقدام و انجام هر کار و به ثمر رسانیدن هر نوع برنامه‌های اصلاحی (از قبیل علمی عمرانی اقتصادی و غیره) در

## تعلیمات سمعی و بصری

مطالبی را که فرامیگیریم از راه حواس مختلفه ایست که عبارتند از باصره ، سامعه ، لامسه ، شامه ، ذائقه .

درو طی تجارب ثابت شده است که هفتاد تا هشتاد درصد از مطالبی که ما می آموزیم از راه چشم و توسط باصره انجام میگیرد که باهم آهنگی و کمک حواس دیگر آن مطلب در خاطر نقش می بندد و اثری در سلولهای مغزی ما گذاشته و سپس با اصطلاح روانشناسان در وجدان مغفوله ذخیره میشود .

بعد از حس باصره مهمترین حس در فراگیری یا یادگیری حس سامعه یا حس شنوایی است که توسط دستگاه گوش انجام میگیرد و صاحب اهمیت خاص نیز میباشد و بسیار اشخاص در این حس بسیار قوی هستند .

با این ترتیب بر ما روشن میشود که اکثر مطالب آموخته شده از راه چشم و گوش بوده است و این در حس نقش اصلی و مؤثر را در یادگیری بعهده دارند .

برای اینکه مطلبی در خاطر ما نقش بندد و برای مدت مدیدی در آن بماند لازمست آن مطلب خوب تشریح شود باید از راه چشم و گوش با سایر حواس قابل درک و فهم باشد و آن مطالب و مسائلی بهتر درک میشوند و کاملاً فهمیده میشوند که حتی - الامکان قابل رؤیت باشند یعنی اگر شبی را ببینید آن جسم جز و معلومات شما میشود و با توضیحات مختصری بر حواس آن آگاهی خواهید یافت در حالیکه اگر همان شبی در معرض دید شما نباشد و فقط راجع بآن مطالبی نشنوید یا بخوانید چه بسیار اصولا شبی و جسم بر خاطر شما خطور کند و نتوانید تصور صحیحی از شیئی منظور را داشته باشید .

درجه اول محتاج به محیط آرام و امن است . با توجه باین مقدمه روشن خواهد شد که آموزش مقررات عمومی به اطفال و ایجاد حس احترام در روحیه آنان به قانون و تفهیم این موضوع که رعایت مقررات چه اهمیتی در سر نوشت اجتماع و آینده هر کشوری دارد اهمیت مسأله ثابت خواهد شد .

امید است با توجه بیشتری که روز بروز در بهبود وضع تحصیلی نوآموزان عزیز بعمل میآید و با پیشرفتهای علمی در امور انتظامی مورد استفاده قرار میگیرد برور اقدامات شروع شده در مرکز شهرستانها منتقل و با آشنایی دانش آموزان و روشن شدن آنان در مقابل مسائل اجتماعی و کوشش در راه تحصیل و فرا گرفتن دانش نوباوگان عزیز خود را برای زندگی بهتر آینده مجهز نموده و در نگهداری استقلال و حفظ تاج و تخت کشور عزیز آماده گردند .

اصولا بسیاری از حقایق قابل تعریف نیستند از آن جمله رنگ‌ها میباشند که شخص کور مادرزاد هیچگاه نمیتواند تصور صحیحی از آن در مغز خویش بوجود آورد. و یا هیچکس نمیتواند ادعا کند که میتواند رنگ‌ها را تعریف کند مثلا چه تعریفی میتوان از رنگ قرمز کرد که معرف آن رنگ باشد.

بنابر آنچه گفته شد دیده میشود که چشم و گوش مخصوصا چشم نقش مهمی را در درک و فهم مسائل و حقایق بازی میکند و مادر تدریس باید بدین حس توجه خاص مبذول داشته و سعی کنیم تا حد امکان مطالب و قضایا را برای شاگرد قابل رؤیت سازیم که این ممکن نخواهد بود مگر با بکار بردن و نشان دادن اشیاء، تصاویر، نقشه‌ها در ضمن تدریس در کلاس درس و سائل‌تعلیمات نظری از حد بیشمار است و عالیترین آنها امروزه عبارت است از دستگاههای آپارات فیلمهای ناطق و صامت و رادیو و ضبط صدا و تلویزیون ولی بجز فیلم و پروژکتور هنوز نتیجه قطعی سایر وسائل مذکور فوق بدست نیامده. اما آنچه ما از این پس ارائه خواهیم داد وسائل و طرق بسیار ساده و ارزانی است که از نتیجه مطلوب آن کاملا مطمئن و حتی برخی از آنها مثل عکسهای رنگی و سیاه میتوانند نقش فیلم را در کلاس درس بازی کنند و بسیاری از اساتید فن معتقدند که فقط عده‌ای از آموزگاران با اینکه فیلم و دستگاه پروژکتور در اختیار دارند نمیتوانند آنطور که بایسته و شایسته است از آن استفاده کنند ولی ثابت شده که عموما قادر با استفاده از تصاویر بوده و باندکی تعلیمات و صرف وقت میتوانند از آن برای دادن درس استفاده مطلوب را بنمایند. این وسائل عبارتند از :

#### الف- تصویر

تصاویر رنگین یا سیاه امروز نقش مهمی را در تدریس مخصوصا تدریس در مدارس ابتدایی را بعهده دارند از این وسیله ساده در کشور ما باید بیش از همه استفاده کرد چه همانطور که گفته شد تصاویر میتوانند بجای فیلم هم در کلاس مورد استفاده قرار گیرند و همان نقشی را که فیلم متحرک تا فیلم استریپ بازی میکند.

در درس جغرافیا و تاریخ معلم باید حتی الامکان با نشان دادن تصاویری از زندگی مردم جهان، نقاط مختلفه، شهرهای بزرگ، موزه‌ها، عمارات تاریخی و غیره آنها را با واقعیت امر آشنا سازد.

#### ب- طرز استفاده از نقشه جغرافیا

بقیده بسیاری از معلمین نقشه یک تصویر ظریفی است که بر روی آن نقاط مختلف جهان بنحوی مخصوص خود جای گرفته است. نقشه شاگرد را در فهم و درک روابط و محل صحیح ممالک راهنمایی نموده و مناطق آن را بنحوی شایسته یر شاگرد روشن میسازد و ضمناً بانگاه کردن بآن شاگرد دروس جغرافیا را بدون تأمل دوره میکند.

#### ج- بولتن بوآرد با جایگاه آکبی‌ها

عبارت از یک مربع مستطیل بطول های مختلف که معمولا آنرا بطول ۱۵۰

و بعرض ۱۲۰ سانتیمتر میسازند از تخته و روی آن پارچه ای آبی پرونگ یا سبز میکشند و آنرا مانند تخته سیاه در محل مناسبی از کلاس قرار میدهند.

بولتن بوآرد وسیله خوبیست برای اینکه فعالیت های شاگردان هر کلاس و نشان دادچه میتوان هر نوع فعالیت و کار اطفال را روی آن منعکس نمود تصاویر زیبایی را که نقاشی میکنند روی آن نصب کرد کار دستی آنانرا روی آن آویزان نمود. اعلانات و دستورات و مقررات مدرسه و کلاس درس را نوشته و روی آن گذاشت معلم باید سعی کند که هر دو یاسه روز یکبار مطالب سنجاق شده روی بولتن بوآرد اگر استفاده کامل از آن شده عوض یا جای آنها عوض گردد تا شاگردان از دیدن یکنواخت آن خسته نشوند.

د- تخته سیاه

همه آموزگاران تقریباً از آن استفاده میکنند اما نکته ای را که باید در اینجا تذکر داد اینست که این وسیله ساده را نباید مورد فراموشی قرارداد و بدان با چشم حقاقت نگریست. معلم باید تا حدی میتواند از تخته سیاه استفاده کند و آنرا در تدریس مواد مختلفی بکاربرد، البته احتیاجی نیست که طرز استفاده از آنرا شرح داد چه مطلبی است که بر همه روشن میباشد.

۵- فیلم

نشان دادن فیلم در کلاس متضمن نکات دقیق و حساسی است که معلم باید بدان وقوف کامل داشته باشد والا بهتر است از بکار بردن آن صرف نظر نماید. خود معلم باید قبلاً فیلم را دیده باشد و حتی گاهی لازمست فیلم را دو یاسه بار قبلاً مشاهده کند و نکات آنرا خوب بخاطر بسپرد تا بتواند قبل از شروع بنمایش معلم موضوع فیلم را برای شاگردان تشریح کند چه اگر چنین کند شاگردان علاقه و اشتیاق خود را درباره دیدن فیلم از دست داده و توجه لازم بآن نمیکند.

پس از نمایش فیلم معلم سؤالیهای میکند اگر جوابها صحیح باشد معلم متوجه میشود که فیلم مفید واقع شده والا با توضیح مجدد آنرا بار دیگر همان روز یا روز دیگر نشان میدهد پس از نمایش فیلم کار تمام نمیشود معلم باید شاگردان را وادار نماید که هر یک شرح کاملی راجع بآنچه را که دیده اند بنویسند و بعد آنها را اصلاح نموده بشاگردان مسترد نماید تا ضبط کنند.

### شاگردان رتبه اول

از راست بچپ:

۱- آقای مصطفی بزازیان

شاگرد رتبه اول کلاس دوم

دبستان هدایت

۲- آقای علی صمیمی شاگرد

رتبه اول کلاس پنجم

دبستان هدایت



۳- آقای ابوالقاسم هراتی شاگرد رتبه اول کلاس پنجم دبستان اردیبهشت

## کلاسهای کار آموزی

امروز تمام ملل متمدن جهان معتقدند که وحدت ملی و پیشرفت کشور منوط به داشتن معلم کاردان و لایق است زیرا تربیت صحیح بدون داشتن معلم لایق صورت نمیگیرد از این جهت در تمام ممالک مترقی دنیا دانشسراهای مقدماتی و عالی برای تربیت آموزگار و دبیر تأسیس گردیده تا مرپیان آینده را با اصول کلی آموزش و پرورش آشنا و بر موزعمومی علم الاجتماع واقف سازند و همیشه سعی میکنند افرادی را باینکار بگمارند که بتوانند بغویی از عهده انجام امر خطیر معادی بر آیند زیرا کسانیکه استعداد روحی و جسمی نداشته باشند اصولا بدرد معلمی نمیخورند و چون پایه و اساس فرهنگ بر تعلیمات ابتدائی نهاده شده و بنیان سعادت یا شقاوت طفل درسالهایی که در دبستان بتحصیل اشتغال دارد گذاشته میشود از اینرو شایسته ترین افراد را برای آموزگاری در نظر میگیرند.

اگر در این مدت بچه را درستکار و متدین و میهن پرست و وظیفه شناس بار آورند در تمام عمر با همین اخلاق و روش باقی خواهد بود و اگر محیط تربیت و تعلیم طفل فاسد باشد فردی فاسد و زیان آور خواهد شد که تعلیمات عالی و خوب متوسطه هم قادر بتغیر اخلاق او نخواهد بود باید بغاطر داشت که سرمایه واقعی يك کشور اطفال آن کشور میباشد زیرا در آتیه باید آنرا اداره نمود و بقا و افتخاراتش را حفظ نمایند وجود وزارت فرهنگ و ادارات وابسته بآن مدیران آموزگاران دبیران و کارمندان و خلاصه تمام تشکیلات فرهنگی برای خاطر اطفال است نه برای اینکه شاگردان بدتره بروند که مدیر و معلم شغلی داشته باشند و امرار معاش کنند اگر در کشوری فرهنگ عمومی نباشد آزادی و عدالت اجتماعی در زندگی وجود خارجی نخواهد داشت ما اگر ترقی و سعادت و وطن خود را خواهانیم باید هدف اصلی خود را روی تربیت و هدایت اطفال قرار دهیم مرحله اول این وظیفه خطیر و سنگین از طرف میهن بعهد آموزگاران و واگذار شده تا نونهالان وطن و تربیت نمایند لکن چون اکثر معلمین دارای اطلاعات کافی نیستند و از رموز آموزگاری و فن آموزش و پرورش بی اطلاع میباشد روش نوین تدریس را نمیدانند شخصیت انسانی و مقام اجتماعی کودک را تشخیص نمیدهند موقعیت معلمی را در نظر نگرفته و برای افکار عمومی احترامی قائل نیستند و بالاخره راه تربیت صحیح طفل را ندانند و از هدفهای اصلی آموزش و پرورش آگاهی ندارند. قوانین تکامل و رشد بدن و روابط روح و جسم و خصوصیات سنّی اطفال را نمیدانند. از سال ۱۳۳۱ وزارت فرهنگ برای رفع این نقائص و آماده کردن معلمین اقدام بتأسیس کلاسهای کار آموزی نمود.



و موافقت فرهنگستان همه ساله دو کلاس کارآموزی درشاهرود تشکیل شده و تا کنون کلیه آموزگاران شهرودهاات و اکثرخانمهای آموزگار کلاسهای تابستانهانی را دیده اند بطوریکه اکنون میتوان گفت که کلیه آموزگاران این حوزه در کلاسهای کارآموزی شرکت کرده و بروش های نوین آموزش آشنا شده اند امید می رود در آینده با تجاربی که آموزگاران از دیدن این کلاسها بدست آورده اند بتوانند افرادی شایسته و مفید به حال اجتماع تعویل جامعه دهند و برای رسیدن باین هدف مقدس روز بروز بر اطلاعات و هنر خویش بوسیله مطالعه و تکمیل تحصیل بیافزایند.

### شاگردان رتبه اول



از راست بچپ:

- ۱- آقای محمد صادقیان شاگرد رتبه اول کلاس پنجم دبیرستان شاهپور
- ۲- دوشیزه بدری وزیری شاگرد اول کلاس سوم دبستان ۱۵ بهمن
- ۳- دوشیزه هاجز حسنی شاگرد رتبه اول کلاس سوم دبستان مهستی
- ۴- آقای ناصر جعفریان شاگرد اول کلاس پنجم دبیرستان محمد رضا شاه



از راست بچپ:

- ۱- آقای الهیار صالح شاگرد رتبه اول کلاس اول دبستان هدایت
- ۲- دوشیزه سکینه عضدالملوک > > > > دوم دبستان مهستی
- ۳- آقای احمد جلالی > > > > پنجم دبستان اردیبهشت
- ۴- آقای علیرضا ضیائی > > > > اول دبستان حبیب یغمائی

بخش سوم

شامل

۱- اهمیت کتاب و کتابخانه و گزارش کتابخانه

فرهنگ شاهرود

۲- ضمانت سالنامه

الف- مهمانان فرهنگ شاهرود

ب- راهنمای شهر شاهرود

ج- گزارش جشن چهارم آبان



## ۱- کتاب و مطالعه کتاب

یکی از عوامل مهم اجتماعی کتب و مطبوعات است که تأثیرات مهم و مؤثری در پرورش قوای عقلی و توانا ساختن نیروی اندیشه و تزئید معلومات و تقویت قوه حافظه و احساسات قلبی و عواطف روحی دارد کسانیکه اوقات گرانبهای خود را صرف مطالعه کتب خوب مینمایند علاوه بر کسب فضیلت و دانش بتدریج دارای اخلاق حمیده و صفات فاضله میشوند خیر و صلاح خود را خوب تشخیص میدهند در امورشان بصیر و بلندگانی شان مسلط میشوند منافع جامعه را محترم شمرده و آنرا ما فوق منافع خود میدانند شعارشان نوع پروری و نیتشان خدمت بخلق و عملشان کمک و معاضدت بر مردم است این اشخاص هیچگاه دنبال کارهای لغو و بیبوده نمیروند و از غیبت و سخن چینی و یاوه‌هرانی بری هستند مجالستها و شب نشینی‌ها و رفت‌آمدهای نامناسب ندارند گرد قمار و سایر منہیات نمیگردند بلکه بر اثر تحصیل معرفت مردمانی لایق و شایسته شده علاوه بر آنکه بمقامات و درجات عالی نائل میگرددند و وجودشان مفید و افکار و نظراتشان مؤثر در امور اجتماع است یکی از بزرگان درباره کتاب چنین مینویسد:

حقایق عالی و خیالات زیبایی که در مغز من دور میزند در نتیجه مطالعه پدید آمده کتاب برای من در روزگار غم و بدبختی بهترین مایه تسلیت بوده و در ایام بیماری و پرستاری بهتر از آن نداشته‌ام دوستان و آشنایان ما در نتیجه تطور حوادث تغییر مییابند و همینکه روزگار بر ما سخت شد پیوند محبتشان سست میشود ولی کتاب مصاحبی است مهربان با و قه‌قه‌هیچوقت از ما دور نمیکردند و همیشه در روزگار خوشبختی و بدبختی همانست که بود و با پشاش و مسرت ما را بدوستی خود می‌پذیرد.

کتاب برای جوانان رهنمائیست که آنانرا بطرف فضیلت و شرافت می‌کشاند زیرا جوانی مخلوط از هیجان و غرور است و برای پیران تسلیتی است که آنها را از محنت و بدبختی رهائی میدهد زیرا پیری دوره وحشت‌زندگی است.

نیکبخت و سعادت‌مند واقعی کسی است که همصحبتی کتاب خوب را از همه خوشبها بهتر و بالاتر داند.

از دانشمندی دیگر:

«کتاب آموزگار است که رایگان ما را تعلیم میدهد و هیچوقت ملول نمیشود و

همیشه در انتظارمان بیدار است همه وقت با چهره گشاده ما را می پذیرد و بدون دریغ مکنونات خاطر خویش را در اختیار مان میگذارد، از مصاحبت ما دلگیر نمیشود از مناقشه و جدال خشمگین نمیگردد، هر چه بپرسم با ملایمت جواب میدهد و هر چه را نمیدانیم با رافت و مهر بانی بماما میوزد هیچوقت ما را سرزنش نمیکند معلومات خود را بر خمان نمیکشد. در اینصورت بهتر از کتاب چیزی نیست و بهتر از کتابخانه جامی دردنیای وجود ندارد دانشمندی در ستایش کتابهای خود میگوید، گروهی دوستان جانی و یگرنگ دارم که شب و روز خویش را با آنها میگذرانم دوستان من از نام آوران جهانند که قرون و اعصار را درهم پیچیده فواصل دنیا را از میان برداشته تا بخانه من رسیده و در خانه چشم جای گرفته اند هر وقت بخواهم بدیدن آنها میروم و هر جا بروم آنها به راه خود میبرم بقدری خوش معطر و شیرین زبانند که هیچکس از صحبتشان سیر نمی شود بزبان طبیعت سخن میگویند و اسرار حیات را آشکار میکنند. زمان و مکان را از پیش برداشته مرا با مردمان قرون سلف آشنا میسازند میگویند چگونه زندگی کنم و چگونه ببرم وقتی غمگین می شوم آتش غم را با آب حکمت فرومیشانند در مقابل محبت های خود از من تمنای ندارند و برای خدمت های خود پاداش نمی طلبند» این شعر را نیز آقای ابوالقاسم حبیب الهی متخلص بنویسد در باب کتاب گفته اند.

### کتاب

مرا ز جمله جهان یاری اختیار آمد  
 که هر گرم بدل از صحبتش ملالی نیست  
 هر آن زمان که مرا میل صحبتش باشد  
 بهیچ وجه ورا غمزه و دلالی نیست  
 هر آنچه خواهم از وی هماره پرسم لیک  
 بهیچ گناه مرا ورا زمن سوالی نیست  
 هزار مسئله آموزدم ز نیک و ز بد  
 ولیک هیچ زمان با منش جدائی نیست  
 اگر چه از همه کس بیشتر سخن گوید  
 ولیک در سخنش هیچ قیل و قالی نیست  
 بقا نباشد عهد و وفای یاران را  
 وفا و عهد ورا هیچ که زوالی نیست  
 چنین رفیق کجا در جهان بدست آید  
 که هر گز طمع منصبی و مالی نیست  
 بروز و شب نظر از روی اونگیرم باز  
 که خوشتر از وی در دیده ام جمالی نیست  
 سواد دیده من شد مگر سپاهی او  
 که هر گز زد چشم من انفصالی نیست

## ۴- کتابخانه

زمانیکه بشر باختر خط نائل گردید و توانست افکار و اطلاعات و نظرات خود را بکسانیکه با او فاصله مکانی و زمانی داشتند منتقل نماید از همانوقت هم بفکر افتاد که این آثار و نوشته‌ها را در مکانی محفوظ نگهداری کند.

در ابتداء بشر برای نگارش از تخته سنگها و صفحه‌های چوبی استفاده میکرد و از آثاری که بدست آمده است چنین برمی آید که مطالب آنهم بیشتر متضمن اوراد و اذکار و ادعیه مذهبی یا شرح حال و تعریف و تمجید ملوک و فرمانروایان بوده ولی بعدها برای نوشتن پوست حیوانات را بکار برد. در همین عصر بود که انسان تا حدی در صحنه زندگی موفق بتحصیل تجارب و اطلاعات و مشاهدات ذیقیمتی برای خود شد که بنا بر اصول غریزه بشری میخواست که این تجارب را با اولاد و احفاد خود منتقل نماید. و بسا کاوشهایی که بعمل آمده آن نوشته‌ها هم شامل وقایع و افسانه‌ها و داستانهای ملی و نصایح اخلاقی و بالاخره وقایع مهم تاریخی و مجموعه قوانین و دستورات زندگی و کشورداری و مسائل اجتماعی بوده است که آنها را در طومارهایی درج میکردند و در خزائن سلطنتی یا قبور فراعنه و کهنه نگهداری مینمودند ولی بعدها اطلاعات انسان از آن حدود هم تجاوز نمود. بطوریکه امروزه کتب زیادی در علم هئیات و طب و ریاضیات و موسیقی از آن زمان باقی مانده است.

کلدانی‌ها و آشوری‌ها اولین مللی بودند که بترتیب و تنظیم کتابخانه پرداختند ولی بعدها مصریونان و ایران هم از آنها تبعیت نمودند و در این راه پیشرفتهایی هم کردند بطوریکه هنوز تاریخ نویسان راجع بشرح عظمت کتابخانه بطلمیوس‌ها در مصر قلم فرسایی میکنند.

در اروپا هم از قرن چهاردهم در زمان سلطنت شارل یعنی درست همان موقعیکه مملکت ماصحنه تاخت و تاز تیموریان بود اروپاییان بفکر تهیه کتاب و تشکیل کتابخانه افتادند و در همین زمان بود که از غفلت و بیخبری مردم جهان خصوصاً ایران استفاده کردند.

هرجا بوجود کتابی بی میبردند بلطائف العیال آنرا بدست آورده بکتابخانه های مملکتشان فرستادند و در این باره کار را بجای رسانده‌اند که امروز باید برای مطالعه آثار دانشمندان و نیاکان خود فرسنگها راه طی کنیم و از کتابخانه‌های آنها اطلاعات لازم را کسب نماییم.

در ایران هم از زمان امیر کبیر بویژه بعد از مشروطیت که فرهنگ مغرب زمین بمفهوم تازه قدم باین کشور گذاشت دولت هم متدرجاً در تمام شهرستانها مؤسسات فرهنگی از قبیل دبستان و دبیرستان و کتابخانه تأسیس کرد، تعلیم و تربیت نسل جوان را بمهده آموزشگاهها تحت نظر مربیان آزموده و با تجربه گذاشت و بسط و توسعه اطلاعات عمومی و ارشاد و راهنمایی‌های مردم و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی را بمهده کتابخانه‌ها محول نمود. از این رو در سال قبل در شهر شاهرود اقدام بتأسیس کتابخانه عمومی گردید.

## ۴ - کتابخانه فرهنگ شاهرود

اداره فرهنگ شاهرود در آذرماه ۱۳۳۴ پیروی از منویات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و برای بسط و توسعه فرهنگ عمومی در شهر شاهرود اقدام بنیاس کتابخانه و قرائتخانه عمومی نمود و در بدو امر چهارصد جلد کتاب از دبیرستانها بامانت گرفته شد و از مؤلفین و مصنفین و مترجمین و مردمان خیر در سراسر ایران دعوت شد که با این مؤسسه مفید فرهنگی همکاری کنند خوشبختانه دوستان اران فرهنگ از این اقدام فرهنگیان شاهرود استقبال نمودند و با اهداء کتاب بر مامنت گذاشتند .

بطوریکه اکنون اضافه بر یکهزار و دو بیست جلد کتاب جمع آوری شده است و تا اندازه ای رفع احتیاجات عمومی را مینماید ما کوشش خواهیم کرد این کتابخانه را تا حد امکان توسعه دهیم و امیدواریم که روزی برسد که از اقصای نقاط مردم برای مطالعه کتاب و آثار دانشمندان و نویسندگان باین شهر بیایند و شهرستان شاهرود بداشتن چنین کتابخانه ای میباهات کند

مطلبی که در اینجا لازم بتذکر است این است که حق بود اهالی شاهرود با اهداء کتاب و توسعه این کتابخانه پیشقدم میشدند و با بسط این مؤسسه وسائل تنویر افکار و تهذیب اخلاق فرزندان خود را فراهم میساختند متأسفانه از سبب نفر اهالی شاهرود که درخواست کتاب شد فقط چند نفر که شماره آنهم از شماره انگشتان دست کمتر است باین مؤسسه کمک کردند کارکنان کتابخانه فرهنگ انتظار دارند که اهالی شاهرود با اهداء کتاب در بسط این مؤسسه بزرگ بکوشند

در خاتمه از اولیاء معترم دانش آموزان استدعا دارم با نصایح پدران اطفال خود را بکتابخانه که تنها مرجع صلاحیت دار دررفت و آمد دانش آموزان در غیر ساعات کار مدارس است راهنمایی کنند و مضرات مباشرت با اشخاص نا مناسبت و مجالست با هم نشین های ناستوده و ناپسند را خاطر نشان نمایند امید است که با همکاری شما بتوانیم قدمی در راه تهذیب اخلاق و بهبود وضع جوانان بوجود آوریم و نسلی شایسته و دانا تحویل جامعه فردای ایران بدسیم و دینی را که بعهده داریم بوجهی احسن بانجام رسانیم.

ضمناً از همکاران گرامی تقاضا دارم که در کلاس درس در صورتیکه مقتضی باشد اهمیت کتاب و کتابخانه را برای دانش آموزان کاملاً تشریح کنند و با بیان شیوا و رسای خود ارزش کتاب و کتابخانه را بدانش آموزان خاطر نشان نموده و آنها را ب مطالعه و تهیه کتاب علاقه مند سازند توفیق همه را در بسط و توسعه فرهنگ کشور از خداوند متعال خواستارم .

کتابخانه فرهنگ شاهرود از فرهنگ دوستان درخواست دارد  
با اهداء کتاب این گنجینه مفید فرهنگی را غنی تر سازند

## مهمانهای فرهنگ شاهرود

۱- در خرداد ماه ۳۵ جناب آقای محمد یزدانفر معاون کل وزارت فرهنگ در راه مسافرت بخراسان و مراجعت از شاهرود دیدن نمودند معظم له ضمن بازرسی از آموزشگاه‌های شهر و دهات دستوراتی برای رفع نقائص موجود صادر فرمودند و همچنین مسافرت و آشنایی ایشان سبب شد که به پیشنهادات فرهنگ شاهرود و دود بیران توجه مخصوص مبذول در نتیجه پیشرفتی محسوس در وضع فرهنگ بعمل آمد. فرهنگیان شاهرود بدینوسیله مراتب امتنان خود را در اقدامات معظم له ابراز میدارند.

۲- در روز ۲۳ شهریور ۱۳۳۵ آقای عدیلی خطیب وزارت فرهنگ بشاهرود وارد شدند در سالن دبیرستان شاهپور با حضور جمع کثیری از اهالی شهر و کارمندان دولت و فرهنگیان سخنرانی بسیار مفیدی ایراد و توجه مردم را بهمکاری و معاضدت با فرهنگ جلب نمودند جادارد که وزارت فرهنگ همیشه برای ارشاد و راهنمایی مردم این قبیل اساتید و دانشمندان را بشهرستانها اعزام دارند.

۳- در اسفند ۱۳۳۵ جناب آقای استاد خلیل شاهرود ربار افغانستان با اتفاق آقای صادق سرمد و کیل پایه یک دادگستری و وکیل سابق مجلس شورای ملو و شاعر شهیر بشاهرود وارد شدند و از آرامگاه قطب العارفین بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن



آقای استاد خلیل بر سر آرامگاه شاهزاده افغانستان

خرقانی دیدن نمودند فرهنگیان شاهرود از ایشان استقبال و پذیرائی شایانی نمودند.  
 ۴- در آذر ۱۳۳۵ جناب آقای مرتضی مصصامی رئیس سابق اداره کل کارگزینی وزارت فرهنگ و بازرسی فنی بسرپرستی هیئتی از معلمان کارآموده و خانم احتشامی و آقایان حبیبی نژاد و فرومند متصدیان سازمان سمعی و بصری فرهنگ استان شاهرود وارد و در ضمن يك هفته که در شاهرود توقف داشتند بانسان دادن فیلمهای تربیتی و سخنرانیهای مفید راهنماییهای بسیار سودمندی بمعلمان شهرستان شاهرود نمودند اداره فرهنگ ضمن نامه‌ای که بمقام مدیریت کل فنی و فرهنگ استان نوشت تاکید نمود که این قبیل بازرسیها را که جنبه معنوی و فنی آن بر سایر جهات برتری دارد تکرار نمایند.  
 ۵- آقای ویلیام سن مشاور فرهنگی وزارت فرهنگ در طی سال تحصیلی ۳۵ و ۳۶ دومرتبه بشاهرود آمدند و اشکالات معلمین را با سخنرانیهای خود و همکاری ایشان آقای جهانبانی و گلستانه مرتفع فرمودند.

۶- نمایندگان اداره کل تبایغات و خبرگزاری پارس و معاون تبلیغاتی وزارت فرهنگ در اردیبهشت ماه سال جاری برای مشاهده و بررسی امور تعلیمات اساسی بشاهرود آمدند و عکسها و فیلمهای متعددی از عملیاتی که در دهستان نمونه بسطام انجام شده بود برداشتند و بطوریکه آقایان اشعار میداشتند ده نمونه بسطام در استان دوم اول است و پیشرفت‌های شایان توجهی در آنجا شده است.

### شاگردان رتبه اول



از راست بچپ:

- ۱- آقای علی اکبر جعفریان شاگرد رتبه اول کلاس ششم دبستان اردیبهشت
- ۲- دوشیزه طیبه صادقیان > > > > دوم دبستان ۱۵ بهمن
- ۲- آقای بومس قربانیان > > > > ششم بین تمام دبستانهای شاهرود



## راهنمای شهر شاهرود

**مختصات جغرافیائی** - طول ۵۴ درجه ۵۸ دقیقه و عرض ۳۶ درجه ۲۵ دقیقه و ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۱۳۶۰ متر است و اختلاف ساعت آن با طهران ۱۴ دقیقه و ده ثانیه است ساعت ۱۲ طهران برابر با ساعت ۱۲ چهارده دقیقه و ده ثانیه شاهرود است.

**مسافت شاهرود با شهرهای مجاور** - تا دامغان ۶۴ کیلو متر تا سبزوار ۲۵۶ تا گنبد قابوس ۱۴۴ کیلو متر و تا گرگان ۲۰۲ کیلو متر میباشد.

**زبان و مذهب** - زبان اصلی اهالی فارسی و مذهب عموم شیعه اثنا عشری است. **آب شهر** - از قنوات سیل و جلالی تأمین میشود.

**روشنائی** - برق شاهرود شبانه روزی و از چهار مولد بنوبت استفاده میشود. **بزرگان و معروفین** - بابزید بسطامی، شیخ ابوالحسن خرقانی، ابن یزید فرومدی، فروغی بسطامی، کاتب شهیر محمد بن علی الزیدری، طاهر فریومدی مؤلف هفت اقلیم، میرزا عبدالرفیع آل حاجیلار (از توین کنندگان نامه دانشوران و فرهنگ ناصری).

**فرودگاه** - فرودگاه شاهرود در ۱۱ کیلومتری مشرق واقع است. **ایستگاه راه آهن** - در پنج کیلومتری مشرق شهر واقع است و همه روزه قطار مسافربری از شاهرود بطهران و مشهد حرکت میکند.

**شرکت ملی نفت** - با تشکیلات وسیع در یک کیلومتری ایستگاه راه آهن واقع است که همه روزه از آنجا برای تمام شهرهای خراسان نفت و نفت گاز و بنزین فرستاده میشود.

**پمپ بنزین و نفت گاز** - در خیابان طهران بفاصله یک کیلومتری مرکز شهر واقع است.

**سازمانهای دولتی** - فرمانداری، شهرداری، دادگستری، دارایی، فرهنگ شهربانی، ژاندارمری، نظام وظیفه، پست و تلگراف، بی سیم، آمار، بهداشت، هواشناسی، جنگلبانی، راه شوسه و واقع در خیابان فردوس اداره ثبت و اسناد هم در یکی از کوچه های فرعی این خیابان است.

اداره قند و شکر و دخانیات در خیابان رضاشاه کبیر و اداره اوقاف در خیابان طهران و اداره کشاورزی در کوچه مصلی واقع است.

**سازمانهای ملی** - بانک ملی و بانک کشاورزی و شرکت بیمه شیر و خورشید اداره سرخ تلفن در خیابان فردوس

**دفترخانه های اسناد رسمی از دواج و طلاق**

۱ - دفتر شماره ۸ بسردفتری آقای مهدی مهدوی

۲ - دفتر شماره ۹ بسردفتری آقای سید محسن نبوی

۳- دفتر شماره ۱ بسردفتری آقای علی شریف

۴- دفتر شماره ۶ بسردفتری آقای یوسف شهیدی

داروخانه ها - ۱- داروخانه رازی بمدیریت آقای میرزا ابراهیم افتخاری

۲- داروخانه صحت بمدیریت آقای علی افتخاری ۳- داروخانه سینا بمدیریت آقای میرزا اسدالله افتخاری

اماکن مقدسه - الف مساجد: مسجد غربا ، مسجد جامع ، امام حسن ، مسجد مرحوم آقا ، شیخ علی اکبر ، اخیانیه ، مصلی ، صاحب الزمان

ب- تکایا: تکیه زنجیری ، قلعه ، بیدآد ، شریعت ، معدآباد ، گلشن ، حاجی رضا علی ، یزدیه!

مدارسه قدیمه - مدرسه بازار ، مدرسه قلعه ، مدرسه بیدآباد

بنگاههای مسافری و باربری - بنگاه مرکزی ، طباطبائی ، صابر حسینی دزیانی ، گرجی ، برنجی ، بهشتی ، معلمی

### دبیرستانها و دبستانهای دولتی

۱- دبیرستان محمدرضا شاه بمدیریت آقای ابوالحسن علمی

۲- « « « « شاهپور « « محمدتقی صابر

۳- « « « « دخترانه مفده دی « « سیدعلی نصرتی

### دبستانهای پسرانه

۴- دبستان بدر بمدیریت آقای سیداحمد میرحسینی

۵- دبستان هدایت بمدیریت آقای محمدحسن رحیمیان

۶- دبستان اردیبهشت بمدیریت آقای محمدعلی طاهری

۷- دبستان فروغی بمدیریت آقای حسین عبداللہیان

۸- دبستان خاقانی بمدیریت آقای علی عطاران

۹- دبستان پهلوی حرفه ای بمدیریت آقای محمدحسین جلالی

۱۰- دبستان رضاشاه کبیر بمدیریت آقای محمدرضا عنایتی

۱۱- دبستان حبیب بقمائی بمدیریت آقای علی اصغر جعفری

### دبستانهای دخترانه :

۱۲- دبستان گوهرشاد بمدیریت خانم کبرای یزدانی

۱۳- دبستان ۱۵ بهمن بمدیریت زهرا تیمورتاش

۱۴- دبستان پروین بمدیریت خانم معصومه دزیانی

۱۵- دبستان اشرف پهلوی بمدیریت خانم پوران فاضل

۱۶- دبستان مهستی بمدیریت خانم زهرا کلات

کتابخانه فرهنگ - درمیدان مجسمه شهرواقع است و اوقات کار آن از ساعت

۸ صبح تا ظهر و از ساعت ۳ تا ۷ بعد از ظهر است و شما همه روزه میتوانید

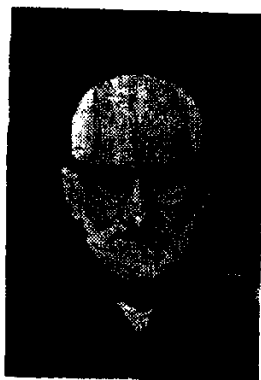
روزنامه ها و مجلات منتشره و کتب مورد نیاز را در آنجا مطالعه فرمائید



## اقداماتی که در خصوص ساختمانهای فرهنگی در سال جاری انجام یافته است

- ۱- افتتاح دبستان دخترانه در ایستگاه
- ۲- < < < عباس آباد
- ۳- < < پسرانه خوریان
- ۴- < < < جیلان
- ۵- < < < ارمیان
- ۶- تأسیس کلاس دوم دبیرستان کشاورزی در بسطام
- ۷- تبدیل کلاس پنجم عباس آباد بروستائی
- ۸- < < ششم خرقانی قلعه نو بروستائی
- ۹- تأسیس کلاس ششم طبیعی با ۴۷ نفر دانش آموز
- ۱۰- < < چهارم و پنجم ادبی در دبیرستان محمد رضا شاه
- ۱۱- < < < ادبی در دبیرستان ۱۷ دی

## یکی از خدمتگزاران قدیم فرهنگ شاهرود



از جمله خدمتگزاران قدیم فرهنگ شاهرود آقای کربلایی علی رضایی جلالی است که از سی سال پیش خدمت خود را در فرهنگ آغاز کرده است در ثبت املاک موقوفه شاهرود کوشش های فراوانی کرده و کمک های او را در احیاء مستغلات وقفی نمیتوان نادیده گرفت این خدمتگزار قدیم اکنون باز نشسته شده او آرزو دارد که فرهنگ بیش از اینها باید ترقی کند و فرهنگیان در ترویج فرهنگ و تهذیب اخلاق محصلین کوشش و همت وافر کنند.



۱- بدو آقای فرماندار میلاد  
مسمود اعلی حضرت همایون شاهنشاهی  
را تبریک گفتند



۲- سپس آقای رئیس فرهنگ  
در باب پیشرفت های فرهنگ و مؤسسات  
فرهنگی شاهرود در یکساله اخیر  
بیاناتی ایراد فرمودند.

در روز چهارم آبان سال ۱۳۰۴

و مجلی در میدان ورزش

و کارکنان دولت



۳- آقای مسمود خطیبی مدیر  
فنی تربیت بدنی گزارش سالیانه ورزشی  
را با اطلاع حضار رساندند



۴- ورزشکاران در مقابل تماشا  
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رژه  
رفتند.



۵- بعد از آن پیش آهنگان مراسم  
مخصوصی را اجراء کردند که مورد  
توجه و تحسین حضار واقع گردید.

بجاری جشن بسیار باشکوه

شهر با حضور ناظمه ادالی

کالت برگزار شد.



۶- گروه جمعیت شیر و خورشید  
سرخ عملیات مقدماتی تارسیدن بز شک  
را بر روی مصدوم انجام دادند

# اقداماتی که در خصوص ساختمانهای فرهنگی در سال جاری انجام یافته است

- ۱- ساختمان شماره ۲ سهم فرهنگ خاتمه یافت و مورد استفاده دبیرستان محمد رضا شاه قرار گرفت .
- ۲- ساختمانی که از اعتبارات سال ۳۵ شروع شده بود تکمیل و مورد استفاده دبستان پهلوی واقع شد .
- ۳- کارگاه حرفه‌ای از اعتبارات سازمان برنامه خاتمه یافته و مورد استفاده قرار گرفته است .
- ۴- در دهستانهای دهلا ، رویان ، ابر . ابرسج . مچن . ساختمان دبستان تمام و مورد استفاده واقع شده است .
- ۵- در بیشتر از بیست قریه مقدمات ساختمان دبستان از اعتبارات شورای ده فراهم و تا سال آینده این دهات دارای دبستان نوساز خواهند شد .

از آقای محمد باقر جلالی بازرس فرهنگ و آقای  
ابوالحسن علمی رئیس دبیرستان محمد رضا شاه اعضای انجمن  
نشر سالنامه که در تدوین این سالنامه کمک های شایانی  
باینجا نموده‌اند و بسیاری از اوقات گرانبه خود را صرف  
تنظیم مطالب این سالنامه کرده‌اند نهایت تشکر را دارم و  
هم چنین از آقای اقبال یغمائی مدیر مجله دانش آموز که در  
انتشار این سالنامه راهنمایی‌های فوق العاده‌ای کرده‌اند اظهار  
امتنان نموده توفیق همرا در خدمت بفرهنگ از خداوند مسألت  
می‌نمایم :-  
محمد علی شفیعی

# ما و خوانندگان عزیز

۱- غرض عمده از نشر سالنامه این بود که فهرست جامع و کاملی از کتب موجود در کتابخانه را در اختیار همشهریان گرامی خود بگذاریم ولی متأسفانه کثرت مطالب مانع از اجرای این امر گردید و حتی بسیاری از مقالات آقایان دبیران هم که برای چاپ آماده شده بود و سعی بسیار بکار رفت که در سالنامه گنجانده شود باز میسر نگردید و ما از این جهت از همکاران محترم پوزش می‌خواهیم.

۲- با اینکه سعی و دقت زیادی بعمل آمد که چاپ سالنامه خالی از غلط باشد و کارکنان چاپخانه فردوسی هم نهایت کوشش را در این راه مبذول داشتند باز در چند مورد شرح زیر اغلاطی مشاهده شد. از خوانندگان محترم استدعا میشود قبل از مطالعه آنها را اصلاح فرمایند. در صفحه صد و پنجاه مبلغ دوست هزار ریال صحیح است و در همان صفحه جمله «سرپرستی آقای محمد باقر جلالی و اینجانب بعنوان مربی بسکتبال و آقایان احمد صابر و محمد علی جلالی مربیان فوتبال...» صحیح است. در صفحه صد و سی ۲- آقای محسن اخیانی ۳- آقای امرالله ولیخانی صحیح است. در صفحه ۱۸۴ جمله «پس از پایان کلاس و تکمیل مطالعات خود برای گردش چند روز بچگون رفتند» صحیح است صفحه پانزده سطر آخر جمله «و جنازه را مدتی در روبرو آویختند» صحیح است صفحه چهل دو کلمه «مهراب» در بعضی از نسخ غلط طبع شده است صفحه صد و هشتاد دو جمله «شاگردان رتبه اول» صحیح است.

۳- با کوشش‌هایی که بعمل آمد تهیه حال بعضی از آقایان رؤسای قدیم فرهنگ شاهرود فراهم نگردید.

البته سعی میکنم که در چاپ سالنامه‌های آینده این تقصیر جبران شود.

۴- آقایانیکه از مؤسسات قدیم فرهنگ شاهرود چه دبستانها و چه مکتب خانه‌ها اطلاعاتی دارند لطفاً برای تکمیل تاریخچه فرهنگ مراتب را بکتابخانه فرهنگ بفرستند البته بنام خودشان درج خواهد شد.

۵- از آقای معزی و آقای خسروی که در تهیه عکسهای اماکن مقدسه و آثار تاریخی بما کمک کرده‌اند صمیمانه سپاسگزاری میکنیم.

هیأت تحریریه نشر سالنامه

## ضایعه اسفناک



فرهنگ شاهرود دو سال جاری  
یکی از معلمین خود را از دست داد  
مرحوم مرتضی اخیانی که در سال  
۱۳۰۰ متولد شده و سال ۱۳۲۷ وارد  
خدمت فرهنگی شده بود در خردادماه  
سال جاری پس از یک کسالت ممتد دو  
ساله دار فانی را وداع کرد فرهنگیان  
شاهرود بیخا نواده آن مرحوم تسلیت گفته  
بقای عمر بازماندگان آن فقید را از  
خداوند متعال خواستاریم.